



- مدیران، فارغ‌التحصیلان و فراغت‌شهروندان
- سابقه‌نو سازی و بهسازی بافت قدیم شهری
- در ایران و اروپا
- حفظ و گسترش فضای سبز شهری
- فردوس دهمی ز وقت آسوده ماست
- ناکارآمدی نظام مدیریت مالی شهر
- شوراها و دولت
- اوقات فراغت کودکان
- گام نخست در شورا ای دوم
- شهرداری‌های سوئد
- شهرهای دانمارک و
- فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)
- لایحه مدیریت پسماندها
- شهرداری و بهسازی فرهنگی



موبarez شرکت تولیدی تجهیزات

مبتکر، طراحی و سازنده انواع ماشین آلات خدمات شهری

وعده ما، در نمایشگاه بین المللی خودرو تهران

۱۳ لغایت ۱۴ تیرماه ۱۳۸۶

دفتر فروش: اصفهان، سی و سه پل،
اول چهارباغ بالا، ساختمان اداری کوثر،
طبقه سوم، شماره ۵۰۳
تلفاکس: ۰۳۱۱-۶۲۵۱۹۷۶-۸
کارخانه: اصفهان، اول جاده فرودگاه
شهرک صنعتی حی، خیابان پنجم
تلفن: ۰۳۱۱-۵۲۲۰۴۱۷ (خط)
دورنگار: ۰۳۱۱-۵۲۲۰۴۱۹



آتش نشانی مدل ۱۲۲۱ (فومابنک)



ماشین نجات مدل ۴۴۱



آتش نشانی مدل ۸۹۲



آتش نشانی مدل ۱۲۲



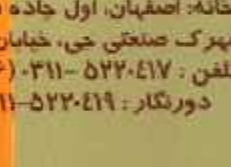
آتش نشانی مدل ۱۲۲
با مقهور روی سفید



آتش نشانی بوخرباش مدل ۱۹۱



بازو عملگر مدل ۱۲۷۱



زباله جمع کن مدل ۱۸۰۲ (فونیکس)



جاروب خیابانی مدل ۶۱۱



جاروب خیابانی مدل ۶۱۲ (گرفنون)



جاروب خیابانی ۶۱۱ روی بنز مدل ۹۱۱



جاروب خیابانی مدل ۶۱۱



جاروب پیادهرو مدل ۱۱۴



لجن کش مدل ۵۶۱



زباله جمع کن مدل ۱۸۰۲ (فونیکس)



زباله جمع کن مدل ۵۰۲



زباله جمع کن مدل ۸۰۳



زباله جمع کن مدل ۸۰۱ روی شاسی پارس



حطل زباله مدل ۱۸۰۱



جاروب سالی مدل ۱۱۱



دستگاه حمل آب معدنی و نوشابه مدل ۸۱۲



زباله جمع کن مدل ۸۰۱



زباله جمع کن مدل ۸۰۱ با بالابر



زباله جمع کن مدل ۸۰۱



زباله جمع کن مدل ۵۰۱



زباله جمع کن مدل ۴۰۲



زباله جمع کن مدل ۴۰۲



زباله جمع کن مدل ۴۰۱



شاسی مبارز مدل ۱۹۵۱



شاسی مبارز مدل ۲۴۵۱



شاسی مبارز مدل ۱۷۵۱



جنول شوی مدل ۵۲۴



جنول شوی مدل ۵۲۱



بیمه تضمین کیفیت محصول
توسط شرکت سهامی بیمه ایران
به شماره ۸۱/۱۶۱۱/۸۲۵/۷۷

۱۲ ماه ضمانت - ۱۵ سال تأمین قطعات و خدمات پس از فروش با اکیپ های مجهز در حداقل زمان ممکن

E-Mail: info@mobarez.org http://www.mobarez.org

اوقات فراغت شهروندان و مدیریت شهری

دارایی‌های عمومی (که به دلیل برخی رفتارهای شهروندان بر عهده شهرداری گذاشته می‌شود) به مصرف می‌رسد به شدت کاهش می‌یابد. حرکت مدیریت شهری به سمت غنی‌سازی گذران فراغت شهروندان، احساس تعلق به شهر و رضایت از زندگی در شهر را تقویت می‌کند و شهروندان را به سمت رفتارهای بهنجار هدایت می‌کند.

شهرداری‌ها اگر چه در این زمینه باید نقشی محوری داشته باشند اما به ندرت می‌رسد که این نقش نباید به مفهوم اجرا و مدیریت و تصدی باشد. در این میان به طراحی روندی نیاز است که در آن شهرداری‌ها به عنوان طراح و تعیین کننده راهبردها، نقش بیشتری را در اجرا به سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی واگذار کنند. مشارکت بخش غیردولتی در این امر مستلزم طراحی و ایجاد سازوکارهایی است که علاوه بر پشتیبانی دولت، فعالیت در اوقات فراغت را با بخش اقتصادی پیوند دهد. نهایتاً اینکه، برای فعالیت‌ها و وظایف مدیریت شهری، جامعه نیازمند دیدی جامع و فراگیر در سطح برنامه‌ریزی و مدیریت کلان کشور به مسئله اوقات فراغت است.

و این برنامه‌ای است که باید از اقدامات بخشی و فصلی فراتر رود. بدون شک جنبه‌های مختلف بهره‌گیری از اوقات فراغت از لحاظ تفریح، آموزش، مشارکت و از این دست، برنامه‌ریزی برای آن را به مثابه ضرورتی عمده در روند توسعه اقتصادی اجتماعی کشور مطرح می‌کند.

زمانی که فرد از مسئولیت‌های روزمره و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی خود فارغ می‌شود، به دنبال راهی برای پرداختن به خود و ارتقای سطح بهره‌مندی از لذت زندگی می‌رود. این بهره‌مند شدن کیفی از زندگی را می‌توان در حوزه ارتباط با طبیعت، فرهنگ و هنر قرار داد.

اوقات فراغت شهروندان، در گروه‌های سنی و جنسی مختلف با حوزه‌های علائق متفاوت، همچون سرمایه‌ای است که - در صورت برنامه‌ریزی و جهت دهی صحیح برای آن - می‌تواند شهر و شهروند را اعتلا بخشد و به این ترتیب چنانچه فضایی برای پر کردن وقت آزاد شهروندان - اعم از زن، مرد و کودک و سالمند - طراحی نشود، این سرمایه راکد می‌ماند و در مواردی حتی به بیراهه می‌رود. رفع معضلات این گونه بیراهه‌ها نیاز به صرف هزینه‌های سنگین مادی و انسانی دارد و آسیب‌های جدی به جامعه وارد می‌کند.

اینجاست که نقش مدیریت شهری در مدیریت اوقات فراغت شهروندان ظاهر می‌شود. البته، پرداختن به غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان بر طبق قانون از وظایف صریح شهرداری‌ها نیست اما دخالت شهرداری در این زمینه و ارائه تسهیلاتی در این حوزه اگر چه در نگاه اول شهروند را منتفع می‌سازد، اما در نهایت این شهرداری‌ها هستند که سرمایه پنهان در شهر را کشف می‌کنند و آن را به بهره‌وری می‌رسانند. بدین ترتیب هزینه‌هایی هم که در غالب ترمیم آسیب‌های کالبدی شهر، جمع‌آوری زباله، تعمیر و نگهداری

مدیران، فارغ از اوقات فراغت شهروندان

علیرضا ترابی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



مسئولیت‌های تولید درآمد و همچنین فعالیت‌های شخصی و خانوادگی آزاد است و تمام - یا بخشی از - این زمان را به فعالیت‌های سازنده - چه برای خود و چه جامعه - می‌پردازد. گذران اوقات فراغت با هدفی سه‌گانه انجام می‌گیرد: تأمین آسایش، تأمین تفریح و تأمین ابزاری برای توسعه فردی و اجتماعی.»

جواد مهدیزاده، برنامه‌ریز شهری و مدرس جامعه‌شناسی، معتقد است که «معمولاً فراغت به معنی وقت آزاد تلقی می‌گردد، اما این برداشت نادرست است؛ زیرا اگر فردی وقت آزاد زیادی داشته باشد اما هیچ برنامه‌ای برای آن طراحی نکرده باشد، این دیگر گذران فراغت نیست بلکه وقت کثی و بی‌هودگی است و خود آسیب‌های اجتماعی زیادی را به همراه دارد. به نظر می‌رسد دقیق‌ترین و اصلی‌ترین مفهوم فراغت همانا فعالیت دلخواه و آزادانه فرد است. ما این همه فعالیت دلخواه می‌تواند یا به صورت فعال و پرتحرک باشد، و یا به صورت غیرفعال و بدون تحرک. برای مثال هنگام پرداختن به ورزش یا نواختن موسیقی کنش فعالی انجام می‌گیرد در حالی که تماشای فوتبال و یا گوش دادن به موسیقی از طریق رسانه‌ها قسمی است که فعالیت فراغتی به صورت غیرفعال سیری می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که فراغت فعال به آن نوع فعالیت‌هایی گفته می‌شود که

بیامدهای منفی بسیاری برای خود و جامعه شهری در برخواهد داشت. از سوی دیگر می‌توان گفت اگر چه ارائه خدمات رفاهی و تفریحی از زمره وظایف صریح و مشخص شهرداری‌ها نیست، با این همه از آنجا که ارائه این خدمات به شهروندان سبب می‌شود که آنان از فرصت‌های خودشناسی، ارتباط با دیگران و همچنین احساس لذت و شادی بهره‌مند شوند و مجموعه اینها موجب ارتقای سطح تفریح و شیوه رفتار شهروندان می‌شود، در نهایت این شهرداری‌ها هستند که سود آن را خواهند برد.

از این رو گفت‌وگویی با کارشناسان مختلف در حوزه‌های یاد شده صورت گرفت. در این گفتگوها در مورد چیستی، چگونگی و علت پرداختن به اوقات فراغت شهروندان و رابطه آن با سایر مسائل، مشکلات و آسیب‌های شهری سخن به میان آمد و نقش مدیریت شهری و به ویژه شهرداری در مدیریت این اوقات و هدایت و غنی‌سازی آن مورد بحث قرار گرفت.

در ابتدا به تعریف اوقات فراغت پرداخته می‌شود. زهره دانشپور، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، اوقات فراغت را این گونه تعریف می‌کند: «اوقات فراغت به زمانی گفته می‌شود که فرد از

اوقات فراغت که به دست‌شستن از کار و فعالیت‌های اجباری و پرداختن به فعالیت‌های آزاد و خودنگیخته و لذت بخش زندگی اطلاق می‌شود، می‌تواند مولد یا نامولد، درآمد زا یا بدون درآمد باشد. غنی‌سازی اوقات فراغت از جمله حقوق اساسی و شهروندی تلقی می‌شود و رابطه تنگاتنگی با هویت اجتماعی، خلاقیت، تجدید قوای جسمی و ذهنی و ارتقای سطح کیفی زندگی شهروندان دارد.

با این حال، آمارگیری سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران از هزینه و درآمد خانوارهای شهری^(۱) نشان می‌دهد میانگین هزینه سالانه خانوار شهری ۲۸ میلیون ریال بوده است. که از این مقدار تنها ۰/۰۳ درصد آن صرف پرداختن به سرگرمی، تفریحات، آموزش و تحصیل می‌شود. به عبارت دیگر هر شهروند ایرانی به طور متوسط در هر ماه ۱۷ هزار ریال از درآمد خود را به امور تفریحی و آموزشی اختصاص می‌دهد. این نکته از آن جهت قابل تأمل است که به نظر کارشناسان جامعه‌شناسی، اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارتقای سطح کیفی زندگی خانوار همانا افزایش درصد هزینه‌های اوقات فراغت است و محرومیت شهروندان از آن،



جواد بهنام
کارشناس ارشد گروه مشاوره پژوهشگران معلمان شهری

شخص برای نیازهای خودش به جست و جوی تحرک، جابه جایی در مکان، گردشگری و جنبش می پردازد. این در حالی است که فراغت غیرفعال حالت پذیرش دارد و نیازمند تحرک و جنب و جوش چندانی نیست. بین این دو نوع فعالیت باید تعادل و تقارن وجود داشته باشد تا سلامت فرد و جامعه را تضمین کند؛ زیرا انجام هر یک از اینها به تنهایی خستگی آور و آسیب زا است. اما نکته در خور توجه - و تا حدی نگران کننده - آن است که امروزه در شهرها بخش عمده فعالیت های فراغتی، به ویژه نزد جوانان، از نوع منفعل و پذیرشی است. به طور کلی جنبش و تحرک شهروندان بسیار کاهش یافته است و آنها ترجیح می دهند اوقات فراغت خود را در سکون سپری کنند. از آنجا که

اوقات فراغت به زمانی گفته می شود که فرد از مسئولیت های تولید درآمد و همچنین فعالیت های شخصی و خانوادگی آزاد است و تمام - یا بخشی از - این زمان را به فعالیت های سازنده - چه برای خود و چه جامعه - می پردازد. گذران اوقات فراغت با هدفی سه گانه انجام می گیرد: تأمین آسایش، تأمین تفریح و تأمین ابزاری برای توسعه فردی و اجتماعی

به ویژه جوانان دارای انرژی و سطح هیجانات بالاتری هستند، این کم تحرکی موجب افسردگی، کمالات و بطلان اوقات آنها می شود.

عبدالرضا کردی، رئیس فرهنگسرای خانواده و روان شناس و صاحب نظر در حوزه آموزش خانواده و شهروندان، به تفکیک معنایی بین وقت آزاد و وقت انتخاب شده اشاره می کند. وی معتقد است باید کوشید تا شهروندان فراگیرند که وقت آزاد فراغت خود را به وقت برنامه ریزی شده و انتخابی تبدیل کنند؛ «شهروند وقتی با پدیده ای به نام اوقات فراغت رو به رو می شود، زمان فراغت او گاه وقت اضافی یا آزاد است و گاهی نیز وقت انتخابی و برنامه ریزی شده. در شهرهایی که قابلیت ارائه خدمات فرهنگی، هنری و تفریحی کمتری داشته باشند، وقت اضافه شهروندان به اوقات فراغت تبدیل می شود؛ در حالی که در بسیاری از شهرهای جهان، مشخصاً وقت انتخابی شهروند به اوقات فراغت تبدیل می شود. در واقع شهروندان این را برمی گزینند که از فرصت فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی در شهر استفاده کنند.»

فراغت و کارکردهای آن

پس از ارائه تعریف هایی از اوقات فراغت، در ادامه به تأثیرات و کارکردهای اجتماعی آن برای فرد و جامعه شهری پرداخته می شود.

جواد مهدیزاده، کارکردهای اوقات فراغت را در این موارد خلاصه کرده است:

«از جمله نیازهای پر اهمیت انسان پس از نیازهای زیستی و اساسی مانند تغذیه، مسکن، بهداشت، اشتغال و تولید مثل، فراغت است.

انسان نیاز دارد در طول روز و هفته زمان هایی را به خود اختصاص دهد و نیازهای زرفتر خودش را پاسخ گوید. این نیازها که عمدتاً ریشه در فرهنگ، هنر و خلاقیت دارند آدمی را برمی انگیزند تا کنجکاوی کند، به سراغ انسان های دیگر برود و با طبیعت و پدیده های طبیعی ارتباط برقرار کند. بدین ترتیب فراغت، برخلاف تصور خیلی ها، امری فنی و تجملی نیست بلکه امری وجودی است که با هویت و خود شکوفایی فرد سروکار دارد. در اعلامیه حقوق بشر نیز آمده است که انسان در کنار تأمین نیازهای اولیه اش می بایست نیازهای فراغتی و تفریحی خود را نیز تأمین کند. بنابراین حق فراغت یکی از حقوق اولیه و اساسی بشر است.

با این مقدمه می توان کارکردهای فراغت را این گونه برشمرد:

- 1- تجدید قوا: اگر انسان تجدید قوا نکند نمی تواند کارآفرین باشد و حتی ممکن است دچار مشکلات روحی، جسمی و ناتوانی های کاری شود. بنابراین تجدید قوا لازمه بهبود کیفیت در کار است.
- 2- پرورش خلاقیت: اگر چه بخشی از خلاقیت های آدمی در عرصه کار اجتماعی او بروز می کند اما از آنجا که رفته رفته کار به صورت برنامه ریزی شده و تخصصی با حدود معین تعریف

فراغت، برخلاف تصور خیلی ها، امری فنی و تجملی نیست بلکه امری وجودی است که با هویت و خود شکوفایی فرد سروکار دارد. در اعلامیه حقوق بشر نیز آمده است که انسان در کنار تأمین نیازهای اولیه اش می بایست نیازهای فراغتی و تفریحی خود را نیز تأمین کند. بنابراین حق فراغت یکی از حقوق اولیه و اساسی بشر است

می شود امکان بروز خلاقیت در نظام عقلانی و مدرن به حداقل می رسد. از این رو اوقات فراغت به انسان ها اجازه می دهد زمینه فعالیت خود را به سمت و سوی دیگر هدایت کنند و با درگیر شدن در حوزه های فرهنگی و ذوقی امکانات تازه ای از خود را بشناسند و شکوفا سازند.

3- ارتباط اجتماعی: وقت فراغت فرصت برقراری روابط اجتماعی تازه را به افراد می دهد و روابط عاطفی آنان را با دیگران تقویت می کند و سبب می شود که نیاز تعلق داشتن به دیگران و دل بستگی به آنها را برآورده کنند.»

به نظر عبدالرضا کردی، گذشته از این کارکردهای فردی، جنبه های اجتماعی و شهری نیز بر اوقات فراغت مترتب است: «اول، امکان سرمایه گذاری مدیریت شهری بر روی این

این باورند که این موضوع جزء وظایف شهرداری است. به نظر آنها اگر آموزش‌های فرهنگی و هنری به طور کلی در حیطه وظایف شهرداری نیست، با این حال آموزش زندگی شهری و

آموزش‌های فرهنگی و هنری به طور کلی در حیطه وظایف شهرداری نیست، با این حال آموزش زندگی شهری و شهروندی از وظایف شهرداری است. زیرا این آموزش‌ها به فرایند مدیریت شهری و انجام امور خدمات شهری کمک می‌کنند و میزان آسیب‌ها، خسارات و هزینه‌های سنگین و گزاف شهری را به شدت کاهش می‌دهند

شهروندی از وظایف شهرداری است. زیرا این آموزش‌ها به فرایند مدیریت شهری و انجام امور خدمات شهری کمک می‌کنند و میزان آسیب‌ها، خسارات و هزینه‌های سنگین و گزاف شهری را به شدت کاهش می‌دهند. برای مثال، اگر هزینه‌های بسیاری در حوزه حمل‌ونقل شهری پرداخت می‌گردد که بخش عمده‌ای از آن صرف نگهداری و تعمیر این وسایل نقلیه عمومی می‌شود، در اثر آموزش شهروندی و با پر کردن اوقات فراغت شهروندان، میزان تعلق و احساس رضایت آنها از زندگی شهری ارتقا می‌یابد. آن گاه دیگر شهروند به دارایی‌های عمومی آسیب نمی‌زند و از آنها بهترین استفاده را می‌کند. بنابراین، از آنجا که پر کردن اوقات فراغت و غنی‌سازی آن با ارتقای کیفی سطح زندگی شهروندان همبستگی زیادی دارد، پرداختن به این امر برای شهرداری‌ها حکم نوعی پیشگیری قبل از درمان را دارد.

عبدالرضا کردی، رئیس فرهنگسرای خانواده در تهران، در این زمینه معتقد است: «شهروند اگر احساس کند که مدیران شهری برنامه متنوع، جامع و جذابی برای گذران اوقات فراغت او تهیه نکرده‌اند، وقت آزاد خود را به وقت هرزرفته تبدیل می‌کند. این یعنی ماندن در خانه و فعالیتی نکردن و به علت محدودیت محیط آپارتمان دچار اصطکاک‌های بین فردی شدن یا، کودک‌آزاری، فرار از خانه، و در خیابان‌ها برسه زدن، یا در محیط‌های ناسالم تجمع کردن، و نظایر اینها. بدین ترتیب شهروند از فردی سالم به فردی آسیب‌زرا تبدیل می‌شود. بنابراین اگر مدیریت شهری با نگاهی علمی و جامع به اوقات فراغت شهروندان ننگرد و برنامه‌ای برای غنی‌سازی آن اجرا نکند، گریزی از دیگری با پیامدها و آسیب‌های شدید این بی‌تفاوتی و هرز رفتگی وجود نخواهد داشت.»

برسش مهم دیگری که در اینجا طرح می‌شود، نوع برنامه اجرایی مدیریت شهری برای هدایت و ارتقای سطح کیفی گذران فراغت شهروندان است. آیا باید طرح جامع گردشگری و اوقات فراغت تدوین شود و شهرداری‌های کشور موظف به اجرای آنها گردند، یا باید هر شهری را به اقتضای فرهنگ، تاریخ، سنت و

اوقات است، یعنی مدیریت شهری می‌تواند با برنامه‌ریزی متناسب و جذاب از این سرمایه زمانی شهروندان به نفع آنها و شهر بهره‌جوید.

دوم، تقویت رفتار شهروندی است، مشروط بر آنکه آموزش‌های لازم ارائه شود.

سوم، اینکه اوقات فراغت زمینه را برای ایجاد ارتباط بین شهروندان و مدیران شهری فراهم می‌کند و بدین ترتیب نظریات، خواسته‌ها و انتظارات دو طرف با یکدیگر مبادله می‌شود.

چهارم، اینکه اوقات فراغت امکان متعادل‌سازی خدمات شهری را با نیازهای شهری برای مدیران مهیا می‌سازد. یعنی مدیر می‌تواند از شهروندان بازخورد برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، هنری و تفریحی شهر را بگیرد و خدمات شهری را - برای عرضه - با انتظارات و تقاضاهای مردم هماهنگ سازد.

سرانجام، افزایش بهره‌وری ملی کارکرد دیگر اوقات فراغت است. یعنی زمانی که یک ساعت از وقت شهروند تلف می‌شود، یک ساعت از وقت کشور هزرتافته است. پس اگر یک ساعت شهروند با کاری فعال، آموزشی و خلاق پر شود، به گونه‌ای سطح بهره‌وری ملی نیز ارتقا می‌یابد و تأثیرات آن بر همه فعالیت‌های شهروندان نمودار خواهد شد.

برنامه‌ریزی؛ آری یا نه

حال با توجه به تنوع تأثیرات فردی و اجتماعی اوقات فراغت شهروندان، این پرسش طرح می‌شود که آیا مدیریت شهری و به ویژه شهرداری می‌بایست برای غنی‌سازی این اوقات؛ برنامه‌ریزی و امکان بهره‌مند شدن از این تسهیلات رفاهی را فراهم کند یا خیر؟ پرسش مرتبط دیگر این است که اگر شهرداری‌ها به این امر توجه نکنند، چه مسائلی برای شهر و شهروندان ایجاد خواهد شد.

سعید عطایی شاد، رئیس سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری کاشان، به این پرسش چنین پاسخ داده است: «در این مورد دو نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند که این امر، وظیفه شهرداری‌ها نیست و حجم وظایف شهرداری چنان گسترده و متنوع است که نباید بار اضافی دیگر بر آن تحمیل کرد. در واقع

اوقات فراغت امکان متعادل‌سازی خدمات شهری را با نیازهای شهری برای مدیران مهیا می‌سازد. یعنی مدیر می‌تواند از شهروندان بازخورد برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، هنری و تفریحی شهر را بگیرد و خدمات شهری را - برای عرضه - با انتظارات و تقاضاهای مردم هماهنگ سازد

نهادهای و سازمان‌های رسمی دیگری هم در جامعه وجود دارند که موظف به پاسخ‌گویی به این نیاز هستند. عده دیگری هم بر



دکتر امیرحسین اجامی، متخصص برنامه‌ریزی شهری و فضای شهری، تهران

قابلیت‌های اقتصادی و اجتماعی آن آزاد گذاشت تا متناسب با ویژگی‌های یاد شده کارشناسان بومی آن به برنامه‌ریزی و اجرا بپردازند.

زهرا دانشپور، مدیر گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی، در این مورد مخالف با طراحی برنامه‌های جامع و گسترده برای کل شهرهاست و چنین می‌گوید: «باید در مورد دخالت‌های اجرایی در اوقات فراغت

عمدتاً مهاجر هستند و در نتیجه محله دیگر معنایی ندارد (حتی اگر در گذشته داشته داشته است، اکنون دیگر ندارد). حال از آنجا که بین این ساکنان در مناطق مختلف تهران مانند تهرانپارس یا شهرک غرب رابطه قوی و منظمی وجود ندارد، نقش فرهنگسرا برقراری ارتباط میان شهروندان است. ولی آیا باید در کاشان هم فرهنگسرا با این انتظار تأسیس شود؟ هنوز در کاشان محله معنا نمانده، مردم تقریباً همه یکدیگر را می‌شناسند و افراد محل ارتباط چهره به چهره زیادی با هم دارند، پس اگر قرار است طرح

باید در مورد دخالت‌های اجرایی در اوقات فراغت بسیار دقت کرد، زیرا شهروند به این امور فرهنگی، هنری و تفریحی بسیار حساس است. از آنجا که این موضوع با ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شهری سروکار می‌یابد، دخالت شتاب زده و گسترده در این عرصه ناگهان فضای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهرها را چنان دگرگون می‌کند که هویت و سنت شهر به سامان باز نخواهد گشت

فرهنگسرا در کاشان ایجاد کردند، می‌بایست با انتظار و کارکرد دیگری تعریف شده، زیرا سرمایه اجتماعی که در تهران از طریق فرهنگسراها ایجاد می‌گردد در شهر کاشان از طریق مساجد و هیأت‌های محلی به وجود می‌آید.

اما به رغم مخالفت برخی از کارشناسان مذکور، عبدالرضا کردی بر این باور است که طراحی برنامه جامع اوقات فراغت و هدایت مدیریت شهری برای توجه به این برنامه ضروری است، زیرا «تمام اندیشه‌ها در شهرداری‌ها، به خاطر ناپایداری مدیریت شهری، یک ماهه یا سه ماهه است و گاهی اوقات حتی یک هفته‌ای است. این در حالی است که به برنامه‌های جامع، دقیق و نظام‌مند نیاز است. برای مثال، اگر تهران مدیریت شهری قوی داشته باشد و برنامه‌های متعددی برای گذران اوقات فراغت و سایر خدمات شهری شهروندان تهیه کند، آیا این امر بر مهاجرت از شهرهای دیگر به تهران تأثیر نمی‌گذارد؟ آیا

بسیار دقت کرد، زیرا شهروند به این امور فرهنگی، هنری و تفریحی بسیار حساس است. از آنجا که این موضوع با ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شهری سروکار می‌یابد، دخالت شتاب زده و گسترده در این عرصه ناگهان فضای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهرها را چنان دگرگون می‌کند که هویت و سنت شهر به سامان باز نخواهد گشت. از آنجا که مدیریت‌های شهری و شهرداری‌ها غالباً نگاه کالبدی و فیزیکی به شهر دارند و مهم‌ترین تغییرات را در این حوزه جست‌وجو می‌کنند، بنابراین با دخالت‌های کالبدی نظیر ایجاد پارک‌های بزرگ و شهر بازی‌هایی که با الگو برداری کور کوزانه از کلان شهرها و یا حتی شهرهای کشورهای خارجی ایجاد شده است، روح حاکم بر کالبدهای سنتی و تاریخی به یکباره دستخوش سرگردانی و آشفتنگی می‌گردد. از این رو باید به موضوع پایداری فرهنگی و اجتماعی جامعه شهری بسیار

اگر مدیر شهری هدایت نگردد و حتی ملزم به فعالیت در امور رفاهی و تفریحی نشود، مهاجرت‌ها شدت می‌یابد و به رغم فعالیت‌های عمرانی، شهرهای کوچک هر دم ضعیف‌تر و فقیرتر می‌شوند. بنابراین تدوین برنامه جامع اوقات فراغت و گردشگری از ضرورت‌های عمده توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است

اگر عوارضی که در تهران گرفته می‌شود معادل عوارضی باشد که در شهرهای کوچک‌تر گرفته می‌شود، بر چگونگی‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای دیگر اثری ندارد؟ آیا اگر درآمدهای شهری به یک شهر و یا شهرهای معینی سرریز شود و به نوعی در شهرهای کوچک‌تر به شکل فوارهای باز نگردد، شهروندان شهرهای کم درآمد دچار نوسان و گرفتاری نمی‌شوند؟ من اعتقاد دارم باید افراد خلاق و تجربه‌های یا ارزش شهرداری‌های کشور را در شورایی به نام شورای عالی شهرداری‌ها جمع کرد و پس از بررسی‌ها و پالایش و پردازش

توجه کرد و به راحتی در مورد آن تصمیم نگرفت». سعید عطاسی شاد، با این عقیده موافق است و می‌افزاید: «من هم اعتقاد ندارم که مثلاً سازمان شهرداری‌ها بوساس طرحی جامع و نظامی را در مورد غنی‌سازی اوقات فراغت به شهرداری‌های کشور تحویل کند. شهرها دارای اقلیم، تاریخ و هویت قومی متفاوت‌اند و نمی‌توان آنها را یکسان نگرینست و برای همه آنها برنامه فرهنگی، هنری و تفریحی تدوین کرد. این امر به هویت شهر و شهروندان و روال زندگی اقتصادی - اجتماعی آنها آسیب می‌زند. برای مثال، در تهران شهروندان



زهره غفاری
عضویت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دیدگاهها، آنها را به بدنه شهرداری‌ها تزریق کرد و به مشاوره و هدایت آنها پرداخت.

جواد مهدی‌زاده، جامعه‌شناس، نیز علاقه‌مند به تدوین طرح جامع اوقات فراغت و گردشگری است. به اعتقاد وی، «ریشه این جهت‌گیری خود در برنامه سوم توسعه اقتصادی است. در برنامه سوم توسعه اقتصادی بر موضوع ابرانگردی، جهانگردی و پرداختن به میراث فرهنگی تأکید زیادی شده است. بنابراین به

سرازمه فرصت‌های غنی‌ساز اوقات فراغت با پتانسیل متقاضی شهری به هیچ وجه رابطه معقول و مناسبی ندارد؛ و بر عکس آن، یعنی فرصت‌های ناسالم، تهدیدکننده، آسیب‌زا و در عین حال جذاب در عرصه‌های فرهنگی، هنری و تفریحی بسیار زیادتر و قوی‌تر از فرصت‌های سالم است

لحاظ قانونی تلاش در جهت برنامه‌ریزی و هدایت این فعالیت در نگرشی کلان ضروری است. نمی‌توان شهرداری‌های شهرهای کوچک را به حال خود رها کرد تا شهر را فقط جوانان کالبد در نظر گیرند و خدمات شهری را صرفاً در حد جمع‌آوری زباله برشمارند. اگر مدیر شهری هدایت‌نگردد و حتی ملزم به فعالیت در امور رفاهی و تفریحی نشود، مهاجرت‌ها شدت می‌یابد و به رغم فعالیت‌های عمرانی، شهرهای کوچک هر دم ضعیف‌تر و فقیرتر می‌شوند. بنابراین تدوین برنامه جامع اوقات فراغت و گردشگری از ضرورت‌های عمده توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است. حتی باید از سوی دولت کمک‌ها و تسهیلاتی به شهرداری‌ها در این زمینه صورت پذیرد و انتخاب مدیران شهری بویژه براساس توجه و فعالیت به این بخش خدماتی انجام گیرد.

می‌توان با جمع‌بندی دیدگاه‌هایی موافق و مخالف کارشناسان مورد گفت‌وگو، این نکته را خاطر نشان کرد که چه طراحی برنامه جامع برای کل کشور پذیرفته شود و چه برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای، در نهایت نکته مغزوش همانا نیاز به طراحی برنامه و هدایت اوقات فراغت شهروندان است. به عبارت دیگر، باید برای بازار فراغت تدبیری اندیشید و بین تقاضا و عرضه این محصول تعادل و تناسب برقرار کرد.

بازار فراغت: گرم یا سرد

پرسش دیگری که از کارشناسان خواسته شد به آن پاسخ دهند، وضعیت فعلی بازار عرضه و تقاضای گذران اوقات فراغت در شهرها بوده است.

به نظر جواد مهدی‌زاده، به دلیل رشد شهرنشینی خودبه‌خود نیازهای فراغتی افزایش یافته است. زیرا: «در شهرها به علت محدودیت فضای خانه و سلطه اتوبوس و خودروها در خیابان‌ها و میدان‌ها و کمبود فضای تفریحی و نیز وجود آلاینده‌های

محیطی، نیازهای فراغتی افزایش یافته است. همچنین میل ارتباط با دیگران و بالا رفتن سطح آگاهی شهروندان از طریق رسانه‌ها نسبت به امکانات فراغتی، تقاضای آنها را نسبت به این خدمات افزایش داده است. اما درگیر بودن مدیریت‌های شهری با مسائلی نظیر اسفالت کاری، جدول کشی، پل‌سازی، جمع‌آوری و دفن زباله، و حمل‌ونقل عمومی، امکان سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات فراغتی را از آنان گرفته است.

میران عرضه نیز بسیار کمتر از تقاضاهاست و این خود سبب شده است که دست سوداگران و سودجویان در این زمینه باز گذاشته شود تا به شهر و شهروندان آسیب بزنند.

عبدالرضا کردی، در این زمینه وضعیت را بسیار نامطلوب می‌داند و می‌گوید: «سرازمه فرصت‌های غنی‌ساز اوقات فراغت با پتانسیل متقاضی شهری به هیچ وجه رابطه معقول و مناسبی ندارد؛ و بر عکس آن، یعنی فرصت‌های ناسالم، تهدیدکننده، آسیب‌زا و در عین حال جذاب در عرصه‌های فرهنگی، هنری و تفریحی بسیار زیادتر و قوی‌تر از فرصت‌های سالم است. بحرانی‌ترین سازمان در مجموعه شهرداری تهران سازمان فرهنگی و هنری است. این سازمان همیشه به لحاظ بودجه یا کمبودهای شدید روبه‌رو بوده و به هنگام تخصیص بودجه همیشه در اولویت آخر قرار گرفته است.

برای مثال، در سال ۱۳۴۲ تصویب گردید که سرازمه همیاری کتابخانه‌ها به وسیله شهرداری‌ها پرداخت شود اما از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۲ - یعنی در ظرف ۴۰ سال - میزان پس‌نایجری از این بودجه به کتابخانه‌ها اختصاص داده شد. پس‌ما هنوز از مصوبات شهرداری چهارده عقب هستیم، چه برسد به مطالبات جدید شهروندان».

مشارکت شهروندان و

سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در امر غنی‌سازی اوقات فراغت نقش محوری و اصلی را دارد. ممکن است برای راه‌اندازی اولیه کاری فرهنگی و تفریحی ناچار شویم بیش از مردم فعالیت و هزینه کنیم اما اگر کار راه‌اندازی گردید یا بستر مناسب فراهم شد و از این طریق اعتماد شهروندان جلب گردید، باقی راه را مردم خود به تنهایی ادامه خواهند داد

شهروندان و اوقات فراغت

موضوع مرتبط با مقوله تقویت عرضه خدمات فراغتی، تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مشارکت‌های مردمی است. کارشناسان در این باره نیز اظهار نظر کردند. به نظر سعید عطایی شاد، «مشارکت شهروندان و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در امر غنی‌سازی اوقات فراغت نقش محوری و اصلی را دارد. ممکن است برای راه‌اندازی اولیه



سید علی‌نژاد
رئیس سازمان نظامی، طرح شهرداری کلان

کاری فرهنگی و تفریحی ناچار شویم بیش از مردم فعالیت و هزینه کنیم اما اگر کار راه‌اندازی گردد یا یستر مناسب فراهم شد و از این طریق اعتماد شهروندان جلب گردید، یافی راه را مردم خود به تنهایی ادامه خواهند داد. برای مثال، شهرداری کلان با آموزش و پرورش شهر وارد گفت و گو و مذاکره شد مبنی بر اینکه ۲۰ مدرسه را بعد از ظهرها که تعطیل اند و حیاط آنها بی‌استفاده باقی می‌ماند در اختیار کودکان و نوجوانان محله قرار دهند و معلم ورزش همان مدرسه نیز بر آنها نظارت کند. آن‌گاه از شهرداری «بابت این خدمات دستمزد دریافت کند و سایر هزینه‌های مربوطه به لوازم ورزشی را نیز شهرداری بپردازد. اکنون این اتفاق رخ داده است و دیگر از سوی شهرداری هیچ نظارت و فعالیتی صورت نمی‌گیرد. در واقع با حداقل هزینه و استفاده از سرمایه‌های مادی و انسانی و اجتماعی موجود در شهر، به شهروندان به وسیله خود آنها خدمات ارائه گردید.»

در همین زمینه عبدالرضا کردی چنین معتقد است: «اول باید مدیران شهری به این باور برسند که دعوت از مردم و بخش خصوصی ضروری است. دوم اینکه می‌بایست به این باور دست یافت که باید با مردم و شهروندان در این امر شراکتی صورت گیرد. همچنین مدیران شهری می‌بایست فرآیند که همانند

سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها دیگر بصره نیست، اما حوزه فراغت (مثلاً گردشگری) زمینه سرمایه‌گذاری را دارد و بصره هم هست. توسعه گردشگری و سایر برنامه‌های رفاهی و تفریحی دیگر می‌توانند سرمایه‌های سرگردان داخل و خارج شهر را به خود جذب کنند و برای بسیاری از شهروندان زمینه‌های اشتغال و فعالیت به وجود آورند و سطح زندگی مردم را به لحاظ کمی و کیفی دگرگون سازند.»

آموزش فراغت

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که علاوه بر فعال کردن حوزه خدمات فراغتی و تفریحی آیا باید به لحاظ ذهنیت فرهنگی و اجتماعی نیز در نگاه شهروندان و مدیران شهری تغییری ایجاد شود یا نه. به عبارت دیگر، آیا الگوهای رفتاری شهروندان برای بهره‌مندی از فرصت‌های فراغتی و گذران آن مناسب است؟

به نظر سعید عطایی شاد، هم شهروندان و هم مدیران شهری باید به لحاظ فرهنگی نگاه خود را به چگونگی گذران اوقات فراغت‌شان تغییر دهند و هزینه کردن برای این اوقات را امر بدیهی برشمارند: «موضوع هزینه کردن در حوزه‌های فرهنگ، هنر و سرگرمی در کل کشور نیازمند کار آموزشی و

اگر شهرهای ما در عرضه محصولات مصرفی به اشباع رسیده‌اند و سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها دیگر بصره نیست، اما حوزه فراغت (مثلاً گردشگری) زمینه سرمایه‌گذاری را دارد و بصره هم هست. توسعه گردشگری و سایر برنامه‌های رفاهی و تفریحی دیگر می‌توانند سرمایه‌های سرگردان داخل و خارج شهر را به خود جذب کنند و برای بسیاری از شهروندان زمینه‌های اشتغال و فعالیت به وجود آورند و سطح زندگی مردم را به لحاظ کمی و کیفی دگرگون سازند

زمینه‌سازی‌های فرهنگی و اقتصادی است. به عبارت دیگر، باید شهروندان و مدیران شهری را ترغیب کرد که به این فرصت‌های غنی ساز به شکلی جدی بیندیشند و برای ارتقای سطح کیفی آنها هزینه‌های مادی و معنوی بپردازند.

مناسقاته به محض اینکه درآمد خانوار و با شهرداری کاهش می‌یابد، اولین هزینه‌ای که از قهرست فعالیت‌ها حذف می‌شود هزینه امور فرهنگی و تفریحی است.»

عبدالرضا کردی، در این زمینه چنین اعتقاد دارد: «شهروندان ما آموزش لازم را نسبت به گذران اوقات فراغت نگرفته‌اند و به راحتی از این فعالیت چشم می‌پوشند. از سوی دیگر، در نگاه مدیریت شهری نیز توجهی به خانواده و تقویت بنیه آن دیده نمی‌شود. در واقع خانواده‌ها به حال خود رها شده‌اند. آموزش‌ها همیشه خارج از خانه آغاز می‌شود، در حالی که خانه و خانواده خود نوعی «فرصت اجتماعی» است. اگر به خانه به عنوان فرصت فرهنگی و تمرین زندگی شهری نگریسته شود، دیگر این نگرانی وجود نخواهد داشت که ۷ درصد هزینه خانوار در سال صرف دخانیات می‌شود و تنها ۱/۴ درصد هزینه‌های او به کالاهای فرهنگی و خدمات تفریحی اختصاص می‌یابد.»

شریک یا مردم و بخش خصوصی رفتار کنند؛ زیرا آنان همیشه به مانند صاحب کار عمل کرده‌اند و بسیاری از اوقات متاع خود را بر متاع آنها ترجیح داده‌اند. اگر بتوان با نگاهی سازمان یافته و متکی بر روش مشارکت با مردم و بخش خصوصی ارتباط برقرار کرد، می‌توان از امکانات بالقوه و متعدد شهر بهره برد. مناسقاته آن قدر که واسطه‌ها در خدمات شهری سود می‌برند، شهرداری و شهروندان منتفع نمی‌گردند.»

جواد مهدیزاده در زمینه مشارکت مردم و بخش‌های خصوصی معتقد است از آن رو که موضوع گذران اوقات فراغت امری اجتماعی است، نمی‌توان برنامه‌ریزی و فعالیت‌های اجرایی نسبت به آن را به بخش خاصی از جامعه محدود کرد. به گفته وی، «برای سامان دهی به اوقات فراغت به یک مدیریت اجتماعی نیاز است که مدیریت شهری بخشی از آن است. سازمان میراث فرهنگی، وزارت مسکن و شهرسازی، دانشگاه‌ها، شهروندان، بخش خصوصی، NGOها و سایر نهادهای اجتماعی دیگر همه باید در این میان فعالیت کنند. از سوی دیگر، باید اقتصاد فراغت را به عنوان بخش چهارم اقتصاد کشور تعریف کرد و برای توسعه آن به زمینه‌سازی پرداخت. اگر شهرهای ما در عرضه محصولات مصرفی به اشباع رسیده‌اند و

زمانی که با هزینه کمتر و یا رایگان به آنان خدمات داده شود.»

فراغت پول می خواهد

آخرین پرسش گزارش حاضر این است: آیا مدیریت شهری باید تفاوت‌های درآمدی خانوارها را برای ارائه خدمات متنوع فراغتی در نظر بگیرد؟

به اعتقاد سعید عطایی شاد، نباید فراموش کرد که بخشی از شهروندان ما را افراد بسیار کم درآمد تشکیل می‌دهند که واقعاً قدرت پرداخت هزینه‌های فراغتی را ندارند. به نظر می‌رسد بخش‌هایی از کارهای خدماتی این قایتلیت را دارند که هزینه‌هایشان از قشر پردرآمد گرفته شود و برای قشرهای کم درآمد جامعه به رایگان ارائه گردد. برای مثال، جشن تولد گرفتن برای فرزندان در خانواده‌های طبقه متوسط و بالا امری عادی و معمول است؛ لیکن خانواده‌های کم درآمد این توان را ندارند اما تمایل دارند که برای فرزندان‌شان چنین هزینه‌ای بکنند. برای این مسئله در کاشان راه‌حل مناسبی اندیشیده شد. در کاشان در هر ماه جشن تولد دست جمعی برای فرزندان محلی خاص تدارک دیده می‌شود و از خانواده‌ها دعوت می‌گردد که در آن شرکت کنند. شهرداری در این میان وظیفه اجرا و ارائه خدمات را به عهده می‌گیرد و در مقابل هزینه‌های این جشن را از خانواده‌های پردرآمد دریافت می‌کند و به خانواده‌های کم درآمد سرویس رایگان می‌دهد. این روش هم به نفع خانواده متوسط است زیرا هزینه‌های جشن‌شان به مراتب کمتر از قبل می‌شود و از سوی دیگر این جشن در جمع و در میان مردم برگزار می‌گردد و رضایت فرزندان‌شان را بیشتر جلب می‌کند؛ و هم به نفع خانواده‌های کم درآمد است که به رایگان در این فعالیت شادی بخش و جمعی شرکت می‌کنند.

متأسفانه به محض اینکه درآمد خانوار و یا شهرداری کاهش می‌یابد، اولین هزینه‌ای که از فهرست فعالیت‌ها حذف می‌شود هزینه امور فرهنگی و تفریحی است

عبدالرضا کزندی معتقد است که شهرداری‌ها باید برای طبقات کم درآمد تخفیف ویژه در نظر بگیرند و یا حتی برخی از خدمات رفاهی را به رایگان در اختیار آنها قرار دهند؛ زیرا: «این امکانات با هزینه مردم در شهر فراهم شده است؛ پس چگونه می‌توان آنان را که صاحبان اصلی شهرند محروم نگاه داشت؟ من بارها به کسانی که خواسته‌اند شهرهای نمونه بسازند گفتم که در این شهر معتقد باشید اما مقتصد نباشید. به نظر من باید به ارزش‌ها معتقد بود و آنها را همیشه در نظر گرفت؛ اما نباید برای صرفه‌جویی به مردم توهین کرد و یا آنها را از خدمات رفاهی محروم ساخت.

از سوی دیگر، اگر شهروندان طبقه پایین نتوانند وارد برنامه‌های خدماتی و تفریحی شوند، این خود موجب می‌گردد که خسارات و عوارض منفی بیشتری به شهرداری وارد شود تا

پایان

آنچه که کارشناسان این گفت‌وگو اظهار داشتند، می‌تواند این نتایج را به دست دهد:

۱- اگر چه ارائه خدمات رفاهی و تفریحی از زمره وظایف صریح و مشخص شهرداری‌ها نیست، با این همه از آنجا که ارائه این خدمات به شهروندان سبب می‌شود که آنان از فرصت‌های خودشناسی ارتباط با دیگران و همچنین احساس لذت و شادی بهره‌مند شوند و مجموعه اینها موجب ارتقای سطح نگرش و شیوه رفتار شهروندان می‌شود، در نهایت باز این شهرداری‌ها هستند که سود آن را خواهند برد.

آموزش‌ها همیشه خارج از خانه آغاز می‌شود، در حالی که خانه و خانواده خود نوعی «فرصت اجتماعی» است

۲- شهرداری‌ها باید با استفاده از مشارکت شهروندان و به میدان آوردن سرمایه‌گذاران خصوصی امکانات عرضه خدمات متنوع رفاهی و تفریحی را در شهرها افزایش دهند. و موجبات تحریک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان را فراهم سازند.

۳- از سوی دیگر در شیوه ارائه خدمات تفریحی و رفاهی نکته مهمی را که باید همیشه مد نظر داشت، توجه به ویژگی‌های فرهنگی، سنتی، قومی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان است. به عبارت دیگر، باید خدمات تفریحی را متناسب، متعادل، متواتر، متنوع و منکامل ارائه کرد تا بازار عرضه و تقاضا روبه پیشرفت و تعالی رود.

۴- می‌بایست از الگو برداری‌ها و تقلیدهای کورکورانه در این عرصه به شدت خودداری ورزید و بیش از هر گونه دخالت در عرصه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی به دقت و به روش علمی پیامدهای مداخله را پیش‌بینی کرد. در نهایت هم می‌بایست بر اساس مدل‌گزینی عقلانی تصمیم و تغییری را در پیش گرفت که کمترین هزینه و بیشترین بهره‌مندی را برای همه شهروندان در بر داشته باشد.

۵- سرانجام اینکه، عرصه فعالیت‌های رفاهی و تفریحی عرصه بسیار ظریف و حساسی است که به توانوری، ابتکار، خلاقیت و حساسیت نیاز دارد، از این رو هر مدیری که می‌خواهد در این عرصه وارد شود باید هزینه خطر کردن برنامه‌های خود را محاسبه کند و با توجه به میزان این خطرپذیری اقدام کند. به عبارت دیگر، می‌بایست از یک سو شجاعانه و دلسوزانه وارد عرصه شود، و از سوی دیگر احتیاط و دقت و وسواس را کنار نگذارد.

پشتیبان
۱- تبیین فضیلت‌های فرهنگی از هزینه و درآمد خانوارهای شهری
شماره ۲۳۸، فصل بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۱، مرکز تحقیقات
پهمن، ۱۳۸۱.

الگوهای فعالیتی - رفتاری در برنامه‌ریزی کاربری فراغت

راضیه رضازاده (عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و صنعت)

مهوش یزدان‌پناه (کارشناس ارشد شهرسازی)

مقدمه

وقوع هر فعالیت انسانی در شهر به فضا نیاز دارد. این امر خود موجب شکل‌گیری کاربری‌های مختلف شهری می‌شود. بنابراین به منظور تأمین فضای مورد نیاز انواع فعالیت‌ها، به ویژه آنهایی که در خارج از منزل انجام می‌گیرند، تخصیص فضاهای خاص ضروری است و می‌بایست برای آنها برنامه‌ریزی شود. در این مقاله بر اهمیت توجه به الگوهای فعالیتی - رفتاری جامعه شهری در فرایند برنامه‌ریزی کاربری زمین، خصوصاً کاربری‌های از نوع فراغتی، تأکید شده است. همچنین چگونگی شناسایی این الگوها در یک نمونه موردی مربوط به کاربری فرهنگی، به عنوان نمونه‌ای از کاربری‌های فراغتی برای ساکنان ناحیه، پلرشت تهران، نشان داده شده است.

اوقات فراغت و فعالیت‌های فراغتی

فراغت به زمانی اطلاق می‌گردد که فرد کلیه امور مفید کننده مربوط به کار، خواب و سایر نیازهای اولیه را انجام داده است و فارغ از چنین فریودی است. به عبارتی، فراغت اساساً زمانی است که شخص از قید کسب درآمد و مشغله‌های کاری، امور شخصی و امور مربوط به خانه آزاد باشد. فعالیت فراغتی به هر نوع مشغولیتی که در زمان فراغت انجام شود (بجز مشغولیت‌هایی که مردم به

سیستم فعالیتی شهر و اهمیت آن در برنامه‌ریزی کاربری زمین

سیستم فعالیتی به نحوه ساماندهی امور روزمره و مستمر بشر و نهادهای بشری مانند خانواده‌ها، بنگاه‌ها، دولت و جز اینها در پاسخ به نیازها و تعاملات انسانی در ظرف زمان و مکان اطلاق می‌شود. تعاملاتی که دارای ابعاد ارتباطی هستند، به وسیله سیستم آمد و شد امکان پذیر می‌گردند؛ بنابراین سیستم‌های فعالیتی در بردارنده فعالیت‌ها در مکان‌های مختلف و آمد و شد بین این مکان‌ها هستند.^(۱)

وقوع هر فعالیت انسانی در شهر نیاز به فضا دارد و این امر، همان گونه که پیش‌تر هم ذکر گردید، خود موجب شکل‌گیری کاربری‌های مختلف شهری می‌شود. موضوع اصلی در برنامه‌ریزی کاربری زمین، نحوه تخصیص زمین به کاربری‌های مختلف - و به عبارتی - به فعالیت‌های مختلف انسانی - و هماهنگ‌سازی آنها با یکدیگر است. برنامه‌ریزی کاربری زمین باید قادر باشد فضای کالبدی لازم را برای نیازهای فعالیتی - رفتاری مردم فراهم سازد.

طور معمول درگیر آن هستند (اطلاق می‌گردد).^(۲)

فعالیت‌های فراغتی معمولاً می‌توانند شامل انواع گوناگون فعالیت‌های ورزشی، هنری، علمی و جز اینها باشند. چنین فعالیت‌هایی معمولاً با ذوق و علاقه فرد انطباق دارند و ممکن است هیچ گونه نفع مالی هم برای فرد نداشته باشند. در هنگام پرداختن به این فعالیت‌ها، فرد می‌کوشد به اهدافی از قبیل تعدد اعصاب، ارتقای شرایط بدنی و یا فکری، به نمایش گذاشتن مهارت‌های فردی، ایجاد ارتباط با انسان‌های دیگر و به طور کلی ایجاد آمادگی برای ادامه کار و زندگی دست یابد.^(۳)

این فعالیت‌ها بخشی از فعالیت‌های انسان هستند که می‌توانند در منزل و یا خارج از آن انجام شوند. حضور فرد در این فعالیت‌ها ممکن است به صورت تماشاگر (غیرفعال) یا بازیگر (فعال) باشد. نکته در نظر توجه در مورد چنین فعالیت‌هایی این است که اینها عمدتاً اختیاری‌اند و فرد در هنگام انجام آنها می‌خواهد تقاضای از عمر را به طیب خاطر بگذراند.

همان گونه که ذکر شد، وقوع هر فعالیت انسانی در شهر نیاز به فضا دارد. بنابراین برای ایجاد یا ساماندهی کاربری‌های مربوط برای وقوع فعالیت‌های فراغتی، به ویژه آنهایی که در خارج از منزل انجام می‌شوند، بایستی برنامه‌ریزی لازم انجام گیرد.

اهمیت الگوهای فعالیتی - رفتاری مردم در برنامه‌ریزی کاربری‌های فراغتی

اصولاً در امر برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های فراغتی، بررسی دو بعد عرضه و تقاضا حائز اهمیت است.^(۴) تقاضا در مورد چنین کاربری‌هایی، به گروه‌ها و افراد متقاضی شرکت در فعالیت‌های



فراغتی و استفاده از فضاهای لازم مربوط می‌شود؛ و عرضه نیز به ارائه امکانات، تسهیلات و کاربری‌های فراغتی در شهر باز می‌گردد. در مورد عرضه، نقش سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و میاسنگداری‌های آنها را نیز نباید فراموش کرد.

در برنامه‌ریزی برای کاربری‌های فراغتی، لازم است وضع موجود عرضه و تقاضای این کاربری‌ها شناسایی شود؛ چرا که کاربری‌های فراغتی به شدت از الگوهای فعلیتی - رفتاری و فرهنگ جوامع تأثیر می‌پذیرند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای جدید در کشور استرالیا در برنامه‌ریزی فضاهای فرهنگی (که خود نوعی از فضاهای فراغتی هستند) شناخت وضع موجود را شامل این موارد برمی‌شمرد:

□ استفاده از اطلاعات و آمار جمعیتی (مثلاً سرشماری‌های

فراغت اساساً زمانی است که شخص از قید کسب درآمد و مشغله‌های کاری، امور شخصی و امور مربوط به خانه آزاد باشد

ملی) به منظور شناسایی ویژگی‌های جمعیتی، محدوده مطالعاتی، بررسی نیازهای فرهنگی - اجتماعی گروه‌های مختلف جمعیتی.

□ طبقه‌بندی و مشخص کردن و یا تهیه نقشه‌ای از منابع فرهنگی ناحیه مورد نظر، از جمله تسهیلات و فضاهای فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی مردم، سازمان‌ها و نهادهای مسئول در مکان‌ها و چشم‌اندازهای با ارزش، پروژه‌های فرهنگی پیشین و یا فرادست، خدمات و تسهیلات محلی، فعالیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی محل و نظایر اینها.

□ تعیین برنامه‌هایی برای ایجاد منابع فرهنگی جدید یا توسعه منابع فرهنگی.

□ توجه به ارتباط موجود بین منابع فرهنگی مختلف در محدوده مورد نظر.

□ شناسایی موانع موجود در دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی برای گروه‌های مختلف اجتماعی.

□ بررسی هدایت بالقوه و بالفعل و نقش‌های حمایتی سازمان‌ها و نهادهای شهری، اجتماعی، آموزشی، مذهبی، تجاری و سایر نهادهای مرتبط با فعالیت‌های فرهنگی.

□ بررسی نقاط قوت و ضعف موجود در فعالیت‌های فرهنگی جامعه.

□ ارزیابی تسهیلات و برنامه‌های موجود و نیاز به گسترش آنها و یا ایجاد تسهیلات جدید.

□ ارزیابی نتایج و مقتضیات پروژه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی گذشته.

□ توجه به رابطه بین فعالیت‌های فرهنگی و سایر فعالیت‌ها (مثلاً گردشگری، اشتغال و نظایر اینها).

□ ارزیابی فرهنگی نیازمند فرآیند مشارکتی و مشاوره‌ای همه گروه‌های ذی‌نفع در اجتماع و نیز جوامع فرهنگی - هنری است. هنرها و سایر فعالیت‌های فرهنگی جامعه می‌تواند برای

برآنگیختن خواست‌های استفاده‌کنندگان به کار رود. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، در طی فرآیند مذکور، بارها به شناسایی ویژگی‌ها و نیازهای افراد جامعه و به ویژه گروه‌های استفاده‌کننده اشاره شده است. در واقع به نظر می‌رسد که بررسی درباره ویژگی‌های طرف تقاضا یعنی مردم و یا استفاده‌کنندگان از تسهیلات فراغتی در جامعه مورد مطالعه، در جریان برنامه‌ریزی برای کاربری‌های مربوطه امری است بس ضروری.

فرآیند به ظاهر جامع اما در واقع مکانیکی که عمدتاً به وسیله متخصصان، نهادها و بوروکرات‌ها به طور کلی در برنامه‌ریزی شهری و به‌طور خاص در برنامه‌ریزی کاربری‌های فراغتی انجام گرفته، تاکنون با شکست روبه‌رو شده است.¹⁰ به توصیه لندری، «برنامه‌ریزی... می‌بایست حالت مشاوره‌ای و مشارکتی داشته باشد».

رابطه عرضه و تقاضا در مورد کاربری‌های فراغتی با برخی کاربری‌های دیگر - مانند کاربری تجاری - متفاوت است. کاربری‌های تجاری در جریان عرضه و تقاضای رقابتی جامعه

فعالیت‌های فراغتی می‌توانند شامل فعالیت‌های ورزشی، هنری، علمی و جز اینها باشند

شکل بهینه می‌یابند. در حالی که برنامه‌ریزی برای بسیاری از کاربری‌های فراغتی (به عنوان نمونه، کاربری‌های فرهنگی) معمولاً از بالا و به صورت متمرکز انجام می‌شود. بنابراین نیازسنجی و بررسی الگوهای فعلیتی - رفتاری مردم کمک می‌کند که برنامه‌ریزی برای این کاربری‌ها یکطرفه نباشد و نیازسنجی واقعی صورت گیرد و به نوعی مشارکت غیرمستقیم مردم در این امر لحاظ گردد.

البته نباید تأثیر تغییرات میزان عرضه بر میزان تقاضای این نوع



فضاها را نادیده گرفت. در واقع توجه تنها به تقاضای موجود، بدون در نظر گرفتن تأثیرات عرضه در این زمینه، نتایج کاملی را به دست نمی‌دهد. همچنین تأثیر سیاست‌گذاری‌ها و خواست‌های نسبی

فرایند به ظاهر جامع اما در واقع مکانیکی که عمدتاً به وسیله متخصصان، نهادها و بوروکرات‌ها به طور کلی در برنامه‌ریزی شهری و به طور خاص در برنامه‌ریزی کاربری‌های فراغتی انجام گرفته، تاکنون با شکست روبه‌رو شده است

گبران بالادست در زمینه ترغیب یا ممانعت از مشارکت در فعالیت‌های مختلف در این امر حائز اهمیت است. اما با این حال می‌توان گفت توجه به الگوهای فعالیتی - رفتاری موجود مردم با توجه به فضاهای مختلف فراغتی، از ابزارهایی است که می‌تواند برنامه‌ریزی این کاربری‌ها را از حالت یکطرفه خارج کند و آن را با نیازهای واقعی مردم هماهنگ‌تر سازد. همچنین می‌تواند از سرمایه‌گذاری‌های بی‌حاصل برای تسهیلات فراغتی که متقاضی چندانی ندارد جلوگیری کند.

از طرف دیگر، از آنجا که فعالیت‌های فراغتی اختیاری هستند و شخص با طیب خاطر به انجام آنها می‌پردازد، توجه به داده و سلیقه او و تأمین نیازهای این کاربری اهمیت زیادی دارد. الگوهای فعالیتی - رفتاری موجود در حیطه این کاربری‌ها عاملی است که در جوامع مختلف تفاوت دارد و می‌تواند نشانگر سلیقه و رفتارهای مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های فراغتی باشد. این امر نیز موجب می‌شود که برنامه‌ریزی برای این کاربری‌ها با نیازهای واقعی ساکنان انطباق بیشتری یابد. با مراد می‌گردن برنامه‌ریزی این کاربری‌ها، ساختار، نوع و نحوه استقرار یا چیدمان کاربری‌ها یا نیازهای متنوع گروه‌های استفاده‌کننده همخوانی می‌یابد و می‌تواند این نیازها را برآورده سازد.

در مجموع به منظور دستیابی به نتایج بهینه لازم است که در جامعه مورد نظر ابتدا به شناسایی وضع موجود الگوهای فعالیتی - رفتاری مردم با توجه به فضاهای فراغتی پرداخت. پس از تجزیه و تحلیل این الگوها می‌توان اقدام به سیاست‌گذاری کرد. برای تأمین نیازها و یا ترغیب احتمالی برخی فعالیت‌ها نیز باید برنامه‌ریزی صورت گیرد. همچنین از بررسی الگوهای فعالیتی - رفتاری می‌توان در تدوین معیارهای مختلف کاربری‌های فراغتی استفاده کرد. به عنوان مثال، می‌توان فاصله دسترسی مناسب به فضاها، سلسله مراتب خدماتی فضاها، تعداد یا ظرفیت فضاها را بر این اساس برآورد کرد و به عنوان معیار مورد استفاده قرار داد.

تعریف و نحوه شناسایی الگوهای فعالیتی

چگونه می‌توان الگوهای فعالیتی موجود در جامعه را شناسایی کرد؟ در بررسی این الگوها ابتدا لازم است مفهوم «الگوی فعالیتی» روشن گردد. براساس تعریف استوارت جیپین، «الگوهای فعالیتی به تشابهات محسوس و مشاهده شدنی که در



انتخاب فعالیت به وسیله خانوارها، بنگاه‌ها یا مؤسسات عمومی صورت می‌گیرد، ادالاق می‌شوند»^(۱۹) این تشابهات می‌توانند در موارد زیر باشند:

تشابه در مشارکت در یک فعالیت خاص یا ترکیبی از فعالیت‌ها؛ در این زمینه می‌توان میزان یا درصد جمعیتی را که در فعالیت مورد نظر مشارکت می‌کنند، بررسی کرد. میزان مشارکت در یک فعالیت خاص می‌تواند بر روی نیازهای فضایی آن فعالیت، و در واقع بر روی معیارهای فضایی کاربری مربوط به آن فعالیت، تأثیر گذار باشد (مثلاً می‌تواند بر تعداد و اندازه فضاهای مورد نیاز تأثیر بگذارد).

پس از سینما، بیشترین میزان مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی مربوط به اماکن متبرکه و سپس نمایشگاه‌ها و جشنواره‌هاست

تشابه در زمان بندی مشارکت در فعالیت؛ صرف زمان مشابه برای انجام فعالیت خاصی به وسیله استفاده‌کنندگان، می‌تواند این تشابه را نشان دهد. گاهی نیز تشابه در زمان شروع فعالیت مورد توجه قرار می‌گیرد. این تشابه می‌تواند نشان دهنده زمان‌های اوج استفاده از فضاها - و امثال آن - باشد و بر میزان فضاهای مورد نیاز و یا استفاده چند منظوره از یک فضا و سایر معیارهای مشابه تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، برای فعالیت‌های دارای اوج زمانی خاص، در صورت تفاوت زمان اوج چند فعالیت می‌توان از فضای واحد به صورت چند منظوره استفاده کرد.

تشابه در فاصله یک فعالیت یا گروهی از فعالیت‌ها از منزل با سایر فعالیت‌ها، احساس رضایت از طی مسافت مشابه برای رسیدن به یک فعالیت به وسیله استفاده‌کنندگان نیز از دیگر موارد تشابه است. چنین تشابهی می‌تواند بر معیار فاصله مناسب برای رسیدن به فضاهای مورد نظر تأثیر داشته باشد.

تشابه در توالی و ترتیب فعالیت‌ها؛ تشابهت در پیگیری سلسله‌ای از فعالیت‌ها با توجه به تقدم و تاخر آنها نیز می‌تواند از

موارد مشابه باشد.^(۸)

فرهنگی شرکت می‌کنند [که در اینجا مراجعه به مراکز فرهنگی است] مشخص کننده شاخصی به نام «میزان مشارکت» است. میزان مشارکت نشان دهنده میزان تعمیم یک فعالیت در سطح جامعه است. در جدول و نمودار شماره ۱ میزان مشارکت در استفاده از مکان‌های مختلف فرهنگی - که از بررسی مذکور به دست آمده است - ملاحظه می‌گردد.

همان گونه که مشاهده می‌شود، بیشترین میزان مشارکت در میان انواع مکان‌های فرهنگی مربوط به سینماست، که نزدیک به ۵۰ درصد از پاسخ دهندگان جزء استفاده کنندگان از این مکان هستند. نکته شایان توجه اینکه سینما از کاربری‌هایی است که در محدوده مطالعاتی (ناحیه طرشت) موجود نیست، اما باز هم بیشترین استفاده کنندگان را دارد. پس از سینما، بیشترین میزان مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی مربوط به اماکن متبرکه و سپس نمایشگاه‌ها و جشنواره‌هاست.

جدول ۱: میزان مشارکت در استفاده از اماکن مختلف فرهنگی

	انواع مکان			
	استفاده کننده		غیر استفاده کننده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کتابخانه	۲۵	۲۱٫۶٪	۳۳۰	۳۵٫۱٪
سینما	۲۲۲	۲۸۸٪	۲۳۲	۲۴٫۶٪
تئاتر و مکان موسیقی	۲۱	۲۱٫۱٪	۲۲۲	۲۳٫۶٪
فرهنگسرا	۲۲	۲۸٪	۲۳۱	۲۴٫۳٪
خانه فرهنگ سنتی	۲۵	۲۱٫۹٪	۲۲۰	۲۳٫۱٪
کتابخانه‌های عمومی	۵۸	۲۱٫۵٪	۲۲۷	۲۴٫۵٪
نگارخانه‌ها	۲۲	۲۲٫۳٪	۲۲۲	۲۳٫۷٪
نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها	۱۱۸	۲۲٫۲٪	۲۵۷	۲۷٫۵٪
موزه	۸۲	۲۲٫۰٪	۲۱۹	۲۳٫۲٪
مکان اقامت‌گاه	۲۸	۲۵٫۵٪	۲۲۷	۲۴٫۵٪
مراکز نشاندن هنرهای ملی	۱۵	۲۳٫۰٪	۲۲۰	۲۳٫۶٪
اماکن تاریخی	۵۹	۲۱٫۷٪	۲۲۵	۲۴٫۳٪
مراکز تبادل فرهنگ بین‌المللی	۱۱	۲۲٫۳٪	۲۲۲	۲۳٫۸٪
اماکن مذهبی و تبرک	۱۸۲	۲۲٫۰٪	۲۲۲	۲۳٫۶٪
سایر اماکن	۲۲	۲۲٫۸٪	۲۳۱	۲۴٫۵٪

نمونه کاربردی: شناسایی الگوهای فعالیتی در استفاده از فضاهای فرهنگی

به منظور معرفی نحوه شناسایی الگوهای فعالیتی - رفتاری در یک گروه فعالیت خاص (فعالیت‌های فرهنگی)، جمعیت ساکن در ناحیه طرشت در منطقه ۲ تهران - به عنوان نمونه موردی - انتخاب و بررسی گردید. در این مطالعه از ۴۷۰ فرد به عنوان نمونه تصادفی در مورد نحوه و میزان استفاده از فضاهای مختلف فرهنگی بررسی شد.

کاربردی فرهنگی تنوعی از نیازهای فرهنگی جامعه است و نیازهای فرهنگی جامعه با الگوهای فرهنگی ارتباط دارند و همچنین فرهنگ هر جامعه در فعالیت‌ها و رفتارهای آن جامعه منعکس می‌گردد. به همین خاطر لازم است روشی در پیش گرفته

شود که بیشترین ارتباط را با ویژگی‌های انسانی و نیازهای واقعی مردم داشته باشد. از طرفی، چون عنوانی مکان‌های فرهنگی عمدتاً سازمان‌ها و نهادهای عمومی هستند، برای برنامه‌ریزی این فضاها لازم است نیازسنجی واقعی و توجه به مشارکت کنندگان در فعالیت‌های فرهنگی به دقت انجام گیرد. بنابراین توجه به الگوهای فعالیتی - رفتاری در مورد این نوع خاص از فعالیت‌های فراغتی اهمیت بیشتری دارد.

در این پژوهش، بدین منظور، عمدتاً از جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه و تجربه و تحلیل نتایج با استفاده از روش‌های آماری استفاده شده است.

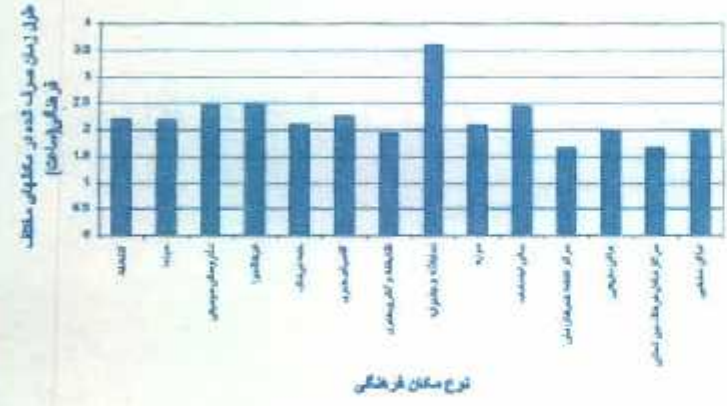
در این مطالعه شاخص‌هایی برای شناسایی الگوهای فعالیتی - رفتاری مردم و ارزیابی مشارکت مردم در استفاده از فضاهای فرهنگی بهره‌گیری شده، که شامل موارد زیر است:

الف - میزان مشارکت: به درصدی از افراد نمونه مطالعاتی اطلاق می‌شود که در هر فعالیت فرهنگی (خارج از منزل) شرکت می‌کنند. در اینجا درصد مراجعه و درصد عدم مراجعه تعیین می‌گردد و درصد مراجعه به عنوان میزان مشارکت در نظر گرفته می‌شود.

ب - تناوب استفاده: به تعداد روزهای مشارکت (در طول سال و یا ماه) اطلاق می‌شود، و شاخص دیگری است که می‌تواند برای ارزیابی مشارکت افراد به کار رود.

ج - زمان صرف شده در مکان‌های فرهنگی مختلف: اینکه هر فرد به طور متوسط چند ساعت یا دقیقه در هر مکان فرهنگی وقت صرف می‌کند نیز می‌تواند شاخصی برای ارزیابی مشارکت افراد باشد.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، درصد افرادی که در هر فعالیت

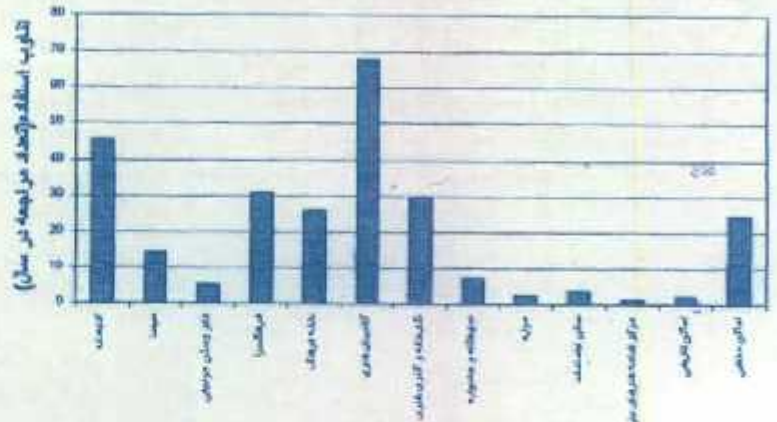


اهمیت میزان مشارکت در فعالیت‌ها از آن روست که مشخص می‌سازد آیا فعالیت مورد نظر - و در نتیجه مکان وقوع فعالیت - مورد استفاده بخش وسیعی از جمعیت است، یا تنها بخش اندکی از جمعیت از این مکان‌ها استفاده می‌کنند. میزان مشارکت در کنار فاصله‌های مکانی مطلوب می‌تواند در تعیین سطوح مورد

نیاز انواع فعالیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. اما خود به تنهایی نیز می‌تواند در تعیین سطح فعالیت، یا به عبارتی حوزه نفوذ فعالیت و

جدول ۲: زمان صرف شده در مکانهای مختلف فرهنگی

نوع مکان فرهنگی	زمان صرف شده (ساعت)	تعداد افراد	میانگین زمان صرف شده (دقیقه)
کتابخانه	۲۱۹۵۱	۱۰۵۰	۲۰۹
سینما	۲۱۹۳۹	۱۰۰۰	۲۱۹
تئاتر و سالن موسیقی	۲۰۳۳۷	۱۰۰۰	۲۰۳
فرهنگسرا	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
خانه فرهنگ	۲۱۰۰۰	۱۰۰۰	۲۱۰
کلاس‌های هنری	۲۱۲۵۳	۱۰۰۰	۲۱۲
نمایشگاه و جشنواره	۱۸۳۲۲	۱۰۰۰	۱۸۳
موزه	۲۰۳۳۷	۱۰۰۰	۲۰۳
مراکز تفریحی	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
مراکز ورزشی	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
مراکز آموزشی	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
مراکز فرهنگی دیگر	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
کل	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰



نوع مکان فرهنگی

موقعیت استقرار آن، به کار گرفته شود.

همچنین مشاهده شد که در میان فضاهای مختلف، میانگین زمان ماندن در محل نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها دارای بیشترین مقدار و در مورد مراکز تبادل فرهنگ بین‌المللی دارای کمترین مقدار است. طول زمان صرف شده در مکان مورد نظر بر میزان نوبت استفاده از مکان مؤثر است. به عبارتی، اگر طول مدت زمان

نشان می‌دهد که برخی از فعالیت‌ها، ماهیتاً روزانه و یا هفتگی نیستند. تناوب استفاده برای تئاتر، موزه، سالن اجتماعات، مراکز اشاعه هنرهای ملی و مراکز تاریخی حداکثر ماهیانه ابراز شده است. میانگین‌های میزان تناوب استفاده فعالیت‌هایی که تناوب استفاده از آنها ماهیانه شناخته شده‌اند در محدوده مطالعاتی بین ۲ تا ۵ بار در سال بوده است. جدول و نمودار شماره ۳ تناوب استفاده از فضاها را نشان می‌دهد.

همچنین در بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که بین الگوهای فعالیتی - رفتاری و ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در موارد متعدد همبستگی وجود دارد. به عنوان مثال، بیشترین میزان مشارکت در استفاده از کتابخانه‌ها در بین گروه سنی ۱۲-۱۸ سال دیده شد. بدین ترتیب در واقع صن عامل مهمی در میزان مشارکت در استفاده از کتابخانه‌ها به شمار می‌آید.

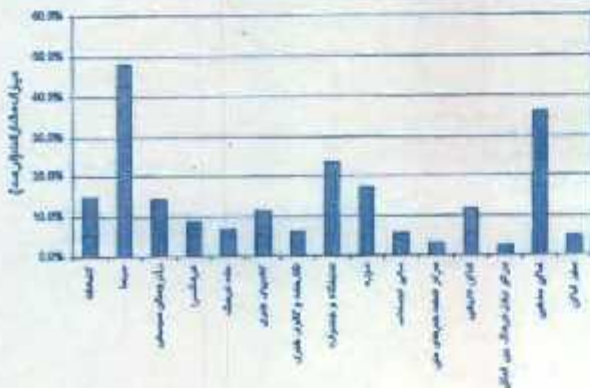
طول زمان صرف شده در مکان‌های فرهنگی در بین زنان بیشتر از مردان بوده و تناوب استفاده از مکان‌ها برای افراد مجرد بیش از افراد متأهل بوده است.

جمع بندی

شناخت الگوهای فعالیتی - رفتاری در سنجش نیازهای مکانی - فضایی مؤثر است. به علاوه، با شناخت نحوه تأثیرگذاری ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر الگوها می‌توان تغییرات نیازهای مکانی - فضایی را که در اثر تغییر ساختارهای بنیادین جامعه رخ می‌دهد، تا حدودی پیش‌بینی کرد. بدین ترتیب می‌توان با نیازسنجی به برنامه‌ریزی کارآمدتری در کوتاه مدت و برنامه‌ریزی قابل اعتمادتری در میان مدت و بلند مدت دست یافت.

جدول ۳: تناوب استفاده از مراکز فرهنگی

نوع مکان فرهنگی	تعداد افراد	میانگین تعداد استفاده (بار)	میانگین زمان استفاده (ساعت)
کتابخانه	۲۱۹۵۱	۱۰۵۰	۲۰۹
سینما	۲۱۹۳۹	۱۰۰۰	۲۱۹
تئاتر و سالن موسیقی	۲۰۳۳۷	۱۰۰۰	۲۰۳
فرهنگسرا	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
خانه فرهنگ	۲۱۰۰۰	۱۰۰۰	۲۱۰
کلاس‌های هنری	۲۱۲۵۳	۱۰۰۰	۲۱۲
نمایشگاه و جشنواره	۱۸۳۲۲	۱۰۰۰	۱۸۳
موزه	۲۰۳۳۷	۱۰۰۰	۲۰۳
مراکز تفریحی	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
مراکز ورزشی	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
مراکز آموزشی	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
مراکز فرهنگی دیگر	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰
کل	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰

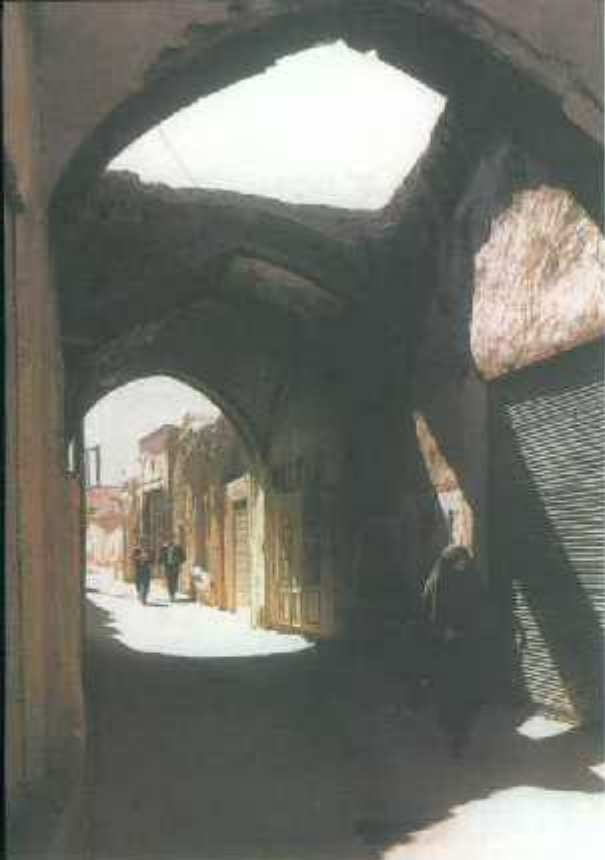


نوع مکان فرهنگی

صرف شده در یک مکان زیاد باشد، نوبت استفاده مجدد از مکان به وسیله استفاده کنندگان دیگر سلب می‌شود؛ در حالی که اگر طول زمان استفاده کوتاه‌تر باشد، نوبت استفاده مجدد از مکان فراهم می‌آید. جدول و نمودار شماره ۲ میانگین طول زمان صرف شده در مکان‌های مختلف را نشان می‌دهد.

در مورد میانگین تعداد روزهای استفاده از فضاهای فرهنگی مختلف در طول سال نیز مشاهده شد که در میان فضاهای فرهنگی مختلف، کلاس‌های هنری بیشترین تناوب استفاده (۶۷ روز در سال) را دارند و مراکز اشاعه هنرهای ملی یا میانگین یک روز در سال، دارای کمترین تناوب استفاده‌اند. علاوه بر میانگین‌ها دقت در حداکثر روزهای استفاده در عمل

منابع
 ۱- Cooper, F.S. & Kaiser, E.J. Urban Land Use Planning, Dordrecht-Texas, 1979, P. 28.
 ۲- Rindell, John. An Introduction to Town and Country Planning, U.C.L Press, 1992.
 ۳- زبان‌آموزان، اطرافین، جامع ترمینولوژی جغرافیایی، چاپ اول، انتشارات نشر نی، تهران، ۱۳۷۲.
 ۴- ناشیور، زهره، بررسی و تحلیل مشکل کمبود فضاهای تفریحی و ورزشی در تهران، مطالعه میدانی و آماری، شهرسازی، شماره ۲۷، ۱۳۷۶.
 ۵- Green, Gervase. Cultural Planning An Urban Renaissance, Routledge, 2003.
 ۶- Landy, The Creative City, A Toolkit for Urban Innovation, Terra, London, 2000.
 ۷- Cooper & Kaiser, 1979, P. 106.
 ۸- Cooper & Kaiser, 1979, P. 106, 107.



سابقه نوسازی و بهسازی بافت قدیم شهری در ایران و اروپا

زهرا عربشاهی

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای

مجموعه‌سازی بدون مطالعه در اطراف بناهای تاریخی^{۱)} همچنین مواد دیگر قطعنامه فقط آن گاه از بهسازی بافت صحبت به میان می‌آورد که موجودیت بنا را وابسته به آن بدانند. در واقع بهسازی و مرمت بافت‌های شهری، به‌طور مجزا و مستقل از بناهای تاریخی و به عنوان عنصر شهری زنده و پویا، تا قبل از جنگ جهانی دوم هیچ‌گاه مورد توجه این کنگره‌ها قرار نگرفته بود. حتی هنگامی که بحثی از مرمت بافت به میان می‌آمد، به تبعیت از بناهای تاریخی و برای حفاظت موجودیت آن بود. این نگرش نسبت به بافت‌های تاریخی شهری تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه داشت.

بهسازی بافت‌های کهن شهری

از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، موج دخالت در بافت کالبدی شهرها در اروپا به‌دو شکل متفاوت آغاز گشت. از یک سو انگلستان با تدوین قوانین خاص شهری - و عمدتاً بهداشتی - به منظور پاسخگویی به بازسازی از مسائلی شهرهای صنعتی به چاره‌جویی مبادرت ورزید و از سوی دیگر هم فرانسه از راه امکانات اجرایی و تصمیم‌گیری‌های بی‌سابقه دگرگونی‌های وسیع و دامنه‌داری را در این زمینه ایجاد کرد. در نجر به فرانسه، بر عکس اقدامات رسمی که در انگلستان به کمک دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و قانونگذار تنظیم می‌شد، اقدامات اجرایی نو و بی‌سسته که بیشتر محصول فکری اُسلمان بود، دنبال شد و هر یک از این تجارب، به نحوی کشورهای اروپایی را در گزینش راه‌آنی مدد رساند.^{۲)}

اُسلمان در دوره فعالیت شانزده ساله‌اش از ۱۸۵۳ تا ۱۸۶۹، اقدامات گسترده‌ای را برای تغییر وضع کالبدی پاریس انجام داد که به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

الف - مداخلات ساختمانی، از قبیل تخریب بخش‌هایی از محله‌های مسکونی پرجمعیت و احداث بولوارهای وسیع در محل آنها، و برپایی ساختمان‌های جدید و غالباً مشابه برای فعالیت‌های

برای بررسی سیر تکاملی بهسازی بافت‌های تاریخی در غرب باید دو جریان اصلی را بررسی کرد: اول، بهسازی، مرمت و حفاظت بناهای تاریخی؛ و دوم، بهسازی بافت‌های شهری. باید توجه داشت که پیش در آمد بهسازی بافت‌ها، توجه به حفاظت بناهای تاریخی بوده است. از این رو لازم است قبل از ورود به بحث بهسازی بافت‌ها به بحث بهسازی بناها در مغرب زمین پرداخته شود.

پیشینه اصلاح و بهسازی بافت‌های قدیم در اروپا

توجه به بهسازی و مرمت بناها در اروپا تقریباً به اوایل قرن نوزدهم باز می‌گردد. در فرانسه در سال ۱۸۳۷ م. تشکیلات خاصی به نام «کمیته ویژه هنر و یادمان [تاریخی]»^{۳)} بنیان نهاده شد که به کار فهرست برداری و حفظ اماکن در معرض ویرانی می‌پرداخت. در سال ۱۸۷۷ م. در انگلستان نیز انجمنی برای حفظ ساختمان‌های قدیمی پایه‌گذاری شد. به این ترتیب مجموعه قوانین مربوط به حفظ و احیای آثار با ارزش شهری که پیشینه آن به قرن نوزدهم باز می‌گردد، تا عصر حاضر همچنان ادامه و تکامل یافته است.^{۴)} در سال ۱۹۳۱ م. در شهر تاریخی آتن انجمنی از باستان‌شناسان، معماران و آگاهان امور اینها اجتماع کردند و به تدوین مقرراتی برای حفظ آثار باستانی پرداختند ولی در اینجا تأکید اندیشمندان نه بر بهسازی بافت شهری، بلکه فقط بر حفاظت آثار معماری شهری بود. به عنوان مثال، مواد اول تا پنجم قطعنامه آن شامل موارد ذیل بوده است:

- نگهداری ساختمان‌ها، بدون افزودن یا کاستن کوچک‌ترین چیزی از بنا؛
- اضافه نکردن اجزا و عناصر جدید به بنا و اکتفا به عمل سوار کردن مجدد بنای ریخته شده، مگر در صورت به خطر افتادن استحکام بنا؛
- پرهیز از حفاری به منظور تعبیر شرایط برای آثار باستانی؛
- احترام به دورهای مختلف ساختمان بنا؛
- عدم اقدام به عملیات شهرسازی، حیابان‌کشی و تغییرات

عملیات ساختمانی باشند و سرعت هر چه تمامتر در اکثر شهرهای اروپا ادامه داشت و فرصت کافی برای مطالعه به دست نیامده بود.

در کنگره بین‌المللی بولونیا (۱۹۷۴) به نکته مهم دیگری در مرمت بافت‌های تاریخی اشاره شده و آن این است که نه فقط شکل ظاهری بناها و بافت‌ها، بلکه گونه‌شناسی (تیپولوژی) و عملکرد آنها نیز باید حفظ شود

الف) بررسی تجارب علمی اروپا در مرمت شهری

اولین سمینار بین‌المللی که آشکارا به مرمت و حفاظت و بهسازی بافت‌های شهری توجه کرد، کنگره گویویو^(۱) (۱۹۶۰) بود. در این کنگره، اهمیت وضعیت اجتماعی شهرها مورد توجه قرار گرفت و مولود و موضوعات پارسازی در یک قسمت از شهرها به عنوان عملی اجتماعی تلقی گردید. همچنین از مقامات دولتی خواسته شد که برای حفاظت جنبه‌های هنری فضاهای زنده، اقدامات لازم را به عمل آورند.^(۲)

چهار سال بعد در کنگره بین‌المللی ویتز (۱۹۶۴) هم موضوع مرمت و بهسازی بافت‌های شهری مورد تأکید قرار گرفت. در اولین ماده این قطعنامه چنین آمده است: «مفهوم اثر تاریخی فقط ساخته‌های معماری منفرد را در بر نمی‌گیرد بلکه شامل فضاهای شهری و مناظر و جزئیات نیز هست»^(۳)

در ماده چهار این قطعنامه در مورد فضاها و بافت‌های قدیمی آمده است:

«نگهداری بافت‌های قدیمی و تاریخی نیز باید با دقت خاصی انجام گیرد تا بتوان آنها را دست نخورده حفظ کرد و در عین حال به وضع آنها بهبود بخشید»^(۴)

در سال ۱۹۷۲ م. بار دیگر در کنگره رم این گونه بر این موضوع تأکید گردید: «اصالت و شخصیت کلی اندام‌های شهری باید مورد حفاظت قرار گیرد»^(۵) و بدین ترتیب هم بناهای تاریخی و محیط اطراف، و هم نشانه‌های داخل و خارج ساختمان که فضاهای شاهد تمدن و فرهنگ ویژه‌ای هستند، دارای ارزش نگهداری دانسته می‌شوند.

در ژوئیه سال ۱۹۷۳ در کنگره ایکوموس^(۶) که در شهر تاریخی زوریخ سوئیس تشکیل شده بود، سال ۱۹۷۵ را به عنوان سال ذخایر معماری اروپا اعلام کردند و قرار گذاشته شد که بررسی جامعی تحت عنوان «آینده‌ای برای گذشته‌ها» در گردنمایی نمایندگان کلیه کشورهای اروپا صورت پذیرد.^(۷)

برخی از مهم‌ترین خواسته‌های کنگره ایکوموس اجمالاً به شرح زیر بود:

- شناخت ابعاد مختلف رشد آگاهی‌ها و توجه عامه به ارزش اجتماعی معماری؛

- شناخت آمادگی‌ها و استقامتی که جامعه نوسنتی پیشرفته

بازرگانی، خدمات عمومی و مسکونی در دو جانب آنها، تخریب بناهای مجاور ساختمان‌های مجالس و قدیمی، احداث بناهای جدید در هر نقطه از شهر که بهتر می‌توانست پذیرا باشد.

ب- احداث شبکه‌های تأسیساتی و راهپایی، از قبیل احداث کانال‌های فاضلاب و خطوط آبرسانی، توجه به سسته رفت و آمد در ایستگاه‌های بزرگراه آهن شهر و جز اینها.

ج- اقدامات بهداشتی، از قبیل مبارزه با بیماری‌های واگیردار بومی در

بعضی از محله‌های پرجمعیت پاریس، دزخ کاری‌های منظم در حیابان‌ها و میدان‌ها و احداث پارک‌های بزرگ شهری در پاریس.

د- اقتصاد شهری و تقویت آن، از قبیل پدید آوردن سازوکار تازه بین عوامل تعیین کننده قیمت زمین و ارزش واحدهای بازرگانی - تولیدی و خدماتی، وضع قوانین تازه در زمینه مالکیت‌های شخصی و تثبیت و استحکام اقدامات عمرانی^(۸)، البته تجارب فرانسوی‌ها به طور پراکنده بعضاً در سایر نقاط اروپا نیز تکرار شده بود.

فرانسوی‌ها در نیمه دوم قرن نوزدهم، هنگامی که برای جوابگویی به مسائل سیاسی - شهری، محله‌های مسکونی قرون وسطایی پاریس را تخریب می‌کردند و با برای بهتر نشان دادن کلیساهای جامع (کاتدرال‌ها) به تخریب یا حذف بناهای مکمل آنها - چه در پاریس و چه در شهرهای دیگر فرانسه - می‌پرداختند. مانند ایتالایی‌هایی بودند که اغلب شهرهای قرون وسطایی در حال رشد خود را طی قرن گذشته، به گفته استاد انجلیس دوسا، «به صلیب



اولین سمینار بین‌المللی که آشکارا به مرمت و حفاظت و بهسازی بافت‌های شهری توجه کرد، کنگره گویویو (۱۹۶۰) بود

کشیدند»؛ درست مانند طرح جدیدی که می‌تواند در اواخر قرن نوزدهم روی شهر کهن استکهلم ساخته شود و مصوبه انجمن شهر گوتنبرگ که تخریب و نوسازی بخش عظیمی از شهر قدیمی را به صلاح شهروندان دانست و به دنبالش این تخریب نیز صورت پذیرفت.^(۹)

ولی در عین حال باید توجه داشت که دامنه این اقدامات در فرانسه به طور گسترده‌تر و عمیق‌تری اجرا شده بود؛ و از این حیث است که نقطه عطفی در تاریخ دخالت و تغییر در بافت‌های تاریخی اروپا به شمار می‌رود.

بعد از جنگ جهانی دوم، موضوع بازسازی و احیای مرکز شهرهای تاریخی که در اثر جنگ آسیب دیده بود، مطرح شد و مورد بحث قرار گرفت. از سوی دیگر احتیاج قوری به بازسازی و فقدان امکانات مالی لازم، بحث‌های نظری بهسازی و حفاظت بافت‌های تاریخی را به سال‌های بعد از ۱۹۵۰ موکول کرد. تا این زمان

اروپا با توجه به خصایص فرهنگی ویژه‌اش از امر حفاظت و احیای بناها و محوطه‌های تاریخی خواهد کرد.

- شیوه‌های همکاری و مقابله مقامات مسئول دولتی محلی با این فعالیت جدید، در توفیق یافتن به امری که هدفش برای نخستین بار اجرای بعضی طرح‌های نمونه است.^(۳۳)

تدوین کنندگان منشور جهانی آمستردام خواستار تغییرات وسیعی در موازین قانونی و مقررات اجرایی شده‌اند، به نحوی که بتوانند در آشتی دادن فضاهای کالبدی قدیمی با فضای زندگی مدرن توفیق یابند

در کنگره بین‌المللی بولونیا (۱۹۷۴) به نکته مهم دیگری در مرمت بافت‌های تاریخی اشاره شده و آن این است که نه فقط شکل ظاهری بناها و بافت‌ها بلکه گونه‌شناسی (تیپولوژی) و عملکرد آنها نیز باید حفظ شود.^(۳۴)

کنگروه آمستردام (۱۹۷۵) مجموعه‌ای از نگرانی‌ها و مسائل حل نشده و پیچیده را همراه با مشوق‌هایی برای به راه انداختن حرکتی تازه در فعالیت‌های انسانی - فرهنگی و تأکیدهای مکرر بر لزوم توفیق در حفاظت و صیانت شهرهای تاریخی مورد بررسی قرار داده و سرافصل‌هایی را برای پیگیری و مطالعه عرضه کرده است که نه فقط در کشورهای اروپایی بلکه در کثیر کشورهای باستانی که تا به حال به همان میزان به شهر کهن بی‌توجه بوده‌اند، می‌تواند حائز اهمیت باشد.

قطعه‌نامه این کنگره که در واقع منشور یا بیانیه‌ای جهانی است، راه‌حلی را به منظور رسیدن به هدف حفاظت مثبت و سازنده تروت‌های معماری مردم ساکن اروپا، توصیه می‌کند. این تروت‌های معماری شامل کلیه بناهای تاریخی با ارزش‌های ویژه فرهنگی است.^(۳۵)

تدوین کنندگان منشور جهانی آمستردام خواستار تغییرات وسیعی در موازین قانونی و مقررات اجرایی شده‌اند، به نحوی که بتوانند در آشتی دادن فضاهای کالبدی قدیمی با فضای زندگی مدرن توفیق یابند.^(۳۶)

بدین ترتیب، وبا توجه به آنچه شرح داده شد، می‌توان نتیجه گرفت که به دنبال ضرورت‌های عمده اجتماعی - اقتصادی، بحث مرمت، بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی شهرها از اواسط قرن نوزدهم میلادی در اروپا با دیدگاه‌ها و پیشنهاد‌های مرمتی پیشنهادی و رشته‌های وابسته، مطرح شد. لذا منشور آتن در ۱۹۳۱ تا قطعنامه آمستردام در ۱۹۷۵، با روندی تکاملی کم‌کم از انحصار جنبه‌های صرف هنری خارج شد، و به همراه توجه به تک‌بنا به عنوان

اثر تاریخی منحصر به فرد، به مجموعه مسائل اجتماعی - اقتصادی در بناها و بافت‌های تاریخی شهری گسترش یافت.

مهم‌ترین قوانینی که در فاصله بعد از جنگ دوم جهانی تا اواخر دهه هفتاد به منظور اصلاح و بهسازی بافت‌های شهری در انگلستان و فرانسه به تصویب رسیدند، عبارتند از قانون مال رو^(۳۷) در فرانسه (۱۹۶۴) و قانون «سازگاری هماهنگی شهری»^(۳۸) در انگلستان (۱۹۶۷). براساس این قوانین مقامات برنامه‌ریزی محلی در انگلستان برای کنترل بخش‌هایی با ارزش تاریخی اختیارات بیشتری پیدا کردند.^(۳۹)

ب) بررسی تجارب عملی اروپا در مرمت شهری

پیشرو بودن اروپاییان در امر مرمت، حفاظت، خراست بنیادها و ارزش‌های فرهنگی معماری خود و توسل به طرح‌هایی که به موضوع احیای این نمادها مربوط می‌شود، بررسی تجارب کشورهای اروپایی را در امر مرمت بافت‌های شهری اجتناب ناپذیر می‌سازد. باید توجه داشت که تأکید بر خراست از تروت‌های فرهنگی نزد اروپاییان جدای از تفکر عقلانیست. در این تفکر برای رسیدن به اهداف، به استدلال توسل جسته می‌شود. آن هم استدلال بر روی فضای ساخته شده، ارزش‌های مالی، محسوسات و نظایر آن.^(۴۰) همچنین توجه خواهیم داشت که تجارب کشورهای اروپایی قابل

منشور آتن در ۱۹۳۱ تا قطعنامه آمستردام در ۱۹۷۵، با روندی تکاملی کم‌کم از انحصار جنبه‌های صرف هنری خارج شد و به همراه توجه به تک‌بنا به عنوان اثر تاریخی منحصر به فرد، به مجموعه مسائل اجتماعی - اقتصادی در بناها و بافت‌های تاریخی شهری گسترش یافت

انتقال به کشور مانسندند، مگر به عنوان مبحثی برای تحلیل و بهره‌گیری روش ساختنی و دستیابی به عوامل و متغیرهای تعیین کننده موضوع. در اینجا مهم‌ترین محورهای تجربیات برخی از کشورهای اروپایی در امر بهسازی و مرمت بافت‌ها و بناهای تاریخی مزبور می‌شود.^(۴۱)

انگلستان

- سازوکار اقتصادی شهر، با تکیه بر فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند - و می‌باید - در نوسازی بافت کهن شهری، به نفع آشناسازی باشد که توسعه مبادلات و خرید و فروش را در شهر (و محله مورد نظر) در دست‌دارند.

- دخالت در وضع بناهای بافت در قالب تشویق مالکان به تغییر شکل‌گایید و کاربری صورت می‌گیرد.

- بررسی بناهای قدیمی تشکیل دهنده بافت در زمان واحد در دو سطح مختلف صورت می‌گیرد، یکی در سطح بنا و دیگری در سطح مجموعه‌های پیوسته ساختمانی بافت شهری. طی این دو هم ویژگی‌های داخلی و موضعی و هم مشخصات منظر و نداوم فضای شهری تعقیب می‌شود.



- موضوع مشارکت ساکنان شهر در تدوین میانی فکری طراحی و نیز اجرای آن مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص تناسب پیشنهادها با وضع موجود، محرک‌های اقتصادی، و آشنایی صاحبان با قوانین موجود اهمیت حیاتی دارد.

ایتالیا

- متمرکز کردن اهداف خاص نوسازی و مرمت و حفاظت و حراست از ثروت‌های معماری و شهری، و همچنین تلاش برای استقرار ساکنان اصلی شهرهای تاریخی و ماندگار شدن افشار ساکن، به نحوی که با این دو هدف نگهداری واحدهای با ارزش و فضاهای زیبای شهری تضمین شود و در عین حال با کاربردهای جدید شهری کمبودهای موجود مرتفع گردد، و دیگر اینکه پدیده تعویض فرهنگ شهری - که از تجارب تلخ شهرسازی مدرن بوده است - تکرار نشود.

- دسته‌بندی بناهای شهری، بناهای منحصر به فرد یا بناهای رایج، تعیین نحوه عملکرد با هر یک از رده‌های مختلف بنا و جلب مشارکت مردم در سطوح مختلف.

- تأکید بر موضوع مسکن و تدوین فرمول‌هایی برای بهبود فضای کالبدی آن و توجه به شرایط بهداشتی و ساختمانی بناهای قدیمی.

- تجدید حیات شهر از راه به وجود آوردن تغییراتی در نظام فضایی بخش قدیمی شهر با توجه به عوامل منطقی‌های.



- تأکید بر تعلق داشتن شهر به ساکنان آن، در حل مسائل اقتصادی و جلوگیری از مداخله و ورود سرمایه‌گذاران بزرگ در بافت قدیمی.

فرانسه

- تفکیک بناهای شهری به بناهای در دست مرمت و حفاظت یا تغییر کاربری، تخریب و جز آن، و اتخاذ تصمیم در مورد هر یک از بناها.

- در آمیختن امکانات مختلف برای مرمت و احیای بافت‌های شهری، شامل مقررات حقوقی، امکانات فنی و امکانات مالی.

- نگرش بر سه عامل مهم در طرح‌های باززنده‌سازی شهری: فضای ساخته شده (و کلیه ویژگی‌های مثبت و منفی آن)، مردم ساکن محله‌ها و محوطه‌های تاریخی، و بالاخره مقررات و مجموعه امکاناتی که به شکل سازنده یا بازدارنده، در راه سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی و بخش عمومی، روی عرصه و اعیان محله‌های قدیمی شهرها در جریان‌اند.

چکسلواکی (سابق)

- بناهای تاریخی، چه آن‌گاه که به تنهایی مطرح‌اند و چه آن‌گاه که به صورت مجموعه‌هایی پیوسته تجزیه و تحلیل می‌شوند، در

چارچوب شهرسازی مورد بررسی قرار می‌گیرند و ارزشیابی از نظر کاربردی و ویژگی‌های کالبدی انجام می‌پذیرد. به عبارت دیگر، اتخاذ هر تصمیمی درباره یافت، مرمت و به بررسی و ارزشگذاری در مورد عوامل کاربردی و کالبدی محیطی است.

- وجود دیدگاه و پیش‌بینی مثبت و سازنده در مورد بناهای تاریخی و مراکز مسکونی قدیمی که موجب می‌شود در بعضی موارد، تغییر شکل‌ها و تبدیل کاربری‌ها به صورت وسیع مطرح گردند.

بررسی بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیم در ایران

به دنبال تغییر و تحولات بنیادی که در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ ش. با وقوع انقلاب مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول (۱۲۹۹) روی داد، دولت ایران وظایف و نقش‌های جدید و متعددی را عهده‌دار شد. در چارچوب این تغییر و تحولات مداخله در روند رشد و توسعه شهرها نیز در حوزه وظایف دولت قرار گرفت. این مداخله ابتدا با وضع قوانین و مقرراتی در زمینه ایجاد شهرداری‌ها آغاز شد (۱۳۰۹) که همزمان با شروع فعالیت‌های مربوطه به مدرن‌سیم و نوسازی و دگرگونی چهره بافت‌های قدیمی در سال ۱۳۱۰ رخ

به دنبال تغییر و تحولات بنیادی که با وقوع انقلاب مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول روی داد، دولت ایران وظایف و نقش‌های جدید و متعددی را عهده‌دار شد و مداخله در روند رشد و توسعه شهرها نیز در حوزه وظایف دولت قرار گرفت

نمود. عمده‌ترین اقداماتی که در این زمینه به‌ویژه در شهرهای بزرگ و تهران آغاز شد، در خصوص احداث خیابان‌ها، میدان‌های وسیع در قلب شهر و محله‌های قدیمی آن، احداث خیابان‌های صلیبی و کمربندی، تخریب محله‌ها و زیباسازی ساختمان‌ها، به‌ویژه در بدنه خیابان‌های شهر بود.^(۳۳)

در سال ۱۳۱۲ با تصویب «قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها»، این اقدامات جایگاه قانونی یافت. در سال ۱۳۲۰ این قانون تحت عنوان «قانون توسعه معابر و اصلاح و در آن تجدید نظر شد؛ لیکن دو سال بعد از آن در شهریور ۱۳۲۰، با کشیده شدن دامنه جنگ جهانی دوم به ایران، متوقف ماند.

با شروع حکومت پهلوی دوم در ایران از سال ۱۳۲۰، به علت بی‌تجربگی و عدم اقتدار سیاسی تصمیم‌گیرندگان کشور و بی‌توجهی به نیازت عمران شهری، از جمله بهسازی و نوسازی محله‌ها با وجود گسترش شهرها و ازدیاد جمعیت، نیز به‌رغم شروع برنامه‌های عمران ملی از سال ۱۳۲۷، عمران و نوسازی و بهسازی محله‌های شهر اهمیت چندانی نیافت.^(۳۴)

عمده‌ترین فعالیت‌های عمران شهرها در طول این مدت تا حدود سال ۱۳۴۵، که به رسمه شهرسازی‌ها انجام می‌شد، غالباً عبارت بود از احداث خیابان‌ها، کوچه‌ها و میدان‌ها، توسعه معابر، باسازی و نگهداری و تسطیح معابر و انبارهای عمومی و مجاری آب، و

مهم‌ترین قانونی که در این دوره برای تجدید بنا و تغییر بافت شهری به تصویب رسید، «قانون مربوط به تملک زمین‌ها برای اجرای برنامه‌های شهرسازی» بود که در سال ۱۳۳۹ وضع گردید. گرچه طی این قانون نحوه پرداخت خرامت و تملک اراضی شهری به منظور تخریب و تجدید بنای محله‌های فرسوده و غیر بهداشتی مورد بحث قرار گرفت، ولی در عمل قانون مذکور مطلقاً برای عمران شهری - یا موارد یاد شده - مورد استفاده قرار نگرفت؛ و فقط چند سالی به عنوان ضوابط قانونی مربوط به نحوه پرداخت خرامت به کسانی که ملک آنها در مسیر اجرای طرح‌های عمرانی دولت قرار می‌گرفت، از آن استفاده می‌شد.^(۳۸)

در برنامه دوم، عمران ناحیه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفت و برای شهرهای بزرگ و کوچک طرح‌های شهرسازی پیریزی شد. این اولین قدم در راه هماهنگی کارهای عمرانی بود. در این برنامه ۱۸ میلیون ریال از اعتبارات برای طرح‌های شهرسازی منظور گردید.^(۳۹)

برنامه عمرانی سوم کشور (۴۶ - ۱۴۴۱ ش) در این برنامه، اهداف عمده بخش عمران شهری، «سالمسازی شهرها» و «اصلاح اداره امور شهرها» عنوان شده بود. به‌طور کلی در

فصلاب، لایروبی قنات‌ها و تأمین روشنایی شهرها.^(۴۰) در این مدت نظارت و کنترلی بر کیفیت بافت‌های شهری صورت نمی‌گرفت. این دوره را می‌توان دوره رکود فعالیت‌های نوسازی شهری دانست.

از سال ۱۳۳۷ تاکنون دو برنامه عمرانی هفت ساله، سه برنامه عمرانی پنج ساله و یک برنامه توسعه پنج ساله ملی اجرا شده است. در ادامه مطلب جایگاه برنامه‌های عمران شهری و بهسازی و مرمت شهری، و همچنین قوانین و مقررات مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیر بهسازی و نوسازی بافت شهری در برنامه‌های ملی و قوانین مصوب کشور

برنامه عمرانی اول (۳۴-۱۳۳۷)

این برنامه به وسیله مهندسی مشاور مشاوران (امریگایی) تهیه و تدوین شد. برنامه مذکور فقط حاوی چندین پروژه عمرانی بود و جامعیت مورد نظر در «برنامه‌ها» را نداشت. در ماده ۱ قانون برنامه اول هدف از اجرای برنامه چنین ذکر شده بود: «... افزایش

در برنامه توسعه دوم کشور موضوع بهسازی بافت‌های فرسوده شهری به طور مشخص در قالب طرح و پروژه‌های ذی‌ربط مطرح گردید. هدف این طرح‌ها استفاده بهینه از زمین از طریق اصلاح بافت‌های فرسوده و مسئله دار، مرمت و بهسازی ساختمان‌ها و نوسازی و اصلاح محله‌های قدیمی بود



این برنامه، بخش عمران شهری یا فعالیت‌های گسترده‌تر بیگیری شد و نیازهای شهری با توجه به اولویت‌های موجود دسته‌بندی گردید.

طی این برنامه با اجرای بیش از ۶۶۰ طرح مختلف عمرانی، چهره شهرها دگرگون گردید. با وجود این، به دلیل آماده نبودن طرح‌های جامع شهری و فراهم نبودن مقدمات اجرایی طرح‌ها، فعالیت‌های عمرانی در قالبی متکی بر مطالعات جامعی که با توسعه بلند مدت دیده شده باشد صورت نگرفت. طی تحولات در برنامه دوم، وزارت آبادانی و مسکن تأسیس شد و اجرای طرح‌های عمران شهری از سازمان برنامه به این وزارتخانه منتقل گردید.^(۴۱)

در برنامه سوم عمرانی کشور برای اولین بار درباره ضرورت تهیه طرح‌های توسعه شهری، به منظور تنظیم و پیش‌بینی توسعه زیربنای شهری در قالبی منطقی، پیشنهادها لازم ارائه شد. البته این پیشنهادها بسیار کلی بود و در آن اصول و مشخصات دقیق طرح‌های مذکور تصریح نشده بود.^(۴۲)

اقدام مهم دیگری که طی این برنامه انجام شد، تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بود. این شورا به منظور اتخاذ سیاست‌های کلی شهرسازی، ایجاد هماهنگی و تمرکز بررسی‌های مربوط به تهیه مقررات شهرسازی و تصویب طرح‌های جامع و توسعه

تولید و تکثیر صادرات و تهیه ساینچ مردم، ترقی کشاورزی و صنایع و اکتشاف و بهره‌برداری معادن و ثروت‌های زیرزمینی، خصوصاً نفت، اصلاح و تکمیل وسایل ارتباط جمعی، اصلاح امور بهداشت عمومی، انجام هرگونه عملیات برای عمران کشور، بالا بردن سطح معلومات و زندگی افراد، بهبود وضع معیشتی عمومی و کنترل دادن هزینه زندگی...»^(۴۳) تنها موارد درخور توجه مرتبط با عمران شهری در برنامه اول، لوله‌کشی آب شهرها و تولید برق است. و از سایر جنبه‌های توسعه شهری، رفاه عمومی شهر و توجه به بافت‌های شهری نکته‌ای در آن دیده نمی‌شود.

برنامه عمرانی دوم (۴۱ - ۱۴۳۴ ش)

در میان اهداف اقتصادی اجتماعی این برنامه، بهبود کیفیت خدمات شهری در نظر گرفته شده بود و خط مشی این هدف، تقویت بنیه مالی شهرداری‌ها بود. طی این خط‌مشی مفروضه شد که هر یک از شهرداری‌ها که بتوانند ۵۰٪ هزینه ساختمان و تأسیسات و طرح‌های عمرانی شهر را (که عمدتاً شامل طرح‌های تهیه برق، آب سالم و آسفالت خیابان بود) تأمین کنند، می‌توانند از ۵۰٪ کمک بلاعوض دولت بهره‌مند شوند. ولی در این برنامه نیز بخشی در خصوص بهسازی و نوسازی محله‌های شهری به میان نیامد.



شهری تشکیل می‌شد.

یاک کردن زاعمه‌ها و احداث مسکن‌های ارزان قیمت در شهرهای بزرگ، از دیگر اقدامات اجرایی در برنامه سوم بود. در اواخر برنامه سوم در سال ۱۳۴۵، قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق چند ماده به قانون شهرداری^۱ از تصویب مجلس

گذشت، و در آن بر فعالیت‌های شهرسازی، تهیه و تصویب طرح‌های جامع شهری، تعیین جریم شهری و اعطای مجوز برای نظارت بر فعالیت‌های ساختمانی و شهرسازی به وسیله شهرداری‌ها تأکید شد.

از سال ۱۳۳۵ به بعد، به دنبال تشکیل شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و تدوین ضوابط برای موارد مندرج در مواد قانونی آن، فعالیت‌های نوسازی و بهسازی قوت بیشتری گرفت، به طوری که برخی شروع کوششی برای عمران شهرها و نوسازی و بهسازی محله‌ها را از این زمان به بعد می‌دانند.^{۳۳}

برنامه عمرانی چهارم کشور (۵۱-۱۳۴۷)

در این برنامه بهبود اداره امور شهرها و افزایش کیفیت خدمات شهری و نیز هدایت فرایند توسعه شهری در بخش عمران شهری مدنظر قرار گرفته بود. یکی از خط‌مشی‌های این برنامه، تهیه برنامه‌های توسعه شهری بود، شامل تهیه طرح‌های جامع برای شهرهای مهم و تهیه نقشه برای شهرهای کوچک.

در سال ۱۳۴۷ قانون نوسازی و عمران شهری تصویب شد و طی آن مقرراتی در مورد ضابطه نوسازی شهرها برقرار گردید. در ادامه، بندهایی از این قانون، که مرتبط با بحث نوسازی و اصلاح بافت شهری است ذکر می‌شود:

ماده ۱- نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی، تأمین نیازمندی‌های شهری، احداث و اصلاح و توسعه معابر، ایجاد پارک‌ها، پارکینگ‌ها (توقفگاه‌ها) و میدان‌ها، حفظ و نگهداری پارک‌ها و باغ‌های عمومی موجود، تأمین سایر تأسیسات مورد نیاز عمومی، نوسازی محله‌ها و مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها از وظایف اساسی شهرداری‌هاست و آنها در اجرای وظایف مذکور، مکلف به تهیه برنامه‌های اساسی و نقشه‌های جامع هستند. ماده ۶۵- شهرداری‌های مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند با راهنمایی وزارت کشور، برنامه عملیات نوسازی و عمران و اصلاحات شهر را برای مدت پنج سال براساس نقشه جامع شهر (در صورتی که فاقد نقشه جامع باشد، براساس احتیاجات ضروری شهر و رعایت اولویت آنها در حدود منابع عالی مقرر در این قانون و سایر امکانات مالی شهرداری) تنظیم کنند و پس از تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور طرح‌های مربوط را براساس آن به اجرا در آورند. ماده ۱۶- شهرداری‌ها مکلفند برای هر یک از طرح‌های نوسازی و عمران و ایجاد تأسیسات شهری و توسعه و احداث و اصلاح معابر بدو نقشه کاملی تهیه کنند و سپس به وسیله هیئت‌های ارزیابی، فهرست جامعی حاوی مقدار مساحت و تعداد درختان و میزان حق ریشه هر ملک که در معرض عملیات قرار می‌گیرد و تصرف می‌شود، با تعیین بهای هر یک از آنها براساس

پرداخت آن است - و در صورت امکان نام مالک و شماره پلاک ملک - تنظیم کنند؛ و سپس ضمن تأیید اعتبار کافی، برای تصویب به انجمن شهر بفرستند و پس از تصویب انجمن برای تأیید به وزارت کشور ارسال کنند.

ماده ۱۷- همین که طرح مصوب انجمن شهر از طرف وزارت کشور تأیید و برای اجرا به شهرداری ابلاغ شد، شهرداری مکلف است ظرف یک ماه جزئیات طرح، مصوبات و تاریخ شروع و مدت تقریبی اجرای آن را برای اطلاع به عموم اعلام کند؛ و ظرف سه ماه پس از این اعلام نسبت به پرداخت قیمت اراضی و امکان و مستحقات مشمول طرح مصوب با رعایت ماده ۲۰ این قانون به صاحبان املاک یا متولیان موقوفه یا قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنان اقدام کند. سپس یا دو ماده مهلت برای تخلیه ملک، نسبت به تصرف و تخریب آن اقدام کند. عدم مراجعه مالک یا مالکان برای دریافت بها مانع از اجرای طرح نخواهد بود.

ماده ۱۸- ارزیابی املاک و تعیین غرامت و پرداخت آن به مالکانی که تمام یا قسمتی از ملک آنها در اجرای طرح‌های نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر و تأمین نیازمندی‌های عمومی شهر مورد تصرف قرار می‌گیرد و دریافت حق مرغوبیت از کسانی که ملک آنها بر اثر اجرای طرح‌های مذکور مرغوب می‌شود، به شرح زیر خواهد بود:

در مورد اعیانی، به نسبت خسارت وارد به ملک ارزیابی و پرداخت می‌شود و در مورد عرصه، ارزش آن به پرداخت بهای یک سال قبل از تاریخ ارزیابی به اضافه ۶٪ تعیین می‌گردد و در صورتی که این قیمت بیش از بهای ملک در تاریخ انجام ارزیابی باشد، بهای زمان ارزیابی مالک عمل خواهد بود.

ماده ۲۰- شهرداری مکلف است بهای عرصه و اعیان ابنیه و امکان و مستحقات مشمول طرح‌های عمرانی و نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر و همچنین حق کسب و پیشه و تجارت موضوع ماده ۲۷ این قانون را ابتدا پرداخت کند.

ماده ۲۲- شهرداری‌ها مجازند اراضی و املاکی را که طبق این قانون به ملکیت خود در می‌آورند، به استثنای اراضی و املاک موضوع ماده ۲۴ این قانون، به منظور نوسازی به موجب قرارداد و در فیال تضمینات کافی به شرکت‌ها و مؤسساتی که با سرمایه کافی و صلاحیت فنی تشکیل یافته‌اند واگذار کند. صلاحیت فنی و عالی این گونه شرکت‌ها به طور کلی و برتری طرح‌های عمرانی آنها براساس نقشه جامع شهر در هر مورد باید از طرف شهرداری پیشنهاد شود و پس از تصویب انجمن شهر، وزارت کشور آن را تأیید کند.

ماده ۲۴- شهرداری‌ها می‌توانند در موقع تنظیم و اجرای طرح‌های نوسازی و همچنین توسعه یا احداث معابری که عرض آنها حداقل ۲۰ متر باشد، با رعایت نقشه جامع یا نقشه هادی شهر، طرح‌های مربوط را به تناسب موقعیت محل و ضوابطی که وزارت کشور تعیین و اعلام خواهد کرد، وسیع‌تر از میزان مورد احتیاج طرح تنظیم و اجرا کنند و اراضی مازاد را در صورت عدم احتیاج از طریق مزایده و با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به فروش برسانند و وجوه حاصل را به حساب درآمد نوسازی و عمران شهری موضوع این قانون منظور کنند.

ماده ۲۷- پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت اشخاص (اعم از

۳۳ شامل حق کسب و پیشه و تجارت است. این مبلغ در صورت تصرف توسط مالک ملک باید بهای آن را بپردازد.

تأسیسات آب آشامیدنی شهرها، فاضلاب طرح‌های حفاظتی، بهبود شبکه عبور و مرور شهری، نوسازی و بهسازی و ایجاد سایر تأسیسات و تسهیلات شهری.

برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۷۲)

در قانون برنامه پنج ساله اول به طور صریح و مشخص به موردی در خصوص بهسازی و نوسازی محله‌های قدیمی اشاره نشده است. ولی در پیوست قانون و بخش‌های برنامه، مطالعات بهسازی و نوسازی شهرها در بخش عمران شهری و در قالب تهیه برنامه‌های توسعه شهری، مد نظر قرار گرفته است.

در سال‌های انتهایی اجرای برنامه اول، موضوع استفاده حداکثر از ظرفیت‌های درون محدوده‌های شهری مطرح شد ولی در طی اجرای این برنامه طرح مستقل و خاصی تحت این عنوان به اجرا نرسید.

برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲ - ۷۷)

در برنامه توسعه دوم کشور (در بخش عمران شهری) موضوع بهسازی، بافت‌های فرسوده (مسئله دار) شهری به طور مشخص در قالب طرح و پروژه‌های ذی ربط مطرح گردید. هدف این طرح‌ها استفاده بهینه از زمین از طریق اصلاح بافت‌های فرسوده و مسئله دار، مرمت و بهسازی ساختمان‌ها و نوسازی و اصلاح محله‌های قدیمی بود. از این جهت برنامه دوم نقطه عطفی در توجه مستقیم، منسجم و برنامه‌ای به بهسازی بافت‌های شهری و تلاش برای حل مسائل مختلف بافت‌های فرسوده و قدیمی به حساب می‌آید.

برای اجرای این طرح‌ها شرکت عمران و بهسازی شهری تشکیل گردید که عمده‌ترین وظایف آن شامل تهیه و اجرای طرح‌های بهسازی بافت‌های شهری، مدیریت و اجرای عملیات، خرید اراضی، تجمع، تفکیک و آماده‌سازی، مشارکت عالی با اشخاص حقیقی و حقوقی در اجرای طرح‌ها، مدیریت و تجهیز منابع داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های شهری بود.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ حدود ۶۰ طرح بهسازی بافت قدیم، محور تاریخی، مجموعه فرهنگی مرکز شهری و موارد مشابه مطالعه گردید که برخی از آنها در طی همین سال‌ها به مراحل تملک و بعضاً مقدمات اجرا نیز - رسیده‌اند.

ابتدا به دلایل متعدد همچون تجربه اندک در بهسازی بافت در سطح وسیع در کشور، غالب این طرح‌ها در عمل نتایج عوفیت‌آمیز زود هنگامی از خود نشان ندادند. بنابراین از سال ۱۳۷۷ شرکت عمران و بهسازی شهری سلسله ارزیابی‌هایی را در خصوص پیشنهادی طراحی‌های شهری و بررسی شیوه‌های مختلف مشارکت مردم، بهسازی در بافت‌ها و روش‌های مختلف نوسازی بافت (جدای از طراحی، تملک، تخریب و اجرای طرح جدید) - از جمله روش‌های رون‌سازی و بهسازی - آغاز کرده است.

مستأجر، مصرف‌کننده یا مالک) که محل کار آنها در اثر اجرای طرح‌های احداث، توسعه معابر و نوسازی و عمران شهری از بین می‌رود، به عهده شهرداری است، مشروط بر اینکه قبل از اعلام مقرر در ماده ۱۶ این قانون ملک محل کسب و پیشه یا تجارت باشد.^(۳۱)

در سال ۱۳۵۳ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی تصویب شد و طی آن تهیه طرح‌های جامع شهری و طرح آمایش سرزمین به این وزارتخانه واگذار گردید.^(۳۲)

نگرشی که بعد از برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم به بخش عمران شهری به عنوان بخشی جامع حاصل شد، به همراه پشتوانه‌های قانونی ذکر شده (قوانین شهرداری‌ها و قانون نوسازی و عمران) می‌تواند ملامت عمل برنامه‌ریزی بهسازی و نوسازی شهری تلقی گردد.

در برنامه چهارم عمرانی، در خصوص طرح‌های جامع شهری، اصولی که در پی ذکر می‌گردد به عنوان مبانی تهیه طرح‌های توسعه شهری مورد توجه قرار گرفت.

- محالمانی که به منظور تهیه طرح‌های جامع شهری صورت می‌گیرد، اصولاً باید دقیق و عاری از ابهام باشد و تصویری روشن از خصوصیات جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، میزان درآمد سرانه، وضع مسکن، ترافیک، نحوه استفاده از زمین و مانند اینها به دست دهد.

- توسعه شهر مبنای اصلی در تنظیم برنامه‌های کوتاه مدت قرار خواهد گرفت.

- همکاری افراد متخصص در رشته‌های مختلف مرتبط با توسعه شهری - اعم از جغرافیلان، جامعه‌شناس، اقتصاددان، کارشناس فنی و حقوقدان - ضروری است.

- شهرهای مهاجرپذیر به منظور تهیه طرح‌های توسعه شهری اولویت دارند.^(۳۳)

همچنین در این برنامه مقرر شد که به منظور تأمین تمام یا قسمتی از هزینه‌های اجرای طرح‌های حفاظتی از قبیل سیل‌بند و سیل‌گیر، تأسیسات و وسایل آتش‌نشانی، خیابان‌سازی، اسفالت و تجدید بنای محله‌های قدیمی و غیربهداشتی و ایجاد پارک‌های عمومی و فضای سبز، شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته عمومی و عام‌المنفعه که طبق قوانین کشور تشکیل شده‌اند و موظف و عهده‌دار تأمین نیازمندی‌های عمومی اند، می‌توانند وام دریافت کنند.^(۳۴)

برنامه عمرانی پنجم کشور (۵۶ - ۱۳۵۲ ش)

در این برنامه در خصوص مواردی چون بهبود نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری، برقراری تعادل مطلوب بین شهرها، و تقویت و بهبود اداره و مدیریت شهرها و سازمان‌های محلی، خط‌مشی‌هایی تدوین گردید و تقویت شهرداری‌ها از جنبه مدیریت و کارایی همچنان مورد توجه قرار گرفت. رئوس مهم این برنامه عبارت بود از:

- تهیه طرح‌های جامع، هادی و تفصیلی؛
- تهیه نقشه‌های بزرگ مقیاس شهری (کاداستر)؛
- ایجاد دفاتر طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی در شهرداری‌ها؛
- توییت کادر فنی مورد نیاز شهرداری‌ها؛ و
- برنامه‌های مشخص عمران شهری در برنامه پنجم مانند:

مکزی و پادشست

۱- Centre Specialist Architecture
 ۲- موسسه تخصصی اصول و روش‌های طراحی شهری و فضای سبز
 ۳- اسراران جوی احمد مرمت آبپه و بافت‌های مجتمع‌های روستایی
 ۴- گروه طراحی استرپو با کارشناسان به‌عنوان متخصص مرمت شهری در منطقه مینول فران که در حقیقت ماکتبی در نوسازی فضای کهن موز و راجه گردیدند و مرمت نمودند.
 ۵- مقالاتی در خصوص نیاز به نوسازی بافت‌های شهری در طی سال‌های ۱۳۶۱ - ۱۳۶۶
 ۶- مقالات - محمدمنصور سعیدی در مجله مرمت شهری، ص ۸
 ۷- Chahrouh
 ۸- اسراران جوی احمد پیشین، ص ۱۱۵
 ۹- سازمان مرمت فرهنگی، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت میراث فرهنگی، ضمیمه شماره ۱۳۱
 ۱۰- همان منبع، ص ۱۲ (اصول برنامه‌ریزی)
 ۱۱- جوی احمد پیشین، ص ۱۰۶ (ارزوازی)
 ۱۲- ECONOMIC
 International Council for Monuments and Sites
 ۱۳- ماکتبی احمد منصور سعیدی در مجله مرمت شهری، ص ۲۴
 ۱۴- همان‌جا، ص ۱۴ و ۱۵
 ۱۵- اسراران جوی احمد پیشین، ص ۱۰۷
 ۱۶- همان‌جا، ص ۱۵ و ۱۶
 ۱۷- همان‌جا، ص ۱۷
 ۱۸- Malpas
 ۱۹- Civil Association Act
 ۲۰- موسسه تخصصی اصول و روش‌های شهری، ص ۲۰
 ۲۱- ماکتبی احمد منصور پیشین، ص ۱۰۶
 ۲۲- همان‌جا، ص ۱۰۴
 ۲۳- جوی احمد پیشین، مقاله در زمینه خصوصیات شهرهای و شهرهای اسلامی، ص ۶
 ۲۴- ماکتبی احمد منصور، قوانین شهری در ایران مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۷
 ۲۵- وزارت کشور، ماکتبی احمد منصور در زمینه‌های عمرانی و فعالیت‌های فنی عمران شهری، ص ۳ و ۴
 ۲۶- ماکتبی احمد منصور، همان‌جا، ص ۷۸ و ۷۹
 ۲۷- سازمان برنامه و بودجه، برنامه عملی هفت‌ساله، مصوب مجلس شورای ملی، ص ۱
 ۲۸- ماکتبی احمد منصور، همان‌جا، ص ۸۰
 ۲۹- وزارت کشور، پیشین، ص ۱۱
 ۳۰- همان‌جا، ص ۱۵
 ۳۱- همان‌جا، ص ۱۶
 ۳۲- ماکتبی احمد منصور، پیشین، ص ۲۹
 ۳۳- جوی احمد پیشین، مقاله در زمینه خصوصیات شهرهای و شهرهای اسلامی (گردآوری ۱۳۷۱) کانون طراحی و عمران شهری
 ۳۴- همان‌جا، ماکتبی احمد منصور در زمینه‌های عمرانی و فعالیت‌های فنی عمران شهری، ص ۲۸
 ۳۵- همان‌جا، ص ۲۱

مشاور حقوقی

محمد رضا بهاروند

کارشناس دفتر
حقوقی سازمان
شهرداری‌ها

ماده صد شهرداری محکوم به جرمه گردیده است. شهرداری به مالک می‌گوید که باید علاوه بر جرمه، عوارضی را هم که برای صدور پروانه به ساختمان مذکور تعلق می‌گیرد بپردازد. آیا پرداخت عوارض علاوه بر جرمه شکل قانونی دارد و یا خیر؟

۱- برای بیان مطالب به طور شفاف و مستند به قانون، عکس و مطالب ابراز شده کافی نیست؛ زیرا^(۱) نقشه جامع و تفصیلی شهر با لحاظ تاریخ تصویب، و^(۲) نوع مالکیت و قدمت ملک در تعاطی با تاریخ تصویب طرح‌های مصوب، ضروری است. به هر حال یا فرض اینکه ملک مذکور دارای مالک شرعی و قانونی است، اعمال لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک

مشاوره حقوقی این شماره به دو سؤال مشخص پاسخ می‌دهد. امید است که نظر پرسش‌کنندگان محترم تأمین شده باشد.

□ عکس‌های شماره ۱ و ۲ هر دو مربوط به یک معبر قدیمی اند و محل عبور و مرور مردم در طرح جدید به صورت گذری ۸ متری دیده شده است. شهرداری در تعریض زمینی از طرفین به میزان دو متر رضایت مالکان را فراهم آورده است. اما مشکل زمانی ایجاد شد که مالک اظهار داشت شهرداری باید خسارت وی را در قضا (یعنی میزانی که در بالای دالان در تصرف او بوده است و در عکس‌ها نیز مشخص است) بدهد. حال سؤال این است که:

- ۱- آیا ادعای مالک ذکر شده دال بر ملکیت، با توجه به اینکه زیر دالان در عبور و مرور مردم مورد استفاده قرار می‌گرفته جایگاه حقوقی دارد یا خیر؛ و شهرداری باید به وی خسارت بپردازد یا خیر؟
- ۲- آیا نیروهای مسلح، شرکت‌های آب و فاضلاب و مؤسسات فرهنگی از پرداخت عوارض صدور پروانه ساختمانی به طور مشخص به شهرداری معاف‌اند؟
- ۳- با توجه به قانون تشکیل شوراهای اسلامی و محول کردن افزایش، کاهش، لغو و تخفیف عوارض مختلف به شوراهای اسلامی، آیا شوراهای اسلامی می‌توانند در صورت معافیت بند ۲ را لغو کنند؟
- ۴- ساختمانی بدون پروانه در کمیسیون



مخس شماره یک

ماه بعد به سازمان بپردازد و صورت مزد یا حقوق بیمه شدگان را به سازمان تسلیم کند. همچنین به استناد ماده ۱۰۰ کارفرمایانی که از تنظیم صورت مزد یا حقوق خودداری ورزند، سازمان جریمه‌ای معادل یک پانزدهم حق بیمه آن ماه را که صورت مزد و حق سهم ارسال نشده است، طبق ماده ۵۰ قانون بیمه از طریق صدور اجراییه وصول خواهد کرد؛ و حتی در بعضی مواقع به توقیف اموال شامل دارایی‌ها، ماشین‌آلات و موجودی شهرداری‌ها نزد بانک‌ها اقدام می‌کند.

ماده واحده مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها، اعم از اینکه در بانک‌ها و یا در تصرف شهرداری و یا نزد اشخاص ثالث و به صورت ضمانت نامه به نام شهرداری باشد، قبل از صدور حکم قطعی قابل تأمین و توقیف و پرداخت نیست. شهرداری‌ها مکلف‌اند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادر شده را از دادگاه‌ها و اوراق اجرایی ثبتی یا اجرایی دادگاه‌ها و مراجع قانونی دیگر، در حدود مقررات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل، و یا در صورت عدم امکان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تأخیر تأدیه، به محکوم لهم پرداخت کنند. حال:

- الف - یا توجه به اینکه ماده واحده صراحت دارد که مطالبات بدون احتساب خسارت تأخیر تأدیه گردد، آیا این مغایر با ماده ۱۰۰ سازمان تأمین اجتماعی است یا خیر؟
- ب - آیا شهرداری‌ها مجاز به پرداخت خسارات تأخیر تأدیه هستند یا خیر؟

○ موضوع صدور اجراییه وصول مطالبات سازمان تأمین اجتماعی به استناد شرح اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تثبیت تفکیک و استقلال قوای عالی کشور و تعیین وظایف و اختیارات اساسی هر یک از قوای حاکمه حسب دو اصل ۶۱ و ۱۵۹ قانون مذکور مسئولیت امر خطیر قضا را به قوه قضائیه محول کرده است. تاسیس و با تشکیل مراجع شبه قضایی برای رسیدگی به برخی از دعاوی و اختلافات و صدور رأی قطعی به منظور حل و فصل و تعیین تکلیف آنها، منوط به حکم یا اذن صریح قانونگذار است.

حاده‌های ۹۲ و ۹۳ این نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی که متضمن وضع قاعده امره منی بر تاسیس مراجع شبه قضایی بدوی و تجدید نظر با عضویت قضات دادگستری در هیئت تجدید نظر به منظور رسیدگی به شکایات از عملیات اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی و صدور رأی قطعی در این زمینه است، برابر رأی شماره ۱۵۳/۷۶/هـ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری لغو گردیده و معاینه قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده شده است. لذا بر این اساس صدور اجراییه از طرف سازمان به استناد مقررات این نامه مذکور و برداشت آن از حساب شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته، وجاهت قانونی ندارد.

برای اجرای برنامه‌های عمومی عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ و همچنین ماده واحد قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ ضروری و لازم الاجراست. این امر بستگی به زمان و ضرورت اجرای طرح هم دارد؛ زیرا چنانچه مالک قصد تجدید بنا را داشته باشد یا درخواست پروانه از شهرداری ارزش ریالی اعیانی ملک خود به خود منتفی می‌گردد.

۲ و ۳ - معافیت‌ها و تخفیف‌های عنوان شده در بند ۲ درخصوص معافیت دستگاه‌های عمومی و دولتی برابر ماده یک و تبصره ۳۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب



عکس شماره دو

۸۱/۱۰/۲۲ لغو گردیده است؛ لذا نیازی به مصوبه شوراهای اسلامی شهرها ندارند.

درخصوص عوارض منازاد بر پروانه ساختمانی، چون مصداق عینی آن بیان نشده است، اظهار نظر شفاف مقدور نیست. به هر حال برقراری هر گونه عوارض و سایر وجوه از مؤدیان - از جمله عوارض ذکر شده موضوع پروانه ساختمان - منوط به رعایت تشریفات لازم و تصویب در مراجع قانونی (مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا) است.

□ سازمان تأمین اجتماعی به استناد ماده ۳۹ کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز

○ به موجب ماده ۳۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور مصوب سال ۱۳۷۵، در صورتی که هر یک از شوراها به علت قوت، استعفا یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی‌البدل فاقد نصاب لازم برای تشکیل جلسه گردد و بیش از شش ماه به پایان دوره مانده باشد، وزارت کشور موظف است حداکثر ظرف مدت دو ماه انتخابات میان دوره‌ای برای تکمیل اعضای اصلی و علی‌البدل و ادامه فعالیت آن برگزار کند. همچنین به موجب ماده ۸۵ قانون مذکور هر گاه شوراهای شهر و شهرک و بخش پس از تشکیل طبق مقررات قانونی منحل شود تا برگزاری انتخابات مجدد و تشکیل شورای جدید، استاندار جانشین آن شورا خواهد بود. بنابراین در موضوع مورد سؤال در صورت تحقق شرایط مندرج در مواد مذکور تا تشکیل شورای اسلامی شهر، استاندار جانشین شورا است.

□ در بعضی از مواقع تعدادی از اعضای حاضر در جلسه شورا برای جلوگیری از اتخاذ تصمیم در مسائلی که مخالف با آن هستند جلسه شورا را ترک می‌کنند و بدین ترتیب جلسه شورا را از نصاب لازم برای اتخاذ تصمیم می‌اندازند، در خصوص چگونگی جلوگیری از این گونه اقدام‌ها چه راهکاری وجود دارد؟

○ در تبصره ذیل ماده ۳۶ قانون شهرداری صراحتاً حکم این مسئله بدین صورت آورده شده است: «تبصره - هر گاه یک یا چند تن از اعضا پس از حضور در انجمن و رسمیت یافتن آن برای جلوگیری از انجام تکالیف و وظایف مقرر که بر طبق این قانون برای انجمن تعیین گردیده جلسه را به قصد از اکثریت انداختن ترک کنند، در حکم غایب در آن جلسه محسوب خواهند شد». بنابراین آن عده از اعضای شورا که به منظور از اکثریت انداختن شورا جلسه را ترک می‌کنند، در حکم غایب محسوب می‌گردند و می‌بایست با آنان مطابق ماده ۲۹ آیین نامه اجرائی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهر رفتار شود. یعنی پس از اینکه عضوی ۶ جلسه متوالی یا دوازده جلسه غیرمتوالی در طول یک سال به طریق پیش گفته یا طرق دیگر، بدون داشتن عذر موجه (به تشخیص شورا) غیبت کند، می‌بایست موضوع برای سلب عضویت وی به هیئت حل اختلاف استان ارجاع گردد.

□ همان طور که می‌دانید، به موجب ماده ۱۴۶ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دوران برنامه سوم واحدهای آموزشی و پرورشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش و همچنین واحدهای آموزشی فنی و حرفه‌ای از پرداخت هر گونه عوارض شهرداری معاف هستند. با توجه به اینکه اخیراً در تبصره ۳ ذیل ماده ۵ قانون اصلاح مواد از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای

□ سازمان تأمین خدمات درمانی پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به موجب ماده ۱۳ قانون اساسنامه سازمان تأمین خدمات درمانی پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۹، از پرداخت مالیات بر درآمد و عوارض و هزینه دادرسی معاف گردیده است. آیا این معافیت کماکان به قوت خود باقی است؟ در این صورت آیا شامل عوارض مصوب شورای اسلامی شهر نیز می‌گردد یا خیر؟

○ به موجب نص صریح تبصره ۳ ذیل ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲، قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها ملغی گردیده است.

بنابراین از تاریخ لازماً اجرا شدن قانون اخیرالذکر، سازمان مورد نظر مشمول پرداخت عوارض شهرداری است.

□ اداره کار و امور اجتماعی اعلام کرده است که مطابق قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار می‌بایست در سازمان انوبوسرانی شورای اسلامی کار تشکیل گردد؛ والا مطابق ماده ۱۷۸ قانون کار متخلفان تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. آیا سازمان انوبوسرانی مشمول قانون مذکور هست یا خیر؟

○ با توجه به فرائض موجود در تبصره ماده ۲ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار (تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراهای اسلامی در چارچوب شرایط مذکور در این ماده به عهده هیئتی مرکب از نماینده وزارت کار، نماینده منتخب وزارتخانه مربوط و نماینده منتخب مجمع کارکنان است) و تبصره ماده ۱۵ (زمان تشکیل شوراها در شرکت‌های بزرگ دولتی از قبیل شرکت‌های تابع وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران، براساس این قانون به تشخیص شورای عالی کار خواهد بود)، قانون موصوف ناظر به واحدهای دولتی است و در مورد مؤسسات غیردولتی از جمله شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به آن قابل اجرا نیست. با این حال چون سازمان انوبوسرانی مشمول قانون مذکور نیست، لذا مشمول حکم ماده ۱۷۸ قانون کار نیز نمی‌گردد.

□ تمامی اعضای شورای اسلامی روستایی از عضویت در شورا استعفا می‌کنند و متعاقب آن روستای مذکور به شهر تبدیل می‌گردد. با توجه به اینکه در اینجا شورای اسلامی روستا وجود ندارد تا در اجرای قانون تغییر عنوان اعضای شوراهای اسلامی روستایی که به شهر تبدیل شده‌اند (مصوب ۱۳۷۸/۵/۱۷) به شورای اسلامی شهر تغییر یابد، آیا مطابق ماده ۸۵ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور استاندار جانشین شورا خواهد بود یا خیر؟

در بخش مشاوره اداری - مالی این شماره به سؤالاتی درخصوص معافیت سازمان تأمین خدمات درمانی از پرداخت مالیات بر درآمد و عوارض، تشکیل شورای اسلامی کار در سازمان انوبوسرانی، جانشین اعضای شورای اسلامی روستا در هنگام تبدیل آن به شهر، چگونگی جلوگیری از ترک اعضای حاضر در شورا برای رسیدن به حدنصاب لازم در هنگام تصمیم‌گیری‌ها، و چگونگی امکان پرداخت مبلغی از بودجه شهرداری به افراد نیازمند و بی‌بضاعت پاسخ گشته می‌شود. ناگفته نماند که پاسخ‌ها صرفاً نمایانگر دیدگاه‌های مشاور ماهاست.

وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱ قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها ملغی شده است، آیا حکم تبصره مذکور شامل معافیت موضوع ماده ۱۴۶ نیز می‌گردد یا خیر؟

○ با عنایت به اینکه در تبصره مذکور بالا حلال قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها ملغی شده است، بنابراین معافیت موضوع ماده ۱۴۶ قانون برنامه سوم نیز مشمول آن گردیده و ملغی است.

□ آیا شورای اسلامی شهر می‌تواند رأساً یا با درخواست شهرداری، به استناد بند ۱۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری تصویب کند که مبلغی به صورت مستمر و ماهیانه از بودجه شهرداری به افراد نیازمند و بی بضاعت پرداخت گردد؟

○ اولاً با توجه به اینکه بند ۱۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری در زمره وظایف شهرداری آمده است، لذا شورای اسلامی شهر نمی‌تواند رأساً و بدون درخواست شهرداری اقدام به اهدای اموال شهرداری کند. ثانیاً بند مذکور به کیفیتی که انشا شده است (۱۰) - اهدا و قبول اعانات به نام شهر یا تصویب انجمن شهر، ناظر به کمک‌های موردی است نه مستمر. به عبارت دیگر، انجام کمک‌های مستمر به افراد بی بضاعت و مستمند در صلاحیت سازمان‌هایی است که بدین منظور تشکیل شده‌اند؛ مانند کمیته امداد امام خمینی و نظایر آن.

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، منس بر اینکه اعمال اختیارات مدیریت در جهت تعمیر محل خدمت مستخدم متخلف به منظور تنبیه او یا عنایت به محدودیت اختیارات مدیریت در اعمال مجازات‌های اداری به شرح ماده ۱۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری سال ۷۲ و جاهت قانونی ندارد.

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۱/۱۳ شماره دادنامه: ۴۱۲ کلاسه پرونده: ۳۴۹/۷۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
شاکی: رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۲ و ۳ تجدید نظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: ۱- شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۶۴/۷۶ موضوع شکایت آقای... به طرفیت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به خواسته ابطال حکم مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۴ و تقاضای اجرای ماده ۳۱ قانون دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۹۱ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ چنین رأی صادر نموده است:

اولاً در خصوص اعتراض شاکی به حکم انتقال مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۴ از عجب شیر آذربایجان شرقی به گناوه استان بوشهر، هر چند که تغییر محل خدمت مستخدم از اختیارات و وظایف مدیریت سازمان متبوع مستخدم است، لکن این اختیار مطلق نیست و استفاده از آن بایستی براساس ضوابط و مقررات قانونی و دلایل توجیهی - از لحاظ نیاز و ضرورت انتصاب جدید - صورت گیرد. بنا به مراتب مذکور و توجه به احکام خلاق که در باره شاکی صادر گردیده و به موجب دادنامه‌های مورخ ۱۳۷۲/۱/۱۷ و ۱۳۷۵/۵/۲۵ شعبه هشتم دیوان ابطال شده

و نتیجتاً شاکی طبق حکم مورخ ۱۳۷۵/۱/۱۴ به سمت نماینده ثبت عجب شیر منصوب و مشغول به کار گردیده. انتقال مشارالیه پس از ۶ ماه از عجب شیر به گناوه با مسافت تقریبی ۲۶۰۰ کیلومتر بدون درخواست ثبت گناوه و بدون محکومیت صرفاً بنا به دستور ریاست وقت سازمان ثبت اسناد و املاک و بدون رضایت مستخدم و بدون ارائه دلایل توجیهی از لحاظ ضرورت این انتقال صورت گرفته، مثبت تضییع حقوق قانونی نامبرده تشخیص و حکم انتقال مورد اعتراض ابطال می‌گردد.

ثانیاً...

۲- شعبه دوم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۹۲۶/۷۸ موضوع تقاضای تجدید نظر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۷۹۱ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ شعبه هشتم دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۲۳ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۲ چنین رأی صادر نموده است که گر چه انتقال مستخدم با توجه به مقررات قانون استخدام کشوری و در چارچوب آن در اختیار دستگاه متبوع می‌باشد که از جمله آن موارد اعلام نیاز و رضایت مستخدم بوده که در مانحن قیه با توجه به اظهارات نمایندگان اداره ثبت در صورتجلسه مورخ ۱۳۷۸/۶/۲۹ اعلام نیازی در پرونده مشاهده نمی‌شود. علی هذا دادنامه شماره ۷۹۱ صادره از شعبه هشتم خالی از اشکال قانونی است و تجدید نظر خواه دلیلی بر مخدوش بودن آن ارائه نداده؛ لذا با رد تجدید نظر خواهی عملاً تأیید می‌شود.

ب- شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۷/۷۶ موضوع شکایت آقای... به طرفیت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به خواسته لغو حکم انتقال مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۳ به شرح دادنامه شماره ۱۰۶۷ مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۹ چنین رأی صادره نموده است: مدیرکل حقوقی سازمان ثبت اعلام نموده هر نهاد یا سازمانی براساس سیاست‌های کلی تشکیلات و رفع نیاز محل‌های مختلف تصمیم به نقل و انتقالی می‌گیرد. انتقال آقای... هم با توجه به سیاست‌های پیش‌بینی شده و مصالح و مقتضیات اداری که از اختیارات بازر رئیس دستگاه می‌باشد انجام گرفته است. با عنایت به مراتب فوق و با در نظر گرفتن اختیارات رئیس سازمان مربوطه تخرقی از مقررات و ضوابط قانونی از ناحیه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور احراز نمی‌شود؛ فلذا شکایت شاکی غیر وارد تشخیص و رأی به رد شکایت صادر می‌شود.

ج- ۱- شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۱/۷۶ موضوع شکایت آقای... به طرفیت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به خواسته لغو حکم مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۶ انتقال به مرودشت، به شرح دادنامه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۳ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه تغییر محل جغرافیایی خدمت از مصادیق مجازات‌های تعیین شده در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری است و اعمال این مجازات بدون طرح موارد تخلف در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری موجه نیست و از طرفی اعمال سیاست و مقتضیات اداری بدون کسب موافقت کارمند راجع به تغییر محل خدمت وی موجه نخواهد بود، بنابراین شکایت شاکی را در خصوص انتقال وی به ثبت مرودشت بدون تقاضای وی و یا صدور حکم از مرجع رسیدگی به تخلفات اداری وارد تشخیص و رأی به لغو حکم مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۶ کارگزینی صادر می‌نماید.

۲- شعبه سوم هیئت تجدید نظر دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۵۲/۷۷/۳ موضوع تقاضای تجدید نظر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به دادنامه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۳ صادره از شعبه هفتم دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳ چنین رأی صادر نموده است: اعتراض سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به دادنامه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۳ صادره از شعبه هفتم دیوان با توجه به مندرجات لایحه اعتراضیه و سایر محتویات پرونده وارد تشخیص و با فسخ دادنامه بدوی شکایت رد می شود. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین مقدسی فرد، معاون قضایی دیوان، و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

هر چند تعبیر محل جغرافیایی مستخدمین دولت به تقاضا یا رضایت آدان و یا بنا به مقتضیات اداری - در صورت اجتماع شرایط و عوامل مؤثر در این زمینه - از اختیارات مدیریت است، لیکن تغییر محل جغرافیایی مستخدم دولت به موجب بند ۵ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ در زمره مجازات های اداری قلمداد شده است و اعمال آن در باره مستخدمین خاطی منوط به صدور رأی قطعی از طرف هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری می باشد. بنابراین اعمال اختیار مدیریت در جهت تغییر محل خدمت مستخدم متخلف به منظور تهیه او، یا عنایت به محدودیت اختیارات مدیریت در اعمال مجازات های اداری به شرح ماده ۱۳ قانون مذکور، وجاهت قانونی ندارد و دادنامه شماره ۲۹۱ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۱ شعبه هشتم بدوی که با توجه به محتویات پرونده صادر شده و مبنای این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد
رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در خصوص افراد ذی حق و دارای سمت قانونی در مورد شکایت از آرای کمیسیون های ماده صد قانون شهرداری.
تاریخ: ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ شماره دادنامه: ۴۱۸ کلاسه پرونده: ۱۸۱/۸۰
مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
شاکی: شهرداری کرج.
موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۳ و ۶ و ۱۴ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۱۲/۷۸ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت شهرداری کرج به خواسته، اعتراض به رأی کمیسیون تجدید نظر ماده صد به شرح دادنامه شماره ۱۱۷۱ مورخ ۱۳۷۹/۷/۹ چنین رأی صادر نموده

است:

صرفنظر از اینکه در گزارش خلاف به پلاک نشی اشاراتی نشده و به نفع رأی هم فاقد پلاک، ایست است و دلیل و مستندی مبنی بر اینکه کلاً پلاک مورد نظر در طرح دبستان قرار دارد در پرونده ملاحظه نمی شود و به تبع مفاد نامه مورخ ۱۳۷۷/۶/۲۲ مسکن و شهرسازی استان تهران که در خصوص تمکک پلاک ۲۶۵/۷۵ به مساحت ۲۴ متر مربع اشاره شده، مشخص نیست در خصوص ملک شاکی هم مصداق دارد یا خیر؛ فارغ از این مورد از طرفی اخطار به کمیسیون ماده صد بدوی در مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۴ ابلاغ که در آن قید گردیده ظرف ده روز کتباً دفاع خویش را تسلیم کند که قبل از انقضای آن کمیسیون بدوی در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۸ مبادرت به صدور رأی نموده که این امر برخلاف این نامه مورد نظر می باشد و رأی کمیسیون تجدید نظر ماده صد شماره ۱۲۳۹ مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۱ نیز دارای دو اعضا - که مبنی حضور دو عضو از سه عضو می باشد - بوده در حالی که کمیسیون ماده صد متشکل از سه نفر تشکیل می شود زیرا به استناد تبصره یک ماده صد اساساً کمیسیون مرکب از نمایندگان وزیر دادگستری و وزیر کشور و یکی از اعضای انجمن شهر تشکیل می گردد که بدین شکل کمیسیون رسمیت قانونی نداشته و تصمیم آن نیز اعتباری از این حیث ندارد؛ علی هذا حکم به ورود شکایت و فسخ رأی معترض عنه و رسیدگی مجدد در کمیسیون همعرض صادر می گردد.

ب - شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۸۶/۷۹ موضوع شکایت خانم ... به طرفیت شهرداری کرج متعلقه ۵ به خواسته تخفیف در جریمه و لغو رأی کمیسیون ماده صد به شرح دادنامه شماره ۱۶۲۳ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳۰ چنین رأی صادر نموده است:

اولاً در خواست شاکیه مبنی بر تخفیف جریمه خارج از صلاحیت رسیدگی دیوانی بوده و از شمول ماده یازده قانون دیوان عدالت اداری خارج می باشد و ثانیاً مشارالیها فاقد سند رسمی مالکیت بوده و طرح دعوی یا سند قولنامه ای محمل قانونی ندارد. بنا به مراتب مارالذکر قرار رد شکایت صادر و اعلام می گردد.

ج - شعبه ششم در رسیدگی به پرونده های کلاسه ۱۶۹۰/۷۷ و ۹۵۵/۷۸ موضوع شکایت آقای ... و به طرفیت شهرداری متعلقه ۵ کرج به خواسته لغو رأی کمیسیون تجدید نظر ماده صد قانون شهرداری به شرح دادنامه های شماره ۱۶۹۳ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۴ و ۲۸۴ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۰ نظر به اینکه دلیل مالکیت شاکی یک برگ قرار داد و قولنامه عادی بوده که وفق مواد ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک قابل پذیرش در مراجع قضایی و ادارات نمی باشد، قرار رد شکایت را صادر نموده است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین مقدسی فرد و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به انتساب تخلفات توسط شهرداری به شاکیان

پرونده‌های فوق‌الذکر و اینکه کمیسیون‌های موضوع ماده صد قانون شهرداری نیز اشخاص مذکور را متخلف شناخته و علیه آنان صدارت به صدور رأی قطعی کرده است، بنابراین اشخاص مذکور نیز به حکم قسمت اخیر تبصره یک ماده صد قانون شهرداری و بند الف ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان در زمینه اعتراض نسبت به رأی که به نام آنان صادر شده است، ذی حقی و دارای سمت قانونی می‌باشند. در نتیجه دادنامه شماره ۱۷۱۱ مورخ ۱۳۷۹/۷/۹ شعبه چهاردهم بدوی دیوان در حدی که مبین این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مبنی بر اینکه افزایش تعداد واحدهای تجاری به بیش از تعداد مندرج در پروانه، بدون اخذ مجوز از شهرداری تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت کمیسیون ماده صد است.

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ شماره دادنامه: ۴۶۸ کلاس پرونده: ۱۹۱/۸۰

مراجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: اداره کل حقوقی شهرداری تهران.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تمارض آزادی صادره از شعب

اول و چهارم تجدید نظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه

موضوع شکایت شکات به طرفیت شهرداری منطقه ۱۲ تهران -

کمیسیون ماده صد به خواسته اعتراض به رأی قطعی شماره

۲۶۰۰۳ مورخ ۱۳۷۶/۱/۳ صادره از کمیسیون تجدید نظر

ماده صد قانون شهرداری‌ها به شرح دادنامه شماره ۱۱۱۴،

۱۱۱۴، ۱۱۱۷، ۱۱۲۶ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۳ چنین رأی

صادر نموده است:

نظر به اینکه به موجب پروانه ساختمانی مورخ ۱۳۵۹/۴/۱ و

پایان کار مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۳ در ملک پلاک ثبتی شماره

۶۸۴۲ سطح تجاری مورد قبول شهرداری ۴۱۶ متر مربع

می‌باشد و نظر به اینکه تغییر تعداد مغازه‌ها در سطح تجاری مورد

قبول شهرداری از لحاظ تبدیل یک باب به دو باب صرفاً مستلزم

اخذ عوارض می‌باشد نه رفع خلاف، و در نیم طبقات تجاری نیز

چنانچه اصول فنی و شهرسازی رعایت شده باشد اخذ جویزه منع

قانونی ندارد، و با لحاظ اینکه در صدور رأی معترضه عنه موارد

مذکور در فوق مورد لحاظ قرار نگرفته است، بر رأی صادره از این

حیث ایراد وارد است؛ علی‌هذا رأی به ورود شکایت و نقض رأی

معترض عنه و ارجاع پرونده به کمیسیون تجدید نظر همعرض

صادر می‌گردد.

ب - شعبه اول تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت

۱۵۹/۷۹/۱ موضوع تقاضای تجدید نظر اداره حقوقی شهرداری

تهران به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۱۱۲۶ مورخ

۱۳۷۸/۹/۱۲ چنین رأی صادر نموده است:

اعتراض وارد است زیرا بر خلاف استنباط استدلال شعبه در رأی

معترض عنه تجدید نظر خواننده با افزایش سطح تجاری در طبقات همکف و اول تعداد واحدهای تجاری را از ۱۴ باب مغازه به ۲۸ باب مغازه بدون اخذ مجوز توسعه داده و بدون مجوز صدارت به احداث نیم طبقه در مغازه‌ها نموده است. علی‌هذا نظر به اینکه رأی کمیسیون ماده صد وفق مقررات اصدار یافته و به رسیدگی آن نیز ایراد و مشکلی به نظر نمی‌رسد، دادنامه معترض عنه فسخ و شکایت شاکی بدوی مردود اعلام می‌گردد.

ج - شعبه اول تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت

۱۶۴/۹/۱ موضوع تقاضای تجدید نظر اداره کل حقوقی

شهرداری تهران به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۱۱۱۴

مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۳ شعبه هجدهم دیوان به شرح دادنامه شماره

۲۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۹، ضمن رد اعتراض تجدید نظر خواه

دادنامه بدوی را در حد رسیدگی مجدد در کمیسیون همعرض

تأیید نموده است.

د - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۵۳/۷۹/۴

موضوع تقاضای تجدید نظر اداره کل حقوقی شهرداری تهران در

دادنامه شماره ۱۱۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۳ شعبه ۱۸ دیوان به

شرح دادنامه شماره ۱۸ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۶ با رد اعتراض

تجدید نظر خواه دادنامه بدوی را در حد رسیدگی مجدد تأیید

نموده است.

ه - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۴/۷۹

موضوع تقاضای تجدید نظر اداره کل حقوقی شهرداری به خواسته

تجدید نظر در دادنامه شماره ۱۱۱۷ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۳ شعبه

۱۸ دیوان به شرح دادنامه شماره ۱۸۱ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۶،

ضمن رد اعتراض تجدید نظر خواه دادنامه بدوی را در حد رسیدگی

مجدد تأیید نموده است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در

تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و

با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر

تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به

شرح آتی صدارت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به ماده صد قانون شهرداری و تبصره‌های آن مالکان

اراضی واقع در محدوده شهرها مکلف‌اند با اخذ پروانه از شهرداری

مربوط و رعایت مراتب مندرج در آن اقدام به احداث ساختمان با

مساحت و کاربری مذکور در پروانه مربوط نمایند، بنا به جهات

فوق‌الاشعار و اینکه اقدام مالک به افزایش واحدهای تجاری بیش

از میزان و تعداد مذکور در پروانه صادره پس از صدور گواهی

پایانکار بدون اخذ جواز مجدد از شهرداری و جاهت قانونی نداشته

و رأی قطعی کمیسیون تجدید نظر ماده صد قانون شهرداری در

این خصوص وفق مقررات صادر شده است، دادنامه قطعی شماره ۹

مورخ ۱۳۸۰/۱/۱۷ شعبه اول تجدید نظر دیوان صحیح و منطبق

با موازین قانونی تشخیص داده می‌شود، این رأی به استناد قسمت

اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب

دیوان و سایر مراجع ذی ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف‌آبادی

به کوشش لیلا مختاری زائر

۱-۳ (هزینه تأمین و توسعه و تجهیزات و وسایل شهرداری‌های نمونه به مبلغ چهل میلیون ریال)، به موقع اجرا گذارده شود. مستهی برای اجرای این بودجه و طرح فوق‌الذکر از تسهیلات و مقررات مالی و اداری اتحادیه شهرداری‌ها استفاده شود. نظر به اینکه طبق اظهار شفاهی آقایان مدیر عامل و صدر مجری طرح شهرداری‌های نمونه، بودجه پیشنهادی ایشان مورد قبول و موافقت جناب آقای وزیر کشور واقع شده، مقرر می‌شود که بودجه طرح شهرداری‌های نمونه با کسر چهل میلیون ریال مندرج در بند ۱-۳ برای تصویب نهایی و صدور دستور اجرا به جناب آقای وزیر کشور تقدیم گردد.

حسماً تا تصویب اساسنامه پیشنهادی اتحادیه که به هیئت وزیران تقدیم شده باید آقای مدیر عامل کماکان برای پیشبرد برنامه شهرداری‌های نمونه طوری با آقای صدر مجری طرح همکاری و معاضدت نمایند که ایشان بتواند از کلیه امکانات اداری و پرستی اتحادیه برای تسریع در انجام برنامه استفاده لازم را بنماید.

امضاء: میهن

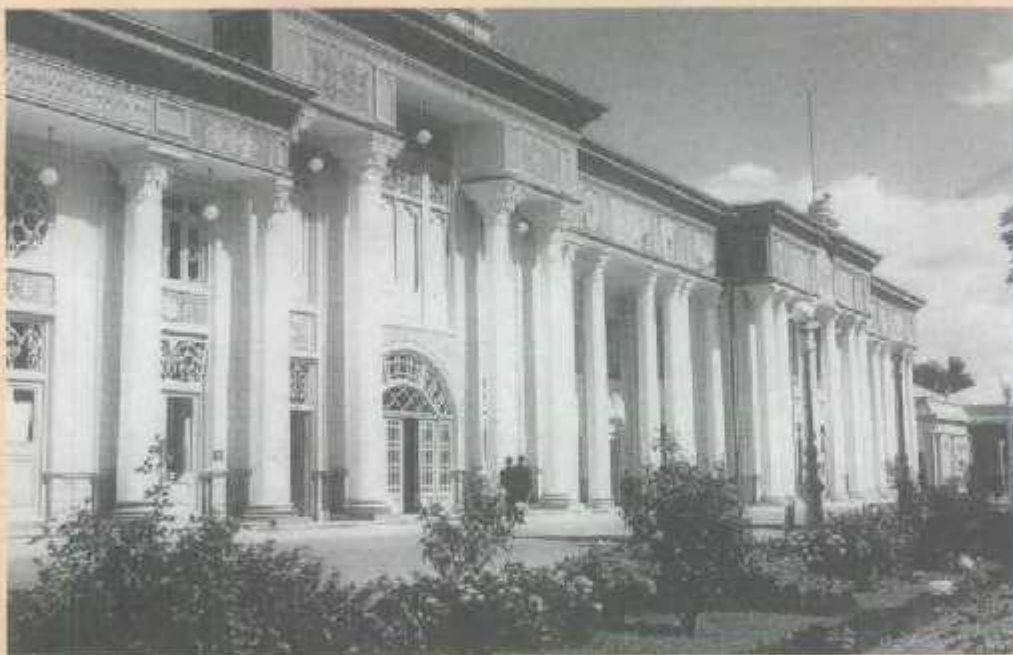
سند حاضر متن صورتجلسه هیئت مدیره اتحادیه شهرداری‌های ایران در خصوص تسریع در اجرای طرح شهرداری نمونه است. مطابق این سند، شهرداری نمونه بودجه‌ای مزاد بر دیگر شهرداری‌ها دریافت خواهد کرد، که این خود عاملی است برای تشویق بیشتر.

وزارت کشور
اتحادیه شهرداری‌های ایران

[۴۶/۲/۱۹]

صورت جلسه

جلسه هیئت مدیره اتحادیه در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه ۴۶/۲/۱۹ به ریاست جناب آقای میهن و عضویت آقایان مهندس خالقیان و آقای دکتر نبوی تشکیل گردید. آقایان مهندس سرفرح مدیر عامل و دکتر هاشمی مشاور اتحادیه و صدر مشاور اتحادیه و مجری طرح شهرداری‌های نمونه نیز در جلسه حضور داشتند. آقای صدر اظهار داشتند که بودجه طرح شهرداری‌های نمونه تهیه و به جناب آقای وزیر کشور تقدیم شده [و] معظّم‌له موافقت فرموده‌اند که بودجه مزبور به استثنای بند



حفظ و گسترش فضای سبز شهری

تورج حیدر نیا دلخوش
کارشناس امور شهری

مقدمه

پارک‌های محله‌ای و متعلقه‌ای، و همچنین ایجاد و بهره‌گیری از پوشش‌های گیاهی در گونه‌های مختلف در اطراف بزرگراه‌ها و پهنه‌های عمودی شهرها (نظیر نیمه‌های مشرف به بزرگراه‌ها) اینها در جای خود موضوع درخور توجهی را تشکیل می‌دهند و علاوه بر ایجاد زیبایی و سیمای سبز در شهرها، شرایط تلطیف و تأمین هوای پاک را نیز در آنها فراهم می‌سازند؛ لیکن حفظ و استفاده از باغ‌ها و اراضی منجر یا ویژگی‌های طبیعی (با اندک تغییر در عمومی ساختن استفاده از آنها) ضمن جلوگیری از هزینه‌های زیاد در تهیه و اجرای طرح‌ها، بهسازی محیط و هوای شهری را نیز به دنبال خواهد داشت.

مقررات حاکم در حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها

۱- لوایح بار در سال ۱۳۴۷ در قانون توسازی و عمران شهری (ماده یک قانون) در مورد حفظ پارک‌ها و باغ‌های عمومی شهر در محدوده قانونی مواردی مطرح گردید. لیکن به علت فقدان ضوابط اجرایی متون، شهرداری‌ها اقدامات خاصی را در این زمینه انجام ندادند. در سال ۱۳۵۹ لایحه‌ای با عنوان لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها به تصویب رسید، که طی آن به منظور حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، قطع هر نوع درخت در معابر و میدان‌ها و پارک‌ها و باغ‌ها (و به طور کلی محل‌هایی که باغ شناخته می‌شوند) در محدوده قانونی و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری ممنوع اعلام گردید. حتی مالکان باغ‌های خصوصی نیز اجازه قطع درخت را در داخل ملک خود بدون اجازه شهرداری نداشتند. آنچه مطابق مفاد این قانون مستثنی اعلام گردید، اراضی مشجر و اماکن مسکونی با مساحت کمتر از ۵۰۰ مترمربع بوده است (موضوع قسمت صدر تبصره یک ماده ۴ قانون).

برابر مفاد تبصره یاد شده، تفکیک قطعات اراضی مشجر و باغ‌های بزرگتر از ۵۰۰ مترمربع برابر مقررات شهرداری مجاز است، لیکن قطع درخت در قطعات تفکیک شده با هر مساحت بدون تحصیل اجازه شهرداری، که مطابق ضوابط اجرایی این قانون مشخص می‌شود، ممنوع است. شهرداری‌ها نیز در پروانه‌های ساختمانی‌ای که صادر می‌شود، تعداد درختی را که در اثر احداث ساختمان قطع می‌شود مشخص می‌سازند. مطابق قانون حفظ و گسترش فضای سبز مالکان باغ‌ها (و محل‌هایی که باغ شناخته می‌شوند) مکلف‌اند به ازای درخت‌هایی که اجازه قطع آن از طرف شهرداری صادر می‌گردد، دو اصله درخت در همان محل - و یا در محلی که شهرداری تعیین می‌کند - غرس کنند.

یکی از نکات مهم این قانون به شرح مندرج در ماده ۶ آن، راجع به متخلفانی است که عالماً و عامداً مرتکب قطع می‌شوند و با

در گذشته‌های نه چندان دور، حاشیه اغلب شهرهای کشور و حتی داخل مناطق شهری، خصوصاً شهرهای واقع در نواحی مرکزی ایران، پوشیده از باغ‌ها و اراضی مشجر بود. کمبود جمعیت و یا نبود جمعیت زیاد در شهرها و تناسب موجود بین بافت مسکونی شهرها با تعداد جمعیت ساکن در آن، هیچ‌گونه تهدیدی را برای تبدیل باغ‌ها و اراضی مشجر درون یا حاشیه شهرها به همراه نداشت. ساکنان شهرها نیز همواره از مواهیبی چون فضای سبز طبیعی به صورت باغ‌های میوه و اراضی غیر مشجر بهره‌مند بودند و در حفظ و حراست از آنها می‌کوشیدند. دگرگونی‌های ناشی از مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در ایران، خصوصاً از دهه چهل به بعد، موجب ظهور پدیده مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ گردید. تقاضای اشخاص برای دستیابی به امکانات رفاهی، اقتصادی و اجتماعی و خدماتی شهرهای بزرگ از یک سو، و فقدان اراضی بلامعارض کافی برای تبدیل به واحدهای مسکونی و خدماتی و صنعتی از سوی دیگر، باعث گردید که اراضی مشجر و باغ‌های درون شهری و حاشیه شهرها مورد دستبرد دلالان و سازندگان واحدهای مسکونی و خدماتی - یا هدف سودجویی بیشتر - قرار گیرد و زمین تبدیل به کالای سرمایه‌ای شود. این روند به گونه‌ای بوده است که امروزه از باغ‌های مصفاً و سرسبز و اراضی مشجر درون شهری در شهرهایی چون تهران و اطراف آن و همچنین شهرهای دیگر، جز نوار سبز محدودی چیزی باقی نمانده است.

فضای سبز شهری به عنوان عاملی مهم در تلطیف هوا و جذب‌های از نظر مطلوب شهری همواره مورد توجه عموم مردم است و در شهرداری نیز سهم عمده‌ای را در منطقه‌بندی و تعیین سرانه‌های فضای سبز عمومی به خود اختصاص می‌دهد. لذا تخریب باغ‌ها و اراضی مشجر و زراعی با هدفی که اشاره شد، مدیران و برنامه‌ریزان شهری را بر آن داشت که برای حفظ آنچه که از این گونه اراضی در شهرها باقی مانده است، و همچنین گسترش فضاهای سبز در شهرها، تمهیدات قانونی ببندیشند. در ادامه، در بحث مقررات مربوط به حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، موارد متعدد قانونی که تاکنون برای تحقق این امر به وجود آمده است، ذکر خواهد شد. طراحان شهری به منظور حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مواردی را در قالب طرح‌های شهرداری پیش‌بینی و مطرح می‌سازند.

از این دست است استفاده از باغ‌های موجود به صورت پارک‌های تفریحی یا سیاحتی و یا تبدیل اراضی زراعی کوچک درون شهری به

موجبات از بین رفتن درختان مشمول قانون را فراهم می‌سازند. اینان در صورت اجراز تخلف به حبس تا ۲ سال و پرداخت جزای نقدی بر حسب نوع و محیط بن و سن درخت و موفقیت استقرار آن محکوم خواهند شد. در نصوصه یک دلیل این ماده اشاره شده است در صورتی که قطع درخت از طرف مالکان به نحوی باشد که باغی از بین برود و از زمین آن به صورت تفکیک و خانه‌سازی استفاده شود، همه زمین

اولین بار در سال ۱۳۴۷ در قانون نوسازی و عمران شهری (ماده یک قانون) در مورد حفظ پارک‌ها و باغ‌های عمومی شهر در محدوده قانونی مواردی مطرح گردید. لیکن به علت فقدان ضوابط اجرایی مدون، شهرداری‌ها اقدامات خاصی را در این زمینه انجام ندادند

به نفع شهرداری ضبط می‌شود و به مصرف خدمات عمومی شهر و محرومان می‌رسد. متأسفانه شهرداری‌ها تاکنون از این نکته قانونی استفاده مطلوبی نکرده‌اند و کمتر دیده شده است که شهرداری موفق به اجرای مفاد این قانون در موارد تخلف شود. به نظر می‌رسد موفقیت شهرداری‌ها در این زمینه نیاز به همکاری مراجع قضایی دارد، زیرا برای ضبط اموال اشخاص به حکم قضایی نیاز است. برابر ضوابط اجرایی مربوط به قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، محل‌هایی باغ شناخته می‌شوند که مساحت آنها بیشتر از ۵۰۰ مترمربع باشد و در هر متر حداقل یک اصله درخت غیر شمر، و یا در هر ۱۶ مترمربع یک اصله درخت شمر، غرس شده باشد و دارای سند مالکیت به عنوان باغ باشد. شهرداری‌ها در موارد زیر مکلف به صدور مجوز قطع درخت با رعایت سایر مقررات، هستند:

- ۱- درختان غیر شمری که به سن بهره‌وری رسیده‌اند و به قصد انتفاع از چوب قطع می‌شوند. در این صورت چنانچه شهرداری بهای چوب درخت را به مالک بپردازد درخت قطع نخواهد شد.
- ۲- درخت به بیماری مبتلا شده و میزان ابتلا به حدی است که بعضی از درختان ناحیه آسیب می‌بینند، یا ادامه حیات درخت ممکن نیست.
- ۳- قطع درخت به منظور احداث یا تعمیر یا حفر کانال و مجاری آب یا خطوط برق یا لوله‌کشی گاز و تنگن و جز اینها، یا به علت خطر سقوط آن ضرورت داشته باشد.
- ۴- زمینی که در آن درخت وجود دارد محل اجرای طرح‌های عمومی باشد.
- ۵- قطع درخت به منظور غرس مجدد درخت در همان محل.
- ۶- در مواردی که درختان واقع در معابر و میدان‌ها مانع عبور و مرور باشند و یا مزاحمتی برای مالکان مجاور فراهم کرده باشد.
- ۷- خشکسالی و حوادث غیر مترقبه که موجب خشک شدن درخت شده باشد. در مواردی که بر حسب اجازه شهرداری درخت قطع می‌شود، مالکان و متصرفان ملزم به غرس مجدد درخت هستند. برابر ماده ۹ ضوابط اجرایی قانون حفظ و گسترش فضای سبز، حفاظت و آبیاری درختان واقع در محوطه سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و سایر مؤسسات و نهادها به عهده آن سازمان، و در

سایر محل‌های مشمول قانون - اعم از مسکونی و جز آن - به عهده مالکان و متصرفان است.

به منظور تشخیص باغ و تعیین بن هر درخت (شمر و غیر شمر) و همچنین رسیدگی به تقاضای قطع درخت، موضوع در کمیسیون در تهران (مرکز) از نماینده قنی شهرداری، مدیر عامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز، نماینده شورای شهر تهران، و در سایر شهرها نماینده شهرداری و نماینده شورای شهر و رئیس اداره فضای سبز شهرداری مطرح می‌شود و تصمیم کمیسیون به عنوان ضابطه به شهرداری ارائه می‌گردد.

۲- در سال ۱۳۶۲ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به منظور تفکیک و افزای باغ‌ها و زمین‌های زراعی ضوابطی را با عنوان ضوابط و مقررات تفکیک باغ‌ها و مزارع در محدوده شهری به تصویب رساند. براساس بند یک ماده ۲ این دستورالعمل حداقل مساحت تفکیک و افزای باغ‌ها و اراضی مشجر در محدوده قانونی شهرها ۲۰۰۰ مترمربع و حداقل تفکیک اراضی زراعی در حریم شهرها طبق ماده ۲ دستورالعمل ده هزار مترمربع تعیین گردید. لیکن نصوصه مذکور به موجب رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری باطل اعلام شد و قابلیت اجرایی خود را از دست داد.

۳- یکی از قوانینی که در تحقق اهداف دولت برای حفظ و گسترش فضای سبز مؤثر است و موجب جلوگیری از تبدیل و تغییر کاربری بر رویه باغ‌ها و اراضی زراعی می‌شود، قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۵ است.

ماده ۱۴ این قانون تبدیل، تغییر کاربری، افزای، تقسیم و تفکیک باغ‌ها و اراضی کشاورزی و آبی را با رعایت ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی مجاز دانسته است. این ضوابط با هماهنگی وزارتخانه‌های کشور و مسکن و شهرسازی در قالب دستورالعملی تهیه و به شهرداری‌ها ابلاغ گردیده است که مطابق مفاد این دستورالعمل تفکیک باغ‌ها و اراضی کشاورزی در محدوده شهرها به صورت زیر ممکن خواهد بود.

الف - تفکیک باغ‌ها در داخل محدوده قانونی

۱- الف - فضای سبز عمومی

چنانچه باغ‌های داخل محدوده قانونی دارای کاربری فضای سبز عمومی باشد قابل تفکیک نیست و شهرداری می‌بایست برابر مقررات قانونی نسبت به خرید و تملک آن اقدام و آن را تبدیل به فضای سبز عمومی کند.

۲- الف - باغ مسکونی

چنانچه باغ‌های داخل محدوده قانونی فاقد کاربری فضای سبز عمومی باشند، تبدیل آنها به منطقه باغ مسکونی یا ضوابط تفکیک و ساختمان‌سازی ویژه به شرح زیر خواهد بود:

- ۱- حداقل تفکیک ۲۰۰۰ مترمربع یا تراکم ساختمانی ۲۰ درصد و سطح اشغال ۱۰ درصد
- ۲- حداقل تفکیک ۴۰۰۰ مترمربع یا تراکم ساختمانی ۲۰ درصد و سطح اشغال ۱۵ درصد
- ۳- حداقل تفکیک ۵۰۰۰ مترمربع و بالاتر یا تراکم ۴۵ درصد و سطح اشغال ۱۵ درصد

۳- الف - منطقه مسکونی

در منطقه مسکونی تفکیک باغ‌ها به شرح زیر است:

۱- در منطقه تک خانواری با رعایت مقررات مربوط.

۲- در منطقه چند خانواری حداقل تفکیک ۵۰۰ مترمربع با حداکثر تراکم ۸۰ درصد و با افزایش سطح قطعات به بیش از ۱۰۰۰ مترمربع میزان تراکم ۱۰۰ درصد است. لازم به ذکر است که موضوع واکناری رایگان ۷۰ درصد از سطح باغ‌های منطقه باغ مسکونی در قبال تحصیل اجازه استفاده از مقررات منطقه مسکونی به وسیله دیوان عدالت اداری باطل گردیده است.

۳- در منطقه آپارتمانی، تفکیک باغ حداقل ۱۰۰۰ مترمربع با تراکم حداکثر ۱۰۰ درصد و با افزایش سطح قطعات به بیش از ۲۰۰۰ مترمربع با تراکم حداکثر ۱۲۰ درصد خواهد بود.

ب- تفکیک باغ‌های داخل حریم شهرها

- حداقل تفکیک باغ‌ها در حریم شهرها ۲ هکتار خواهد بود.

- در هر قطعه باغ، احداث یک واحد مسکونی یا حداکثر سطح اشغال ۱۵۰ مترمربع در دو طبقه و یک طبقه زیر زمین مجاز خواهد بود.

- در باغ‌های موجود که کمتر از دو هکتار باشند، احداث ساختمان در باغ‌های کمتر از ۲۰۰۰ مترمربع ۵۰ مترمربع، بین

برابر ضوابط اجرایی مربوط به قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، محل‌هایی باغ شناخته می‌شوند که مساحت آنها بیشتر از ۵۰۰ مترمربع باشد و در هر متر مربع حداقل یک اصله درخت غیرمثمر، و یا در هر ۱۶ مترمربع یک اصله درخت مثمر، عرس شده باشد و دارای سند مالکیت به عنوان باغ باشد

۵۰۰۰-۲۰۰۰ مترمربع حداکثر ۱۰۰ مترمربع در دو طبقه، و در باغ‌های بزرگتر از ۵۰۰۰ مترمربع حداکثر احداث ساختمان ۱۵۰ مترمربع در دو طبقه خواهد بود.

ج- تفکیک اراضی کشاورزی در داخل محدوده قانونی

۱- چنانچه مالکان قصد قطعه‌بندی، تفکیک و ساختمان‌سازی داشته باشند، در صورتی با تبدیل و تغییر کاربری آن موافقت خواهد شد (به وسیله کمیسیون ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و کمیسیون تغییر طرح هادی) که زمین فاقد کاربری مصوب خدماتی و فضای سبز عمومی باشد. همچنین می‌بایست فضاهای خدمات عمومی موضوع مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رعایت شده باشد؛ یعنی در شهرهای کمتر از ۲۰۰ هزار نفر ۵۰ درصد و در سایر شهرها ۵۵ درصد و در تهران ۷۰ درصد زمین برای تأمین فضاهای عمومی واگذار شود.

۲- در صورتی که مالکان قصد تفکیک و قطعه‌بندی نداشته باشند، تفکیک اراضی کشاورزی به شرح زیر خواهد بود:

- حداقل تفکیک شالیزار ۵ هکتار

- حداقل تفکیک اراضی غیرشالیزار ۱۰ هکتار

- حداقل تفکیک اراضی دیم ۲۰ هکتار

د- حداقل تفکیک اراضی کشاورزی و آیش در حریم

شهرها نظیر بند ۲ قسمت «ج» خواهد بود.

بیشتر اراضی زراعی و باغ‌ها در حریم شهرها واقع‌اند و به علت کمبود زمین در محدوده قانونی شهرها این قبیل اراضی با هدف سودجویی کلان به وسیله افراد به طور غیرقانونی قطعه‌بندی و به اشخاص واگذار می‌شود و در آن ساختن و سازهای غیرقانونی صورت می‌گیرد. به همین خاطر در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۳۱ قانونی با عنوان قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی (شامل حریم شهرها) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که مطابق مفاد آن، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها جز در موارد ضروری ممنوع است. در موارد ضروری نیز تغییر کاربری به عهده کمیسینی است مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های کشاورزی، مسکن و شهرسازی، جهاد سازندگی، سازمان حفاظت محیط زیست و استانداری، که در هر استان تشکیل می‌شود.

گفتنی است که با تصویب این قانون مرجع تشخیص اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی شهرها، وزارت کشاورزی است. بنابراین ضوابط اجرایی قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها در آن قسمت که مربوط به تشخیص باغ می‌شود و همچنین مقررات ماده ۱۲ قانون زمین شهری درخصوص تعیین نوع زمین دایر (از نوع باغ یا زمین کشاورزی) در حریم شهرها قابلیت اجرایی ندارد.

مطابق ماده ۲ این قانون در مواردی که به اراضی زراعی و باغ‌ها مطابق مقررات قانونی مجوز تغییر کاربری داده می‌شود، ۸۰ درصد قیمت زمین با احتساب ارزش زمین پس از تغییر کاربری، بابت عوارض از مالکان وصول می‌گردد و به حساب خزانه دولت وارز می‌شود.

مالکان و متصرفانی که اراضی زراعی و باغ‌های واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها را بدون گرفتن مجوز مطابق قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها تغییر کاربری دهند، علاوه بر پرداخت عوارض به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر بهای اراضی و باغ‌ها به قیمت روز یا کاربری جدید محکوم خواهند شد. در صورت تکرار جرم نیز علاوه بر مجازات مذکور، به حبس از یک ماه تا شش ماه طبق اعلام وزارت کشاورزی در مراجع قضایی محکوم خواهند گردید.

آنچه در اجرای دقیق قوانین اهمیت دارد، کنترل و نظارت در نحوه اجرای قانون. خصوصاً کنترل در جلوگیری از وقوع تخلف از مقررات قانونی است. به نظر می‌رسد شهرداری‌ها در قسمت مربوط به جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان و تبدیل باغ‌ها و اراضی کشاورزی به سایر کاربری‌ها موفق عمل نکرده‌اند. در واقع اینها سرفاهم و غم‌خود را مصروف رسیدگی به تخلفات پس از وقوع جرم کرده‌اند، که آن هم از بابت تعیین و وصول جریمه نقدی بوده است. متأسفانه بازوی اجرایی دیگری نیز که شهرداری‌ها را در تحقق اهداف دولت در حفظ و گسترش فضای سبز در محدوده قانونی شهرها یاری کند تعیین نشده است. بنابراین لازم است مسئولان شهرداری و شوراهای اسلامی شهرها و وزارت کشاورزی که مسئولیت حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و همچنین گسترش فضای سبز در داخل و خارج از محدوده قانونی شهرها را به عهده دارند، راهکارهای مناسبی را برای شمال کردن بخش مربوط به جلوگیری از تبدیل زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها پیش‌بینی کنند.

فردوس دمی ز وقت آسوده ماست

گفت و گو با جمشید سعادت‌تمند، شهردار نهاوند

محمد سالاری راد



معدودی فارس و ترک و کرد نیز پیدا می‌شوند. ارتباطات اداری و خدمات بهتر ما با مرکز استان، یعنی همدان، برقرار می‌شود. اما این شهر از دیوبند حوزه نفوذی تا الشتر (در استان لرستان) ایجاد کرده است و علاوه بر رابطه خوبشوندی، نوعی رابطه اقتصادی نیز با آن برقرار می‌کند.

□ آیا نهاوند با شهرهای مجاور احساس رقابت می‌کند؟
○ خیر، ارتباط ما با ملایر، کنگاور، تویسرکان و الشتر، ارتباطی سازنده و فارغ از رقابت است. در منطقه‌ای که قرار داریم، هر شهر حیطه‌ای و وظیفه‌ای جداگانه دارد و مثل بسیاری از شهرهای مجاور رقابتی احساس نمی‌کنیم.

□ شما سابقه کار در شهرداری این شهر یا دیگر شهرها داشته‌اید؟

○ بله، بیش از این در شهرهای اسدآباد، بهار و تویسرکان نیز شهردار بودم که با تشکیل شورا، به‌دلیل اینکه اهل نهاوند هستیم، به سمت شهردار این شهر انتخاب شدم.

□ هنگام آغاز کار با چه مسائل و مشکلاتی روبه‌رو بودید و آیا تاکنون به رفع آنها توفیق یافته‌اید؟

○ در ابتدای کار مهم‌ترین مشکل این بود که شهرداری به سازمانی ضعیف، مبروض، درمانده و بدون حرمت تبدیل شده بود. حقوق کارکنانش را در سه نوبت می‌پرداخت و گاه فاصله آن‌ها ۴۵ روز طول می‌کشید. البته این وضع تقصیر شهرداری نبود؛ چون ابزاری در اختیار نداشت و امکان حرکتی نبود. پس از قبول تصدی شهرداری، با شورای شهر به گفت‌وگو پرداختیم و برای تأمین منابع درآمدی و کاهش هزینه‌های بی‌عده شهرداری تصمیم‌گیری کردیم. در آن

ندارد و اگر بیاد لایق هست، بده - بستن خود شهر با دیگر نقاط پیرامونی است، و اگر خدماتی را متمرکز کرده است تنها به ساکنان خود و حوزه نفوذش تعلق دارد.

چنانچه تلاشی صورت می‌گرفت، مثلاً کوششی که نهاوند را در مسیر ارتباطی قرار دهد یا به تمرکز از سرمایه‌های صنعتی دست یابد، یا حتی دعوت از گردشگرانی که از تاریخ کهن یا طبیعت بسیار زیبا و آرامش کوهستان‌های زاگرس بازدید کنند، آن گاه این شهر نقش بیشتری در توسعه کشور، تولید اقتصادی و پذیرش جمعیت ایفا می‌کند.

برای ارتقای نقش چنین شهرهایی باید فرصت‌های شغلی فراهم شود؛ فرصت‌هایی برخاسته از استعدادهای استفاده نشده، تا به افزایش رفاه شهروندان بینجامد. با آن، فرصت‌های گذران اوقات فراغت نیز تدارک دیده شود تا انگیزه‌های دافعه به حداقل کاهش یابد.

درباره شهر نهاوند، ویژگی‌ها و چگونگی گذران زندگی در این شهر، و به‌ویژه الگوی گذران اوقات فراغت و تدارک‌های شهرداری برای شهروندان، با جمشید سعادت‌تمند شهردار نهاوند به گفت‌وگو نشستیم:

□ آقای شهردار، از دیدگاه شما ویژگی عمومی اقتصادی - اجتماعی شهر نهاوند چیست؟

○ اشتغال اصلی و پایه نهاوند، کشاورزی و دامپروری است. صنایع مختصری هم که وجود دارند، صنایع تبدیلی بخش کشاورزی همچون تولید بنیر و خامه یا ماکارونی‌اند که اشتغال چندانی ایجاد نمی‌کنند. نهاوند در سر راه شهرهای دیگر قرار ندارد و تمام راه‌های ارتباطی اصلی به محوزستان و کرمانشاهان، از کنار نهاوند می‌گذرند. بنابراین نهاوند از اقتصاد حمل و نقل و ترابری هم بهره‌چندانی ندارد. از دیدگاه اجتماعی، مردم ساکن این شهر بیشتر لر هستند و

نهاوند، از شهرهای استان همدان، در یکی از دره‌های رشته کوه زاگرس واقع شده است. آثار کشف شده در این شهر گویای وجود تمدنی پنج هزار ساله است. آثاری از تمدن میان رودان، عیلاسیان، بابلیان، مادها و هخامنشیان بر این نکته تأکید دارند. نهاوند در دوره ساسانیان از شهرهای پرجمعیت و آباد و یکی از هشت شهر سپهبدنشین آنان بود و هنگام حمله اعراب، در مقومتی از خود نشان داد که پیروزی بر آن را فتح الفتح نامیدند. دژ یزدگرد سوم در این شهر، تا یک سده پیش هنوز پایرجا بود، که به دستور ناصرالدین شاه قاجار و از بیم مقاومت و شورش برضد دولت مرکزی، ویران شد.

بر وجود بن عایه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیستی این سامان نمی‌توان شک کرد. از آن جمله‌اند کوه‌های پربرف که آب چشمنه‌ها، رودها و قنات‌ها را برای تمام فصل‌های سال تأمین می‌کنند؛ و دشت‌هایی که به همت مردمان کوشای آن همیشه سرسبزند.

نهاوند اکنون تنها با اتکا بر اقتصاد کشاورزی محیط پیرامونی‌اش، حدود ۷۰ هزار نفر جمعیت را در خود نگه‌داشته است. این در حالی است که هیچ‌راه عبوری اصلی از این شهر نمی‌گذرد. صنعت چشمگیری

می‌شود، بجز آن، پارک‌های لاکه، کوثر، شهر طالبیان و آزادگان نیز ساخته یا تجهیز شدند. این اقدامات همین طور ادامه دارد: قطعه زمین بزرگی در ورودی غربی شهر خریداری گردیده و به پارک اختصاص یافته است، که عملیات برای احداث آن ادامه دارد. رویه‌روی ورزشگاه علیمیرادیان نیز شهرداری زمین بزرگی را تملک کرد و درختکاری در آن را آغاز کرده است.

□ به این ترتیب، بخش بزرگی از اقدامات عمرانی شما در جهت سامان دهی به گذران اوقات فراغت شهروندان مصروف شده است. آیا در این زمینه دیدگاه خصوصی دارید؟

○ شهرداری مسئول سامان دهی اوقات فراغت جوانان است و این را وظیفه خود می‌داند. در غیر این صورت، جوانان ما راهی بجز انحراف‌های اجتماعی، اعتیاد و خشونت یا افسردگی و انزوا نخواهند داشت؛ ضمن آنکه اگر به این مسائل پرداخته نشود، علاوه بر مشکلات مذکور، ممکن است جوانان از این شهر مهاجرت کنند و شهر را با مشکلات و بحران نیروی انسانی مواجه سازند.

□ به این ترتیب، مخاطبان اصلی شما جوانان هستند، آیا پارک و فضای سبز جایگزین نیازهای آنان هست؟

○ جامعه ما به جوانان گرایش دارد و ما فاجایی که به آنها بیشتر بپردازیم، از جمله کارهایی که به آنها پرداخته‌ایم، ایجاد پیست اسکیت و زمین‌های بازی در هر پارک است. علاوه بر آن، ورزشگاه بزرگ علیمیرادیان با امکانات بسیار زیاد در تمام زمینه‌های ورزشی در اختیار جوانان این شهر قرار دارد.

□ بجز جوانان، گروه‌های دیگری هم هستند که به ویژه در شهرهای کوچک حجم انبوهی از گذران اوقات فراغت را ایجاد می‌کنند. از این دست‌اند گروه‌هایی همچون دانش‌آموزان که در زمان فراغت از تحصیل به مکانی برای جنب و جوش نیاز دارند؛ زنان خانه‌دار که مکانی را برای گفت و گو و تولید هنرهای دستی یا صنایع دستی می‌خواهند؛ جوانان بیگار که تا دستیابی به شغل مناسب نیاز به آموزش حرفه‌ای دارند؛ و ساکنان که دوران کهنولت‌شان مملو از فراغت است. در این باره آیا شهرداری نهادند اندیشه یا برنامه‌ای دارد؟

○ شهرداری برای همه گروه‌های اجتماعی ناکزیر از برنامه‌ریزی است و به این منظور ایجاد پارک‌های محله‌ای کوچک در تمام نقاط شهر را در دستور کار قرار داده است، که چند تایی از آنها نیز احداث شده‌اند. در این پارک‌ها وسایل بازی بچه‌ها، فضاهای تجمع و گفت و گو و میزهای شطرنج برای میان‌سالان ندارک دیده شده است. شمع دسترسی آنها حداکثر یک تا دو کیلومتر است که با احداث پارک‌های جدید کمتر هم خواهد شد.

□ آیا شورای شهر و شهرداری در زمینه ایجاد سازمان‌های غیردولتی هم موفق بوده است؟

○ بله، چند سازمان غیردولتی به همت جوانان و مردم تشکیل شده است؛ از جمله انجمن گمنام معنادان که با شناسایی معنادان - بدون آنکه دیگران بشناسند - به آنها در بازسازی شخصیتی،

زمان شهرداری ۲/۲ میلیارد ریال بدهی نقدی، ملکی و تمهیدی داشت و می‌کوشید با فروش ساختمان شهرداری بخشی از بدهی‌های خود را بپردازد. از جمله اولین اقدامات شهرداری این بود که با به جریان انداختن پرونده‌های قبلی؛ درآمدهای وصول شده‌اش را - به کمک استاندار - از بخش‌های دولتی و خصوصی زنده کرد و سپس دریافت عوارض گوناگون را به روال عادی درآورد. شهرداری، افزون بر آن، شهروندان را به ساخت‌وساز و نوسازی واحدهای فرسوده‌شان تشویق کرد و بر اثر همین چند قلم درآمد توانست بخشی از کارکنان در سن بازنشستگی خود را بپرداخت تمام حقوق و مزایا و سنوات بازنشسته کند - و البته حتی یک نفر هم به کارکنان خود نیفزود.

□ آیا شهرداری عوارض ناشی از فعالیت‌های تجاری و صنعتی هم دریافت می‌کند؟

○ عوارض کسب و پیشه که طبق معمول است، اما به دلیل محدود بودن فعالیت‌های صنعتی، عوارض یک درصد از صنعت، رقم چندان بزرگی نمی‌شود. پس از آنکه به شهرداری و شورای شهر، به این نتیجه رسیدیم که می‌توان عوارض محصولات کشاورزی را جانشین عوارض صنعتی کرد. شهرستان نهادند تولید کننده عمده محصولات جالیزی، به‌ویژه خیار و محصولات باغی همچون سیب و هلوست. تصمیم بر این بود که اگر این محصولات به‌صرف داخلی شهرستان برسد، معاف از عوارض است؛ اما اگر صادر می‌شود، به دلیل استفاده از امکانات شهرستان، به ازای هر کیلوگرم صدور این محصولات، ۱۰ ریال عوارض به شهرداری داده شود. این مصوبه شورا به تأیید استانداری هم رسید و شهرداری توانست حدود ۱۰-۱۲ درصد از درآمد خود را تأمین کند. اکنون با این تمهیدات، نه تنها حقوق کارکنان پرداخت گردیده و بدهی شهرداری تسویه شده است، بلکه امکانات کافی برای فعالیت‌های عمرانی نیز نصیب شهرداری نهادند گشته است. البته در این میان بدهی سازمان تأمین اجتماعی باقی مانده است که هر تصمیمی دولت اتخاذ کند شهرداری نایب آن است.

□ گفتید که با ترمیم منابع درآمدی، امکان پرداختن به عملیات عمرانی نیز به وجود آمد. این عملیات به ترتیب اهمیت چه بودند؟

○ ما توانستیم ساختمان شهرداری را حفظ کنیم و با بازسازی آن، حرمت از دست رفته شهرداری را دوباره احیا کنیم. این ساختمان، اکنون به نمادی از شهر نهادند تبدیل شده است. بجز آن، ماشین‌آلات فرسوده شهرداری را نوسازی کردیم. مسیله نهادند را که خطر سیل برای این شهر داشت، لایروبی کردیم و اکنون عملیات دوباره و کف‌سازی آن آغاز شده است. تعریض برخی خیابان‌ها، آسفالت و روکش آسفالت معابر و بسیاری از اقدامات دیگر هم از جمله آنهاست. از دیگر اقدامات شهرداری، توسعه فضای سبز شهر نهادند بود. تهیه این شهر هست به نام تپه انبورد که تقریباً بر همه جا مسلط است. در این تپه حفری‌های غیراصولی انجام می‌گرفت و جنگل آن به تدریج خشک می‌شد. در این دوره کوشیدیم که تپه را نجات دهیم و با توسعه درختکاری و رساندن آب به درختان و ایجاد راه کوهستانی آنجا را به نفع‌جگانهی دندنی برای همه مردم تبدیل کنیم. این تپه به ویژه در روزهای تعطیل به محل تجمع مردم تبدیل



روانی و جسمی شان کمک می‌کند. همچنین می‌توان به انجمن دستان سبز، انجمن شهر سالم و کانون فرهنگی بانوان اشاره کرد که برخی از آنها از یارانه شهرداری نیز استفاده می‌کنند.

□ آیا این سازمان‌ها در سامان دهی گذران اوقات فراغت مردم مؤثرند؟

○ البته همه چیز در ابتدای راه است، اما به طور مثال، هنگامی که گروهی از جوانان داوطلبانه عضو انجمن دستان سبز می‌شوند و می‌کوشند که فرهنگ حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی را به مردم آموزش دهند، اوقات فراغت خود را به بهترین وجهی استفاده کرده‌اند.

□ بجز موارد ذکر شده، اقدامات دیگری برای گذران اوقات فراغت انجام داده‌اید؟

○ ایجاد کانون‌های فرهنگی همچون کتابخانه و سینما نیز از جمله این اقدامات است.

می‌تاند. در میان اعضای جدید، افراد تحصیلکرده و با فعالیت هستند که با آنکا به تجربه‌دور اول، هیچ کدام انتظارات نامعقولی را به مردم تلقی نکرده‌اند. نکته‌ای که در انتخابات اخیر مشاهده کردم، این بود که اعضای قبلی به آنکای معروفیت‌شان شاید تیزی برای تبلیغات احساس نمی‌کردند. همین تبلیغات اندک شاید بر تعداد آرای آنها تأثیر گذاشته است.

□ به نظر شما در دوره جدید چه تحولی می‌تواند شهر و شهرداری‌ها را از شرایط کنونی به شرایطی بهتر ارتقا دهد؟

○ نخست باید مدیریت شهری، به سمت مدیریت واحد شهری گرایش یابد. در شرایط کنونی، شهردار دارای تمرکز تصمیم‌گیری، قاطعیت و شخصیت کافی برای کنترل همه مسائل شهر نیست. بسیاری از مسائل شهر با تعارف و روابط دوستانه و غیراداری با سایر مسئولان امور شهری حل و فصل می‌شود.

دوم، قانون شهرداری بسیار کهنه است و همه چیز آن باید به‌نگام شود - از حقوق و وظایف شهرداری گرفته تا نحوه کسب درآمد. با درآمد پیش‌بینی شده در این قانون امکان خرید یک



لاستیک لودر هم وجود ندارد.

سوم، قانون شوراهای نیز باید تغییر یابد. شوراهای شهرها تبدیل به شوراهای شهرداری‌ها شده‌اند و امکان و اختیار قانونی کافی و مؤثر برای نظارت بر سایر امور شهری را ندارند.

□ در زمینه مدیریت واحد شهری، قانون برنامه سوم ماده ۱۳۶ به واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها پرداخته و بحث لایحه تجمیع عوارض نیز مطرح است. آیا این تحولات در جهت خواسته‌های شما نیست؟

○ برخی از آنها هست و امیدواریم تحولات اساسی در مدیریت شهری رخ دهد اما درازراه جزئیات آن جای بحث و گفت و گو وجود دارد.

مثلاً در لایحه تجمیع عوارض، گردش دیوان سالارانه درآمد - اعتبار - هزینه چندان طولانی است که شهرداری را از فصل کاری‌اش خارج می‌کند و زمانی اعتبار فراهم می‌گردد که آنکاز هزینه کردن آن وجود ندارد.

● ظاهراً امکان پرداختن تضمینی‌تر به همه این موضوعات در این مصاحبه وجود ندارد. بنابراین ضمن تشکر از شما برای شرکت در این مصاحبه، خواهشمندیم دیدگاه‌های خود را برای ما ارسال کنید.

□ این کارنامه را می‌توان کارنامه شورای شهر نیز تلقی کرد. پس چرا در انتخابات اخیر از میان کاندیداهای قبلی، بجز یک نفر، کس دیگری برنده نشد؟ مگر مردم از این اقدامات راضی نبودند؟

○ انتخابات دور دوم شوراهای در تمام کشور نمودی مشابه داشت. البته در این شهر، نسبت شرکت کنندگان به واجدان شرایط حدود ۲۰ درصد بود. به هر حال، به نظر می‌رسد که مردم در انتخابات اخیر به‌توگرای تمایل داشتند و به این ترتیب خواست‌های اداره شهرشان را به افراد جدید و برتری‌تر می‌سپارند.

□ آیا اعضای قبلی انتظارات بیش از اندازه‌ای را وعده داده بودند که تحقق نیافته است، یا اعضای فعلی وعده‌های بسیار زیادی را با مردم مطرح کرده‌اند؟ آیا این تحول را می‌توان از این دیدگاه تحلیل کرد؟

○ در این زمینه می‌بایست با خود مردم به گفت‌وگو پرداخت. اما نظر من آن است که نه اعضای قبلی و نه اعضای جدید، هیچ‌کدام به انتظارات نامتعارف در مردم دامن نزده‌اند، بلکه این قانون شوراهای و انتظارات مردم از قانون شوراهای بود که تحقق نیافت، به ویژه در میان اعضای جدید می‌توان سمت شهردار نیز یافت. به هر حال اگر کسی شهردار باشد محدودیت قانون شورا و حدود اختیارات خود را

ناکارآمدی نظام مدیریت مالی شهر

زمینه و چشم‌اندازها

ایرج اسدی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای



درباره‌کنال اظهاری
کنال اظهاری متولد ۱۳۳۰ در سال ۱۳۵۴ با
درجه کارشناسی اقتصاد از دانشگاه تهران
فارغ‌التحصیل شد. وی تاکنون در مجامع پژوهش
برنامه‌ریزی شهری و اقتصاد فعالین‌های متعددی
انجام داده است. از جمله آنهاست: «مطالعات
اقتصادی طرح مجموعه شهری تهران»، «مشاوره
تشییی در ایران»، «اشتغال و اندازه شهر»،
«مدیریت مالی شهرداری‌ها»، «بررسی ساختار
درآمدی شهرداری تهران»، «سنگین اقتصادی در ایران» و...

همچون ائتلاف وقت فراوان در ترافیک و ازدحام شهری، آلودگی
آب و هوا و خاک، عدم کفایت و کارایی در تأمین خدمات جاری و
مسئله اسکان غیررسمی و نظایر اینها رو به‌رو هستند. باید فضای
لازم را نیز برای روابط امروزین اقتصادی - اجتماعی در شهرها
فراهم آورد. به عبارت دیگر، نه تنها باید معضلات کنونی شهرها
را رفع کنند بلکه باید فضای شهر را برای عصر جدیدی که در آن
حسبیم (عصر ارتباطات و دوران جهانی شدن) تجهیز کنند.

چالش دیگری که شهرداری‌های ما با آن روبه‌رو هستند،
نقصان منابع درآمدی آنهاست. به عنوان نمونه، تراکم‌فروشی که
عملی غیرموجه بود و زندگی‌پذیری شهر را در طول زمان کاهش
می‌داد، اکنون دیگر هزینه‌های بسیار فراتر از عایدی آن شده
است. شاید تراکم‌فروشی را به عنوان منبع درآمدی بتوان چنان
تعدنی پنداشت که برداشتن از رگه‌های اولیه روی آن ابر شهر و
شهروندان کم‌هزینه‌است، ولی برداشتن از لایه‌های زیرین‌ترین
معدن بهره‌زینتر می‌شود و در نهایت به جایی می‌رسد که اصلاً
سودی ندارد. در واقع مدن‌ها بود که تراکم‌فروشی در شهری مثل
تهران و درآمد‌های ناشی از آن کفاف هزینه‌های عمرانی شهر را
نمی‌داد و عملاً صرف خدمات جاری آن می‌شد. این اصلی‌ترین
چالش اقتصادی است که فرا روی شهرداری و شهرهای بزرگ
کشورمانست.

از لحاظ اجتماعی نیز شهرداری‌ها تاکنون بر مردم چنگی
نبوده‌اند و به عبارت دیگر، توانسته‌اند مشارکت مردم را در
برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و نیز کسب درآمد خود وارد کنند. جلب
مشارکت مردم نیازمند نهادسازی و برنامه‌ریزی‌های جدی است
که نباید آن را کمتر از برنامه‌ریزی اقتصادی پنداشت. شاهد این
نکته را می‌توان در انتخابات شورای شهرهای بزرگ به وضوح
مشاهده کرد که مردم با حاضر نشدن در پای صندوق‌های رأی
نشان دادند که رویکرد شورای شهر و شهرداری‌ها برای آنها قانع

افزایش مسئولیت‌های خدماتی نظام مدیریت شهری، بالا
رفتن هزینه‌های اداره و مدیریت، قطع یارانه‌های دولتی و مواردی
از این دست، از جمله چالش‌های اساسی فراروی مدیریت مالی
شهرها و کلان‌شهرهاست. مدیریت شهری برای چیره شدن بر
این چالش‌ها، و تحقق اهداف و چشم‌اندازهای بلند مدت خود
ناگزیر از ساختاربندی‌های مجدد در حوزه‌هایی چون سیاست‌ها و
ابزارهای کسب درآمد، تغییر منابع مالی (مرکزی - محلی)، روی
آوردن به سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در توسعه و ارائه
خدمات و نظام بودجه‌ریزی و مدیریت مالی است. در سال‌های
کنونی، مدیریت شهری کشور با تکیه بر منابع ناپایدار درآمدی (از
جمله فروش تراکم و کمک‌های دولتی) و هزینه آن بدون توجه به
پایمدها و میزان کارایی آنها در تحقق اهداف، بیش از پیش
بر ناپایداری مدیریت شهری افزوده است.

در گفت‌وگوی حاضر، ابعاد این ناپایداری و ناکارآمدی در
مدیریت درآمد و هزینه، زمینه‌های شکل‌دهنده آن و
چشم‌اندازهای آینده در این حوزه به بحث گذاشته شده است.

□ در چند سال اخیر مطالعات متعددی درباره سیستم
مدیریت مالی و جست‌وجوی رویکردهایی برای بهبود تأمین
مالی مدیریت شهری صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که
مدیریت شهری بعد از مدن‌ها به ضرورت بهبود و ارتقای
منابع مالی خود اذعان یافته است. چالش‌های اصلی فراروی
مدیریت شهری کشور را در پذیرش رویکردهای جدید برای
مدیریت تأمین مالی شهرداری‌ها چگونه تشریح می‌کنید؟

○ اولین چالش اساسی فرا روی شهرداری‌ها، به ویژه
شهرداری‌های شهرهای بزرگ کشور، افزایش روزافزون
هزینه‌های آنهاست - چه هزینه‌های توسعه و چه هزینه‌های
خدماتی. شهرداری‌ها علاوه بر اینکه با معضلات بسیاری

کننده نبوده است و آنها، به این ترتیب، حاضر به مشارکت نیستند. برای هر کدام از این ناکارآمدی‌ها باید آسیب‌شناسی ویژه‌ای صورت گیرد تا با روشن شدن ناکارآمدی‌های موجود بتوانی سیاست‌های جدیدی را جایگزین آنها کرد.

□ از ناکارآمدی‌های تأمین مالی سیستم مدیریت شهری سخن به میان آورید. زمینه‌ها و بستر شکل دهنده این ناکارآمدی‌ها را در چه عواملی می‌یابید؟

○ به طور کلی به نظر می‌رسد که رویکرد شهرداری‌ها، چه از لحاظ کسب درآمد و چه تخصیص و هزینه آن، رویکردی نادرست و ناپایدار - و حتی می‌توان گفت سترون - بوده است. البته خود این معلول، یازدانی است از شیوه مدیریت اقتصادی - اجتماعی که از گذشته بر جامعه حاکم بوده است. چنین شیوه‌هایی ممکن است تا مدتی مؤثر باشند ولی امکان تداوم آن وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت که درآمد شهرداری‌های کشور اساساً بر منابع ناپایدار استوار بوده و مولد پایداری هم نبوده است. به عبارت دیگر، نه تنها بر منابع پایدار تکیه نداشته بلکه هیچ وقت نتوانسته است منابع یا زمینه تحقق پایدار را هم فراهم بیاورد.

در طول تاریخ شهرنشینی کشور، نوعی روحیه شهر ستیزی حاکم بوده است که از ایجاد شهرها و به ویژه کلان شهرها دوری جسته و آنها را همیشه پدیده‌های مزارعی پنداشته است. به این دلیل هیچ وقت برنامه ریزی صحیحی برای کلان شهرها به صورت واحدهای توانمند اقتصادی صورت نگرفته است. البته چه بسا اهداف بلندی برای توسعه وجود داشته است ولی شهرها که محل اصلی استقرار این توسعه بوده‌اند (در صنعت، خدمات، فناوری‌های پیشرفته و نظایر آن) به ندرت به عنوان واحدی مجزا مورد نظر قرار گرفته‌اند. این امر شاید بازتاب همان روحیه‌ای است که در نظام تصمیم گیری متمرکز و از بالا به پایین وجود دارد. این نکته‌ای عمومی و تاریخی است. درباره شیوه مدیریت که در اینجا به کناری می‌گذاریم و بر خود شهر و مدیریت مالی و شهرداری متمرکز می‌شویم.

شهرداری - و بعدها شورای شهر - در ادامه روند متمرکزگرای باز به گونه‌های دیگر این ویژگی را با خود همراه داشته‌اند. این نظام (شهرداری و شورای شهر) گویا موظف است فقط برای خدمات روزمره فعالیت کند و داشتن دیدگاه بلند مدتی که بتواند منابع پایدار اقتصادی برای شهر فراهم آورد و ظرفی باشد که به طور مداوم فایده برداشت است، از نکاتی اساسی است که مورد غفلت واقع شده است.

□ همان گونه که عنوان کردید، ویژگی عمده سیستم مدیریت مالی شهرداری‌های کشور ناپایداری درآمدها و هزینه‌های آنهاست. ابعاد مختلف این ناپایداری را چگونه می‌بینید؟

○ در واقع مدیریت مالی شهرداری موقتی پایدار است که ساختار اقتصادی شهر به طور مداوم متحول شود و از آنجا که شهرداری‌ها سازنده زیربنای درونی شهرها هستند، برنامه‌های آنها، باید به گونه‌ای باشد که این زیر بنا و زیرساخت - به ویژه در کلان شهرها - بتواند پدیده‌های اقتصادی روز را در خود جای

دهد. کلان شهرها که امروزه معمولاً با عنوان شهرهای جهانی^{۱۱} شناخته می‌شوند، محل ارتباط اقتصاد ملی و جهانی اند و پذیرای روابط امروزی اقتصادی هستند و اگر نتوانند این شرایط را در خود به وجود آورند قادر به تأمین و توسعه منبع درآمدی پایداری نخواهند بود. امروزه شهرداری‌های کلان شهرهای درجه اول - مانند نیویورک و لندن - به طور مداوم مشغول بازسازی فضاهای شهری خود هستند تا تنوع خود را به عنوان شهری جهانی حفظ کنند. در شهرهای ما هیچ زمانی چنین چشم‌اندازی برای شهر ترسیم نشده است. چنین چشم‌اندازی اغلب در طرح‌های توسعه شهری، مد نظر قرار می‌گیرد و شهردارها موظفانند شهر را براساس آن تجهیز کنند، چون چنین طرح‌هایی است که تولید و اشتغال و درآمد شهر را حفظ می‌کند و تا حدی ارتقا می‌دهد تا بتواند پاسخگوی هزینه‌هایش باشد. فقدان چنین دید یا چشم‌اندازی مترادف است با عدم توجه به ساختار بویای اقتصادی لازم برای کسب درآمد شهری پایدار.

عدم تعادل و تناسب کسب درآمد شهرداری از بخش‌های مختلف اقتصادی شهر نکته دختر توجه دیگری است که به بسط این ناپایداری کمک می‌کند. برای مثال، بخش ساختمان در ایران و در کلان شهرها فقط نزدیک به ۶٪ ارزش افزوده تولید می‌کند اما در آمد شهرداری شهری مثل تهران ۸۰٪ الی ۹۰٪ به این بخش وابسته است. این خود نوعی عدم تعادل و ناپایداری است و به وضوح نشان از وابسته بودن شهرداری به تک محصول ساختمان دارد.

بعد دیگر ناپایداری مدیریت مالی شهرداری‌ها در اینجا نهفته است که بیشتر درآمد خودشان را از بخش تولید کسب می‌کنند و نه از مصرف. این علاوه بر عدم تعادل بیش گفته، مولد ناپایداری دیگری نیز هست. ناپایداری از این جهت که آنچه بدین وسیله جریه می‌شود، تولید است نه مصرف و ناپایداری، دیگر اینکه، به این ترتیب درآمد شهر در طول زمان کاهش پیدا می‌کند. البته این بدان معنی نیست که از بخش‌های تولیدی نباید عوارضی گرفته شود، اما با نگاه به عوارض مصرف مشاهده می‌شود که عایدی آن هیچ وقت نه همپای بخش ساختمان بوده و نه بخش‌های دیگر. مواردی که اشاره شد ایجاد ناپایداری اقتصادی و مدیریت مالی شهرداری از ناحیه درآمدی بود. اما همپای این بخش، از لحاظ هزینه‌ای نیز ناپایداری‌های زیادی وجود دارد.

با نگاه به فهرست هزینه‌ها می‌توان دید که قسمت بیشتر درآمدها در بخش مصرف "هزینه شده است تا تولید". این خود نوعی بحران محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، بخش اعظم هزینه‌های شهرداری - که در طول زمان روند فزاینده‌ای هم داشته است - برای خدمات مصرفی ساکنان شهر، و یا برای نگهداری از آن چیزی که قبلاً تولید شده، به مصرف رسیده است. از این رو، از بعد توسعه، به ویژه توسعه‌ای که ساختار شهر را از لحاظ اقتصادی دگرگون کند، چیزی تخصیص نیافته است. به این ترتیب هیچ وقت فضایی برای پاسخگویی به نیازهای آینده شهر به ویژه از لحاظ تولیدی آماده نمی‌شود.

دومین بعد از ناکارآمدی تخصیص یا هزینه در شهرداری‌ها در نبود اولویت‌بندی صحیح برای سرمایه‌گذاری نهفته است. به عبارت دیگر، هزینه‌هایی که معمولاً در شهرداری‌ها صورت

می‌گیرد صرف‌احوری می‌شود که در فرایند درون‌زا، نه پاسخگوی خدمات شهری است و نه بویایی حیات اقتصادی شهر را تضمین می‌کند، در نتیجه فقدان اولویت‌بندی صحیح، از یک سو در هزینه‌ها صرفه‌جویی لازم صورت نمی‌گیرد و از سوی دیگر به تمرکزشدن یا بازگشت سرمایه از لحاظ درآمدزایی آن نیز ناکص و ناکارآمد است.

بعد از تشریح مجموعه ناپایداری‌های اقتصادی از لحاظ کسب درآمد و تخصیص آن، مقوله توزیع هم که نوعی چالش اجتماعی است قابل توجه است. سابقه اینکه مردم در امر تخصیص و کسب درآمد مشارکت داشته باشند یا اینکه بازتوزیع متناسبی در این سیستم حاکم باشد یا نه، به کل سیستم اداره‌بخش عمومی در کشور باز می‌گردد که مبتنی آن بر تمرکزگرایی بوده است. اولین بار در دوره رضاشاه بود که انجمن‌های ایالتی و ولایتی منحل گردیدند و چارچوب شهرداری دولتی ریخته شد. با این اقدام نهاد سازی‌های لازم و بستر مشارکت و مداخله مردم در حوزه زندگی خودشان از بین رفت، عدم مشارکت مردم و نبود سیستم بازتوزیع اشکال و بیاسدهای مختلفی دارد؛ چه به شکل تصمیماتی چون تراکم فروش باشد که خارج از اراده مردم اتخاذ می‌شود، و چه به شکل رویگردانی مردم از پرداخت برای خدماتی که شهرداری برای آنها ارائه می‌دهد.

نزدیک به ۴۰ سال است که عوارض شهری در ایران ثابت است. از این رو مشاهده می‌شود کسانی که از خدمات شهری بهره بیشتری می‌گیرند بخش محدودی از جامعه را شامل می‌شوند، اینها در نهایت همان مقداری را می‌پردازند که کسانی که میزان بهره‌مندی‌شان کمتر است، در نهایت هیچ‌کدام هم تاکنون هیچ چیز نپرداخته‌اند، چون چندین سال است که میزان پرداختی آنها بسیار ناچیز است. اینها نمودهایی است که شاید بتواند آسیب‌ها و ناکارآمدی‌های اساسی موجود در مدیریت مالی شهرداری را نشان دهد.

۱۱ بین اهداف کلان و استراتژیک شهر با برنامه نویسی و بودجه‌بندی آن باید رابطه معنی داری وجود داشته باشد. یا وجود ناپایداری‌ها و ناکارآمدی‌های مالی پیش گفته و نیز در شرایط فقدان اولویت‌بندی و عدم توجه به برایندهای اجرای سیاست‌ها و پروژه‌های شهری، به نظر می‌رسد برای شهرها و کلان شهرهایمان چنین دید کلان اقتصادی و کالبدی تدوین نشده است. در این حالت مدیریت شهری در حد ارائه خدماتی چون جمع‌آوری زباله یا مجری پروژه‌های عمران شهری انگاشته می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

ن نبود این گونه اهداف بلند مدت برای شهر همان نقصی است که در دولت هم وجود دارد. اگر بخوایم چهره‌ای از آن ترسیم کنیم، این خواهد بود که دولت باید اراده کل جامعه مدنی را از طریق طرح‌های توسعه شهری - که تصویب آن در اختیار دولت مرکزی و شورای عالی معماری و شهرسازی است - در قالب دیدها و چشم‌اندازهای بلند مدت، برای شهر ترسیم کند. از سوی دیگر، شورای شهر و شهرداری نیز که نماینده مردم آن شهر هستند باید دید بلندی برای شهروندان و شهر در نظر داشته باشند. شهروندان نباید صرفاً به عنوان مصرف‌کننده‌های پنداشته شوند که از آنها باید حمایت شود - آن هم حمایتی ناقص و همراه

با عدالتخواهی آن ناکارآمد. دولت باید در طرح‌های توسعه شهری اهدافی مثل جهانی شدن را پیش رو بگذارد. صنعتی شدن به عنوان هدف استراتژیک برای شهر، هدفی است که برای دوران نیمه اول قرن بیستم مناسب است. در کشورهای توسعه یافته همه روزه این اهداف با انقلابات تکنولوژیکی تغییر می‌یابد؛ اما در کشور ما بیشتر اهدافی که اکنون در طرح‌های توسعه شهری تعریف می‌شوند، جزء اهداف انقلاب صنعتی‌اند. در این طرح‌ها به شهر به عنوان کلیتی همبسته نگاه نمی‌شود. به این ترتیب شهرهای ما به عنوان نوعی سیستم اقتصادی همبسته و پویا و از لحاظ درونی با اهدافی متناسب دنیای امروز، مدت‌هاست تعریف نشده‌اند؛ و شوراها هم تاکنون نمایندگی چنین بویایی را نداشته‌اند.

□ با وجود شرایط کنونی شهرها و کلان شهرهای کشور و نیز ناکارآمدی‌ها و ناپایداری‌های درآمدی و هزینه‌ای که مدیریت شهری با آن روبروست، سیاست خودکفاسازی شهرداری‌های کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ شهروندان کلان شهرهای ما به مانند شهروندانی هستند که می‌خواهند در برج زندگی کنند ولی درآمد کافی برای پرداخت هزینه‌های آن را ندارند. کلان شهرها هزینه‌های وسیعی دارند. کسی می‌تواند از عهده این هزینه‌ها برآید که دارای درآمدی باشد که پرداخت بخشی از آن درآمد، قابل توجه باشد. در ایران، سهمی که مردم به شهرداری پرداخت می‌کنند کمتر از متوسط جهانی آن است و درآمد کلی ساکنان کلان شهری مثل تهران نیز از متوسط درآمد کلان شهرهای جهان کمتر است. پس چنین کلان شهری نمی‌تواند جوانگوی هزینه‌هایش باشد. در اینجا، ظرفیت‌سازی لازم برای پرداخت هزینه‌ها به وجود نیامده است. شاید برخی به پیهانه عدالت خواهی بگویند «بیاید از مردم کمتر بگیریم»، ولی این دور باطل که ادامه پیدا می‌کند باید در جایی قطع شود.

نکته‌ای که بسیار مهم به نظر می‌رسد اعمال سیاست غلطی بود که دولت از آستانه برنامه اول آغاز کرد و آن اینکه پای خود را از شهرداری‌ها و به ویژه شهرداری کلان شهرها و پستی‌بانی مالی آنها کنار کشید و خواست که آنها خودکفا شوند. ولی اکنون شهرهایی وجود دارند که شهرداری آنها یا هزینه خود «مبتنی توسعه ملی» را فراهم می‌کند (مطابق محاسبات صورت گرفته، صرفاً حدود ۴۰٪ هزینه‌های زیربنایی یک شهر، جزء هزینه‌های علی هستند و ۶۰٪ آنها هزینه‌هایی هستند که شهرداری‌ها پرداخت می‌کنند)، ولی از مالیات‌های شهر که ۶۰٪ هزینه‌های آن را خود شهرداری پرداخت کرده است به هیچ وجه عایدی ندارد، به خصوص از محل مالیات‌هایی که خصلت محلی دارد - برای مثال مالیات بر مستغلات شهری که اساساً محلی است. تمام این عایدی با ارزش سرمایه‌ای که پیدا می‌کند، اولاً ناشی از جمعیت شهری است که تمام هزینه‌های آن را شهرداری پرداخت می‌کند و هر چه جمعیت شهر افزایش پیدا کند ارزش ملک نیز بالا می‌رود؛ و در ثانی، فراهم آوردن زیربنای لازم برای اشتغال‌هایی است که در مکان‌هایی که ارزش مستغلات آن بالا می‌رود، ایجاد می‌شود. همان طور که گفتیم، حدود ۶۰٪ هزینه زیربنایی شهر را شهرداری می‌پردازد اما تمام مالیات آن را دولت مرکزی وصول

می‌کند. البته برای توسعه و نوسازی شهر به منظور پذیرا شدن زیرساخت‌های لازم برای اقتصاد رقابتی جهانی و تبدیل شدن به مکانی برای تجمع دفاتر شرکت‌های بین‌المللی و محلی برای فعالیت‌های پررونق گردشگری و نظایر اینها به هزینه‌های کلان نیاز است که در کل جهان دولت‌ها در این گونه اقدامات و هزینه‌ها شرکت می‌کنند. تولید ناخالص شهر لندن بیش از کل کشور ماست ولی شهرداری آن نیست که محله‌های قدیمی شهر مرکزی را بازسازی می‌کند. برای مثال، در نوسازی محله داک لند^{۱۱} به عنوان مرکزی تجاری برای پذیرا شدن مراکز اصلی اروپای متحد، این دولت مرکزی بود که تأمین هزینه و تضمین سرمایه‌های خارجی را به عهده گرفت. در کشور ما سیاست قطع کمک‌های دولتی اشتباه بزرگی بود که صورت گرفت و یکی از دلایل هول دادن شهرداری به تراکم فروشی بود.

با نگاه به ارقام جهانی مشاهده می‌شود در کشورهایی که شهرداری‌ها یا مقامات محلی آنها امکان گرفتن مالیات بر مستغلات را دارند، دولت حدود ۱۶٪ به حکومت‌های محلی و شهرداری‌ها کمک می‌کند. اما در جایی که گرفتن مالیات بر مستغلات یا دولت مرکزی است، تا ۷۰٪ - ۸۰٪ درآمد شهرداری‌ها از کمک‌های دولتی است. به عبارت دیگر، رابطه مستقیمی بین وصول مالیات بر مستغلات و دریافت کمک‌های دولتی وجود دارد - که در کشور ما این گونه نیست.

□ استفاده و تکیه بر منابع درآمدی پایدار به عنوان پیش شرط مدیریت شهری پایدار بسیار مهم می‌نماید. منابع پایدار چه ویژگی‌هایی دارند که آنها را از منابع دیگر متمایز می‌سازد؟

○ منابع درآمدی پایدار - به عنوان شرحی عمومی - باید از محلی ناشی شوند که خود مولد درآمد پایدار و اقتصاد پویاست. شرط دوم و مشخصی تر اینکه می‌بایست به بخش مصرف خدمات و تأسیسات شهری متوجه باشد. برای مثال، طرز تلفی ما از خدماتی که شهرداری برای جمع‌آوری زباله می‌دهد نباید متفاوت از مثلاً مصرف آب یا برق باشد، چون از این خدمات نیز مصرف می‌شود.

شهروندان هم باید در قبال این خدمات متعهد به پرداخت باشند. این نوعی منبع درآمدی پایدار است. در نقطه مقابل آن، منبعی مثل تراکم فروشی بخش ساختمان قرار دارد که به تولید قضا برمی‌گردد. این منبع درآمدی ناپایداری است چون هر شهری ظرفیتی محدود دارد. زندگی پذیری آن نیز آستانه‌ای دارد که از آن بیشتر، هم هزینه‌های زیست محیطی و هم هزینه‌های تأسیسات شهری از حد بهینه خارج می‌شود و رشد هزینه‌ها بیشتر از رشد درآمدها می‌گردد.

در جایگزینی درآمد ناشی از مستغلات به جای ساختمان و تراکم فروشی، باید توجه داشت که این مستغلات موقعی که ساختمان ساخته شد مورد مصرف قرار می‌گیرد (چه این مصرف خانوار باشد و چه بنگاه) و این نوع مصرف می‌تواند مورد عوارض قرار بگیرد.

مسئله‌ای مکانی که در کنار یک گنو اصلی یا پارک قرار دارد از خدمات شهری بیشتری نسبت به مکانی که دورتر قرار دارد،

استفاده می‌کند؛ حتی خانوارها نیز به همین ترتیب در کشورهایی مثل آمریکا، فوایدی وجود دارد که مطابق آن محله‌هایی که حواسات تراکم پایینی هستند، نسبت به مناطقی که تراکم بالایی دارند، اجباراً هزینه‌های بیشتری پرداخت می‌کنند.

□ از جمله شرایط پایداری در توسعه شهری و به تبع آن پایداری در مدیریت درآمد و هزینه؛ جلب مشارکت مردم و کلیه گروه‌های ذی نفع در حمایت از مدیریت شهری است. برای رسیدن به نظام مدیریتی که بتواند زمینه تحقق عدالت و مشارکت مردمی را فراهم آورد چه باید کرد؟

○ برای رسیدن به چنین سازماندهی، به سیستم مشارکت مردمی نیاز است که معمولاً به بودجه‌ریزی مشارکتی نیز معروف است. در بودجه‌ریزی مشارکتی دو نوع شورا سازماندهی می‌شوند: یکی شوراهایی است که جنبه جغرافیایی دارند و دیگری شوراهایی است که جنبه صنفی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند. از لحاظ جغرافیایی، شوراهای شهر - که متأسفانه تعداد اعضای آنها خصوصاً در شهرهای بزرگ بسیار اندک است - باید از محله‌ها و مناطق انتخاب شوند، به طوری که مردم محله‌ها در مورد نیازهای روزانه‌شان در شوراهای پایین دست (محله‌ها) اظهار نظر کنند و در شوراهای فرادست (مناطق) درباره آنها اولویت‌بندی و تلیق صورت گیرد. چنین مردمی در مورد تخصیص منابع رضایت خواهند داشت و حاضر خواهند شد در حد امکان بیشترین مبالغ را برای میزان مصرف خود بپردازند، چون عدالت اجتماعی را امکان‌پذیر می‌بینند. در این حالت سیستم مدیریت شهری مشروعیت پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، مشارکت صنفی به صورت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. یعنی نماینده‌های سرمایه‌داران، بخش خصوصی، نماینده‌های اصلی فعال و حتی اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های مهم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، شورای دیگری شکل می‌دهند که با مطالعه نیازها چشم‌انداز مشارکت این گروه‌ها را ترسیم می‌کنند. این گروه‌ها نیز از جنبه‌های دیگر در مدیریت مالی و بودجه شهری شهرداری اظهار نظر می‌کنند.

در نهایت، باید دستگاه برنامه‌ریزی وجود داشته باشد که بتواند دیدگاه‌های گروه‌های مختلف را تلیق کند. این دستگاه باید در داخل شهرداری‌ها ساخته شود و این نهادسازی فعالیت است که همه باید در آن مشارکت کنند و حکومت نیز باید برای نهادسازی‌های مشارکتی، زمینه‌های قانونی لازم را فراهم آورد. در شهرداری‌های کشور ما این دستگاه برنامه‌ریزی وجود ندارد.

□ با توجه به آنچه درباره شرایط تحقق مدیریت مالی مشارکتی عنوان شد، ارزیابی شما از آنچه به عنوان مدیریت مالی شهر در شهرداری‌های کشور انجام می‌شود، چیست؟

○ قاعدتاً این تحول و ایجاد به صورت پیشرو باید در شهرداری‌هایی که توانمندترند صورت گیرد، تا بدین ترتیب الگویی برای شهرداری‌های کوچک‌تر ایجاد گردد. البته این شهرداری‌های بزرگ‌تر هستند که به برنامه‌ریزی‌های پیچیده نیازمندند؛ و شهرداری‌های کوچک‌تر با چنین مشکلاتی مواجه

نیستند. برای تلفیق و اولویت‌بندی هزینه و قواعد شهری ۸-۷ میلیونی قاعدتاً نیاز حیرمی به دستگاه برنامه‌ریزی وجود دارد. اکنون معاونت‌های شهرداری‌ها از هم مجزا هستند. برنامه‌ریزی کتونی، ویژگی تلفیقی ندارد. آنچه تاکنون به عنوان برنامه‌ریزی مطرح شده، بیشتر جنبه مالی و حسابداری داشته است و نه برنامه‌ریزی اقتصادی. به این ترتیب، تاکنون آنچه به عنوان برنامه ارائه شده است دستورالعمل‌هایی از هم گسیخته در این باره بوده است. از این رو، چنین روند و ماهیتی در برنامه‌ریزی نمی‌تواند حیات پیوسته و پویای اقتصادی شهر را تأمین کند چون نه به ذخیره‌های قابل اعتماد از لحاظ درآمدی متکی است و نه اولویت‌بندی صحیحی از لحاظ تخصیص منابع یا هزینه‌ها در آنها صورت می‌گیرد. این سیستم باید به شکل نظام برنامه‌ریزی تغییر یابد که بتواند مسائل اقتصادی، اجتماعی و برنامه‌ریزی فضایی را با هم توأم کند.

□ به نظر می‌رسد مسائلی که برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور (سطح خرد) با آن روبه‌روست بسیار مشابه مسائل سطح کلان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور است و از آن نیز الهام و تأثیر می‌گیرد. نقطه پیوندی که مسائل این دو سطح را به هم ارتباط می‌دهد، در کجا قرار دارد؟ در نظام ایده‌آل مدیریت و برنامه‌ریزی رابطه این سطوح (کلان و خرد) چگونه باید باشد؟

○ واقعیت این است که در نظام برنامه‌ریزی کشور ما تضایف بسیاری وجود دارد. دیر زمانی است که همه برنامه‌ریزی‌ها متمرکز و از بالا به پایین انجام می‌گیرد و حتی برنامه‌ریزی برای شهرداری‌ها هم که در حوزه مدنی جای می‌گیرند به حوزه سیاسی یا دولت مرکزی برده شده است. برنامه‌های آمایش سرزمین هم - هر چند که عملی نشدند - از این ویژگی بی‌بهره نبودند. البته تا زمانی که بحث تحول نو و دوران نو مطرح نشده بود، شیوه‌ها و اهداف گذشته تا حدودی پاسخگوی آن محیط بودند. در محیطی که دولت توزیع کننده یا مصرف کننده عایدی حاصل از نفت بود حضورش تا حدی توجیه‌پذیر بود. اما هر چه در طول زمان حواسته‌های پایه بیشتر فراهم می‌آید و اقتصاد پیچیده‌تر می‌شود، ناکارآمدی‌های سیاست‌های مقطعی بیشتر آشکار می‌شوند. هنوز این مشکل (تمرکزگرایی) وجود دارد و به رغم بحث‌های فراوانی که درباره‌ی وارد کردن مفوله آمایش سرزمین در برنامه سوم توسعه به انجام رسید، این امر باز هم تحقق نیافت.

در نظام جدید، می‌بایست سیستمی به وجود آید که بتواند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را در دل برنامه عمرانی عمومی تلفیق کند و هیچ بخش یا قسمتی را بیهوده رها نگذارد. نقش دولت در این گونه سیستم‌های مدیریت در واقع دخالت نامرئی است، نه عدم دخالت و رها کردن سیستم. برخی شاید دخالت نامرئی دولت را با دو قرن پیش و عصر انقلابات آدم اسمیت یکی کنند اما این اشتباه بزرگی است.

در شهرهای آلمان برای استفاده از خیابان‌ها در شرایط مختلف عوارض متفاوتی تعلق می‌گیرد. برای مثال، هر شهر که اسفالت بیشتری داشته باشد مردم آن باید عوارض بیشتری بپردازند چون منابع از نمود طبیعی آب و غنی شدن سفره‌های آب

زیرزمینی می‌شوند. به این ترتیب، مشاهده می‌شود که چنین سیستمی به شدت پیچیده شده و هیچ چیزی در آن رها نشده است - به ویژه در مورد زندگی‌پذیری و پویایی شهر. در واقع این گونه موارد در داخل شهرها نهادینه شده است و همان وظیفه‌ای را که موفقی شاید «به اجبار» دولت‌های مرکزی انجام می‌دادند، این بار - با شدت بیشتر - جوامع محلی انجام می‌دهند. در این شرایط دولت‌ها به امور عام‌تری می‌پردازند و آن امور عام‌تر، در حقیقت، تلفیقی از این مجموعه‌هایی است که در شهرها به چشم می‌خورند و در نوعی بدبستان و چانه‌زنی با هم قرار دارند، نه رها کردن شهرداری به منظور خودکفا شدن آن. نمونه این چانه‌زنی پیوسته در فرانسه، بین حکومت‌های محلی با دولت مرکزی است که بر سر تخصیص بودجه صورت می‌گیرد. در فرانسه اگر در یکی از محله‌های شهر قرار یابد فرودگاهی ساخته شود، بحث‌های متعددی درباره مکان‌هایی که این فرودگاه ساخته می‌شود یا مکان‌هایی که در آن ساخته نمی‌شود با دولت مرکزی روی می‌دهد. مکانی که فرودگاه در آن ساخته می‌شود خواهان عوارض زیست محیطی است و در آنجا که ساخته نمی‌شود مسئله کمبود اشتغال مطرح می‌گردد. سر انجام در این گونه چانه‌زنی بین دولت مرکزی و حکومت‌های محلی، نوعی تعادل و عدالت تعریف شده به دست می‌آید.

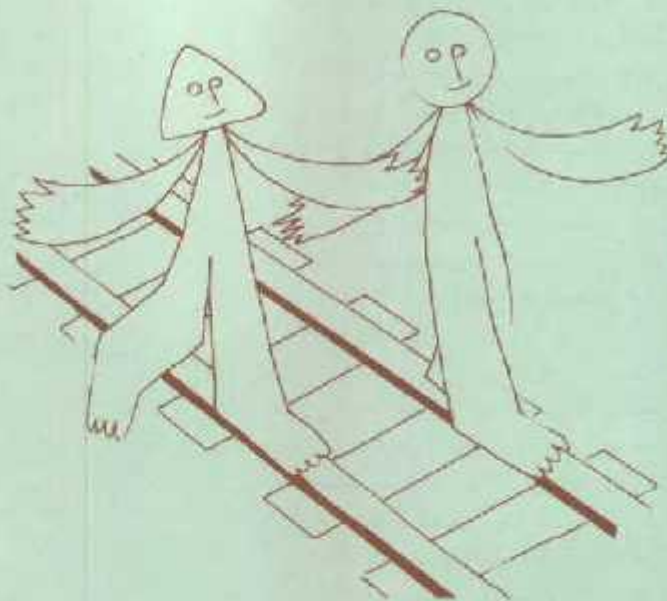
□ در پایان اگر نکته‌ای برای تکمیل گفت‌وگو لازم می‌داند، بفرمایید.

○ به نظر می‌رسد برخی اوقات تمرین دموکراسی در کشور ما فراموش می‌شود. دموکراسی خود نوعی عدالت است، و مشارکت رعایت عدالت از لحاظ آزادی فردی است. ساماندهی اقتصاد پویا نیز عدالت است یعنی مردم شهر توقع دارند که شهرشان از لحاظ اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، پیشرو باشد. آن چیزی هم که تجربه جهانی نشان می‌دهد، این است که مذاکرات اولیه برای مشارکت بر سر مبانی پایه آغاز می‌شود، و نه آزادی به صورت انترازی. در جامعه مردم ابتدا در مورد مسائل پایه‌ای خود به مذاکره می‌نشینند، چون مسئله مشترک همه آنهاست. بعضی‌ها ظرافت این را با تکرش اقتصادی و تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی و تفاوت این دو درک نمی‌کنند. شاید فردی اقتصاد را مسئله اولیه جامعه برمی‌شمارد، در حالی که دیگری مذاکره بر سر مسائل اقتصادی را آغاز رسیدن به مشارکت همگانی می‌داند. این تفاوت ظریفی است که از یک طرف کسانی که پیش از حد به آزادی به صورت انترازی تکیه می‌کنند، آن را نمی‌فهمند و عملاً شوراهای را بسیار سیاست زده کرده‌اند. از طرف دیگر آنهایی که فکر می‌کنند مسائل توسعه اقتصادی باید تماماً از بالا طرح شود و رشد اقتصادی را در دستور کار خود قرار می‌دهند، مردم در برابر آنها مقاومت می‌کنند. به نظر می‌رسد راه مشارکت از بحث و گفت‌وگو درباره مسائل اصلی و پایه‌ای - که عموماً تقدم یا مسائل اقتصادی است - آغاز می‌شود. در واقع به این ترتیب است که هم رشد اقتصادی تأمین می‌شود و هم توسعه سیاسی اتفاق می‌افتد.

□ با سپاس از شما

پایان

1- Ghafar City
2- Oskhan



شوراها و دولت حوزه وظایف

محمد رضا چوپانی بزدلی

کارشناس ارشد حقوق عمومی

می شوند. تعیین حد و مرز میان امور ملی و محلی، در خلاف آنچه در ابتدا متصور است، چندان کار آسانی نیست. مثلاً احداث آزاد راه و ایجاد شبکه گازرسانی برای یک بخش یا شهر، اموری هستند که نمی توان مطلقاً آنها را واجد وصف ملی و یا محلی صرف دانست^۱، فایده این بحث آن است که در صورت مشخص بودن وظایف ملی و محلی، به ترتیب دولت مرکزی و شوراهای اقدام می کنند و هیچ گونه تداخلی در وظایف پیش نخواهد آمد.

نکته دیگری که در بحث حاضر جلب توجه می کند، همانندی وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی شهر و روستا با اختیارات ادارات و ارگان های دولتی^۲ موازی است، به گونه ای که وظایف و اختیارات شوراهای در وهله اول با وظایف ارگان های دولتی موازی همانند و شبیه به هم جلوه می کنند، و متعاقباً تداخل وظایف آنها با یکدیگر به ذهن متبادر می شود. مثلاً یکی از وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا تلاش برای رفع اختلافات افراد و محله ها و حکمیت میان آنها^۳ است که از این لحاظ با وظیفه قوه قضائیه و دادگاه های دادگستری در حل و فصل خصومت و اختلاف میان افراد همانند است. بدین ترتیب در واقع نوعی تداخل وظایف میان شورای اسلامی روستا و دادگاه های دادگستری از این جنبه احساس می شود.

در این زمینه می بایست ادعان کرد که تعیین سیاست های کلی و اجرای آنها در سطح ملی با ارگان های دولتی همچون قوه قضائیه و دادگاه های دادگستری است؛ و اجرای سیاست های ارگان های دولتی مانند قوه قضائیه از ناحیه شوراهای اسلامی در محل (رفع اختلافات محلی به وسیله شورا) تداخل در وظایف محسوب نمی شود. به عبارت بهتر، برنامه ریزی و سیاستگذاری در خصوص (رفع خصومت ها، احیای حقوق عامه و گسترش عدل^۴) بر عهده قوه قضائیه است. بدین ترتیب به

یکی از موضوعات سؤال برانگیز در مورد شوراهای اسلامی شهر و روستا، مسئله تداخل احتمالی وظایف و اختیارات شوراهای با وظایف و اختیارات ارگان های دولتی موازی است. در این خصوص عقاید و دیدگاه های مختلفی مطرح است. در این مقاله سعی بر آن است که موضوع تداخل یا عدم تداخل وظایف شوراهای با وظایف ارگان های دولتی موازی مورد بررسی قرار گیرد.

عدم تمرکز اداری^۵ از طریق ایجاد و تشکیل واحدهای منتخب محلی (شوراهای انجمن های محلی) مستلزم سپردن و واگذاری قسمتی از وظایف و اختیارات دولت مرکزی به واحدهای مذکور است. وظایف و اختیارات تفویض شده از ناحیه دولت مرکزی به واحدهای مورد نظر واجد وصف محلی است و بدین ترتیب این واحدها متکفل وظایف و اختیارات محلی اند. این بدان معنی است که شوراهای محلی به هیچ وجه صلاحیت انجام وظایفی فراتر از وظایف محلی را ندارند. از این زاویه دید حتی دخالت در وظایف و اختیارات دولت مرکزی از شوراهای سلب می گردد. شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ یعنی حق ورود به حیطه مسئولیت های دولت مرکزی را - که همان امور ملی است - ندارند.

با توجه به آنچه پیش تر گفته شد، وظایف و اختیارات ملی در بد دولت مرکزی قرار دارد و امور محلی نیز به عهده نهاد های منتخب محلی چون شوراهای محلی است.

در بادی امر احساس می شود که بین وظایف و اختیارات دولت و وظایف شوراهای تداخلی وجود ندارد چون طبق معیار پیش گفته، امور ملی در اختیار نهادهای دولتی است و اختیارات محلی را نیز شوراهای اسلامی بر عهده دارند. لکن سؤال این است که چه وظایف و مسئولیت های جنبه ملی دارند و چه تکالیف و اختیاراتی محلی تلقی

کردن برنامه‌ها، وظایف و اختیارات در دو سطح ملی و محلی به صورت کاملاً شفاف و روشن به وسیله قانونگذار، کمال مطلوب در جهت جلوگیری از تداخل و برخورد وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی و ادارات دولتی موازی باشد. به همین منظور لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) یکی از وظایف شورای عالی اداری را تعیین نحوه ارتباط و تنظیم مناسبات نظام اداری با شوراهای اسلامی روستا، بخش و شهر^{۱۱} پیش‌بینی کرده است. در این زمینه با وضع مقررات لازم در طی برنامه پنج ساله سوم تمهیداتی نیز برای تنظیم روابط شوراهای با ارگان‌های دولتی از حیث وظایف و اختیارات و تسین دقیق وظایف شوراهای اندیشیده شده است. به هر تقدیر، نظر بر این است که ایجاد و تشکیل شوراهای اسلامی باعث تداخل و برخورد احتمالی وظایف و اختیارات آنها با ارگان‌های دولتی موازی نمی‌گردد، مشروط بر اینکه وظایف شوراهای با وضع و تصویب مقررات لازم کاملاً مشخص گردد.

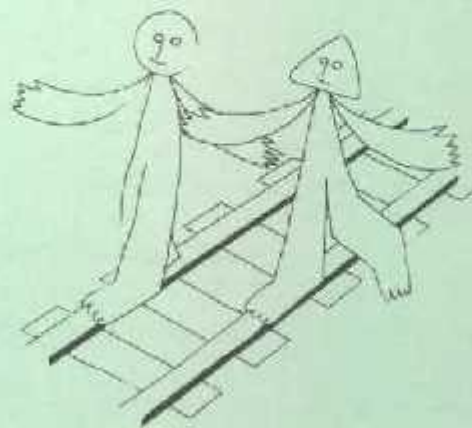
در پایان این بحث، بد نیست اشاره شود که وظایف و اختیارات شوراهای می‌بایست برای ارگان‌ها و ادارات دولتی تسین گردد تا ارگان‌های مذکور نیز در وظایف و اختیارات شوراهای دخالت نکنند. یکی از راهکارهایی که برای رفع مشکلات در این خصوص مفید خواهد بود، آن است که نسبت به اعضای شوراهای اسلامی و مسئولان اجرایی ادارات دولتی آموزش‌های لازم در زمینه وظایف و اختیارات شوراهای با تکیه بر مقررات مربوطه، ارائه گردد^{۱۲}.

نظر نمی‌رسد که انجام اموری چون رفع اختلافات محلی از ناحیه شوراهای اسلامی در محل باعث تداخل وظایف شوراهای با قوه قضائیه شود بلکه نوعی همخوانی وظایف به ذهن تداعی می‌گردد. این امر در مورد دیگر وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی نیز صادق است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- حکمیت در اختلافات میان دو یا چند روستا^{۱۳} به وسیله شورای اسلامی بخش؛ و
 - ۲- برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط^{۱۴} به وسیله شورای اسلامی شهر، و مواردی از این قبیل.
- مطلب دیگری که در این باره می‌توان بیان کرد، آن است که ممکن است برای انجام کاری واحد، سازمان‌ها و ارگان‌های متعددی پیش‌بینی شده باشند، اما وظایف و اختیارات آنها به موجب قوانین و مقررات کاملاً مشخص و مرزبندی شده باشد و عملاً تداخل وظایف میان آن ارگان‌ها و سازمان‌ها صورت نگیرد. این امر به وضع و تصویب قوانین و مقررات در خصوص وظایف و اختیارات ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط است. در خصوص وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی و ارگان‌های دولتی نیز این امر صادق است.
- توضیح اینکه می‌توان با وضع و تصویب قوانین و مقررات، به ویژه آیین‌نامه‌های اجرایی لازم و در نتیجه مشخص کردن کامل وظایف و اختیارات شوراهای از تداخل وظایف و اختیارات آنها با وظایف سازمان‌های دولتی جلوگیری کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که مشخص

پانوشه

- ۱- عدم ترافیک سبزه‌ها از راهی است که به موجب آن بخش از وظایف دولتی در اختیار حاکم محلی می‌نهد بر آن ارگان یا نهادی که در سطح محلی حاکم محلی می‌باشد.
- ۲- برای اکثر بیشتر از ۱۰۰۰ نفر، به عنوان یک روستا، به منظور تعیین وظایف آنها مشخص است.
- ۳- ۱۳۷۵، ص ۵۷، به نقل از وزارت کشور و سازمان بهزیستی، «در خصوص وظایف شوراهای اسلامی و مسئولان اجرایی ادارات دولتی».
- ۴- به عنوان مثال، وظایف شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها، مصوب ۱۳۷۵.
- ۵- به عنوان مثال، وظایف شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها، مصوب ۱۳۷۵.
- ۶- به عنوان مثال، وظایف شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها، مصوب ۱۳۷۵.
- ۷- به عنوان مثال، وظایف شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها، مصوب ۱۳۷۵.
- ۸- به عنوان مثال، وظایف شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها، مصوب ۱۳۷۵.
- ۹- به عنوان مثال، وظایف شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها، مصوب ۱۳۷۵.
- ۱۰- به عنوان مثال، وظایف شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها، مصوب ۱۳۷۵.



گام نخست در شورای دوم

اسکندر اصلانی

عضو شورای اسلامی شهر یزد

شوراهای اسلامی در اولین دوره در حد توان و امکان خود تلاش کردند، و به انجام وظیفه پرداختند. اگر منطقی و منصفانه بررسی و قضاوت شود، با همه مشکلاتی که وجود داشت - همچون نداشتن تجربه شورایی، ضعف قوانین، عدم شفافیت اختیارات و اقتدار شوراها، دامنه وسیع تبلیغات زمان انتخابات بدون نظر گرفتن حدود و حقوق قانونی شوراها و در نتیجه بالا رفتن انتظارات مردم، عدم تشکیل بمرقع شوراهای شهرستان و استان و نهایتاً شورای عالی استان‌ها که پشتوانه قانونی و نهاد اقتدار شوراهاست و نداشتن حمایت در حد انتظار از طرف دولت‌مدان و همکاری صدا و سیما و رسانه‌های گروهی و مانند اینها که در طول این دوره شوراها را آزار می‌داد - اعضای شوراها به استقامت و استمرار خدمت خود ادامه دادند. لیکن واقعیت این است که تحول شوراهای تابعی است از این متغیرها و در غیر این صورت هیچ تحولی رخ نخواهد داد.

با شروع زمان تبلیغات انتخابات برخی از داوطلبان به جای ارائه برنامه‌های آینده خود به تزیین حملات خود را متوجه شوراهای دوره اول کردند. حتی در مواردی با قاطعیت اعلام می‌کردند که شوراها در چهار سال گذشته هیچ اقدام مؤثری انجام نداده‌اند. اما اگر شرکت مردم در دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شور و حال انتخابات دوره اول را نداشت، باید این را واقع‌بینانه مورد بررسی قرارداد و علت - یا علت‌ها - را در جای دیگر جست و جو کرد و به چاره‌اندیشی پرداخت. آنچه اهمیت دارد، بررسی چگونه تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب است. در این زمینه باید از دستاوردهای پارلمان‌های محلی در سراسر دنیا و تجربیات شوراهای اسلامی در دوره اول حداکثر استفاده را به عمل آورد. مسئولان کشور می‌بایست در این زمینه‌ها بکوشند:

۱- پیش نویس قانون شوراها که در سال گذشته به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، از طریق شورای نگهبان، سریعاً اصلاح و تأیید و ابلاغ گردد.
۲- در اجرای ماده ۱۳۶، که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در پیاده کردن سیستم مدیریت واحد شهری یا برنامه‌ریزی‌های حساب شده اقدام نهایی صورت پذیرد.

۳- اختیارات و امکانات لازم به خصوص در اختیار شوراهای اسلامی روستاها و بخش‌ها قرار داده شود.

۴- صدا و سیما و رسانه‌های گروهی از شوراهای اسلامی حمایت و پشتیبانی کنند و صدای نمایندگان مردم و آه گوش مسئولان و مردم برسانند.

۵- با برنامه‌ریزی‌های دقیق، آموزش‌های لازم هم به نمایندگان مردم در شوراها و هم به افراد جامعه در مورد اختیارات و امکانات آنان و انتظارات مردم، داده شود.

شوراها در صورتی موفق خواهند بود که:

۱- فارغ از هر گونه گرایش‌های سیاسی و وابستگی و پیوستگی به جناح یا گروه خاص، تحقق بخشیدن به آرمان‌ها و هویت اصیل شوراها و خدمت به مردم را محور تلاش‌های خود قرار دهند.

۲- سعی کنند مصوبات به اتفاق آرا انجام پذیرد؛ و اگر تصمیمات با اکثریت آرا گرفته شود، به اتفاق آرا از مصوبات شورا پشتیبانی کنند.

۳- شهردار هر شهر الگوی یازری از سلیق و باورهای شورای همان شهر است. موفقیت شورای شهر یا ضریب اطمینان بالای ایست به توانمندی‌ها و شایستگی‌های شهردار است. شوراها باید در انتخاب شهردار هیچ فرصتی را از دست ندهند و افراد توانمند و صادق، خوشنام، متخصص و مجرب و بدون تمایلات خاص سیاسی را شناسایی و انتخاب کنند. همچنین با توجه به شرایط و امکانات و نیازها و ضرورت‌ها و اولویت‌های همان شهر برنامه مکتوب روشنی از نامزد یا نامزدهای شهرداری در دست داشته باشند. بهتر است با تشکیل جلسات حضوری در شورا، خواسته‌ها و شرایط شورا با شهردار احتمالی در میان گذاشته شود و پس از نتیجه‌گیری نهایی، انتخاب شهردار حتی الامکان به اتفاق آرا صورت گیرد.

۴- در انتخاب هیئت رئیسه و اعضای کمیسیون‌ها باید تخصص و تجربه و توانمندی‌های اعضا را در نظر گرفت و از حداقل امکانات نیروی انسانی موجود حداکثر استفاده را کرد. از آنجا که جامعه، شناخت لازم را از متقاضیان خود دارد، انتخابات داخلی به سرعت مورد قضاوت مردم قرار خواهد گرفت و جنبای اعتبار شورا و اعتماد مردم خواهد بود.

۵- نمایندگان مردم در شوراهای اسلامی باید حداکثر زمان و فرصت حضور و خدمت را در شوراها داشته باشند.

۶- شورا باید دارای روابط عمومی قوی باشد و به هر طریق ممکن سعی شود ارتباط سالم و سازنده‌ای با عسنا و سیما و ارباب جراید داشته باشد، به نحوی که هیچ جلسه‌ای از جلسات رسمی شورا (غیر از جلسات غیرعلنی) بدون حضور خبرنگاران نباشد.

رسانه‌های گروهی نیز می‌بایست صمیمانه با شورا همکاری‌های سالم و سازنده‌ای داشته باشند.

۷- شوراها باید یلغار و متوجه باشند و از هر شعاری که بوی تقاضی و خودمحوری بماند به دور باشند و به مفهوم مقدس شورا نیندیشند و واردترین و توانمندترین عضو و منتخب و به شورای بالا است معرفی کنند. به ویژه شورای عالی استان‌ها که عالی‌ترین و سرنوشت‌سازترین نهاد شورایی‌اند و اعضای شوراهای شهرستان، استان و شورای عالی استان‌ها شرعاً و اخلاقاً متعهد گردند که کلی نگر و جامعه‌گرا باشند و مصالح کلی شوراها را در نظر بگیرند.

۸- وجود نشریه‌ای که هفتگی یا ماهانه منتشر شود بسیار ضروری است تا توان پیام شوراها را به مردم و مسئولان رسانند.

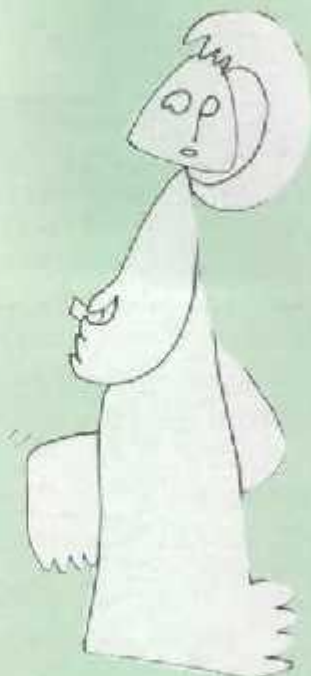
شوراهای کشور ما کلاً شورای شهرداری‌ها است، و حتی در جهت اعمال سیاست‌های شورایی و خواسته‌های مردم در حد شورای شهرداری‌ها هم نیست. شهرداری‌های کشور ما نیز از نظر اختیار و اقتدار نه تنها با هیچ یک از شهرداری‌های کشورهای پیشرفته و در حال توسعه قابل مقایسه نیست؛ بلکه حتی حوزه عمل و اقتدار آنها از شهرداری‌های پنجاه سال پیش هم محدودتر است.

به امید روزی که شوراها و شهرداری‌های ما به صورت نمونه کامل و با ریزی از مردم سالاری، خوش بدرخشند و در مسیری سازنده و پویا و هدفمند برای ملت و دولت یار و همکار شایسته‌ای باشند.

شورا و شناخت وظایف شهرداری‌ها

محمود برآبادی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای



زمینه‌های مختلف، از رسیدگی به امور رفاهی شهروندان گرفته تا فعالیت‌های زیربنایی و عمرانی، بر عهده شهرداری نهاده شد.

در سال ۱۳۴۵ به موجب اصلاحیه‌ای، وظایف شهرداری بار دیگر افزایش یافت. حتی به موجب ماده ۹۸ الحاقی، نهبه نقشه جامع شهرسازی در زمره وظایف شهرداری‌ها قرار گرفت.

قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۸ شهرداری که در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسید و قانون الحاق دو تبصره به ماده ۵۵ و اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری که در تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۷ از تصویب گذشت، و همچنین قانون اصلاح باره‌ای از مواد قانون شهرداری مصوب ۱۳۵۵، از جمله قوانینی هستند که به حدود وظایف و اختیارات شهرداری‌ها پرداخته‌اند.

علاوه بر این قوانین، بر اساس قانون تشکیل شورای عالی شهرسازی و معماری، مصوب ۱۳۵۲ و قانون تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۶۱ و اصلاح آن در سال ۱۳۶۹، وظایف بیشتری بر عهده شهرداری‌ها گذاشته شد.

زندگی شهری در گذشته‌های نه چندان دور بسیار ساده و بی‌تکلف بوده و گرچه سازمان‌هایی عهده‌دار امور شهر بودند، اما تعداد آنها اندک بود و وظایف محدودی را هم بر عهده داشتند. امروزه رشد زندگی اجتماعی به همراه گسترده‌گی شهرها، وظایف بسیاری را پیش روی سازمان‌های دولتی و شبه دولتی نهاده است. این به گونه‌ای است که می‌توان گفت اداره شهر در زمان حاضر بدون دخالت این سازمان‌ها ناممکن به نظر می‌رسد.

در عین حال، پیچیده شدن مسائل شهری، دگرگونی‌های بیشتری را در وظایف سازمان‌های منولی امور شهری پدید آورده و وظایف جدیدی را بر عهده آنها گذاشته است. از این رو دولت‌ها ناگزیر شده‌اند که برای اداره امور شهرها، سازمان‌هایی با وظایف مشخص ایجاد کنند.

نگاهی به گذشته

از اوایل قرن دوم هجری فردی که او را محتسب می‌گفتند وظیفه اداره شهر را عهده‌دار بود و تفکیکی بین وظایف اداره شهر و امنیت شهر وجود نداشت.

در دوره قاجار تشکیلات نسبتاً منظمی به تقلید از اروپا برای مدیریت شهرها به وجود آمد که به آن اداره احتساب می‌گفتند. پس از مشروطیت نیز قانون ایجاد انجمن بلدیة تهران و ولایات به تصویب رسید و به دنبال آن در پایتخت و برخی از شهرستان‌ها، انجمن‌های بلدیة تشکیل شد. به تدریج تشکیلات بلدیة کامل‌تر گردید و در سال ۱۳۰۹ وظایفی برای تشکیلات بلدیة به شرح زیر تعریف شد:

۱- بلدیة مؤسسه‌ای است ملی که مقصود از تشکیل آن حفظ منافع شهر و تأمین حوایج عمومی و نهبه آسایش اهالی و کلیه احتیاجات شهری در حدود مقررات این قانون است.

۲- بلدیة هر محل عبارت است از اداره بلدیة و انجمن بلدی.

۳- اداره بلدیة از طرف وزارت داخله تشکیل می‌گردد و اعضای آن را اهالی محل انتخاب می‌کنند.

قانون شهرداری در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسید. این قانون حیطة وظایف شهرداری را گسترده‌تر کرد. به موجب ماده ۵۵ این قانون بیش از ۵۳ وظیفه در

تنوع و گسترده‌گی وظایف شهرداری‌ها

فصل ششم قانون شهرداری به وظایف شهرداری‌ها اختصاص یافته که به طور نامنظم - اما به تفصیل - بیان شده است. این وظایف را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد:

- الف - حقوق و ضوابط شهری، مضمون بندهای ۱۹ و ۲۸ ماده ۵۵.
- ب - نظارت و کنترل، مضمون بندهای ۴، ۵، ۱۳، ۲۰ و ماده ۵۵ و ماده ۱۰۰.
- ج - برنامه‌ریزی شهری، مضمون بندهای ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۲ و ۲۴ ماده ۵۵.
- د - عمران شهری، مضمون بندهای ۱، ۱۴، ۲۱، ۲۴ و ۲۵ ماده ۵۵.
- هـ - تجهیز و ایجاد زیرساخت‌های شهری، مضمون بندهای ۲، ۱۲، ۱۷، ۲۱ و ماده ۵۵.

و - خدمات شهری، مضمون بندهای ۲ و ۲۷ ماده ۵۵.

ز - خدمات فرهنگی و اجتماعی، مضمون بندهای ۴، ۶، ۱۸ و ۲۱ ماده ۵۵.

ماده ۵۵ این قانون وظایف شهرداری را در ۲۸ بند توضیح داده است. هر کدام از بندها گاه چند وظیفه را شامل می‌شود، به گونه‌ای که دامنه وظایف شهرداری

بسیار گسترده شده است و در عمل فراتر از عهده و توان شهرداری‌هاست. از جمله می‌توان به اینها اشاره کرد:

۱- ایجاد خیابان‌ها و کوچه‌ها و میدان‌ها و باغ‌های عمومی و مجاری آب و توسعه معابر.

۲- نظیف و نگهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آب‌ها و فاضلاب و تأمین آب و روشنایی.

۳- جلوگیری از سد معابر عمومی و اشغال پیاده‌روها و استفاده غیر مجاز از آنها و پارک‌های عمومی برای کسب پاسکینی.

۴- مراقبت و اهتمام کامل در نصب برگه قیمت بر روی اجناس.

۵- جلوگیری از گدایی و واداشتن گدایان به کار و توسعه آموزش عمومی.

۶- تأسیس مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی مانند بنگاه حمایت مادران و نواتخانه و پرورشگاه و درمانگاه و بیمارستان و شیرخوارگاه و تیمارستان و کتابخانه و کلاس‌های میزازه یا بیسواد و کودکستان و باغ کودک‌کان و امثال آن در حدود اختیارات مصوب.

۷- حفظ و اداره کردن دارایی منقول و غیر منقول شهرداری‌ها و اقامه دعوی بر اشخاص و دفاع از دعوی اشخاص علیه شهرداری.

۸- برآورد و تنظیم بودجه و اصلاح و تفریح بودجه شهرداری.

۹- انجام معاملات شهرداری، اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیر منقول و مقاطعه و اجاره.

۱۰- اهدا و قبول امانات و هدایا به نام شهر یا تصویب انجمن.

۱۱- نظارت و مراقبت در صحت اوزان و مقیاس‌ها.

۱۲- تهیه آمار مربوط به امور شهر و موالید و متوفیات.

۱۳- ایجاد غسلخانه و گورستان و تهیه وسایل حمل اموات و مراقبت در انتظام امور آنها.

۱۴- اتخاذ تدابیر مؤثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و نظایر اینها، پوشاندن و پر کردن چاه‌ها و جاله‌های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیاء در بالکن‌ها و ایوان‌های مشرف به معابر عمومی و مجاور آنها.

۱۵- جلوگیری از شیوع امراض مساریه انسانی و حیوانی و اعلام این گونه بیماری‌ها به وزارت بهداشتی و دامپزشکی و شهرداری‌های مجاور و دیگر مراکز لازم.

۱۶- تهیه مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صنفی اصناف و پیشه‌وران.

۱۷- پیشنهاد اصلاح نقشه شهر - در صورت لزوم - و تعیین قیمت عادلانه اراضی و ابنیه متعلق به اشخاص که مورد احتیاج شهر باشد، بر طبق قانون توسعه معابر...

۱۸- تهیه و تعیین میدان‌های عمومی برای خرید و فروش ارزاق و توقف وسایط نقلیه و جز آن.

۱۹- تهیه و تأمین آیین‌نامه برای فراوانی و مرغوبیت و حسن اداره فروش گوشت و نان و اجرای آداب پس از تصویب انجمن شهر.

۲۰- جلوگیری از ایجاد و تأسیس کلیه اماکنی که به نحوی موجب بروز مزاحمت برای ساکنان می‌شود، یا مخالف اصول بهداشت در شهرهاست.

۲۱- احداث بناها و ساختمان‌های مورد نیاز محل، از قبیل رختشویخانه و مستراح عمومی و کشتارگاه و میدان‌ها و باغ کودک‌کان و ورزشگاه و نظایر اینها.

۲۲- تشویک مساعی با فرهنگ در حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر و ساختمان‌های عمومی و مساجد و جز آن.

۲۳- اهتمام در مراعات شرایط بهداشت در کارخانه‌ها و مراکز در پاکیزگی گرمابه‌ها و نگهداری از اطفال بی‌بصاحت و سرراهی.

۲۴- صدور پروانه برای کلیه ساختمان‌هایی که در شهر احداث می‌شود.

۲۵- ساختن خیابان‌ها و آسفالت کردن سواره‌روها و پیاده‌روهای معابر و کوچه‌های عمومی و انهار و مانند اینها.

۲۶- پیشنهاد برقراری یا لغای عوارض شهر و همچنین تعیین نوع و میزان عوارض.

۲۷- وضع مقررات خاصی برای نامگذاری معابر و نصب لوحه نام آنها و شماره گذاری اماکن و نصب تابلوی الفباک اعلانات و برداشتن و محو کردن آگهی‌ها از محل‌های غیر مجاز، و هر گونه اقداماتی که در حفظ نظافت و زیبایی شهر مؤثر باشد.

۲۸- صدور پروانه کسب برای اصناف و پیشه‌وران (شهرداری می‌تواند نسبت به تعطیل محل کسب فاقد پروانه اقدام کند).

همان گونه که بنیادست، وظایف بیشمار و مسوخی بر عهده شهرداری‌ها نهاده شده است و می‌توان گفت در واقع هر وظیفه‌ای که در شهر بر زمین مانده، انجام آن به شهرداری محول شده است.

ماده ۵۶ این قانون حوزه وظایف شهرداری را حقوق مصوب شهر تعیین کرده است؛ و ماده ۵۷ اجزای مقررات شهرداری را که جنبه عمومی دارد و به تصویب انجمن شهر (شورای شهر) رسیده است، برای کلیه ساکنان شهر لازم‌الاجرا می‌داند.

باتوجه به گذشت نزدیک به پنجاه سال از تصویب قانون شهرداری‌ها و افزودن الحاقات بسیار و اصلاح برخی مواد در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۲، از آنجا که در زمان حاضر باره‌ای از وظایف شهرداری‌ها عملاً به سازمان‌های دیگر محول شده و بسیاری وظایف جدید در اثر تصویب قوانین مرتبط با شهر و وظایف کنونی آن افزوده شده است، لزوم تجدید نظر در قانون شهرداری و تصویب قانون جدیدی که بیانگر وظایف شهرداری در شرایط امروز کشور ما باشد، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. بدین ترتیب انتظار می‌رود که اوگان مسئول در این زمینه، هر چه زودتر اقدام کند.

لازم است کمیسیون خاصی در وزارت کشور یا دعوت از سازمان‌ها، نهادها و وزرا و اجانه‌هایی که در مدیریت شهری مؤثرند، تشکیل گردد که وظیفه آن تهیه پیش نویس قانون جدید شهرداری‌ها باشد تا پس از تصویب در هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی ارائه گردد. در حال مادامی که قانون جدیدی برای تعیین وظایف شهرداری‌ها تصویب نشده است، آشایی یا تکمک این وظایف برای کلیه کسانی که در مدیریت شهرها دخیل اند، ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ۱- کوپنر، ج. (مترجم: احمد علی‌محمدی) شهرداری‌ها و سازمان‌های محلی، تهران: ۱۳۳۲.
- ۲- حسین‌خان‌نورمحمدی، روح‌الامکان، شهر و وظایف جدید شهرداری‌ها، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۱.



اوقات فراغت کودکان و شهرداری‌های سوئد

ترجمه و تلخیص: شهروزاد فرزین پاک

مقدمه

امروزه ارائه خدمات مراقبت و آموزش کودکان بخشی از سیستم رفاهی سوئد است که در زندگی روزمره اکثر خانواده‌های سوئدی نمود دارد. پس از تغییر در الگوی خانواده - از دهه ۱۹۷۰ به بعد - و لزوم اشتغال زن و مرد در کنار هم، ارائه خدمات به درستی سازماندهی شده برای مراقبت از کودکان ضروری می‌نمود و به همین جهت در اولویت فعالیت‌های دولت قرار گرفت. در همین زمینه سیاست «مراقبت و آموزش از اوگان کودکی» (ECEC)^۱ به وسیله وزارت آموزش و علوم سوئد به اجرا درآمد که تأکیدی است همسو یا هدف‌پیش گفته. در این بین شهرداری‌ها مسئول فراهم آوردن و تأمین خدمات لازم در این زمینه شدند که در دو گروه، برای کودکان ۱۸ ماهه تا پیش از ورود به مدرسه و کودکان مدرسه‌ای تا ۱۲ سال، ارائه می‌شود.

از سال تصویب این طرح (۱۹۸۵) تا سال ۱۹۹۱ میزان تولد به سرعت افزایش یافت و همزمان تعداد زنان شاغل نیز بالا رفت. افزایش آمار تولد منجر به ایجاد هر چه بیشتر مراکز خدماتی در دهه ۱۹۹۰ گشت. به طوری که مراکز مذکور امروزه در اکثر شهرداری‌های سوئد به چشم می‌خورند.

بهره‌گیری از خدمات، مطابق قانون، شامل کودکانی می‌شود که والدین آنها شاغل و یا در حال تحصیل‌اند و یا کودکانی که به مراقبت‌های خاص نیاز دارند. در این میان شهرداری‌ها موظف به تنظیم برنامه‌ریزی برای آموزش و فعالیت‌هایی برای اوقات فراغت کودکان هستند. مقاله حاضر به معرفی مراکزی که شهرداری‌ها بدین منظور احداث کرده‌اند می‌پردازد.

مبانی قانونی

مطابق قانون همه کودکان ۱ تا ۱۲ ساله تا زمانی که والدین‌شان در حال کار یا مطالعه هستند حق بهره‌مندی از خدمات مراقبتی و آموزشی را دارند. در این میان شهرداری‌ها وظیفه فراهم آوردن امکانات مراکز پیش از ورود به دبستان و مراکز اوقات فراغت و نظارت بر کیفیت خدمات ارائه شده در این مراکز را بر

عهده دارند. در عین حال، شهرداری‌ها می‌توانند مجوز این مراکز را - به ویژه در قالب مراکز اوقات فراغت کودکان مدرسه‌ای - به واحدهای خصوصی واگذار کنند. لازم است این واحدهای خصوصی ضمن دارا بودن استانداردهای کیفی و ایمنی، شهریه بالایی را برای والدین در بر نداشته باشند. در این حالت نیز شهرداری هر منطقه یا شهر مسئول نظارت بر فعالیت‌های این واحدهاست.

فعالیت‌ها

مراقبت از کودکان مدرسه‌ای شامل کلیه فعالیت‌هایی است که در ساعات‌هایی که بچه‌ها در مدرسه نیستند صورت می‌گیرد و به همین جهت می‌تواند در قالب فعالیت‌های اوقات فراغت باشد. مراکز اوقات فراغت در برگیرنده فعالیت گروهی آموزشی برای کودکان عضو است که در ساعات‌هایی که به مدرسه نمی‌روند و یا روزهایی که مدرسه تعطیل است می‌توانند در آن شرکت کنند.

مطابق قانون این مراکز در تمام طول سال باز هستند. ساعات کاری این مراکز با ساعات اشتغال و مطالعه والدین و با توجه به نیاز کودکان تعریف می‌شود. مراکز اوقات فراغت برای این گروه سنی، اغلب هماهنگ با مدارس عمل

می‌کنند. این هماهنگی‌ها در قالب کادر آموزشی و برنامه‌های‌شان است. در این بین فعالیت‌های دیگری تحت عنوان فعالیت‌های آزادانه اوقات فراغت^۲ تعریف شده‌اند که شرکت در این فعالیت‌ها نیازی به عضویت کودک در مجموعه ندارد. این فعالیت‌ها مختص کودکان در گروه سنی ۱۰ تا ۱۲





سال هستند.

فعالیت این مراکز به لحاظ ساعتی و عملکردی در واقع فعالیت‌های مدرسه‌های کودکان را تکمیل می‌کند و در عین حال تأمین کننده و تضمین کننده تفریحات معنی‌دار برای کودکان است.

علاوه بر این، آموزش‌های خاصی برای کودکان نیازمند پیش از ورود آنان به دوره‌های آموزشی اجباری وجود ندارد. این گروه شامل کودکان معلول (چه به لحاظ جسمی و چه ذهنی)، کودکان خانوارهای کم درآمد (که کمترین

هزینه‌ها به وسیله شهرداری‌ها پرداخت شده است و این نهادها با کمک‌های بلاعوض دولتی حمایت می‌شوند. به این ترتیب، به طور متوسط برای کودکان مدرسه‌های تنها یک یا دو درصد درآمد ناخالص خانوار هزینه می‌شود. شهریه‌های پرداختی برای فرزندان اول بیشتر است و به ترتیب کاهش می‌یابد، به طوری که برای شرکت در فعالیت‌ها شهریه‌های ماهانه نیابستی از ۲۶۰ کرون سوئد برای فرزندان اول و ۲۸۰ برای فرزند دوم و سوم تجاوز کند.

کارکنان

۹۸ درصد از کارکنان این مراکز برای کار با کودکان آموزش دیده‌اند. هر مرکز دارای مدیری با تحصیلات در زمینه‌های مرتبط است که با پرسنل مشغول از ۶۰ درصد معلمان و ۳۸ درصد پرستاران کودک کار می‌کنند. لازم است موبیان اوقات فراغت در مدت ۲ سال آموزش ببینند و دوره‌هایی را در مقوله‌های مربوط به

رقم را نسبت به دیگر کشورهای توسعه یافته دارند) و کودکان بومی و دو زبانه‌ای است که خانواده‌های آنان به سوئد مهاجرت کرده یا پناهنده شده‌اند. با توجه به میزان فزاینده جمعیت مهاجر به

مطابق قانون همه کودکان ۱ تا ۱۲ ساله تا زمانی که والدین‌شان در حال کار یا مطالبه هستند حق بهره‌مندی از خدمات مراقبتی و آموزشی را دارند

سوئد، دولت بودجه‌ای را برای مراقبت ۳ ساعت در روز کودکان دوزبانه از ۳ سالگی تأمین کرده است.

هزینه‌ها

به دلیل درصد بالایی عدم تمرکز در سوئد، شهرداری‌ها کنترل کامل بر مخارج خود دارند. از سوی دیگر اکثر شوراهای شهری، ارائه خدمات به کودکان را در اولویت قرار داده‌اند؛ در نتیجه شهرداری‌ها در سوئد عمده هزینه‌های مکان‌های اوقات فراغت را تقبل می‌کنند.

البته این هزینه‌ها نباید به قدری بالا باشند که هزینه‌های واقعی شهرداری را بالا ببرد. از سوی دیگر شهریه‌ها نباید به گونه‌ای

شهرداری‌ها در سوئد عمده هزینه‌های مکان مراکز فراغت را تقبل می‌کنند

کودک و اوقات فراغت بگذرانند. از کل پرسنل این مراکز تنها ۵ درصد را مردان تشکیل می‌دهند.

آمار

مطابق با آمارگیری بایز سال ۲۰۰۱، کودکان ۱-۶ سال، تقریباً همه به وسیله خانواده‌های شان نگهداری می‌شدند؛ از کودکان ۱ تا ۶ ساله ۶۴ درصد به طور تمام وقت در مراکز پیش از ورود به مدرسه شرکت می‌کردند؛ ۶۹ درصد از کودکان مدرسه‌های در سنین ۶ تا ۹ سال در مراکز اوقات فراغت عضویت داشتند و این رقم برای کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال به ۷ درصد کاهش می‌یافت.

مراکز اوقات فراغت در برگیرنده فعالیت گروهی آموزشی برای کودکان عضو است که در ساعت‌هایی که به مدرسه نمی‌روند و یا روزهایی که مدرسه تعطیل است می‌توانند در آن شرکت کنند

باشد که موجب کاهش فعالیت‌های با ارزش کودکان به دلیل کمبودهای مالی خانواده‌ها شود. از سال ۲۰۰۲ بخش عمده

1- Early Childhood Education and Care
2- Open Learning - Site activities

WWW.Örebro
WWW.Storviken.se
WWW.svevika.se

یادداشت

شعبه

شهرداری‌های دانمارک و فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)^(۱)

نویسنده: مارتین لوندو

ترجمه: بهار سعیدی، با همکاری سرویس بین‌المللی



مقدمه

با گسترش روزافزون جامعه اطلاعاتی، مؤسسات آماری با افزایش تقاضا برای آمارهای رسمی مواجه می‌شوند. در چند سال گذشته شمار زیادی از کشورهای آمارهای رسمی خود را با بهره‌گیری از فناوری ارتباطات و اطلاعات در مؤسسات و یا در منازل تولید کرده‌اند. در سطح بین‌المللی، آمارهای یکدست با بهره‌گیری از ICT در چارچوب سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^(۲) Eurostat و دیگر قالب‌ها ایجاد شده‌است.

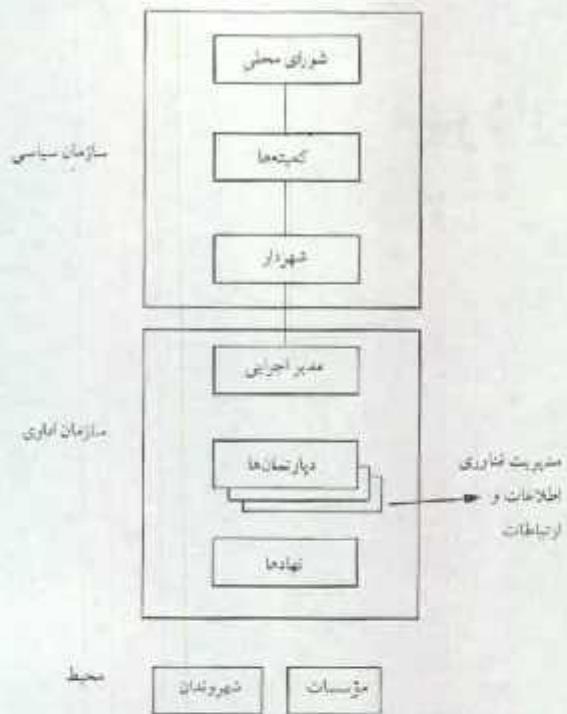
به نظر می‌رسد که در زمان حاضر بخش دولتی حلقه گمشده آمارهای رسمی ICT است. استفاده بخش دولتی از این فناوری اهمیت فراوانی در جهت فراهم آوردن خدمات بهتر و کارآمدتر برای شهروندان دارد. پیش از هر چیز تعداد در حال افزایش خانوارهایی که به اینترنت دسترسی دارند، معنای جدیدی از ارتباط را بین مقامات دولتی و شهروندان تعریف کرده‌است. ثانیاً استفاده از فناوری ICT پیشرفته در داخل سازمان، باعث بهره‌گیری بهتر از منابع در بخش دولتی شده‌است. این بعد در سال‌های آینده، با افزایش کشورهایی که به دلیل توسعه‌های جمعیت شناختی با کاهش نیروی کار مواجه هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

بررسی واحدهای استفاده‌کننده از ICT برشمرده، مهم‌ترین چالش را در این خصوص، می‌توان تشخیص و تعیین واحدهای مجرد و مرزهای بخش عمومی به طور کلی دانست. به لحاظ بین‌المللی این مشکلات به دلیل تفاوت‌های سازمانی بخش عمومی در کشورهای مختلف دو چندان می‌شود. این موضوع شامل اندازه کل این بخش، رواج نهادهای نیمه دولتی، تقسیم وظایف، اندازه واحدها و دیگر تفاوت‌های ساختاری است.

واحدهای بخش دولتی به جهات مختلف شروع چندان آسانی در ایجاد شاخص‌های بین‌المللی در خود نداشتند. در جایی که مقایسه تعداد شرکت‌ها با - مثلاً - هم پیچ

بررسی بخش دولتی: مشکلی واحد

بخش دولتی را نمی‌توان به مثابه سهل‌ترین حیطه



(Homepage) مفهوم می‌یابد، امکان مقایسه تعداد سازمان‌های مسئول با خدمات وب خاص، به دلیل تفاوت‌های ساختاری بنیادی بین بخش‌های عمومی در کشورهای مختلف، وجود ندارد. با توجه به آمار خدمات مورد نیاز برای شهروندان،

در چند سال گذشته شمار زیادی از کشورها آمارهای رسمی خود را با بهره‌گیری از فناوری ارتباطات و اطلاعات در مؤسسات و یا در منازل تولید کرده‌اند

رویکردی برای حل مسئله می‌تواند نگاه به پوشش جمعیتی آن باشد. بنابراین خدمات ارائه شده می‌تواند با تعداد شهروندان و تعداد کل استفاده‌کنندگان بالقوه در جمعیت ستجیده شود. این اطلاعات را پژوهشگران سازمان‌های دولتی همانند شهرداری‌ها می‌توانند جمع‌آوری کنند. در برخی موارد مرور وب سایت‌ها می‌تواند اطلاعات مورد نیاز را فراهم آورد. پژوهشگران خانگی و شرکت‌ها می‌توانند در بالا بردن اطلاعات مرتبط مؤثر باشند.

مؤسسات آماری هنوز در هنگام جست‌وجو و بررسی با مشکل واحدی مواجه‌اند. نه تنها واحدهای مرتبط می‌بایست شناسایی و انتخاب شوند بلکه اغلب واحدهای پاسخگو با بی‌دقتی به واحدهای جست‌وجو متصل‌اند. برای مثال، ایجاد استراتژی ICT ممکن است مجزا از کسب آن باشد - که این خود جدا از استفاده آن است.

تمرکززدایی بیشتر، مسبب سخت‌تر شدن جمع‌آوری اطلاعات می‌شود. همین مشکلات در استفاده از این فناوری در شرکت‌ها وجود دارد (از جمله در برخورد با

جمعیتی را در بر می‌گیرد. به این ترتیب نقطه آغازین پوشش آماری دانمارک به دلایل زیر از شهرداری‌ها آغاز می‌شود:

تعداد در حال افزایش خاتوارهایی که به اینترنت دسترسی دارند، معنای جدیدی از ارتباط را بین مقامات دولتی و شهروندان تعریف کرده است

- مقامات محلی بیشترین ارتباطات را با فرد فرد شهروندان دارند.
 - مقامات محلی در مقایسه با سطح دولتی واحدهای مشابه‌تری دارند.
 - مقامات محلی در بخش بزرگی از وظایف بخش عمومی حضور دارند.
- شهرداری‌های دانمارک عهده‌دار طیف وسیعی از وظایف در قالب مدارس، کودکانستان‌ها، کتابخانه‌ها، مراقبت از سالمندان، اداره امنیت اجتماعی، زیرساخت‌های محلی، آبرسانی و جز اینها هستند. این شهرداری‌ها علاوه بر این به شدت مستقل از دولت‌اند و حق وضع و دریافت

گروه‌های نگاه) اما این مشکل در بخش عمومی به دلیل پیچیدگی سازمانی بیشتر است.

سازمان شهرداری‌های دانمارک
بخش دولتی دانمارک، همانند بسیاری دیگر از کشورها، شامل سه لایه است: دولت، استانداری‌ها (۱۴ مورد) و شهرداری‌ها (۲۷۵ مورد). هر سه لایه در سطح محلی فعالیت می‌کنند اما شهرداری‌ها بخش عمده مسئولیت اجرای امور محلی را دارا هستند. استانداری‌ها طیف مسئولیت‌های خاص خود را دارا هستند که عمدتاً یک منطقه وسیع‌تر جغرافیایی و یا مبنای بزرگ‌تر

پرسشنامه خطاب به مدیر بخش ICT بود، اما به دلیل ماهیت سریع و مستقیم آن، مدیر اجرایی نیز طی نامه جداگانه‌ای از انجام بررسی منقطع گردید.

مرحله بررسی زمان مشارکت کنندگان

تعداد نسبتاً کمی از پاسخ‌دهندگان امکان تهیه سریع آمار را فراهم کردند.

رویکرد کلی پرسشنامه

پرسشنامه دارای ساختاری انعطاف‌پذیر و بخش‌های مختلفی است که روزآمد و به‌نگام می‌شوند. اینها به طریقی تنظیم شده‌اند که باب مقایسه را باز می‌کنند. همه بخش‌ها به غیر از هزینه ICT بر اساس رویکردهای کیفی است که به نظر می‌رسد قابل اعتمادترین پاسخ‌ها را ارائه دهد و بالاترین میزان پاسخ‌دهنده را نیز داشته باشد.

محتوای پرسشنامه

منابع استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات با درجه انتشار آن و یکپارچگی فناوری کاملاً مرتبط است. دو بُعد اصلی در نگاه به این موضوع در بخش عمومی وجود دارد. ۱- روابط داخلی: کارآمدی در جریان کار در داخل سازمان؛ و ۲- روابط خارجی: خدمات، با مدنظر قرار دادن شهروندان.

مالیات‌های محلی را دارند. به دلیل طیف وسیع وظایف، حتی کوچک‌ترین شهرداری‌ها (با حدود ۲۰۰۰ شهروند) دارای بودجه، کارکنان و پیچیدگی‌های سازمانی بنگاه‌ها هستند.

گرچه سازمان‌های شهرداری‌ها تا حدی شبیه به هم هستند، تفاوت‌های محلی در تعداد دیارتمان‌ها و نهادها به چشم می‌خورد که وظایف یکسانی بین آنها تقسیم شده است. به ویژه در سال‌های اخیر تمرکززدایی از وظایف

شهرداری‌های دانمارک عهده‌دار طیف وسیعی از وظایف در قالب مدارس، کودکان، سالمندان، اداره امنیت اجتماعی، زیرساخت‌های محلی، ابرسانی و جز اینها هستند

اداری دیارتمان‌ها و ارائه آن به نهادها، گردآوری اطلاعات در سازمان اداری مرکزی را دشوارتر ساخته است. مدیران فناوری اطلاعات و ارتباطات عموماً در دیارتمان امور مالی آنها جای دارند.

از طرف دیگر، برخی ابعاد توسعه فناوری حرکت را به سوی جهت مخالف هدایت می‌کنند. برای مثال، طراحی و نگهداری وب سایت‌ها اغلب در سطح متمرکز هم‌هنگ می‌شود که معمولاً دیارتمان ICT است. به این ترتیب خدماتی که وب سایت‌های شهری ارائه می‌کنند، چنین می‌نماید که به دلایل عمکردی دارای نتیجه‌های استفاده از ICT هستند.

طراحی جست و جو

جست و جویها و بررسی‌ها از طریق پرسشنامه‌های پست الکترونیکی هدایت می‌شوند. شرکت در بررسی اختیاری است و همه ۲۷۵ شهرداری در نمونه آمده‌اند.

مشارکت کنندگان	زمان	مرحله بررسی
	۴ و ۵ ژوئیه	تحقیق
۲ شهرداری، مقامات محلی انجمن ملی دانمارک، ۲ شرکت نرم‌افزاری	اوت	آزمون مقدماتی
۲۷۵ شهرداری (همه موارد)	۲۸ اوت	پست‌گرن پرسشنامه
	۷ سپتامبر	مهلت زمانی اول
	۱۲ سپتامبر	یادآوری کتبی
	۱۹ سپتامبر	مهلت زمانی دوم
	۲۴-۲۸ سپتامبر	یادآوری تلفنی
	۱ اکتبر	نتایج اولیه



و هماهنگی و حوزه‌های استفاده.

نتایج

از کل پرسشنامه‌ها حدود ۴۰ درصد پاسخ گفته شدند. طراحان پرسشنامه بر این باورند که سوالات مربوط به هزینه علت اصلی پاسخ ندادن گروهی از شهرداری‌هاست. علاوه بر این، تاریخ ارسال پرسشنامه‌ها همزمان با روند تأمین بودجه شهرداری‌ها بوده است. لیکن به هر حال در مجموع به نظر می‌رسد که پرسشنامه‌ها درست عمل کرده‌اند. از جمله مشکلات مطرح شده، عدم آگاهی برخی از مدیران فناوری اطلاعات و ارتباطات از کل هزینه‌های ICT به دلیل انعکاس نیافتن آن در سیستم حسابداری رسمی و با دیگر دلایل است. به هر ترتیب با توجه به آنچه گفته شده، حساسیت موضوع سبب می‌شود تا بررسی دقیق‌تری برای نتیجه‌گیری از پاسخ‌های به دست آمده ضرورت یابد.



هدف پرسشنامه پوشش دهی به هر دو مورد پیش گفته بود. بسیاری از پرسش‌ها مربوط به شرایط داخلی و پوشش دهنده شاخص‌های پایه برای آمادگی و ساز ماندگی بودند. روابط خارجی را عمدتاً بخش‌های مرتبط با وب سایت پوشش می‌دادند.

بخش‌های اصلی پرسشنامه مذکور عبارتند از: خدمات الکترونیک / وب سایت، اینترنت، دیگر سیستم‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، هزینه‌های فناوری، راهبرد

www.voorburg.nl

سازمان همکاری‌های اقتصادی، توسعه و نوآوری
پانوشته
www.voorburg.nl

ماهنامه

شهرداریها

می پذیرد

استاد شهرداریها آگاهی می‌پذیرد

۰۵۶۳۴۷۷۷۸۷۷

تغییر در فرهنگ نهادی شهرداری‌ها (تجربه کلمبو)

ترجمه و تلخیص: پروانه مقدم



چشم‌انداز آینده آنها شهری سرزنده و پاکیزه و پایدار باشد، تغییر و تحول امری ناگزیر است.

شهردار جدید که پیش از انتخاب به این سمت در بسیاری از نهادها و سازمان‌های خصوصی عملکردهای تجاری موفق داشت، از تجربیات پیشین خود بهره جست و سیستم مدیریتی انعطاف‌پذیری را در پیش گرفت. این گروه مدیریتی جدید عملکردها را نه با درون‌دادها (inputs) بلکه با پیامدها (Out comes) مورد سنجش قرارداد و مبنای کار را بر اهداف کلی، و چشم‌اندازها گذاشت و نه بر قوانین و ضوابط. در این بین ارباب رجوع نقش متفاوتی را داشت و سیستم مدیریت نیز گزینه‌هایی را برای تصمیم‌گیری در اختیار آنها می‌گذاشت.

تلاش بر آن بود که از کلیه بخش‌های عمومی، خصوصی و داوطلب برای رفع نیازها بهره گرفته شود.

در این بین شورای شهر کلمبو نیز از دیگر نهادهای دولتی مستثنی نبود. الگوی سنتی اداری دولتی شکلی بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی خشک داشت. کارمندان همگی بایدند ضوابط و قوانین بودند و توجه زیادی به انجام صحیح کارها داشتند. اغلب گزارش‌هایی از عملکرد ضعیف این سیستم به گوش می‌رسید. کارکنان مایوس با بیش از ۳۵ درصد بیکاری و شغل خالی، بدون هیچ اضافه‌کاری، فاقد هرگونه ماشین‌آلات و تجهیزات، و با هرگونه تصمیم‌سازی در این نهاد مشغول فعالیت بودند. اغلب کارکنان بر این باور بودند که «انجام نشدن کار به معنی مشکل نباشن است». اولین عملکرد سیستم جدید تغییر در مشاغل و پست‌هایی بود که در دوره‌های بسیار طولانی تغییرات بس ناچیزی داشتند. سیستم جدید به کار گرفته شده در جامعه کلمبو که سریعاً در حال تغییر است، به سیستم‌های حکومتی که نتوانند همگام با نیازهای رو به رشد مردم پیش بروند نیاز دارد. در این میان، رهبری مناسب و توجه کار گروهی نیز در زمره ضروریات به شمار می‌آید. در نتیجه بیش از آنکه اداره امور اهمیت داشته باشد، مدیریت کارآمد نقش تعیین‌کننده دارد. پیش از آن، به رغم وجود تونل‌های آفرینشی و بهبود کارایی،

از زمان شروع به کار شورای شهری کلمبو (colombo) در ۱۳۴۴ سال پیش، جمعیت شهر از هشتاد هزار نفر به هشتصد هزار نفر رسیده است؛ و جمعیت متخیر نیم میلیون نفری نیز دارد. مهاجرت‌های شهری «سبب شده‌اند که بسیاری از شهروندان فاقد سرپناه مناسب باشند و دسترسی به امکانات اولیه از جمله آب سالم و بهداشتی نیز نداشته باشند». تراکم و افزایش فعالیت تجاری و صنعتی فشار مضاعفی بر عملکردهای شورا وارد می‌کند. الگوهای بدون برنامه‌ریزی رشد شهری موجب ناکارایی اقتصادی، انحصار محیطی و درماندگی‌های انسانی شده‌اند.

سازوکارهای برنامه‌ریزی در زودروسی با این افزایش بی‌تأثیر جمعیت و مهاجرت‌های نودهای به‌شهرها یا شکست مواجه شده‌اند، و ارائه خدمات شهری هم نتوانسته است انتظارات جامعه را برآورده سازد. به علاوه ظرفیت راه‌ها پاسخگوی گسترش روزافزون شهر و نیاز به حمل‌ونقل مناسب نبوده است. بدین ترتیب مدیران نیز در تلاش برای بهبود وضعیت افشار مستعد شهری، که نزدیک به ۴۵ درصد جمعیت شهر را شامل می‌شوند، چندان موفق عمل نکرده‌اند. امور مالی شهری در زیر فشارهای سنگین مخفف از کار افتاد و در حفاظت از خدمات زیرساختی شهری ناتوان شد. با کمبود منابع مالی دولتی بخشی از درآمدهایی که این بخش تأمین می‌کرد نیز کاهش یافت. فرخ‌های دولت مرکزی همچنان پرداخته نشد و بایه مالی در سنگنا و رکود باقی ماند. این شهر هنوز پس از گذشت سال‌های متمادی، در تلاش برای پیشرفت و تبدیل شدن به شهری مدرن و حقیقتاً مرزهای خود است. این شهر به دلیل آنکه پایتخت تجاری کشور به شمار می‌آید، از مزایا و تکنیک‌های خاص آن نیز به شدت تأثیر می‌پذیرد.

در زمان انتصاب «شامیزو کارو» جاسوریا - به سمت شهردار - در آوریل سال ۱۹۹۷ مدیریت جدید با آگاهی کامل از این شرایط، با به میدان نهادن این شخص برای نخستین بار وارد عرصه سیاسی می‌شد و بر این باور بود که انتخاب وی به دلیل نیاز مردم به دگرگونی صورت گرفته است. در واقع گروه مدیریتی جدید دریافتند که اگر

هر سازمانی فرهنگی خاص دارد که برایت فعالیت‌هایی آن به طریقی مشخص در تورطی طولانی است. با وجود تغییرات سریع در محیط خارجی سازمان، دگرگونی در نقش سنتی و یا شکل آن از ضروریات به شمار می‌آید. این در حالی است که وقتی اشخاص تلاش در انجام اصلاحات به عمل می‌آورند، مقاومت‌هایی جدی در آن سازمان پیش می‌آید. شهرداران نیز با این دوگانگی‌ها مواجه‌اند. اگر چه آنان خواستار بهبود کیفیت زندگی شهروندان خود هستند، لیکن در عین حال اغلب در می‌یابند که سازمان شهری آنها چه بسا خود عمده‌ترین مانع برای بهبود ارائه خدمات باشد. این سازمان ممکن است بوروکراتیک و مواجه با قوانین دست‌وپاگیر باشد و در نتیجه نتواند به نیاز اصلاحات پاسخ گوید.

اما سؤال اینجاست که شهرداران چگونه می‌توانند فرهنگ سازمانی موجود را به گونه‌ای تغییر دهند که برانگیزاننده (و نه بازدارنده) اهداف آنها در جهت بهبود شهر و خدمات شهری باشد.

آنچه در ادامه می‌آید، تجربه شورای شهر کلمبو در این زمینه است که منجر به بهبود خدمات و کیفیت عملکرد نیروی کار این سازمان شده است.

هیچ تلاشی برای یافتن بهترین عملکردها به چشم نمی خورد. در نتیجه می بایست اشکال سنتی اداره دولتی به مدیریت دولتی تبدیل می شدند.

پیش از شکل گیری سیستم جدید، قدرت در اختیار شهرداری

از زمان شروع به کار شورای شهری کلمبو در ۱۳۴ سال پیش، جمعیت شهر از هشتاد هزار نفر به هشتصد هزار نفر رسیده است؛ و جمعیت متغیر نیم میلیون نفری نیز دارد

قرار داشت. در واقع سیاستمداران، زمان فراوانی را صرف کسب قدرت در این نهاد می کردند و خدماتی را برای گروه های مختلف مردم فراهم می ساختند. این خدمات عموماً به وسیله همین نهاد فراهم و ارائه می شد و شیوه ای مستقیم برای حل مشکلات اجتماعی محلی به حساب می آمد. سیاسی شدن در اوج امور قرار داشت. و نتیجه آن کاهش فراوان عملکردهای شورا بود.

گام های متعددی برای فائق آمدن بر این شرایط برداشته شد. نخست اینکه پیش از انتخابات تلاش عمده ای برای ورود چندین متخصص به عنوان کاندیدا انجام گرفت و در عین حال از ورود سیاستمداران توده مردم نیز ممانعتی به عمل نیامد. در واقع شهردار جدید کاندیداهایی را معرفی کرد تا بتواند در آینده گروهی قوی و کارآمد برای انجام اقدامات خود داشته باشد.

دوم اینکه، همه نیاسات ها به وسیله اعضای شورا و بر مبنای نیازهای انتخاب کنندگان تنظیم گردید و اعضای بخش اجرایی، انجام امور را به عهده گرفتند. معاون شهردار نیز در این میان وظیفه سنگین برقراری ارتباط بین نمایندگان منتخب و امور اداری را عهده دار شد.

سوم اینکه، ایده قدیمی که دموکراسی را همسان با انتخاباتی می دانست که در آن برخورد های رأی دهنده بین احزاب و درگیری های سیاسی به حداقل برسد تغییر داده شد. به دنبال این دگرگونی، اعضای احزاب مختلف سیاسی به عنوان رؤسای شورا انتخاب شدند.

(۵ نفر از ۱۵ نفر کمیته) در واقع ۳۲ درصد از کابینه شهردار از حزب مخالف انتخاب شدند. و به این ترتیب طرح چهار ساله توسعه شهر کلمبو با مشارکت احزاب سیاسی تنظیم گردید.

چهارم اینکه، قدرت و مسئولیت مدیران افزایش یافت. با این کار، بیش از آنکه اداره کنندگان تحت کنترل قرار بگیرند، به مدیران مختاری بدل شدند که می توانستند از

خلافت های خود در پاسخ به نیاز متقاضیان بهره گیرند. از آن پس آزادی های مدیریتی به آنان داده شد که بر مبنای شناخت مسئولیت بود و فرصت هایی را برای قطعی کردن سار و کار ارائه خدمات به دست می داد.

شورای پیشین ارتباطی مقتدرانه، بسته، مبهم و آشفته با عموم مردم داشت - به ویژه در زمانی که انعقاد آن می شد. با به عهده گرفتن سنجه های ابتکاری تصور مردم از شورا و مقامات محلی تغییر کرد.

برنامه یکصد روزه

برنامه یکصد روزه برای تأثیر گذاری بر همه خدمات شورا، با تأکید بر موارد زیر، شکل گرفت:

- فراهم آوردن امکانات بهتر برای اقبال ضعیف؛
- دگرگونی سیمای شهر؛
- بهره گیری از خدمات بخش خصوصی؛ و
- آگاهی دادن به مردم در جهت کمک آنها در فراهم سازی خدمات کارآمد به شهر.

بازتاب های این طرح، عالی بود و همه بخش های جامعه از جمله سفارتخانه های خارجی برای موفقیت برنامه به شهرداری پیوستند. عناصر اصلی این برنامه را می توان چنین برشمرد:

سیستم جدید به کار گرفته شده در جامعه کلمبو که سریعاً در حال تغییر است، به سیستم های حکومتی که بتوانند همگام با نیازهای روزمره و رشد مردم پیش بروند نیاز دارد

□ دفتر راهنمای خدمات، که در دوران مسئولیت شهردار قبلی تولید شده بود، در اختیار خانوارها قرار گرفت. این کتابچه، نگرش را در مورد نقش ها و فعالیت های شورای شهر و بهترین طریقه تماس با مسئولان محلی در مواقع لزوم، به شهروندان ارائه می کرد.

□ مرکز اطلاعات ۲۴ ساعته و مرکز انتقادات، برای کمک به شهروندان افتتاح شد. این مرکز با دریافت انتقادات و گزارش آنها، برنامه ای را برای ارائه آنها تنظیم کرده به این ترتیب که یک «روز همگانی» در چهارشنبه هر هفته بدین منظور در نظر گرفته شد. در این روز شهردار، معاون شهردار، اعضای هیئت شهرداری و همه رؤسای دپارتمان های مختلف در مکانی مشخص، در تماس مستقیم با عموم مردم قرار می گیرند. مردم نیز بدین ترتیب می توانند مشکلات خود را به شکلی مستقیم و سریع حل کنند. معمولاً بین ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر در هر روز همگانی در این مکان حضور می یابند.

□ کمیته های مشورتی، متشکل از شهروندان پیشرو و متخصص، با تجربه و اعتبار در رشته های مرتبط، افتتاح گردید. چهار کمیته از این دست، فعالیت هایی را در زمینه بهداشت عمومی، ورزش، بازارها و برنامه ریزی مالی انجام می دهند.





□ کمیته ناظر شهری، متشکل از رهبران محلی و متخصصان رشته‌های مرتبط، برای حفظ ارتباط معمول بین شهروان و امور مربوط به شهر تشکیل شد. این کمیته‌ها برای ایجاد و تداوم کمک‌های سوده‌مند به شهر تأسیس شدند. از طریق این تلاش‌ها اعتماد مردم

امروزه در کلمبو بسیاری از خدمات - از جمله ایمنی و جمع‌آوری زباله - از طریق قراردادهایی به بخش خصوصی واگذار شده‌اند

کسب شد و مردم دریافتند که شهروان به شکلی هدفمند کار می‌کنند. همچنین این عملکردها شروع مشارکت‌هایی را با دیگر ارگان‌ها در پی داشت. در واقع از طریق مشارکت با سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی، کمک‌هایی در جهت حفظ و نگهداری میدان‌ها، سیستم چراغ‌های راهنمایی، امکانات عمومی برای افراد فقیر و نظایر آنها در دسترس قرار گرفت.

مشارکت با گروه‌های تخصصی از جمله انجمن معماران، سازمان انجمن‌های تخصصی و نهاد مهندسی منجر به شکل‌گیری «جشم‌اندازی مثبت برای شهر کلمبو در سال ۲۰۰۰ شد. به علاوه، مشارکت با بخش بازرگانی آغاز گردید، به گونه‌ای که تاکنون پیشرفت درخور توجهی داشته است.

جامعه بین‌المللی نیز به تلاش‌هایی که در جهت توسعه و بهبود شهر صورت گرفت، توجهی خاص نشان داد. دولت‌های هلند، نروژ، انگلیس و استرالیا در بسیاری از پروژه‌ها مستقیماً کمک کردند و دولت‌های آلمان و ژاپن قراردادهایی را برای پروژه‌های توسعه عمده منعقد ساختند. علاوه بر این، نهادهای پشتیبانی کننده نیز ارتباط نزدیکی را در انجام بسیاری از فعالیت‌ها برقرار ساختند.

افزون بر اینها، مشارکت با دیگر مقامات محلی هم‌انجام شد. در واقع با توجه به اینکه مقامات محلی کلمبو بزرگترین نهاد محلی در سریلانکا هستند، مسئولیت رهبری دیگر مسئولان محلی را به عهده گرفتند. این موضوع با شکل‌گیری انجمن ملی شهرداران سریلانکا، متشکل از ۱۴ شهردار از ۱۴ شورای شهر، در سریلانکا انجام شد. امروزه این انجمن حکم مجری را دارد که در آن شهرداران با دیدگاه‌های مختلف سیاسی آشنا می‌شوند.

انجام برخی خدمات از طریق بستن قرارداد با بخش خصوصی از دیگر فعالیت‌های جدید شهروان بود. باور عمومی بر این بود که خدمات بخش دولتی در زمینه‌هایی چون سرپرستی و مقوله‌های مالی نمی‌تواند به کارآمد شدن بخش خصوصی عمل کند؛ و به رغم انتقادات اولیه، ثابت شد که این موضوع صحت دارد. امروزه در کلمبو بسیاری از خدمات - از جمله ایمنی و جمع‌آوری زباله - از طریق قراردادهایی به بخش خصوصی واگذار شده‌اند. برای دستیابی به اطمینان از اینکه این رویکرد منافع بیشتری ایجاد خواهد کرد، نیاز بود تا این آگاهی به همه کارکنان داده شود که برای شهروان، متقاضی مهم‌ترین شخص به شمار می‌آید. برنامه آموزشی با تأکید بر متقاضی و روابط عمومی در کلیه بخش‌های شهروان به اجرا درآمد. این تلاش‌ها حال و هوا و فضای جدیدی را در شهروان تعریف کرد و آموزش به بخشی عمده در دستور العمل‌های شهروان بدل گردید. به گونه‌ای که

هر ساله حداقل یکی از کارمندان در هر بخش تحت آموزش‌های تخصصی قرار می‌گیرد. بخشی از برنامه مورد بحث این بوده است که اکثر اعضای انجمن شورای شهر و کارکنان اصلی این نهاد، به سنگاپور (به عنوان شهر الگو) سفر کردند.

در این بین ایجاد چشم‌انداز و طرحی برای شهروان، برای مدیریت شهر ضروری می‌نمود. به همین منظور یک هیئت گزارش برای ایجاد هماهنگی میان دیدگاه‌های مختلف مسئولان و مردم شروع به کار کرد. بدین ترتیب نوعی حس همسویی برای همکاری در جهت خواسته‌های مدیریت صحیح شهری به وجود آمد. این اولین باری بود که طرح همکاری از طرف مقامات محلی سریلانکا، شکلی عمومی یا همگانی به خود می‌گرفت.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این طرح در نظر گرفتن نیازهای جوانان برای هزاره جدید بود. از آنجا که جوانان آینده‌سازان این کشور

شهروان آشنا کردن جوانان با چالش‌های رودرروی آنها را از مسئولیت‌های خود بر شمرده است. بدین منظور شهروان برنامه‌های آموزش برای اشتغال، مرکز کارایی و یک پارک هزاره را که امکان دسترسی افراد فقیر به فناوری اطلاعات را فراهم می‌آورد، در دستور کار خود قرار داده است

هستند، شهروان آشنا کردن جوانان با چالش‌های رودرروی آنها را از مسئولیت‌های خود بر شمرده است. بدین منظور شهروان برنامه‌های آموزش برای اشتغال، مرکز کارایی و یک پارک هزاره را که امکان دسترسی افراد فقیر به فناوری اطلاعات را فراهم می‌آورد، در دستور کار خود قرار داده است. مبنای طرح این است که هر ساله حدود ۵۰۰۰ جوان آموزش ببینند.

تجربه‌های اخیر این شهر بسیار رضایت‌بخش است. گرچه در طول این مدت شهر کلمبو با دگرگونی همه‌جانبه و گسترده‌ای روبه‌رو نشده اما مدیریت شهری به تلاش‌های گروهی منتهی پرداخته است. در واقع به رغم راهی طولانی که در پیش است، چنین احساس می‌شود که این روند شهر را به اهداف مدیریت مطلوب خواهد رساند.



منبع:

www.aifb.org

شهرداری نِست ود (Næstved) و آیین نامه اوقات فراغت

شهرداری نِست ود دانمارک در جهت جلب توجه مدیریت شهری به منظور ایجاد فرصت‌های تفریحی و آموزشی بیشتر برای کودکان و نوجوانان، «آیین نامه اوقات فراغت» را برای این قشر از شهروندان تدوین کرده است.

هدف از تدوین آیین نامه مذکور، ارائه انگوی مناسب برای خانواده‌ها و افزایش مشارکت والدین به عنوان مهم‌ترین گام در برنامه‌ریزی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان و درک توقعات آنان از یکدیگر یا توجه به امکانات موجود فعلی است. برطبق آیین نامه، حق کودکان شهر نِست ود این است که در محیطی سالم و سرشار از محبت، که بزرگسالان نیز معتمد و غمخوار آنها باشند، پرورش یابند. بازی کودکان می‌بایست به منظور ارتقای شخصیت، تمرکز و توانایی‌های اجتماعی آنها در اولویت قرار گیرد و والدین نیز بایستی بکوشند تا همواره به نیازهای فرزندان خود و نحوه رشد آنان توجه و رسیدگی کنند. براساس این آیین نامه، شهرداری نِست ود برنامه‌هایی را به منظور مراقبت از کودکان، آموزش آنها و نحوه گذران اوقات فراغتشان تدوین کرده است. از خانواده‌های نیازمند نیز در این زمینه حمایت خواهد کرد. تاگفته نماند که مشارکت جوانان در این روند امری ضروری به‌شمار می‌آید.

سیاست مذکور ارزش‌هایی را نیز مد نظر قرار داده است که براساس آن، جوانان و کودکان باید مورد عشق و احترام قرار گیرند و اجازه یابند که در محیطی امن و مطمئن رشد کنند و با چالش‌ها و مسئولیت‌پذیری‌هایی که اساس یک زندگی سالم است آشنا شوند.

براساس این سیاست، والدین و وظایف و مسئولیت‌های شان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. کودکان نیز می‌بایست نتوانند به دور از معضلات و مسائل مربوط به قومیت، جنسیت و معلولیت، به یکدیگر احترام بگذارند؛ و در این مورد آموزش‌های لازم را هم خواهند دید. در دوره‌های آموزشی پیش‌بینی شده، کودکان و نوجوانان با شرایطی که در دوران بلوغ و بزرگسالی با آن مواجه خواهند شد آشنا می‌شوند تا بتوانند اساس زندگی آینده خود را به خوبی و آگاهانه پایه‌ریزی کنند. آنان در این دوره‌ها می‌آموزند که حق انتخاب و تصمیم‌گیری دارند و می‌توانند در فرایندهای دموکراتیک محیط خود شرکت

کنند. به علاوه، آنان می‌توانند در عرصه فرهنگ نیز وارد عمل شوند و هویت خود را از طریق چالش‌های طبیعی و مشارکت خلاقانه رشد دهند.

با این سیاست، حق گزینش وسیعی برای کودکان و نوجوانان در زمینه فعالیت‌های اوقات فراغت فراهم می‌آید. تعداد فعالیت‌ها در این زمینه برای گروه‌های سنی گوناگون و برای تمام خانواده‌ها افزایش پیدا می‌کند و والدین، کودکان و نوجوانان نیز به‌مد نظر قرار دادن علایق خود تشویق می‌شوند. در عین حال هرگونه حمایتی در



این زمینه برای آنها تأمین می‌گردد. در این سیاست همچنین بر این نکات تأکید شده است: تقویت نفوذ کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های اوقات فراغت از لحاظ محتوا، کیفیت و تسهیلات، توسعه بهبود مراکز تفریحی و باشگاه‌های جوانان و حمایت از آنها؛ همکاری بین نهادهای داوطلب، مدارس و مراکز عرفی از کودکان؛ تشویق آنها در جهت تدوین برنامه‌های اوقات فراغت؛ و ارتقای فعالیت‌های بنیادی با توجه به نیازهای متغیر کودکان و نوجوانان.

ترجمه: بهار حسینی
سایت: www.banankarb.com



۱۸ مرکز اطلاعات و ارتباطات از سوی نهاد برنامه‌ریزی عمران ملل متحد (UNDP) برای ساکنان منطقه مقدونیه و کارکنان شهرداری این منطقه ایجاد شد.

هدف از این پروژه که در قالب برنامه‌های توسعه عمران ملل متحد به اجرا در می‌آید، بهبود کیفیت دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات در شهرداری‌ها و بهبود مبادلات الکترونیکی اطلاعات و تجارب بین حکومت‌های محلی از طریق شبکه‌های الکترونیکی است.

در این طرح، کارآموزان بعد از آموزش اینترنت و دیگر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، به ایجاد صفحات وب و استفاده از دسترسی‌های موجود در اینترنت به منظور ارتقا و توسعه بازارهای تجارت خصوصی، بهبود شهرها و تبادل تجربیات با

فناوری اطلاعات و ارتباطات در شهرداری‌های مقدونیه

محلی متصل خواهد بود، نهاد برنامه‌ریزی عمران ملل متحد در طول اجرای پروژه ارائه می‌کند.

در این پروژه، وزارت دولت خود مختار محلی، مقامات ۱۸ شهرداری و مؤسسه «جامعه باز» مقدونیه مشارکت دارند. کل بودجه اختصاص یافته به این برنامه ۷۰۴ هزار و ۹۷۷ دلار است.

مجموعه شهرها فریونیک
www.dusseldorf.de



طرح دیگر شورای شهر دوسلدورف، ایجاد نمایشگاه در نزدیکی ورزشگاه است. هزینه این نمایشگاه که به شیوه سبک قرن ۲۱ ساخته می‌شود، ۵۰ میلیون یوروست، و سیستم تهویه سالن‌های نمایشگاه از بهترین نوع انتخاب شده است. مساحت این نمایشگاه در زمان حاضر ۲۲۴ هزار متر مربع است و قرار است تا ۲۹ هزار متر مربع افزایش یابد. گفتنی است در فضای آزاد این نمایشگاه، رستورانی بزرگ و شیشه‌ای نیز ساخته شده است.

مجموعه شهرها فریونیک
www.dusseldorf.de



مشارکت برای توسعه و آمایش سرزمین با تکیه بر عوامل اقتصادی است. هیتتی نیز بر فعالیت گروه نظارت می‌کند و با گردآوری متخصصان و مسئولان شهری و اداری، پیشنهادهای ارائه شده گروه مذکور را مورد بررسی قرار می‌دهد. این هیئت، گروه مورد بحث را از لحاظ عثمی و هماهنگی کامل یا شاخص‌های مربوط به آمایش سرزمین، شهرسازی و توسعه اقتصادی ارزیابی و کنترل می‌کند و از هیچ نکته ظریفی نمی‌گذرد. پروژه طرح شده گروه متخصصان در زمینه تجهیزات شهری، حمل و نقل، مسکن و گردشگری خارجی با هدف رونق و شکوفایی اقتصادی تدوین گردیده است.

دیگران می‌پردازند.

از دیگر اقدامات نهاد برنامه‌ریزی عمران ملل متحد در این پروژه، که با همکاری با یکی از نهادهای داخلی مقدونیه انجام می‌پذیرد، تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و شبکه‌های حکومت محلی است.

کمک‌های فنی برای حفظ نگهداری وب سایت‌های شهری و وب سایت مرکزی شهر را، که به وب سایت شبکه اطلاعات دولت

برای بازی‌های المپیک ۲۰۱۲، ورزشگاهی در شهر دوسلدورف آلمان با هزینه‌ای حدود ۳۱۸ میلیون یورو در حال ساخت است.

شورای شهر دوسلدورف ساخت این ورزشگاه را در قالب طرح‌های مربوط به آبادانی شهر و مناطق اطراف آن، در ۱۶ دسامبر سال ۲۰۰۲ به تصویب رساند.

ساخت این ورزشگاه که بین شهر دوسلدورف و رود راین قرار گرفته است، در ۲۰ ژانویه سال ۲۰۰۳ آغاز شد. این ورزشگاه با گنجایش ۵۱ هزار و ۵۰۰ نفر، علاوه بر دارا بودن زمین‌های مختلف برای بازی‌ها همچون فوتبال، بسکتبال، والیبال، تنیس و دیگر بازی‌ها، دارای محلی برای فیزیوتراپی، پارک، فضای سبز، مرکز خرید و هتللی با ۲۵۶ اتاق است.

بیشتر خیابان‌های شهر به این ورزشگاه راه دارند و ایستگاه قطاری نیز در نزدیکی آن در دست ساخت است.

در بامبر سال گذشته، ورزشگاه قدیم راین و قسمت اعظم ستون بتنی این استادیوم، که در همان سال بازسازی شده بود، بر اثر دو انفجار ریزش کرد. مواد فولیه باقی مانده از این ورزشگاه به وسیله کشتی به هلند فرستاده شد تا برای جاده‌سازی و سدسازی مورد استفاده قرار گیرد. بعد از این حادثه، شورای شهر ساخت ورزشگاهی جدید را در شمال شهر دوسلدورف به تصویب رساند.

طرح «آمایش فضاهای شهری و رونق اقتصادی» به وسیله آژانس شهرسازی شهر «لیون» فرانسه به اجرا در آمد.

بر اساس این طرح، در آمایش اقتصادی فضاهای شهری ابتدا اهداف اصلی برنامه‌ریزی شهری، شرایط هر منطقه و به ویژه مناطق صنعتی و تجاری، توسعه اقتصادی و زیر ساخت‌ها بررسی می‌شود. سپس عوامل، روش‌ها و ابزارهای مفید سازماندهی، تصمیم‌گیری‌های مکانی و زمانی، منافع عمومی، نیازها و انتظارات شهروندان و ایجاد هماهنگی میان ابزارهای موجود مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در آمایش اقتصادی فضاهای شهری نه تنها جنبه‌های ساختاری و مادی همچون تجهیزات شهری، بلکه عوامل غیرمادی مانند تصویر فضاهای شهری و فضاهای شهری مورد نیاز، مسکن و محیط زیست نیز مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. برای اجرای این طرح، گروه‌های ویژه‌ای متشکل از کارشناسان، متخصصان، شهرسازان و اقتصاددانان تشکیل شده‌اند که بر اساس تخصص خود در مورد یک یا چند موضوع به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

فعالیت این گروه، که با سایر کشورها نیز ارتباط برقرار کرده است، ایجاد پل ارتباطی میان مناطق مختلف و تبادل تجربیات و

برای المپیک ۲۰۱۲ ورزشگاه جدید در دوسلدورف (Dusseldorf) ساخته می‌شود

لیون، آمایش فضای شهری و شکوفایی اقتصادی

دستخوش تغییرند.

از سوی دیگر، امروزه با پیدایش فضا‌های جدید فعالیتی در کلان شهرها روشن‌های جدید کاربری اراضی، آمایش سرزمین و رونق اقتصادی می‌توانند به عنوان محورهای اصلی و جدا ناشدنی برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرند.

ترجمه: سیمین موسوی
www.urbanism.gov.ir

امروزه اقتصاد شهری به میزان بسیار زیادی با گسترش سرویس‌های خدماتی در شهرها مرتبط است. بنابراین در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی شهری در زمینه اقتصادی باید مشارکت در عرصه رقابت جهانی، ایجاد زمینه‌های فعالیتی جدید در محیط‌های شهری، تحولات سریع، برنامه‌ریزی اصولی، سازماندهی و مدیریت فضا‌های شهری در دراز مدت، اشتغال‌زایی و مشارکت در توسعه محلی نیز مورد توجه قرار گیرد. به هر حال فعالیت اقتصادی و بافت شهری در گذر زمان به طور مستمر

ارمنستان و مراکز اطلاع‌رسانی شهری

شهرداری‌های ارمنستان در اقدامی جدید با به کارگیری فناوری کامپیوتری پیشرفته و تبدیل منابع عظیم کاغذ به منابع الکترونیکی، دسترسی دائم شهروندان را به اطلاعات شهری، بدون مراجعه به شهرداری‌ها، امکان‌پذیر کرده است.

با ایجاد هفت مرکز اطلاعاتی شهری جدید در شهرهای گیومری، وانادزور، سیسیان، سوان، ایجوان، جرموک و آپوردی، دسترسی دائم شهروندان به اطلاعات جمعیتی، کدهای قانونی، خدمات اجتماعی، مشخصات مربوط به مالکیت، ثبت شرکت‌ها و حتی نقشه‌های شهری به سهولت و بدون ترددهای اضافه شهری صورت می‌گیرد. این مراکز نیازهای اطلاعاتی کل شهر را بسیار بهتر از دهان‌ذی‌ربط در شهرداری‌ها برآورده می‌سازند.

شهر چارلستون اولین شهری است که از طریق مراکز اطلاعات شهری، فایل‌های موجود در شهرداری خود را در اختیار شهروندان قرار داده و دسترسی به اطلاعات را در زمینه خدمات عمومی امکان‌پذیر کرده است. این شهر در زمان حاضر جوانان الکترونیکی برای ارتقای حکومت محلی در ارمنستان به شمار می‌رود. پس از این شهر، چهار شهرداری دیگر به ارزش این گونه مراکز پی برده و اقدام به احداث چنین مراکزی کرده‌اند. با رشد این مراکز در سراسر ارمنستان آینده‌های بسیاری برای هر چه کارآمدتر ساختن آنها به



عنوان آبراری برای مدیریت شهری مطرح شد که از جمله آنها ایجاد نرم‌افزاری برای بودجه‌بندی امور شهری و حسابرسی در شهر «اشترک» بود. با این نرم‌افزار، عملیات بودجه‌بندی با عموم مردم در عیان گذاشته می‌شود و شهروندان در تصمیم‌سازی‌های حکومت‌محلی خود نقشی فعال‌تر بر عهده می‌گیرند. این برنامه به سرعت در شهرداری‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است و در زمان حاضر به عنوان برنامه استاندارد در شهرداری‌های ارمنستان مطرح است.

ترجمه: سیمین موسوی
www.urbanism.gov.ir

شورای شهر «هالیفاکس» کانادا از این پس هزینه‌های مربوط به چراغ‌های موجود در جاده و خیابان‌های مسکونی را که به صورت شراکتی و خصوصی اداره می‌شوند، نخواهد پرداخت.

بر اساس طرحی که این شورا ارائه کرده است، هزینه چراغ‌های موجود در کنار جاده‌ها، در جاده‌های مناطق مسکونی و چراغانی داخل مناطق از محل هزینه‌های عمومی شهری پرداخت خواهد شد. دیگر اینکه تمامی چراغ‌های موجود در ملک‌های خصوصی که در زمان حاضر از محل هزینه‌های توسعه شهرداری منطقه‌ای هالیفاکس (HRM) پرداخته می‌شوند، طبق قوانین جدید عالیانی، از این پس به بخش مالکیت‌های خصوصی منتقل می‌گردند؛ یا اینکه در ابتدا به شوراها واگذار می‌شوند و سپس از آنجا به بخش مالکیت خصوصی انتقال می‌یابند. بدین ترتیب از این پس شورا هیچ گونه مسئولیتی در قبال چراغ‌های موجود در جاده‌های مسکونی، که به صورت شراکتی و تعاونی خصوصی اداره می‌شوند، نخواهد داشت.

هالیفاکس کمترین هزینه، بیشترین چراغانی



بر اساس این طرح، هر گونه پروژه نوسازی جاده‌های عمومی و اصلی و شریانی باید شامل اجزا و افزایش چراغانی خیابان‌ها، با در نظر داشتن کمترین هزینه چراغانی در آنها باشد. در واقع می‌بایست با توجه داشتن به کمترین حد چراغانی، بیشترین

محل حاضر باشند. اگر چه مدت زمان حضور نسبت به فاصله نزدیکترین ایستگاه آتش نشانی تا محل حادثه متفاوت است، اما اعضای این شورا معتقدند در ۹۰ درصد مواقع، ماشین آلات و تجهیزات آتش نشانی باید در مدت ۱۰ دقیقه به محل حادثه برسند. گفتنی است براساس استاندارد NFPA - ۱۷۲۰، مدت زمان مهار شعله های آتش باید حدود ۲ دقیقه باشد.

ترجمه و تدوین: WWW.majlis-hafte.com

خیابان ها و جاده ها تحت پوشش قرار گیرند. بر طبق طرح مورد بحث، هر گونه هزینه چراغانی مربوط به تجهیزات شهرداری شامل ایستگاه های آتش نشانی، مدارس، مراکز و تجهیزات نوسازی و نظایر اینها - همگی باید به وسیله واحدهای تجاری، صنعتی، اختصاصی، و یا دیگر حساب های بودجه ای جاری بودجه بانی شوند.

شورای شهر عالیفاکس در زمینه استانداردهای فرونشاندن آتش، تأکید می کند که خودروهای آتش نشان موظفاند در مدت ۶ دقیقه از زمان دریافت هشدار، طبق استاندارد NFPA ۱۰۱ در

برنامه ریزی برای افزایش مشارکت شهروندان اوکلند و سان لیندو

محل های مسکونی را به ثبت برسانند، و طرح درختکاری را با شناسایی مکان هایی که درختکاری در آنها الزامی است به اجرا بگذارند. در این طرح از مشارکت داوطلبانه مردم در اهدای درخت و نیروی کار بهره گرفته می شود.

آنان در نظر دارند از طرح های کودکان در زمینه مکان های عمومی استفاده از هنرهای آنها نیز بهره مند شوند.

ترجمه و تدوین: WWW.abqjasa.com

مدیران شهری شهرهای «اوکلند» و «سان لیندو» آمریکا برای افزایش همکاری و تعامل بین محله ها، ایجاد امنیت بیشتر در مناطق مسکونی و همچنین افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهر برنامه های ویژه ای را تدارک دیده اند. آنان یک روز از سال را به پاکسازی محله ها اختصاص داده اند. در این طرح اقدامات عمرانی بر روی محوطه ها، رنگ آمیزی املاکی که مالکان آنها پیر و یا ناتوان هستند، دفع زباله و بیرون انداختن اثاث فرسوده و مصرف نشدن، و همچنین خارج کردن وسایل نقلیه فرسوده از نارگان حمل و نقل، به وسیله شهروندان انجام می شود.

آنها قصد دارند که برنامه پاکسازی شعارهای دیواری را مورد بررسی قرار دهند تا از این طریق بفهمند که آیا می توان یا برنامه های مشترک کارایی و بازدهی را افزایش داد یا نه.

مسئولان شهر سان لیندو، شهروندان را تشویق به شرکت در نمایشگاه «پاکسازی شعارهای دیواری» که در شهر اوکلند برگزار شده است، می کنند. فروشنده گان در این نمایشگاه، محصولاتی را عرضه می کنند که بر روی آنها طرح «پاکسازی شعارهای دیواری» تبلیغ شده است.

مسئولان این دو شهر قصد دارند درختهای موجود در

گربه های ولگرد در دُبی جمع آوری می شوند

برنامه جمع آوری گربه های ولگرد، در دُبی با کمک بخش خدمات دامپزشکی دپارتمان بهداشت جمعی در شهرداری این شهر به اجرا در آمد.

گربه های جمع آوری شده برای جلوگیری از بوهم خوردن تبادل زیست محیطی عقیم می شوند. این برنامه که در بسیاری از کشورهای بسیار پیشرفته جهان نیز اجرا می شود، به کاهش تعداد گربه های ولگرد و کنترل موش ها و حیوانات خونده کمک می کند.

تحقیقات نشان می دهند که گربه های ولگرد به شیوع بیماری ها و انتقال هایی مانند «آلترکزیویلاسیا» به محیط زندگی شهروندان کمک می کنند. گروه ویژه ای که برای اجرای این برنامه در نظر گرفته شده، آموزش های لازم را برای کنترل گربه های ولگرد گذرانده اند.

دپارتمان بهداشت جمعی، از شهروندان خواست که با بستن محکم کیسه های زباله و گذاشتن آنها در مکان های ویژه،



دستکاری نکردن تله های نصب شده به وسیله شهرداری برای گرفتن گربه ها، آزاد نکردن آنها از تله ها و همچنین مطلع کردن شهرداری از وجود گربه های ولگرد در محله ها، به آنها در اجرای این برنامه کمک کنند.

ترجمه و تدوین: WWW.abqjasa.com

دهکده تفریحی - توریستی لیو (Liw)

شهرداری «لیو» در لهستان در جهت افزایش تعداد گردشگران خارجی منطقه و گسب درآمد، پروژه «دهکده‌های تفریحی و اوقات فراغت» را به اجرا گذاشته است. براساس این پروژه، الونگ‌های قدیمی پس از بازسازی شدن به عنوان تسهیلات و پناهگاه‌های توریستی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

برای ایجاد دهکده‌های تفریحی یک گروه همکاری در شهرداری به‌عنوان مسئول اجرای پروژه تشکیل شده است تا مکان مناسب برای ایجاد دهکده‌های تفریحی و کلیه‌های مناسب برای بازسازی را انتخاب کند و به تنظیم قوانین لازم برای مالکان شرکت کننده در پروژه بپردازد. این گروه آماده‌سازی برنامه‌های توسعه فضایی ناحیه انتخابی، تأمین تسهیلات آب و برق این منطقه، ایجاد کمیته‌هایی با عنوان «کمیته ارتقای دهکده» در منطقه لیو، سراسر لهستان و خارج از کشور را نیز بر عهده دارد. گفتی است شهرداری «لیو» جمعیتی حدود ۸ هزار و ۲۶۸ نفر دارد. این شهرداری با وجود نداشتن امکانات ارتباطی مناسب بین قسمت‌های شهرداری، دارای زیرساخت‌های قوی و توسعه

یافته، تسهیلات پیشرفته، در زمینه آب و تلفن، و زمین کافی به منظور جذب سرمایه‌گذاری است.

کارشناسان منطقه بر اجرای مقوله‌هایی همچون ایجاد شهری سازگار با محیط زیست، همراه با کشاورزی مدرن، گردشگری خارجی، توسعه زیرساخت‌ها و خدمات پیشرفته تأکید دارند.

ترجمه به فارسی
www.gazeta.lodz.pl



شهروندان، شبکه‌های مدنی و سیاستگذاران ایجاد کنند. لیکن فناوری‌های جدید، در جهت حمایت از سازوکار مشاوره و فراهم آوردن بازخوردهای لازم در تصمیم‌گیری‌ها، این فرصت را فراهم می‌آورند که نیاز شهروندان برای دسترسی به اطلاعات و خدمات از طریق مراجعه به اینترنت برآورده شود. متخصصان این فناوری معتقدند که می‌بایست با ایجاد حس تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازی‌ها و پیامدها در شهروندان و روشن کردن این مطلب که هر فرد قادر است در فرایند مشاوره شرکت داشته باشد، حضور مردم را در این فرایند ارتباطی افزایش داد.

آنان می‌گویند: فناوری جدید باید مسئولیت‌پذیری و شفافیت حکومت محلی، منطقه‌ای و ملی را افزایش دهد. بدین منظور نیاز است که ارتباطی عمودی بین سطوح مختلف مدیریت عمومی در جهت دسترسی ساختن اطلاعات، خدمات و ارتباطات بیشتر با شهروندان برقرار شود. از طرفی مسئولان محلی و منطقه‌ای نیز برای افزایش مشارکت شهروندان در این فناوری باید بیش از توجه به خود فناوری به محتوای آن توجه کنند و اطلاعات قابل فهم، قوی و قابل اطمینانی را برای شهروندان در اینترنت فراهم آورند، به گونه‌ای که برای مردم در دسترس و قابل استفاده باشد. اعلامیه CEMR که در ژوئن ۲۰۰۰ منتشر شد نیز بر تأثیر این شیوه جدید اطلاعاتی در افزایش کارایی و مشروعیت دولت‌های اروپایی تأکید دارد. این اعلامیه شفافیت، مشارکت آزاد، مسئولیت‌پذیری، کارایی و انسجام را به عنوان معیارهای مدیریت موفق برشمرده است.

ترجمه به فارسی
www.gazeta.lodz.pl

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، امروزه عامل مهمی در استفاده از راهبردهای مشارکت و تقویت دخالت شهروندان در اداره امور شهر، توسعه پایدار و برنامه‌ریزی ساختاری به ویژه در سطوح محلی و منطقه‌ای به شمار می‌روند. این برنامه‌ها به شهروندان و فعالان محلی برای توسعه اهداف افقی بلند مدت، سیاست‌ها و راهبردها کمک می‌کند تا کیفیت زندگی را در ناحیه خود بهبود بخشند.

شیوه‌های امروزی مدیریت شهری بر اطلاعات، مشاوره و مشارکت عمومی به عنوان عناصر اصلی برای درگیر شدن شهروندان در سیاستگذاری‌ها تأکید دارند. در این میان اینترنت بیش از هر ابزار فناوری اطلاعاتی و ارتباطی دیگر، به سیاستگذاران این امکان را می‌دهد که مستقیم و بدون هیچ واسطه‌ای، به مانند رسانه‌ها و نشریات با شهروندان مرتبط باشند. دسترسی سریع و فوری فناوری اطلاعات و ارتباطات موقعیت‌های جدیدی را برای توسعه دولت‌ها و مدرن کردن مدیریت‌ها پدید آورده است. مشارکت سیاسی از طریق اینترنت در بسیاری از کشورها به طور فزاینده‌ای تحقق یافته است. در سوئد بیش از ۲/۳ شهرداری‌ها دستورالعمل‌هایی شورا را در اینترنت منتشر می‌کنند و دیگر کشورهای اروپایی در حال توسعه کوتاه مدت و میان مدت در این زمینه‌اند.

البته انتشار صورتجلسه‌های شوراها در اینترنت، رأی‌گیری الکترونیکی و یا صندوق پستی الکترونیکی سیاستگذاران به تنهایی نخواهد توانست نزدیکی بیشتری بین

شهروندان بلژیکی و مشارکت در سیاستگذاری شهر





میدان شهرداری رشت

بررسی تاریخی سیمای یک مرکز

علی صفوی

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری

مقدمه

در قرن بیستم، شهرسازی براساس دیدگاه غالب «توسعه کالبدی» استوار بوده در حالی که در قرن بیست و یکم به دلیل مشکلاتی که به واسطه یکسوتگری به مسائل شهری پدید آمد، دیدگاه جدید «توسعه پایدار» یا به عرصه ظهور گذاشت.

این دیدگاه جدید باعث شد که در اهداف و ارزش‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری تغییرات اساسی پیش آید. این تغییرات از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد تئوریزه شده و مبنای نظری خاص خود را پیدا کرده‌اند. شاید یکی از تأثیرگذارترین افراد در این زمینه کریستوفر الکساندر باشد که با انتشار مقاله «شهر درخت نیست» خود در همان سال‌ها، تأثیرات عمده‌ای بر اصلاح این روند گذاشت.

به عقیده الکساندرو چرمایف، نویسندگان مشترک کتاب «تئوری جدید طراحی شهری»، مسئولیت انسان در قبال شهرسازی آن است که هر فرم شهری را جزئی از یک نظام سالم و مؤثر حاکم بر محیط زیست آدمی و واجد توازن و تعادلی بداند که ایجاد و حفظ آن باید هماهنگ با کل خصوصیات آن سیستم باشد.

اگر این نظریه را بپذیریم که شهرسازی عبارت است از «فعالیت‌های آگاهانه برای سامان دادن و نظم بخشیدن به فرم کالبدی و فعالیت‌های مجتمع‌های زمینی برای هر چه بهتر تحقق یافتن اهداف مرتبط یا آن مجتمع زمینی»^(۱)، آن‌گاه می‌توان گفت که طراحان شهری باید دریابند که فعالیت‌های انسانی چگونه در چارچوب فرهنگ‌های مختلف عملاً به وقوع می‌پیوندد و سپس در پرتو چنین نگاهی مشخص می‌شود که دلیل اصلی شکست غالب طرح‌های شهری این است که بسیاری از طرح‌های ایده‌آل جدید، تنها به زندگی ماشینی قرن ۲۰ توجه داشته‌اند و نه نیازهای انسانی.

امروزه در پی رشد فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی شهری،

شهرنشینان درصددند تا محیط خود را به نظام درآوردند و به آن بافتی مناسب و سیمایی مشخص دهند. و در این میان به ارزش‌های شهرسازی باقی مانده از گذشته نیز احترام بگذارند. این در حالی است که در بسیاری از نقاط کشور ما آثار طراحی شهری متعلق به گذشته (از جمله میدان‌های مرکزی شهرها)، بیش از آنکه فرصتی بیابند تا با شهرسازی بی‌هویت دوره جدید کنار بیایند، با از بین می‌روند و یا دو متن شهرها مهجور می‌مانند. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در سیمای هر شهری را باید سیمای مرکز آن شهر دانست. در حقیقت جاذبه مرکز شهر چندان به خاطر چیزهایی که ارائه می‌دهد نیست بلکه عمدتاً به خاطر حافظه‌ای است که عرصه می‌کند.^(۲)

ذکر این نکته بجاست که هر چند میدان مرکزی شهر نقش عمده‌ای در استخوان‌بندی و سازمان فضایی هر شهر دارد، ولی نباید فراموش کرد که از لحاظ عملکردی مرکزیت در شهرهای بزرگ گسترده‌ای است که انواع فعالیت‌های خدماتی در مقیاس شهری یا تراکمی نسبتاً زیاد در آنجا استقرار می‌یابند و الزاماً همیشه در یک مکان ثابت تشکیل نمی‌شوند.

این مراکز متأثر از جریان‌ات اقتصادی و اجتماعی هر شهر، تغییر مکان می‌دهند. در مقابل این مراکز مدرن و پر سروصدا، مراکز تاریخی در شهرها وجود دارند که عمدتاً در بردارنده فعالیت‌های خاص فرهنگی و اجتماعی هستند. این مراکز تاریخی در شهرها در بسیاری از موارد قابلیت تبدیل شدن به حوزه‌های مخصوص افراد بیاده را دارند. بحث عمده در این گزارش نیز شناخت و بررسی چنین مرکزی در شهر رشت، موسوم به میدان شهرداری است.

قبل از شروع بحث باید موضوع دیگری را که از لحاظ مفهومی در ذهن بسیاری از افراد به نادرست برداشت می‌شود، توضیح داد - و آن تفاوت مفهوم دو واژه میدان و فلکه است.



موقعیت میدان شهر داری نسبت به بافت اطراف

در توضیح این واژه‌ها باید گفت که میدان محل تجمع افراد و بروز رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی است. میدان محلی است که شهروندان برای گذراندن اوقات فراغت و دیدن یکدیگر به آنجا می‌روند. مکانی است با مقیاس انسانی و متناسب با رفتارها و ادراکات شخص پیاده و در واقع مکانی است که شکل دهنده بیشتر خاطرات جمعی ما است.

لیکن فلکه که عمدتاً به غلط نام میدان بر آن می‌نهند، نه محل تجمع بلکه محل توزیع سواره است. مقیاس فلکه متناسب با سرعت و نحوه حرکت سواره است، و در واقع انسان در این فضا جایگاهی ندارد. فلکه دارای عملکردی ترافیکی است و به منظور حذف چراغ قرمز و تسهیل حرکت سواره در تقاطع‌ها به کار می‌رود.^{۱۳} واژه فلکه اصولاً واژه‌های مدرن است که تولد آن به اواخر قرن ۱۹ (به دست هنارد) مربوط می‌شود؛ یعنی زمانی که حرکت سواره جایگزین حرکت پیاده گردید، خیابان‌های سریع جایگزین مسیرهای از گالیک شدند و نهایتاً فلکه جایگزین میدان شد.

۱- رشت، شهر باران‌های نقره‌ای

شهر رشت، مرکز استان گیلان، تقریباً در ۴۹ درجه طول شرقی و ۳۷ درجه عرض شمالی قرار گرفته است. این شهر دارای مساحتی در حدود ۱۳۶ کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود پانصد هزار نفر است (طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیت این شهر در حدود ۴۲۰ هزار نفر بوده است).

شهر رشت در جنگه سفیدرود واقع شده و به همین لحاظ دارای آب و هوایی معتدل و مرطوب است. شهر رشت از لحاظ جغرافیایی در حدود ۱۰۰ کیلومتری حاشیه جنوبی دریای خزر واقع شده است و از سمت جنوب و غرب رشته کوه‌های البرز را پیش رو دارد. این شهر مانند سایر نقاط ساحل جنوبی دریای خزر دارای آب و هوایی معتدل و مرطوب، و متوسط درجه حرارت سالانه آن ۱۷ درجه سانتیگراد است.

از آنجا که نام این شهر در جغرافیای حدود العالم (۲۷۲ ه.ق) آمده است، قدمت آن را به قبل از اسلام و دست کم به زمان ساسانیان نسبت می‌دهند. لیکن شهر رشت تا قبل از دوره صفویه اهمیتی نداشت و رشد آن در این دوره - و به خصوص در زمان شاه عباس - شروع گردید و به مرور بر اهمیت آن افزوده شد. شاه عباس شهر رشت را به عنوان مرکز استان گیلان انتخاب کرد و در همین زمان بود که این محل از حالت قصبه درآمد و به شهر تبدیل شد. شهر رشت دارای بافتی قدیمی با هویت خاص خود است. این بافت هسته اولیه شهر، و تقریباً در توافق با مرکز هندسی آن است.

مسئولیت انسان در قبال شهرسازی آن است که هر فرم شهری را جزئی از یک نظام سالم و مؤثر حاکم بر محیط زیست آدمی و واجد توازن و تعادلی بداند که ایجاد و حفظ آن باید هماهنگ با کل خصوصیات آن سیستم باشد

تفاوت ریخت شناختی (مورفولوژیکی) این بافت با دیگر بافت‌های تاریخی مربوط به نقاط گرم و خشک، پایین بودن قدمت بافت و

عدم فشردگی ترکیب آن - ناشی از شرایط اقلیمی حاکم - است. از خصوصیات عمده بافت تاریخی شهر رشت این است که دارای مرکز یا میدان مرکزی فعال و پر جنب و جوشی است. این امر حاصل چند دلیل عمده است: اول، وجود بازار و مسیرهای تجاری در چهار خیابان اصلی شهر در طول این میدان؛ دوم، استقرار ادارات دولتی مهم و مؤسسات خصوصی در اطراف آن؛ سوم، وجود عناصر فرهنگی جاذب جمعیتی از قبیل سینما، پارک، کتابخانه، بازار بزرگ و جز اینها؛ و چهارم، وجود ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی و کرایه‌های بین شهری و تاکسی.

□ سابقه تاریخی میدان شهرداری

در دوره قاجار، میدان شهرداری رشت محوطه قبرستان عمومی «آقاسید ابوجعفر» بود که مزار خود وی در قسمتی از آن قرار داشت. این قبرستان متروکه با تپه ماهورهای کلی اطراف آن به باغ حکومتی و بازار و محله‌های مسکونی متصل بود.

در بسیاری از نقاط کشور ما آثار طراحی شهری متعلق به گذشته (از جمله میدان‌های مرکزی شهرها)، بیش از آنکه فرصتی بیابند تا با شهرسازی بی هویت دوره جدید کنار بیایند، یا از بین می‌روند و یا در متن شهرها مهجور می‌مانند

معابر تنگ و باریک و خم، کوچه‌ها و گذرهای که نظیر آنها هم اکنون نیز در محله‌های قدیمی شهر فراوان دیده می‌شود، محله‌های پیرامون این قبرستان و باغ حکومتی را به این ناحیه و بازار شهر متصل می‌کرد. در شهر رشت برای اولین بار چهار خیابان به شکل چلیپا، در سال‌های ۸-۴-۱۳۰۴ احداث گردید که امروزه خیابان‌های اصلی شهر را تشکیل می‌دهند. این خیابان‌ها به قبرستان آقاسید ابوجعفر منتهی می‌شدند، که با احداث ساختمان شهرداری در ضلع غربی آن محوطه، قبرستان تخریب گردید.

در سال‌های ۱۳۳- به بعد با افزوده شدن فضاهای عمده



تغییر مرکز شهر از بازار به سوی این میدان بود، این امر کاملاً محقق نشد و مردم بیش از سکت و درنگ در میدان، از آن برای عبور و رسیدن به بازار استفاده می‌کنند. این امر می‌بایست در سامانه‌های بعدی میدان، به ویژه در تعیین کاربری اراضی و نوع کاربردهای کاربری تجاری، مدنظر قرار گیرد.

به هر حال میدان شهرداری مهم‌ترین فضای شهری رشت محسوب می‌گردد، که با سطحی نسبتاً وسیع دارای نقش اجتماعی ویژه‌ای است و ظاهراً با توجه به پاره‌ای از ویژگی‌های آن نقش اجتماعی آن واقعاً در حال تقویت است. این وضعیت قابلیت منحصر به فردی را در این میدان پدید آورده است که شهرداری می‌بایست با مدافعه بیشتر از آن بهره‌برداری کند (هر چند که در زمان حاضر نیز تا حد زیادی به آن توجه شده است).

۱-۳- نحوه استقرار فعالیت‌ها و فضاها در میدان شهرداری
نوع و کارکرد اصلی میدان یکی از عوامل مهم و مؤثر در نحوه تنظیم و ترتیب مکان‌های فعالیت‌های پیرامون یا درون هر میدان است.

میدان شهرداری رشت در درجه اول میدانی حکومتی بوده است؛ لذا در فضای باز آن هیچ فعالیت خاصی شکل نگرفته است (به ویژه فعالیت‌هایی مرتبط با اقتصاد غیررسمی جامعه که در اکثر فضاهای عمومی رواج دارد در اینجا به خاطر وجود شهرداری شکل نگرفته است). بنابراین تمامی فعالیت‌ها در حاشیه میدان نمود یافته‌اند. از طرف دیگر، میدان شهرداری دارای نقش عمومی و اجتماعی است، با مالکیت غالباً دولتی؛ لذا فعالیت‌های پیش‌بینی شدنی در واقع فعالیت‌هایی دولتی هستند یا کارکردی عمومی که غالباً هم شکل گرفته‌اند. از این دست‌اند مسجد، سینما، کتابخانه شهر، اداره پست و هتل.

گفتنی است که اصولاً شکل خود میدان و همچنین بناهای دولتی ساخته شده در آن همچون ساختمان قدیم استانداری و اداره پست از لحاظ فرمی دارای کلیتی جالب و اقتدارگرا هستند، به گونه‌ای که گویی هدف اصلی از تماشای آنها به نمایش گذاشتن

میدان محل تجمع افراد و بروز و ظهور رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی است؛ میدان محلی است که شهروندان برای گذراندن اوقات فراغت و دیدن یکدیگر به آنجا می‌روند. مکانی است با مقیاس انسانی و متناسب با رفتارها و ادراکات شخص پیاده و در واقع مکانی است که شکل دهنده بیشتر خاطرات جمعی ماست

قدرت دولت مرکزی بوده است. لذا حس مکان در این میدان به گونه‌ای است که فضای باز آن بیشتر از اینکه جاذب برای حضور آزادانه مردم باشد برای انجام مراسم رسمی و دولتی مناسب است. از دیگر خصوصیات نحوه استقرار فعالیت‌ها در اطراف میدان شهرداری، تنوع این فعالیت‌ها از لحاظ ساعات استفاده برای عموم

خدماتی و تجاری شهر (شهربانی، پست، تلگراف، هتل، سینما و جز آن) میدان شکل جدیدی به خود گرفت و شهرداری به منظرسازی آن با باغچه‌های گل و استخر و تعبیه فواره همت گماشت. شکل منظم هندسی میدان در حالت کنونی مربوط به سال‌های ۴۴-۱۳۴۲ است. اکنون این منطقه به صورت میدان اصلی شهر با مساحتی نزدیک به ۷ هزار مترمربع درآمده است که به عنوان قطب ارتباطی شهر با مناطق اطراف نیز دارای اهمیت خاصی است.

از لحاظ عملکردی مرکزیت در شهرهای بزرگ گستره‌ای است که انواع فعالیت‌های خدماتی در مقیاس شهری با تراکمی نسبتاً زیاد در آنجا استقرار می‌یابند و الزاماً همیشه در یک مکان ثابت تشکیل نمی‌شوند

□ خصوصیات میدان شهرداری

۱- خصوصیات عملکردی

۱-۱- کاربری‌های اطراف میدان

اولین کارکرد میدان شهرداری، نقش سیاسی - اداری آن بوده است. ساختمان‌های شهرداری و شهربانی جزء اولین ساختمان‌هایی بودند که با نقش دولتی در این میدان پدید آمدند و هم‌اکنون نیز جزء مهم‌ترین عناصر آن محسوب می‌گردند. علاوه بر این، برگزاری مراسم‌ها و رژه و انجام برخی مراسم دولتی در این میدان، نقش سیاسی آن را تشدید می‌کند.

با این حال پس از گذشت مدتی، ایجاد برخی کاربری‌های دیگر در اطراف میدان - از جمله کتابخانه ملی، اداره پست و تلگراف، هتل، سینما، مدرسه، مسجد، کایسا و نهایتاً یک مجتمع بزرگ فرهنگی - باعث شد که نقش اداری از یک سو و نقش عمومی از سوی دیگر تا حد زیادی تقویت شود.

۱-۲- ارتباط میدان با بافت اطراف

میدان شهرداری اگر چه میدانی طراحی شده است اما در واقع به صورت تافته‌ای جدا بافته در مرکز شهر رشت به وجود آمده است، چون از نظر کالبدی پیوند ارگانیک مناسبی با بافت شهری ندارد. در واقع این میدان به نوعی متمایز از کلیت بافت سنتی دیده می‌شود. به گفته یکی از مسئولان شهرداری رشت، خصوصیت اصلی میدان شهرداری دارا بودن کارکرد ارتباطی است. به عقیده وی، با وجود اینکه میدان شهرداری در کنار بازار به وجود آمده است و یکی از اهداف آن





مردم است. به طور مثال، در طول روز استفاده از فضاهای اداری رونق دارد و در شب استفاده از فضاهایی مانند سازه‌های خرده فروشی، سینما و رستوران‌ها، همین امر خود به سرزندگی و جریان دائمی زندگی در میدان کمک می‌کند.

۲- خصوصیات کالبدی میدان

۲-۱- موقعیت میدان نسبت به راه‌های منتهی به آن

میدان شهرداری رشت در مرکز این شهر و در سر راه مسیری شریانی که به بازار رشت منتهی می‌شد ساخته شده است. پس از ساخته شدن این میدان دو خیابان دیگر از آن منشعب شدند، که بعد از ایجاد آنها این میدان در محل تلاقی مهم‌ترین راه‌های شهر قرار گرفت. این عامل باعث شد که بر اهمیت این میدان افزوده شود و به محل تقاطع چهار خیابان مهم در چهار جهت جغرافیایی بدل گردد.

قبل از احداث خیابان‌های جدید بافت شبکه معابر تاریخی جهت شرقی - غربی بود که این جهت به تبعیت از کل بافت شهر شکل گرفته بود. با احداث خیابان امام خمینی با جهت شمالی - جنوبی که ادامه آن در خارج از شهر، آن را به تهران متصل می‌سازد، ارتباط موازی بازار با بسیاری از نقاط شهر قطع گردید و از قوت و نفوذ بازار بر شهر به طور محسوسی کاسته شد، برخی معتقدند که وقوع این امر بدین خاطر بوده است که میدان شهرداری - که محلی دولتی و حکومتی است - به عنوان مهم‌ترین فضای شهر مطرح گردید و بازار را نسبتاً محدود ساخت. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که محل احداث میدان شهرداری از ضوابطی اساسی نیز پیروی می‌کرده است.

ضلع که بازار رشت واقع شده است، فعالیت‌ها مستقل از میدان و بدون توجه به آن انجام می‌پذیرند. این بخش از لحاظ کالبدی و سیمای بده نیز با کل میدان متفاوت است. همین عدم هماهنگی این ضلع با کل میدان باعث شده است که میدان از لحاظ عملکردی و سیمای کالبدی دارای کلیش هماهنگ نباشد. نکته درخور ذکر دیگر در مورد فضاهای اطراف میدان شهرداری، نحوه طراحی نماهای جداره‌های میدان است. در اطراف میدان وحدت خاصی در طراحی نماها دیده نمی‌شود. البته نماهای ساختمان‌های مشرف به میدان به صورت مجزا دارای طراحی خاص خود هستند (بجز در ضلع جنوبی که بازار واقع شده است) ولی این تک بناها مجموعه‌ای با هویت واحد را تشکیل نداده‌اند. بدین ترتیب این گونه طراحی در شأن میدانی با چنین اهمیتی نیست.

حس مکان در این میدان به گونه‌ای است که فضای باز آن بیشتر از اینکه جاذب برای حضور آزادانه مردم باشد برای انجام مراسم رسمی و دولتی مناسب است

□ عوامل تأثیرگذار در ساماندهی سیمای میدان

۱- شبکه معابر

در محدوده مورد بررسی معابری در سلسله مراتب متفاوت حرکتی مشاهده می‌شوند که هر یک می‌توانند به شرط پذیرفتن نقش درست، به اعتدالی محیط پیرامون خود بسیار کمک کنند. به تجربه ثابت شده است که کارایی معابر به عرض آنها نیست بلکه بیشتر متأثر از کارایی تقاطع‌هاست و میدان شهرداری نیز مکانی است که با مدیریت صحیح تقاطع‌ها و وضع محدودیت‌های حرکتی در آن، می‌توان حضور مردم را در بافت جهت بخشید.

نماهای ساختمان‌های مشرف به میدان به صورت مجزا دارای طراحی خاص خود هستند ولی این تک بناها مجموعه‌ای با هویت واحد را تشکیل نداده‌اند

در این زمینه با توجه به نواقص موجود در طرح تفصیلی و همچنین بی‌توجهی شهرداری، تعامل مناسبی بین زندگی اجتماعی و مسائل ترافیکی وجود ندارد و زندگی اجتماعی در این ناحیه در حال محدودتر شدن است. تداخل سواره و پیاده در تمام

۲-۲- فضاهای اطراف میدان

میدان شهرداری از لحاظ حجمی فضایی نیمه محصور است، چرا که این میدان از چهار طرف به سوی خیابان اصلی باز می‌شود. این میدان را از این لحاظ می‌توان با میدان توپخانه یا بهارستان تهران مقایسه کرد.

جز در ضلع جنوبی میدان، که بازار رشت قرار دارد، بقیه فضاهای اطراف متناسب با نقش و کارکرد میدان شکل گرفته‌اند. لذا این فضاها چه به لحاظ نوعی و چه به لحاظ عملکردی وابسته به میدان و هماهنگ با آن محسوب می‌گردند. ساختمان شهرداری، ساختمان اداره پست، ساختمان قدیم اسناداری، ساختمان اداره شهربانی و هتل ایران از جمله ساختمان‌هایی هستند که متناسب با نقش و عملکرد میدان شکل گرفته‌اند و وابسته و متعلق به میدان‌اند.

برخلاف این امر، در ضلع جنوبی میدان شهرداری رشت هیچ گونه وابستگی و هماهنگی با میدان احساس نمی‌شود. در این

طول خیابان علم الهدی و میدان شهرداری محیط ناپهنجاری را پدید آورده است. تعدادی تقاطع تعریف نشده نیز در محدوده اطراف میدان بر اغتشاش و بی نظمی بیشتر دامن می‌زنند. البته مسئوعیت حرکت خودروهای شخصی در طول روز که در

در غالب موارد شهرداری با واگذاری زمین‌های حاشیه خیابان‌ها و میدان‌ها که عمدتاً به صورت برنامه‌ریزی نشده، پراکنده و غیراصولی صورت می‌گیرد. باعث بروز مشکلات بزرگی برای تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری می‌شود

میدان‌ها، خیابان‌ها و نظایر اینهاست. در غالب موارد شهرداری با واگذاری زمین‌های حاشیه خیابان‌ها و میدان‌ها که عمدتاً به صورت برنامه‌ریزی نشده، پراکنده و غیراصولی صورت می‌گیرد، باعث بروز مشکلات بزرگی برای تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری می‌شود، که مهم‌ترین آنها تملک زمین‌ها و تخریب بناهای موجود در آن زمین‌هاست. در این میدان نیز این امر را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. وجود مالکیت‌های ریزدانه خصوصی، به ویژه در ضلع جنوبی میدان، اجرای طرح هماهنگ را با مسائل و مشکلاتی ضاعف روبرو می‌سازد.

شاید بهترین راه در چنین شرایطی ارائه ضوابط خاص برای کنترل و هدایت هماهنگ ساخت و سازهای شخصی باشد، که این مورد نیز در مدیریت این میدان به وسیله شهرداری اعمال نشده است. حتی ساختمان‌های دولتی هم از ضوابط و نظم خاصی - حتی در حد نماسازی و خط آسمان - تبعیت نمی‌کنند. این امر همچنین باعث شده است که امر پیاده‌سازی

این محدوده حاکم است، از عملکردهای خوب شهرداری است. البته این امر باید با برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام شود و زمان‌های لوح فعالیت‌های اجتماعی در این میدان بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد (لازم به ذکر است که یکی از اهداف شهرداری در توسعه آن میدان نیز پیاده‌سازی خیابان علم الهدی - محدوده بین سبزه میدان و میدان شهرداری - است که در صورت تحقق تا حد زیادی از مشکلات ترافیکی میدان می‌کاهد).

گاه به علت رونق اقتصادی یک محدوده و بالا بودن انگیزه‌های مالی، شهرداری همه چیز را - از کیفیت‌های محیطی گرفته تا ارزش‌های فرهنگی و تاریخی - قربانی می‌کند، غافل از اینکه کیفیت پایین محیطی غالباً در بلند مدت و کودک سرمایه را نیز به دنبال خواهد داشت

خیابان‌های اطراف میدان نیز با مشکل مواجه شود. زیرا تعویض خیابان شرعی به عنوان مسیر جایگزین با مشکلات عمده مالکیتی (که در طرح تفصیلی به آن توجه نشده) مواجه است.

۲- کاربری‌ها

نوع کاربری‌ها و فعالیت خرد فضاها در بدنه‌های بلافصل و همسایه با مسیر، می‌بایست با حالت عمومی مسیر و روندادهای درون آن هماهنگ باشد. بنابراین مساحت کاربری‌ها از جمله مسائلی است که بی توجهی به آن لطمات جبران ناپذیری را به فضاهای شهری وارد خواهد کرد. بسیاری از ناپهنجاری‌های رفتاری در حرکت عرضی پیاده‌ها به دلیل عدم توجه به مسائل و توجهات آنها در عملکردهای شهرداری است.

۴- تعداد طبقات

از جمله مسائل مهمی که شهرداری باید در بافت‌های ارزشمند به آن توجه داشته باشد، مسئله تراکم ساختمانی و تعداد طبقات است.

گاه به علت رونق اقتصادی یک محدوده و بالا بودن

پراکندگی برخی از کاربری‌های مرتبط در دو طرف خیابان (بیشتر به خاطر اینکه هر طرف خیابان در یکی از حوزه‌های خدماتی شهرداری واقع گردیده)، عملاً حرکت عرضی پیاده را شیب بخشیده و به مرور محدوده را به مکانی که در آن خودروها و پیاده‌ها از سان هم می‌گذرند بدل ساخته است. در عین حال تنوع کاربری‌ها که خود سرزندگی محدوده را به دنبال دارد، از نکات مثبت این میدان محسوب می‌شود.

از دیگر نکات درخور توجه در مورد کاربری‌های اطراف میدان شهرداری، این است که برخی از ساختمان‌های قدیمی اطراف میدان در تملک - یا در اختیار - سازمان میراث فرهنگی است. این سازمان با در اختیار گرفتن این ساختمان‌ها، و از طرفی متروکه نگاه داشتن آنها، باعث شده است تأثیر نامناسبی بر سیمای ظاهری و رونق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی این میدان به وجود آید.

۳- مالکیت

از عمده مسائل شهرداری، عدم توجه این ارگان در نحوه واگذاری زمین‌های مجاور با فضاهای عمومی شهرها از قبیل



عمیق تر و تخصصی تری نیاز است.

۱- ضوابط پیشنهادی برای محدوده کلی میدان شهرداری و

خیابان علم الهدی

۱-۱- کثیف نقاط خطرناک نیز که دارای ارزش سیما و منظر شهری و همچنین ارزش عملکردی اند، باید حفظ و تقویت شوند.

۱-۲- ساختمان هایی که از نظر کالبدی با مشخصه ها و ویژگی های میدان مغایرت دارند، می بایست به تدریج حذف گردند، و در صورت ممکن نبودن حذف آنها مجدداً تعاسازی شوند.

۱-۳- هرگونه ساخت و ساز و یا مرمت و تغییر در میدان شهرداری می بایست از نظر تاریخی و بار خاطراتی مورد توجه قرار گیرد.

۱-۴- از انجام عملیات تعریض خیابان و همچنین احداث روگذر و زیرگذر در طول خیابان علم الهدی پرهیز گردد (بهبتر است که محدوده خیابان علم الهدی تا میدان شهرداری به پیاده راه تبدیل شود و فقط یک مسیر کنترل شده با طرح مناسب برای ورود خودروهای اضطراری در نظر گرفته شود.)

۲- توصیه هایی در مورد توده های ساختمانی

۲-۱- برای هماهنگ سازی بعد ارتفاعی خانه های موجود در طول خیابان علم الهدی، با توجه به هویت موجود و محصوریت مناسب، می بایست حداقل دو طبقه از تمامی ساختمان ها طبق ضوابط (که به صورت خاص باید برای این میدان تهیه شود) تعاسازی شوند. این تعاسازی ها باید علاوه بر وحدت بخشیدن به میدان و ارائه کثیفی واحد، ضامن حفظ هویت معماری سنتی شهر رشت نیز باشند.

۲-۲- تقسیم قطعات و یا ترکیب آنها تنها در صورتی باید اتفاق بیفتد که در هنگام طراحی حجم و نما به گونه ای عمل شود که مقیاس و مدول قالب مجموعه رعایت گردد.

۲-۳- بهتر است در زمینه استفاده از رنگ، شیوه های معماری، نحوه نورپردازی، استفاده از مصالح بومی و مانند اینها ضوابط خاصی تهیه شود و راهنمای طراحی نیز برای کاربرد آن ضوابط به صورت دستورالعمل های اجرایی تدوین گردد.

در انتها لازم به ذکر است که شهرداری تا حد زیادی به راه حل های ساماندهی سیمای کالبدی میدان شهرداری واقف است؛ ولی به گفته مسئولان شهرداری، عدم ثبات در نظام مدیریتی شهرداری باعث شده است که هر گونه برنامه ریزی در مورد انجام طرح های بلند مدت برای ساماندهی میدان سترون باقی بماند و امیدی به اجرای آنها نباشد. بدین ترتیب با عوض شدن مسئولان شهرداری، چه بسا سلیقه های متفاوتی بر طرح ها حاکم گردد و هزینه های هنگفتی بر سیستم شهر تحمیل شود.

انگیزه های مالی، شهرداری همه چیز را - از کیفیت های محیطی گرفته تا ارزش های فرهنگی و تاریخی - قربانی می کند، غافل از اینکه کیفیت پایین محیطی غالباً در بلند مدت رکود سرمایه را نیز به دنبال خواهد داشت.

در محدوده میدان شهرداری عدم توجه به این امر و تدوین نشدن ضوابط مناسب، باعث شده است تا افزایش ارتفاع بناهای واقع در لایه دوم خیابان علم الهدی و میدان شهرداری سیمای محدوده را به اغتشاش بکشد. از طرفی نیز همجواری های طراحی نشده اینیه در ارتفاع های مختلف باعث آشفتگی خط آسمان شده است. این در حالی است که بناهای ارزشمند موجود در محدوده می توانند موجبی برای تعیین ضابطه ارتفاعی باشند.

عدم ثبات در نظام مدیریتی شهرداری باعث شده است که هر گونه برنامه ریزی در مورد انجام طرح های بلند مدت برای ساماندهی میدان سترون باقی بماند و امیدی به اجرای آنها نباشد

□ تحلیل یکپارچه (استز)

در نگاه کلی، مسائل مثبت و منفی عمده در سیمای شهری این محدوده را می توان بدین صورت دسته بندی کرد:

نکات منفی

□ ناهمخوانی نماهای همجوار در امتداد خیابان علم الهدی بی نظمی فضایی را در خود نهادینه کرده است.

□ در صورت عدم رسیدگی، بخش های تخریبی در قسمت های میانی بافت زیاده تر خواهد شد.

□ تداخل پیاده و سواره باعث اغتشاش در محدوده شده است.

□ کمبود عملکرد فرهنگی در محدوده به شدت احساس می شود.

□ ابنه مرتفع در لایه دوم با تعرض به حریم خط آسمان باعث ایجاد اغتشاش سیمای بصری شده اند.

□ بدنه شرقی میدان شهرداری به علت ارتفاع کم، حد محصوریت پایین و تعریف نشدن عملکرد، در حالتی بحرانی به سر می برد.

نکات مثبت

□ همجواری عملکرد تجاری و مسکونی (کاربری مختلط) حافظ اصالت محدوده است.

□ بناهای ارزشمند میدان شهرداری دارای اعتبار خاصی در ذهن مردمان، که این دو خود حافظ بقای این ساختمان هاست.

□ پیشنهادها

در ابتدا باید عنوان داشت که پیشنهادهایی که در این مرحله ارائه می شوند، بیشتر با دیدگاه ساماندهی سیمای کالبدی است؛ و برای ساماندهی هنجارهای اقتصادی و اجتماعی به بررسی های

پایوستد

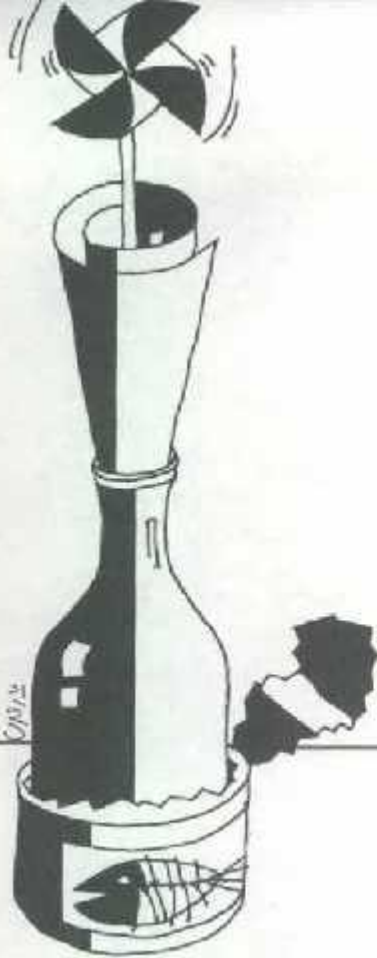
۱- جری، حسین. چند برنامه و پیش از آن شهرداری

انتخابات کانون، ۱۳۷۸.

۲- گستر، شهرزاد. دفتر تشریح، ۱۳۷۷.

۳- زرگر، بهمن. شاه کتب معین شهر، بهمن ماه ۱۳۷۷.

شهریان و فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱، ۱۳۸۱.



لایحه مدیریت پسماندها

روزانه حدود ۲۲ هزار تن زباله در نقاط شهری کشور تولید می‌شود. با توجه به روند رو به گسترش شهرنشینی و تغییر الگوی مصرف در نقاط شهری، به نظر می‌رسد در آینده این رقم بسیار فراتر رود. امروزه اهمیت جمع‌آوری مواد زائد از جنبه‌های مختلف از جمله حفاظت از محیط زیست و برگرداندن مواد به چرخه تولید بیش از پیش روشن شده است. به نحوی که پسماندهای زائد به عنوان سرمایه ملی کشور مطرح شده است.

با درک چنین اهمیتی لایحه مدیریت پسماندها به پیشنهاد مشترک وزارت کشور و سازمان حفاظت از محیط زیست در مورخه ۸۱/۹/۲۴ به تصویب هیأت وزیران رسید و برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد.

با توجه به اهمیت موضوع و برای اطلاع دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان امور شهری، عین لایحه در زیر آمده است.

امید است تصویب این قانون زمینه‌های مساعد و مناسب را برای مدیریت کارتر پسماندها و رسیدن به محیط شهری پاکیزه و درخور ایجاد کند.

با عنایت به تأثیر توسعه سریع شهرنشینی و صنعت، افزایش جمعیت، تغییر الگوهای تولید و مصرف بر تولید انواع پسماند و با توجه به کمبود قوانین و مقررات مناسب برای مدیریت پسماندها و به منظور حفاظت محیط زیست و رعایت بهداشت عمومی لایحه زیر برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه مدیریت پسماندها

ماده ۱- جهت تحقق اصل پنجاهم (۵۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور حفظ محیط زیست کشور، از آثار زیانبار پسماندها، کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی، شرکتها و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات و سیاستهای مقرر در این قانون را رعایت نمایند.

ماده ۲- عبارات و اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته است، دارای معانی زیر می‌باشند:

الف - سازمان: سازمان حفاظت و محیط زیست
ب - پسماند: به مواد جامد و مایع (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زائد تلقی می‌شود. پسماندها به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

۱- پسماندهای عادی:

به کلیه پسماندهایی گفته می‌شود که به صورت معمول از فعالیتهای روزمره انسانها در شهرها، روستاها و خارج از آنها تولید می‌شود؛ از قبیل زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی.

۲- پسماندهای پزشکی (بیمارستانی):

به کلیه پسماندهای عفونی و زیان آور ناشی از بیمارستانها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاههای تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه گفته می‌شود. سایر

پسماندهای غیرخطرناک بیمارستانی از شمول این تعریف خارج است.

۳- پسماندهای ویژه:

به کلیه پسماندهایی گفته می‌شود که به دلیل دارا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت ویژه نیاز داشته باشند.

۴- پسماندهای کشاورزی:

به پسماندهای ناشی از فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی گفته می‌شود از قبیل فضولات، لاشه حیوانات (دام، طیور و آبزیان)، محصولات کشاورزی فاسد یا غیرقابل مصرف.

۵- پسماندهای صنعتی:

به کلیه پسماندهای ناشی از فعالیتهای صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی و نیروگاهی و امثال آن گفته می‌شود، از قبیل براندها، سرریزها و لجن‌های صنعتی.

ج - مدیریت اجرایی پسماند: برنامه‌ریزی، ساماندهی، مراقبت و عملیات اجرایی مربوط به تولید، جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، جداسازی، حمل و نقل، بازیافت، پردازش و دفع پسماندها و همچنین آموزش و اطلاع‌رسانی در این زمینه.

- د - دفعه کلبه روشهای از بین بردن یا کاهش خطرات ناشی از پسماندها از قبیل بازیافت، دفن بهداشتی، زیباله سوزی.
- ه - پردازش کلبه فرآیندهای مکانیکی، شیمیایی و بیولوژیکی که منجر به تسهیل در عملیات دفع گردد.
- و - منظور از آلودگی همان تعریف مقرر در ماده (۹) قانون

پسماندهای ویژه به کلبه پسماندهایی گفته می شود که به دلیل دارا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری زائی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت ویژه نیاز داشته باشد

- حفاظت و بهسازی محیط زیست - مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ - است.
- تبصره ۱ - پسماندهای پزشکی و بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی و کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند، جزو پسماندهای ویژه محسوب می شوند.
- تبصره ۲ - فهرست پسماندهای ویژه از طرف سازمان تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست خواهد رسید.
- تبصره ۳ - پسماندهای ویژه پرتوزا تابع قوانین و مقررات مربوط به خود می باشند.
- تبصره ۴ - لیکن های حاصل از تصفیه خانه های فاضلاب شهری و صنعتی و تخلیه چاه های جذبی فاضلاب خانگی در صورتی که خشک یا کپر طویلت باشند، در دسته پسماندهای عادی قرار خواهند گرفت.
- ماده ۳ - ضوابط مربوط به پسماندها در زمینه چگونگی جداسازی، نحوه بازیافت و دفع و شرایط مکانی دفع، توسط سازمان یا همکاری وزارتخانه های کشور، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و حسب مورد سایر دستگاه های ذی ربط تهیه و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست خواهد رسید.

مسئولیت تأمین و پرداخت بخشی از هزینه های بازیافت برعهده تولید کنندگان محصولات قرار گیرد

- ماده ۴ - مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران موظف است با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاهها حسب مورد، استاندارد کیفیت و بهداشت محصولات و مواد بازیافتی و استفاده های مجاز آنها را تهیه نماید.
- ماده ۵ - دستگاه های اجرایی ذی ربط موظفند جهت بازیافت و دفع پسماندها تدابیر لازم را به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد، اتخاذ نمایند. آیین نامه اجرایی مذکور می بایستی دربرگیرنده موارد زیر نیز باشد:
- ۱ - مقررات تنظیم شده موجب گردد تا تولید و مصرف، پسماند

- کمتری ایجاد نماید.
- ۲ - تسهیلات لازم برای تولید و مصرف کالاهایی که بازیافت آنها سهل تر است، فراهم شود و تولید و واردات محصولات که دفع و بازیافت پسماند آنها مشکل تر است، محدود شود.
- ۳ - تفاسیری اتخاذ شود که استفاده از مواد اولیه بازیافتی در تولید گسترش یابد.

- ۴ - مسئولیت تأمین و پرداخت بخشی از هزینه های بازیافت برعهده تولید کنندگان محصولات قرار گیرد.
- تبصره - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است جهت تسهیل اجرای این قانون تا ده درصد (۱۰٪) معافیت مالیاتی برای فعالیتهای بازیافت منظور نماید.
- ماده ۶ - مدیریتهای اجرایی پسماندها موظفند براساس معیارها و ضوابط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ترتیبی اتخاذ نمایند تا سلامت، بهداشت و ایمنی عوامل اجرایی تحت نظارت آنها تأمین و تضمین شود.

- ماده ۷ - صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه های که نقش اطلاع رسانی دارند و همچنین دستگاه های آموزشی و فرهنگی موظفند جهت اطلاع رسانی و آموزش، جداسازی صحیح، جمع آوری و بازیافت پسماندها اقدام و با سازمانها و مسئولین مربوط همکاری نمایند.

- تبصره - وزارت جهاد کشاورزی به منظور کاهش پسماندهای کشاورزی، موظف است نسبت به اطلاع رسانی و آموزش روستاییان و تولید کنندگان اقدام لازم را به عمل آورد.

- ماده ۸ - مدیریت اجرایی کلبه پسماندها در شهرها و حرمین آنها به عهده شهرداریها و در خارج از شهرها به عهده دهیارها یا بخشدارها می باشد.

- تبصره - مدیریتهای اجرایی می توانند تمام یا بخشی از عملیات مربوط به جمع آوری، جداسازی و دفع پسماندها را به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار نمایند.

- ماده ۹ - تولید کنندگان پسماندها موظفند هزینه های مربوط را براساس تعرفه هایی که توسط شوراهای اسلامی تعیین می شود پرداخت نمایند.

- ماده ۱۰ - وزارت کشور با هماهنگی سازمان موظف است برنامه ریزی و تدابیر لازم برای جداسازی پسماندهای عادی را به عمل آورده و برپایه زمان بندی آن را تعیین نماید. مدیریتهای اجرایی مندرج در ماده (۸) این قانون موظفند در چارچوب برنامه فوق و در مهلتی که در آیین نامه اجرایی این قانون پیش بینی می شود، کلبه پسماندهای عادی را به صورت تفکیک شده جمع آوری، بازیافت یا دفن نمایند.

- ماده ۱۱ - وزارت کشور موظف است در اجرای وظایف مندرج در این قانون طرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، نسبت به تهیه دستورالعمل تشکیلات و سازماندهی مدیریت اجرایی پسماندها در شهرداریها، دهیارها و بخشدارها اقدام نماید.

- ماده ۱۲ - وزارتخانه های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در مورد پسماندهای پزشکی)، صنایع و معادن (در مورد پسماندهای صنعتی) و جهاد کشاورزی (در مورد پسماندهای کشاورزی) موظفند با همکاری سازمان و وزارت کشور ضوابط و روشهای اجرایی جداسازی، جمع آوری، حمل و دفع پسماندهای

مذکور را تدوین و بر اجرای آنها نظارت نمایند.

ماده ۱۳- محل های دفن پسماندها براساس ضوابط زیست محیطی توسط وزارت کشور یا هماهنگی سازمان و وزارت جهاد کشاورزی تعیین خواهد شد.

تبصره ۱- شورای عالی شهرسازی و معماری موظف است در طرح های ناحیه ای جامع، مناطق مناسبی را برای دفع پسماند در نظر بگیرد.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه هایی که نقش اطلاع رسانی دارند و همچنین دستگاه های آموزشی و فرهنگی موظفند جهت اطلاع رسانی و آموزش، جداسازی صحیح، جمع آوری و بازیافت پسماندها اقدام و با سازمانها و مسئولین مربوط همکاری نمایند

تبصره ۲- وزارت کشور موظف است اعتبارات، تسهیلات و امکانات لازم را جهت ایجاد و بهره برداری از محل های دفع پسماندها و اسماً یا توسط بخش خصوصی فراهم نماید.

ماده ۱۴- مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و بخش آنها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها ممنوع است.

ماده ۱۵- نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه تابع مقررات کنوانسیون بازل و یا نظارت مرجع ملی کنوانسیون خواهد بود.

ماده ۱۶- تولید کنندگان آن دسته از پسماندهای صنعتی که دارای یکی از ویژگی های پسماندهای ویژه نمی باشند، موظفند با بهیئت سازی فرایند و بازیابی، پسماندهای خود را به حداقل برسانند و در مواردی که حدود مجاز در این نامه اجرایی این قانون پیش بینی شده است، در حد مجاز نگهدارند.

ماده ۱۷- نگهداری، مخلوط کردن، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صنوبر و تخلیه پسماندهای صنعتی در محیط بر طبق مقررات این قانون و آیین نامه اجرایی آن خواهد بود. در غیر این صورت اشخاص متخلف به حکم دادگاه به جزای نقدی در بار اول از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در صورت تکرار، هر بار به دو برابر مجازات قبلی در این ماده محکوم می شوند.

شورای عالی شهرسازی و معماری موظف است در طرح های ناحیه ای جامع، مناطق مناسبی را برای دفع پسماند در نظر بگیرد

ماده ۱۸- متخلفین از حکم ماده (۱۴) این قانون براساس حکم دادگاه و با توجه به میزان و شدت جرایم ارتكابی و تأثیر سوء آن بر

سلامتی اشخاص و محیط زیست به جزای نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در صورت تکرار به دو برابر حداکثر مجازات و در صورت تکرار مجدد هر بار به دو برابر مجازات بار قبل محکوم می شوند.

ماده ۱۹- متخلفین از حکم ماده (۱۵) این قانون موظفند پسماندهای مشمول کنوانسیون بازل را به کشور مجده اعاده و یا تحت نظارت و طبق نظر سازمان (مرجع ملی کنوانسیون مذکور در ایران) با هزینه خود به نحو مناسب دفع نمایند. در غیر این صورت به مجازات های مقرر در ماده (۱۸) این قانون محکوم خواهند شد.

ماده ۲۰- در شرایطی که آلودگی، خطر فوری برای محیط و انسان دارد، با اخطار دستگاه مسؤو، متخلفین و عاملین آلودگی موظفند، فوراً اقداماتی را که متجر به بروز آلودگی و تخریب محیط زیست می شود متوقف نموده و بلافاصله مبادرت به رفع آلودگی و پاکسازی محیط نمایند. در صورت استتکاف، نادگاه، خارج از نوبت به توشوع رسیدگی و متخلفین و عاملین را علاوه بر پرداخت جریمه تعیین شده، ملزم به رفع آلودگی و پاکسازی خواهد نمود.

ماده ۲۱- در تمام جرایم ارتكابی مذکور، دادگاه مرتکبین را علاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق دولت، به پرداخت خسارت به اشخاص و یا جبران خسارت وارده بنا به درخواست دستگاه مسؤو محکوم خواهد نمود.

ماده ۲۲- خودروهای تخلیه کننده پسماند در اماکن غیرمجاز، علاوه بر مجازات های مذکور به یک تا ده هفته توقیف محکوم خواهند شد.

تبصره - در صورتی که محل تخلیه، معیار عمومی، شهری و بین شهری باشد، به حداکثر میزان توقیف محکوم می شوند.

ماده ۲۳- درآمد حاصل از جرایم این قانون به خزانه واریز و همه ساله معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف خاصی که در قوانین بودجه سنواتی پیش بینی می شود، در اختیار دستگاههایی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهند شد، قرار خواهد گرفت تا صرف آموزش، فرهنگ سازی، اطلاع رسانی و رفع آلودگی ناشی از پسماندها، حفاظت از محیط زیست و تأمین امکانات لازم در جهت اجرای این قانون گردد.

ماده ۲۴- آیین نامه های اجرایی این قانون در خصوص پسماندهای عادی توسط وزارت کشور یا همکاری سازمان و سایر دستگاه های ذی ربط و در مورد سایر پسماندها توسط سازمان یا همکاری وزارت کشور و سایر دستگاه های اجرایی ذی ربط حداکثر ظرف شش ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد.

ماده ۲۵- دولت مجاز است مبالغ جرایم مندرج در این قانون را هر دو سال یک بار براساس نرخ تورم که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود، بنا به پیشنهاد مشترک سازمان و وزارت کشور مورد بازنگری قرار داده و به تصویب برساند.

ماده ۲۶- نظارت عالی و مسؤولیت حسن اجرای این قانون بر عهده سازمان می باشد.

رئیس جمهور، وزیر کشور، وزیر نفت

وزیر جهاد کشاورزی، وزیر صنایع و معادن، وزیر امور اقتصادی و دارایی

وزیر بهداشت - درمان و آموزش پزشکی

شهرداری و بسترسازی فرهنگی

جواد گنجه‌انزایی

پارون

را دامن زده، تا جایی که کار حتی به درگیری‌های فیزیکی هم کشیده شد - که مدتی تعطیلی فرهنگسراها و کانون‌های فرهنگی را در پی داشت.

منازعه بر سر فعالیت‌های فرهنگی شهرداری در مورد بود یا نبود این نوع فعالیت‌ها در وظایف اصلی و قانونی شهرداری نیز مدت‌هاست که وجود دارد.

در همان روزهای درگیری، جسته و گریخته به حوزه فعالیت شهرداری اشاره می‌شد و اینکه شهرداری به لحاظ قانونی حق فعالیت فرهنگی ندارد و تنها وظیفه‌ای که دارد به لحاظ ساخت‌افزایی است، آن هم - فقط - کمک به بدنه فرهنگی شهر از طریق دادن زمین یا ساختن ساختمان و نظایر اینها.

اما از آنجا که شهرها به لحاظ فعالیت‌های فرهنگی یا خلأ بزرگی مواجه بودند، این موضوع چندان پراهمیت جلوه نکرد و مسکوت ماند.

قانون «وظایف شهرداری» چه می‌گوید؟

در ماده ۵۵، بند ۶، اصلاحی ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ چنین آمده است:

۱- شهرداری مکلف است در زمینه تعلیمات اجباری و در حدود قوانین مربوط، در تهیه وسایل ساختمان مدارس و توسعه معارف طبق آیین‌نامه مخصوص با وزارت فرهنگ و تفریح مساعی داشته باشد.

۲- شهرداری مکلف است مبادرت به تأسیس مؤسسات فرهنگی، بهداشتی و تعاونی کند.

از این دست‌اند: کتابخانه، کلاس‌های مبارزه با بیسوادی، کودکانستان، باغ کودکان، نگاه حمایت از مادران، پرورشگاه، درمانگاه، بیمارستان، شیرخوارگاه و مانند اینها.

۳- شهرداری مکلف است مبادرت به کمک و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی، پیشاهنگی و انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوهای کار کند.

در توضیح پایان این بند از قانون آمده است:

شهرداری در این قبیل موارد و همچنین در مورد موزه و

فعالیت‌های فرهنگی در شهرداری، مقوله‌ای است که از اوایل دهه هفتاد، باب منازعات زیادی را باز کرده است. این امر چه در شهرهایی که فعالیت‌های فرهنگی را با ایجاد تشکیلاتی رسمی آغاز کرده‌اند (مثل تهران و اصفهان)، و چه در شهرهایی که ضرورت آن را احساس کرده‌اند اما برای آغاز دچار چالش‌هایی هستند (مثل مشهد و تبریز) نمود داشته است.

چرا منازعه؟

منازعه در حیطه فعالیت‌های فرهنگی شهرداری در دو حوزه متفاوت اتفاق افتاده است:

۱- در حیطه وظایف اصلی شهرداری؛ و ۲- در حیطه حوزه عملکرد.

در این مقاله سعی بر آن است که در حیطه وظایف قانونی شهرداری، و نبود قانونی صریح از دیدگاه مدیریت شهری نسبت به مسئولیت‌های فرهنگی شهرداری به این سؤال مهم که «چرا باید شهرداری فعالیت فرهنگی داشته باشد؟» پاسخی نه چندان مبسوط (بسط این موضوع فرصتی در خور می‌خواهد) ولی در حد روشن شدن موضوع، ارائه شود.

پس از آن، در مورد نحوه عملکرد، به دلیل آنکه موضوع بحث دیگری است، به توضیحی مختصر بسنده می‌شود:

اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، پس از ایجاد سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، به دلیل حضور مدیران فرهنگی و حضور برخی هنرمندان نوگرا در مراکز فرهنگی شهرداری در فعالیت‌های اجرایی، جریانی پدیدار شد که با دیدگاه‌های مرسوم کاملاً مغایرت داشت. از طریقی به دلیل کمبود تولیدات فرهنگی و هنری بعد از انقلاب و در مدت جنگ تحمیلی و متمرکز شدن فعالیت‌ها حول مسائل جنگ، و نیز وجود ارتباط آسان نسل جوان با جریانات فرهنگی خارجی، مسئله «تهاجم فرهنگی» پیش آمد. هم‌زمانی بروز آن خلأ فرهنگی و ورود و نفوذ مذها و کرایش‌های فکری بیگانه، با فعالیت‌های فرهنگی شهرداری، باعث ایجاد نوعی بدبینی در تحلیل‌ها و برداشت‌های جریان سنتی نسبت به فعالیت‌های فرهنگی شهرداری شد. همین امر باعث و جدل‌هایی

خانه‌های فرهنگی و زندان یا تصویب انجمن شهر (شورای اسلامی شهر) از اراضی و ابنیه متعلق به خود با حفظ مالکیت به رایگان و یا با شرایط معین، به منظور ساختمان (سازی) و استفاده، [در] اختیار مؤسسات ذی ربط خواهد گذاشت.

همان طور که ملاحظه می‌شود، قانون اختیار ایجاد مؤسسات فرهنگی را به شهرداری داده است اما کسانی که بخت غیرقانونی

مدیریت شهری به لحاظ آنکه پدیده‌ای اجتماعی است و تعاریف و بسترکاری آن بر اجتماع استوار است، به ناگزیر می‌بایست رویکردی اجتماعی داشته باشد نه رویکردی جمعی

بودن فعالیت‌های فرهنگی شهرداری را مطرح می‌کنند، یا استناد به بخش آخر بند ۶ ماده ۵۵ است. آنها با حفظ بحثی که پیش آوردند، اذعان می‌دارند که شهرداری فقط موظف به احداث و ارائه ساختمان‌های فرهنگی به نهادهای ذی ربط همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و جز اینهاست.

اشاره به قانون و منازعات صورت گرفته، موضوع مهمی را روشن می‌کند و آن اینکه به راستی در کشور ما تعریف روشنی از فعالیت‌های فرهنگی از دیدگاه مدیریت شهری وجود ندارد.

فعالیت فرهنگی از دیدگاه مدیریت شهرداری چیست؟

۱- اشتهاء تاریخی در مدیریت شهری
متأسفانه در کشور ما ابزارسازی فرهنگی، یا فعالیت فرهنگی اشتهاء گرفته شده است. این در واقع اشتهایی تاریخی در مدیریت شهری است. همچنین شهرداری «شهر محور» یا شهرداری «شهروند محور» اشتهاء گرفته شده است. به همین ترتیب، در اکثر حوزه‌های فرهنگی، ابزارسازی فرهنگی یا فرهنگ‌سازی به

چند بعدی هم نیاز به مدیریتی واحد دارد. مدنیت در ایران و در سده اخیر که جامعه شهری ایران دچار نوعی دگرگونی شد، درست در زمانی توسعه پیدا کرد که کشور دچار بحرانی به نام انقطاع فرهنگی بود.

انقطاع فرهنگی از اواخر دوران صفویه و در دوران قاجار - و در زمانی که تمدن غرب در جست و جوی بازارهای جدیدی برای گسترش تولیدات انبوه خود (منتج از انقلاب صنعتی) بود - اتفاق افتاد.

در این دوران، ما داشته‌های تکنولوژیک سستی خود و همچنین آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به طور ناگهانی در مقابل عظمت فرآورده‌های تمدن غرب حقیر و ناچیز یافتیم و احساس بیچارگانه‌ای به جامعه دست داد. این بیماری از بی‌ثباتی سیاسی دوران ملوک‌الطوایفی و فقر شدید دوران جنگ‌های اول و دوم جهانی شدت گرفت.

بیماری مذکور چیزی نبود جز نوعی «خود فراموشی» که ما را با خلأ رفتاری مواجه کرد. این باعث شد تا بعد از اتمام جنگ‌های جهانی و خروج نیروهای متغین از کشور، برای بازسازی جامعه و ایجاد شرایطی مناسب، بی‌تأمل و درنگ و به شکنی بسیار شتاب زده در دهه‌های اول قرن چهاردهم، دست به قانون‌سازی بزیم. در واقع ما برای رفتارهای سازمان یافته به راستی میناهای ساختاری نداشتیم. از این رو قانون‌سازی ما در روند رشد طبیعی جامعه اتفاق نیفتاد.

رشد طبیعی زمانی پیش می‌آمد که شهرنشینی بر اساس تمرکز فعالیت‌های تکنولوژیکی و صنعتی، بروز نهادهای صنعتی و بازرگانی، وابستگی سازمانی آنها برای هماهنگی، و هدایت تمرکز یافته آنها بنا می‌شد. از طرفی هم کشور به دلیل آسیب‌های تاریخی که از حکومت‌های محلی دینه بود، ناچار بود به سمت تقویت حکومت مرکزی حرکت کند.

این عوامل باعث شد که قوانین با رویکردی غیرمحلی و تمرکزگرا، و در حین حال شتاب‌زده تدوین شود. از این رو تقسیمات کشوری بیشتر جنبه «حکومتی - مردمی» گرفت تا

توجه به حفظ محیط زیست و وجود احساس مسئولیت نسبت به آن، حفظ فضاهای عمومی، عدم مبادرت به ساخت و ساز غیرمجاز، توجه به انضباط در فضاهای خصوصی، کنترل ترافیک، کنترل بزهکاری‌های اجتماعی، کنترل کودکان بی سرپرست و متکدیان، ایجاد مامن برای آنها و مواردی از این دست، همه و همه از طریق فعالیت‌های فرهنگی و تغییر ذهنیت شهروندان به دست می‌آید

جنبه «حکومتی - شهری و روستایی». به لحاظ جامعه شناختی جنبه اول بر محور «جمعیت» بنا گذاشته می‌شود و جنبه دوم بر محور «اجتماع» که فرق بسیار دارند. این اشتهاء تاریخی موجب شده است که مدیریت شهری امروز ما نتواند فعالیتی گسترده داشته باشد؛ در حالی که مسئولیت فعالیت‌های بیشماری را که زمین مایه‌انداد به دوش می‌کشد.

۲- نگاه جامعه شناختی

مدیریت شهری به لحاظ آنکه پدیده‌ای اجتماعی است و

اشتهاء برداشتت گردیده است.

اگر مدیریت شهری به وظایفی که قانون برای شهرداری پیش‌بینی کرده است محدود گردد، مسلماً از زیرساخت‌های اصلی جامعه غفلت خواهد شد و فعالیت فرهنگی در آن نیز فقط به ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها محدود می‌شود (یعنی فقط ایجاد فرهنگسرا و کمک ساخت‌افزایی به کانون‌های آموزشی و از این قبیل).

اما باید توجه داشت که مقوله مدیریت شهری یعنی اداره شهر؛ و شهر بستر زیستی انسان‌هایی است به نام شهروند و شهروند

تعاریف و بستری آن بر اجتماع استوار است، به ناگزیر می‌بایست رویکردی اجتماعی داشته باشد نه رویکردی جمعی. ریختن اشغال به زمین، کاری است که همه روزه در خیابان و کوچه‌ها به وفور دیده می‌شود. همه افرادی هم که مرتکب این کار می‌شوند، می‌دانند که نباید اشغال به زمین ریخت، همین امر در محل کار به ندرت اتفاق می‌افتد، چرا که در آنجا افراد کاملاً شناخته شده هستند و گروهی اجتماعی را تشکیل می‌دهند که هر فرد در آن دارای هویتی است که نمی‌خواهد به آن خدش‌های وارد شود.

از همین دست است بی‌تفاوت بودن نسبت به چراغ قرمز عابر پیاده و یا بی‌مسئولیتی در رفتارهای رانندگی؛ یا در حفظ و نگهداری وسایل حمل و نقل عمومی، فضای سبز و سطلان شهری و نظایر اینها.

مدیریت شهری ناچار است برای رسیدن به اهدافش، به گروه‌های اصلی جامعه نزدیک شود و طرح‌هایش را از طریق این گروه‌ها پیش ببرد.

گروه‌های خانواده، تربیتی (آموزشی)، اقتصادی (شغلی)، سیاسی، دینی و تفریحی گروه‌هایی هستند که در جامعه‌پذیری کردن افراد نقش اصلی را دارند.

توجه به حفظ محیط زیست و وجود احساس مسئولیت نسبت به آن، حفظ فضاهای عمومی، عدم مبادرت به ساخت و ساز غیرمجاز، توجه به انضباط در فضاهای خصوصی، کنترل ترافیک، کنترل بزهکاری‌های اجتماعی، کنترل کودکان بی سرپرست و متکدیان، ایجاد ماسن برای آنها و مواردی از این دست، همه و همه از طریق فعالیت‌های فرهنگی و تغییر ذهنیت شهروندان به دست می‌آید و اصولاً مسیر اصلی این است. اتفاقی که در گروه می‌افتد و موجب کارکرد ایزاری در مدیریت شهری می‌شود، در اصل «جامعه‌پذیری» است، و همین جامعه‌پذیری فرد را به سازگاری فعال با محیط سوق می‌دهد.

از این رو مدیریت شهری باید از طریق ایجاد بدنه فرهنگی، مطروف محیط اجتماعی - فرهنگی خود را مورد شناسایی قرار دهد و برای انتقال آن به افراد برنامه‌ریزی کند. به این لحاظ دست زدن به عملیاتی فرهنگی که در جهت جامعه‌پذیری افراد و در قالب الگوهای فرهنگی رفتاری (رسوم اخلاقی، شیوه‌های قومی و عرف) بتواند به نوعی به یگانگی اجتماعی - فرهنگی دست یابد، نه تنها کاری غیرقانونی نمی‌نماید بلکه یکی از مسئولیت‌های اصلی به شمار می‌رود.

۳- نگاه جهان‌شناسانه

از طرفی دست یافتن به «وفاق»، از دیدگاه دینی ما تنها بعد مادی ندارد بلکه در بستر این وفاق انسان باید جهت‌گیری کند و رشدی معنایی داشته باشد. این رشد شدیداً در قید زمان و مکان است. این زمان، زمان کثرت است، و کثرت در اشیا و دست ساخته‌های بشر تجلی یافته است.

شهر و عناصر آن دست ساخته بشرند که بر بستر طبیعت، ایجاد می‌شوند. دستکاری طبیعت و مصادره آن به نفع خود نه تنها بایستی «سازگارانه» باشد بلکه باید با خود مفاهیمی همچون امنیت، آرامش و انسایش را به ارمغان بیاورد. این تنها زمانی اتفاق

می‌افتد که تمامی نهادها در خدمت معنویت انسان فرار گیرند. تا جایی که انسان زمین را در تلاقی با آسمان ببیند و خدا را در کنار خود و خود را در کنار خداوند احساس کند؛ و این فقط در خلق زیبایی میسر خواهد شد - یعنی خلق شهر زیبا.

در اینجا سخن از جایگاهی است که جهان بینی آن بر خدامحوری استوار است. این جهان بینی اعتقاد دارد که خداوند هیچ چیز نازیبایی ندید. نیاورده است. به عبارتی، مخلوقات خدا همه زیبا هستند، و طبیعت هم - که اصل آن است - از این گفته مستثنی نیست.

طبیعت زیباست انسان زیباست، و انسانی که طبیعت را برای زیست خود تغییر می‌دهد اجازه خلق نازیبایی ندارد؛ چرا که ستر طبیعی زیست خود را به هم می‌ریزد و این خود متحرک به دوری از خدا می‌شود.

از این رو به تفکری مدیریتی شهری ما، از قانون گرفته تا طراحی و نقشه‌برداری و از ساخت گرفته تا زیست، همه و همه باید تحت تأثیر کلیتی واحد به نام زیبایی باشند. این امر نیازمند عزمی عمومی است و جرئت تعالی شدن می‌خواهد که نیازمند فرهنگ‌سازی است.

نتیجه‌گیری

شهرداری به لحاظ آنکه مدیریت شهر را به عهده دارد و شهر نیازمند مفاهیمی چون تعیزی، انضباط، زیبایی، توسعه، عمران، بازسازی، نگهداری، طرح بخشی، امنیت و بهداشت است، و کیفیت این مفاهیم نیز صرفاً برگرفته از فرهنگ جامعه است، می‌بایست به فعالیت فرهنگی بپردازد.

هر جامعه از گروه‌های اصلی ای چون گروه خانواده، گروه آموزش، گروه اقتصادی (شغل)، مذهبی، سیاسی و تفریحی تشکیل شده است این گروه‌ها در جامعه‌پذیری و بهنجار کردن فرزندان آن جامعه کاملاً تأثیر دارند. مدیریت شهری برای ارتقای مفاهیم گفته شده، نیازمند آن است که از طریق این گروه‌ها دست به عملیات یا جریان‌سازی فرهنگی بزند و در واقع نیاز به حضور در میان این گروه‌ها دارد.

اما از آنجا که در ایران، به لحاظ ساختارهای قانونی یا اشتباه تاریخی مواجه شده‌ایم، ناچاریم در نحوه مدیریت محلی و منطقه‌ای تجدید نظرهایی به عمل آوریم. هر جامعه از گروه‌های اصلی ای چون گروه خانواده، گروه آموزش، گروه اقتصادی (شغل)، گروه مذهبی، گروه سیاسی و گروه تفریحی تشکیل شده است. این گروه‌ها در جامعه‌پذیری و بهنجار کردن فرزندان آن جامعه کاملاً تأثیر دارند. مدیریت شهری برای ارتقای مفاهیم گفته شده، نیازمند آن است که از طریق این گروه‌ها دست به عملیات یا جریان‌سازی فرهنگی بزند و در واقع نیاز به حضور در میان این گروه‌ها دارد.

به علاوه، وضعیت محیط زندگی در میزان تعالی روح نیز تأثیری مستقیم دارد؛ بنابراین می‌بایست در کنار مدیریت شهری دست به ایجاد سازمان فرهنگی زد.

موضوع: گذر از حکومت شهری به حاکمیت شهری (مورد پژوهی: همدان - اسلام شهر)

پایان نامه: دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱

استاد راهنما: محمد مهدی عزیزی

استاد مشاور: سید محسن حبیبی

دانشجو: ناصر بیرک پور

است. تحولات فراوان روی داده در جهان پس از مدرن و رواج مفاهیمی چون مشارکت، تعامل و گفت‌وگو، کثرت گرایی و قانونمندی مورد بررسی قرار گرفته است. این تحولات، مفهوم جدید حاکمیت را در پی داشته‌اند که در مقیاس‌های گوناگون محلی، شهری، ملی و حتی بین‌المللی به کار می‌رود و بر همیاری دولت و جامعه مدنی مبتنی است.

بدین ترتیب، مضمون پژوهش حاضر از تعامل میان یک جریان درون‌زا (خواست اصلاحات در تمام سطوح جامعه ایران) و یک جریان برون‌زا (گسترش مفهوم حاکمیت شهری) شکل گرفته است. این تحقیق در واقع بر آن است تا با استقبال از یکی از مفاهیم فرهنگ جهانی و تلاش در جهت بومی کردن آن، به یکی از نیازهای خودی در زمینه توسعه شهری پاسخ دهد.

در فصل اول، که کلیات تحقیق را در برمی‌گیرد، ساختار اصلی این تحقیق شامل موضوع تحقیق و پرسش‌های اولیه، ضرورت و اهمیت تحقیق، اهداف و فرضیه‌ها، روش‌شناسی و محدودیت‌های تحقیق معرفی شده است. اهداف تحقیق مورد بحث که بر بومی کردن مفهومی امروزی استوار است، به صورت زیر تعریف شده‌اند:

- دستیابی به مفهوم، ابعاد و ویژگی‌های «حاکمیت شهری» به عنوان یکی از مفاهیم جدید شکل گرفته و گسترش یافته در حوزه فرهنگ شهری و شهرسازی؛

- تعریف و تدوین شاخص‌های بومی «حاکمیت شهری»؛
- بررسی و سنجش «حاکمیت شهری» در شهرهای ایران؛ و
- شناخت مبنای گذار از «حکومت شهری» به «حاکمیت شهری»؛ به عنوان یکی از بنیادهای توسعه شهری پایدار در شهرهای ایران.

فصل دوم رساله به بررسی مفاهیم و نظریه‌های عام مرتبط با موضوع می‌پردازد و در این مورد چنین آمده است: از آنجا که نظام اداره شهر ارتباطی انکارناپذیر با ساخت قدرت و نظام سیاسی - اجتماعی حاکم دارد و در اصل شاخه‌ای از آن به شمار می‌آید، نمی‌توان این حوزه‌ها را از هم جدا دانست. بنابراین شناخت نظام‌های اداره شهر مستلزم شناخت نظام‌های اداره کشور و در معنای وسیع‌تر، شناخت مفاهیمی فراگیر و بنیادی همچون دولت و

یکی از موضوعات مهم و حیاتی امروز شهرسازی کشور، نقش مردم در فرایند برنامه‌ریزی توسعه شهری و رابطه آنها با دولت است. این امری است که بدون در نظر گرفتن آن، شهرسازی کشور ما در ادامه راه با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهد شد. فدریکو مایور - دبیر کل پیشین یونسکو - سه چالش مهم و اساسی را برای شهرهای سده بیست و یکم برمی‌شمارد که عبارتند از: «برقراری دموکراسی در شهر و ایجاد جامعه شهری راستین؛ هدایت توسعه شهری و در نتیجه اداره شهر؛ و تسلط بر قانون شهری، به ویژه در گذاری که هم‌اکنون به سوی تجدید حیات مفهوم نفع عمومی و مبادلات پراعتفاف میان عوامل دولتی و خصوصی صورت می‌پذیرد.»^{۱۱}

بدین ترتیب علاوه بر آنکه می‌شود که بهره‌گیری از مشارکت مردمی و برقراری حاکمیت شهر نشین بر امور شهر به جای حکومت متمرکز و امرانه شهری، از جمله ضروری‌ترین تغییراتی است که در سده کنونی می‌باید در اداره امور شهرها صورت بگیرد تا این شهرها بتوانند به حیات خود در طول زمان ادامه دهند. تحقیق حاضر تلاشی است برای بررسی فرایند گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران، و تشریح ویژگی‌های آن.

این پژوهش از یک مقدمه، هشت فصل و شش پیوست تشکیل شده است که نمودارها، جدول‌ها و شکل‌های متنوعی در خلال پایان‌نامه به درک بهتر مطالب آن کمک می‌کند.

مفاهیم حکومت شهری^{۱۲} و حاکمیت شهری^{۱۳} در رساله حاضر بیش از آنکه از دیدگاه علم حقوق یا سیاست به کار رفته باشند، نشان دهنده دو الگو یا دو نمونه‌مانندی^{۱۴} از نحوه اداره امور شهر و مدیریت توسعه شهری‌اند. در واقع، با کاربرد این دو عبارت، نوعی مفهوم‌سازی در زمینه نظام‌های تصمیم‌گیری شهری صورت گرفته است. حکومت شهری مجموعه سازمان‌های مسئول اداره شهر را در برمی‌گیرد و متکی بر نهادهای رسمی است. لیکن حاکمیت شهری فرایندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی کنترل و هدایت توسعه شهر از یک طرف، و سازمان‌های غیردولتی جامعه مدنی یا عرصه عمومی از طرف دیگر، شکل می‌گیرد.

در مقدمه این تحقیق، پس از اشاره به تحولات چند ساله اخیر ایران و فضای فکری، فرهنگی و سیاسی تازه‌ای که در آن ایجاد شده

حکومت است. در این فصل مروری بر مفاهیم و نظریه‌های هم‌پیوند با حکومیت و حاکمیت شهری - شامل دولت، حکومت، جامعه مدنی و عرصه عمومی - صورت گرفته است. در نهایت، نتیجه‌ای که از مباحث این فصل حاصل شده این است که میان دولت و حکومت رابطه‌ای مستقیم برقرار است و حکومت در واقع ابزار و دستگاه تحقق اهداف دولت محسوب می‌شود. یکی از انواع حکومت‌ها، دموکراسی مردم‌سالاری است که با گسترش فلسفه دموکراسی تحولی در مفهوم جامعه مدنی ایجاد شده است. این مفهوم که تا سده هفدهم میلادی با مفهوم دولت یکسان به کار می‌رفت، دچار دگرگونی شد و از آن پس به عنوان حوزه‌ای جدا از ساخت دولت به کار رفت. جامعه مدنی نیز خود موجب پیدایش مفهوم عرصه عمومی یا حوزه عمومی، به معنای عرصه‌ای واسطه میان خانواده و دولت، شده است.

فصل سوم تحقیق به بررسی مفاهیم و نظریه‌های حکومت شهری و حاکمیت شهری می‌پردازد. در ابتدای این فصل پس از اشاره به مشکل ترجمه مفاهیم علمی و فلسفی در زبان فارسی و

بهره‌گیری از مشارکت مردمی و برقراری حاکمیت شهرنشینان بر امور شهر به جای حکومت متمرکز و آمرانه شهری، از جمله ضروری‌ترین تغییراتی است که در سده کنونی می‌باید در اداره امور شهرها صورت بگیرد تا این شهرها بتوانند به حیات خود در طول زمان ادامه دهند.

همچنین دو مفهوم حکومت شهری و حاکمیت شهری، به بررسی نظریه‌های مرتبط با این دو موضوع پرداخته شده و دیدگاه‌هایی برای این مگ لاکین^۱، مگ کینلی^۲، روزنا^۳، سرتیوس^۴ و فوگو^۵ مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه نیز ویژگی‌ها و معیارهای حاکمیت شهری بر شمرده شده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان پاسخ‌گویی، مشارکت، قانونمندی، شفافیت، پاسخ‌دهی، عدالت و دارا بودن بیش راهبردی را نام برد.

تحلیل تاریخی ویژگی‌های عمومی نظام اداره امور ملی و شهری در ایران، در فصل چهارم پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدای فصل با اشاره به اینکه مضمون تحقیق را رابطه دولت و ملت در حوزه اداره امور شهری تشکیل می‌دهد، به تقسیم‌بندی تاریخی این فصل اشاره شده، و آمده است که بررسی خصوصیات تاریخی نظام سیاسی - اجتماعی ایران در دو مقطع بسیار عمومی یعنی از دوران باستان تا آغاز مشروطه، و از مشروطیت تا زمان کنونی، صورت می‌گیرد. مطالعات این فصل نشان می‌دهد که ساختار نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران در طول تاریخ، جز در دوره‌هایی کوتاه، همواره متمرکز و اقتدارگرا و یکسویه بوده است. این ویژگی‌ها، با توجه به تأثیرپذیری شدید نظام‌های شهری از نظام اداره کشور، ساختار نظام اداره امور محلی و شهری را نیز در برمی‌گیرد. وجود این جریان تاریخی میان دولت و ملت، تأثراتی از این دست را در عرصه شهرها در پی داشته است:

- شکل نگرفتن مفهوم فرهنگ شهروندی؛

- برخورد اقتدارگرا، آمرانه و یکسویه مدیریت شهری با شهروندان؛

- نبود گفت و گو و تعامل میان مسئولان اداره امور شهر و

شهروندان، و در نتیجه بیگانگی و بی‌اعتمادی متقابل؛

- نبود قانون، یا ضمانت اجرای آن؛

- پاسخگو نبودن مسئولان در مقابل شهروندان دو

- شکل گرفتن نهادها و تشکل‌های غیررسمی مؤثر در

تصمیم‌گیری‌های شهری.

بدین ترتیب در پایان فصل نتیجه گرفته شده است که نظام تصمیم‌گیری و اداره امور شهرها در ایران همواره مبتنی بر شیوه‌ای بوده است که حکومت شهری نامیده می‌شود.

فصل پنجم رساله به تدوین مبانی نظری تحقیق می‌پردازد که در آن پس از معرفی چارچوب نظری و مدل تحلیلی تحقیق، فرضیه‌های تحقیق بیان می‌شوند. اینها چهار فرضیه پایه و یک فرضیه اصلی، بدین شرح‌اند (لازم به ذکر است که این فرضیات ابتدا در فصل اول و در کلیات تحقیق درج شده‌اند):

فرضیه‌های پایه

فرضیه اول - در شهرهای ایران عرصه عمومی، چه از بعد اجتماعی و چه از بعد کالبدی، فاقد نقشی تأثیرگذار در روند تحولات شهری و نظام کنترل و هدایت توسعه شهری است.

فرضیه دوم - تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی و داوطلبانه در زمینه مسائل شهری، هنوز در شهرهای ایران نقش و جایگاه مناسبی نیافته‌اند.

فرضیه سوم - شوراهای شهر تاکنون نتوانسته‌اند نقش مؤثری در فعال کردن عرصه عمومی و دخالت دادن شهروندان در حیات شهری ایفا کنند.

فرضیه چهارم - هنوز فضاهای شهری فعال و مؤثر در گسترش تعامل اجتماعی در شهرهای ایران شکل نگرفته‌اند.

فرضیه اصلی تحقیق نیز به این صورت بیان شده است که نظام تصمیم‌گیری و اداره امور شهری، یا نظام کنترل و هدایت توسعه شهری، در شهرهای ایران تاکنون به شکل حکومت شهری بوده و هنوز با الگوی حاکمیت شهری تطبیق نیافته است.

ساختار نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران در طول تاریخ، جز در دوره‌هایی کوتاه، همواره متمرکز و اقتدارگرا و یکسویه بوده است

در ادامه این فصل معیارها و شاخص‌های حاکمیت شهری در ایران معرفی و تشریح شده است - که در فصل سوم به بخش از آنها اشاره شده بود. چارچوب نظری تحقیق نشان می‌دهد که ساختار یکسویه قدرت در کلیه سطوح تصمیم‌گیری در ایران مانع شکل‌گیری جامعه مدنی و ایجاد عرصه عمومی حائل میان دولت و شهروندان شده است. در نتیجه در ایران به جای الگوی «حاکمیت شهری» الگوی «حکومت شهری» شکل گرفته است.

فصل ششم به بررسی حاکمیت شهری در دو شهر همدان و اسلام شهر به عنوان نمونه‌های موردی تحقیق اختصاص دارد. در این فصل پس از شناسایی ویژگی‌های کلی این دو شهر، معیارهای حاکمیت شهری در آنها مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی از

طریق اندازه‌گیری و سنجش شاخص‌های مربوط به هر معیار صورت می‌گیرد و این شاخص‌ها خود یا سه گروه زیر، که جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند، ارتباط می‌یابند:

- سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر (معرف عرصه دولتی)
- شکل‌ها و سازمان‌های انتخابی، غیردولتی و داوطلبانه (معرف عرصه عمومی)
- شهروندان (معرف عرصه خصوصی)

از میان گروه‌های سه گانه پیش گفته، به ترتیب شهرداری‌ها، شوراهای و شهروندان به عنوان فراگیرترین و برجسته‌ترین بخش هر گروه انتخاب شده‌اند. و اطلاعات لازم به سه روش پرسشنامه، مصاحبه و پرس و جو از آنان گردآوری شده است. پرسش‌های مطرح شده در این تحقیق بر طبق معیارها و شاخص‌های حاکمیت شهری تنظیم گردیده و در قالب پرسش‌های متنوع و گوناگونی تدوین شده‌اند. در مشاهده میدانی به منظور بررسی میزان حاکمیت شهری در شهرهای همدان و اسلام شهر، از ده معیار تعریف شده برای حاکمیت شهری، سنجش شاخص‌های شش معیار مشارکت، اثر بخشی و کارایی، پذیرا بودن و پاسخده بودن، مسئولیت و پاسخگویی، شفافیت و قانونمندی صورت گرفته است. اما چهار معیار دیگر - یعنی جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی - به دلایلی همچون کمبود اطلاعات مکتوب و مستند، نبود امکان ترکیب و مقایسه اطلاعات و سایر محدودیت‌های عام تحقیق بررسی و سنجش نشده‌اند.

در فصل هفتم، تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌های تحقیق صورت گرفته است. در این فصل هر یک از معیارهای مورد بررسی، امتیازبندی شده و به هر کدام از شاخص‌های هر معیار وزن مناسب تعلق گرفته، و بدین ترتیب امتیاز هر معیار محاسبه شده است. در نهایت با تبدیل امتیاز نهایی حاکمیت شهری به مثیاس هزاره، امتیاز نهایی حاکمیت شهری در اسلام شهر ۳۶۴ و در همدان ۳۴۲ به دست آمده است - که امتیاز پایینی شمرده می‌شود. در ادامه این فصل فرضیه‌های تحقیق آزمایش شده‌اند و در هر دو شهر مورد بحث تأیید گردیده‌اند.

در میان شش معیار مورد بررسی، در پنج معیار امتیاز اسلام شهر اندکی بیش از همدان است؛ حال آنکه در زمینه معیار قانونمندی، امتیاز همدان کمی بالاتر از اسلام شهر به دست آمده است. در جمع‌بندی این فصل چنین آمده است که: تفاوت اندک امتیاز میان این دو شهر و برتری نسبی اسلام شهر را به این صورت می‌توان توجیه کرد که در همدان، نهادهای جدید کنترل و هدایت توسعه شهر به تدریج رشد و گسترش یافته و در طول زمان در شهر تثبیت شده‌اند. در نتیجه ویژگی‌های نظام تصمیم‌گیری و اداره در این شهر منطبق با نظام تصمیم‌گیری در سطح ملی است. حال آنکه در اسلام شهر، به دلیل رشد و تحول سریع شهر، امکان تثبیت و استقرار نهادهای مسئول شهری به‌طور طبیعی به مانند سایر شهرها فراهم نبوده است. بنابراین مردم شهر برای رفع نیازها و تأمین خدمات شهری مورد نیاز خود ناگزیر به مشارکت و همیاری یا یکدیگر و یا مسئولان اداره شهر بوده‌اند.

فصل هشتم این تحقیق به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

می‌پردازد. در ابتدای این فصل خطوط و محورهای اصلی تحقیق به اختصار یادآوری شده و سپس دستاوردهای تحقیق بر شمرده شده‌اند. این دستاوردها به‌طور کلی شامل دو بخش است: بخش اول، شناخت‌ها و یافته‌هایی است که در زمینه چگونگی نظام تصمیم‌گیری و اداره شهرها - و به‌طور مشخص تر، نظام کنترل و هدایت توسعه شهری ایران - به دست آمده است؛ بخش دوم، شامل پیشنهادها و عملی در زمینه ارتقای کیفیت نظام تصمیم‌گیری شهری در ایران، مبتنی بر شناخت نقاط قوت و ضعف موجود است. در ادامه این بخش مهم‌ترین یافته‌های تحقیق بر شمرده شده‌اند. که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

- طرح یک مفهوم جدید جهانی در ایران (تأکید بر فرایند مشارکتی و مردم‌سالار در نظام اداره شهر)
- ارائه دیدی همه‌سویه و فراگیر در زمینه بررسی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری ایران
- تأکید بر عوامل غیر کالبدی در نظام کنترل و هدایت توسعه شهری ایران
- ایجاد سطح نازم‌ای از شیوه‌های بررسی نظام شهرسازی در ایران (تأکید بر اصلاحات از درون و بیرون)
- در پایان فصل نیز راهبردها و سیاست‌های کلی گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری بیان شده است. راهبرد اصلی برای

شوراهای شهر تاکنون نتوانسته‌اند نقش مؤثری در فعال کردن عرصه عمومی و دخالت دادن شهروندان در حیات شهری ایفا کنند

رسیدن به هدف کلی تحقیق یعنی تحقق مردم‌سالاری و حاکمیت شهری، تقویت عرصه عمومی در فرایند کنترل و هدایت توسعه شهری، تعریف شده است. بر طبق این راهبرد اصلی، سیاست‌های کلی با راهبردهای مشخص زیر تدوین شده‌اند:

- ۱- مشارکت واقعی و گسترده شهروندان در نظام هدایت توسعه شهری؛
- ۲- تمرکززدایی نظام تصمیم‌گیری شهری و واگذاری اختیارات به سطوح محلی و شهری؛
- ۳- ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در نظام هدایت توسعه شهری (ایجاد نهاد مدیریت شهری واحد)؛
- ۴- ظرفیت‌سازی (ارتقای آموزش، بهسازی تشکیلات و بهسازی قوانین شهری).

در پایان فصل نیز متناسب با هر یک از راهبردهای مشخص پیش گفته، سیاست‌هایی برای دستیابی به آنها ارائه شده است. در انتهای رساله ۶ پیوست درج شده است، شامل مقاله‌ها و ترجمه‌های مرتبط با موضوع تحقیق، نمونه پرسشنامه‌ها و همچنین عملیات بازنه‌های طبقه‌بندی داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها. این پایان نامه در ۳۲۳ صفحه (شامل ۲۲۰ صفحه متن اصلی + ۱۰۳ صفحه پیوست) تدوین شده است که ۶۸ جدول و ۳۴ شکل (نمودار، نقشه و دیاگرام) مندرج در متن رساله، اطلاعات مفیدی را درباره موضوعات مختلف به دست می‌دهند. همچنین ۷۵ منبع فارسی و ۴۵ ماخذ انگلیسی در این رساله مورد استفاده محقق قرار گرفته است.

پایان
۱- علیرضا علیزاده، شهرهای آینده (راهبردهای شهر ۲۰۲۰)
پیشگامان شهر، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۳۸-۳۹

- 2- Urban Governance
- 3- Urban Governance
- 4- Urban Type
- 5- Brian M. Loughlin
- 6- Mu Karlay
- 7- Reseman
- 8- Samirwa
- 9- Foucault



فضاهای گذران فراغت کودکان

با نگاهی به دو پارک مهر، رضوان

آیدا ایزدپناه

کارشناسی ارشد شهرسازی

توجه به جمعیت جوان و آینده ساز کشورمان، قطعاً ایجاد امکانات برای بازی و سرگرمی به منظور گذران اوقات فراغت، سهمی عمده در بلوغ اجتماعی و تکامل شخصیتی این گروه سنی خواهد داشت. به همین منظور احداث پارکها و باغهایی کودکان و فراهم ساختن محیطی سازگار با روحیات کودک، یکی از راههای تحقق این امر است.

اوقات فراغت پدیده‌ای وابسته به سن است. برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت کودکان تفاوت محسوس با برنامه‌ریزی برای سایر گروه‌های سنی جامعه دارد. کودکان قبل از ورود به دبستان بخش اعظمی از اوقات خود را صرف بازی می‌کنند، به گونه‌ای که بازی مشغله اصلی کودک است. اوقات فراغت کودکان پس از ورود به دبستان محدود می‌شود، زیرا اولین وظیفه اجتماعی به کودک محول می‌گردد و کودک برای نخستین بار به عرصه تجربه‌های اجتماعی در جامعه قدم می‌گذارد. مهم‌ترین فضاهای گذران اوقات فراغت کودکان، پارک و به ویژه زمین بازی است. زمین بازی فضایی خارجی (بیرونی) برای تفریح و بازی است و غالباً شامل دسایلی چون تاب و الاکتنگ و جز اینهاست. پارکها غالباً به صورت شبکه‌ای زنجیرجایی در مقیاس‌های محله، ناحیه، منطقه و شهری طراحی می‌شوند.

توجه به این مسئله بسیار ضروری است که ایجاد فرصت بازی در پارکها و فراهم ساختن فضایی امن برای بازی کودکان، از عوامل موفقیت پارک محسوب می‌گردد. بررسی‌های به عمل آمده در تاریخ پارک‌های شهری حکایت از آن دارد که زمین‌های

(International playground Association) IPA

انجمنی بین‌المللی است که از حقوق کودکان در زمینه بازی و سرگرمی، دفاع می‌کند. براساس تحقیقات این انجمن، کمبود فرصت‌ها و فضاهای مناسب، تأثیری عمده در بروز انحرافات و جرایم کودکان و نوجوانان دارد.

این در حالی است که امروزه افزایش جمعیت و نیاز به مسکن متجر به تخریب خانه‌های ویلایی و تبدیل آنها به ساختمان‌های چندین طبقه (آپارتمان و برج) گردیده است. بنابراین فضاهایی مناسب که کودکان بتوانند در آنها به‌شکلی آزادانه و امن گردش و بازی کنند، کاهش یافته است. از طرف دیگر، تغییر در نحوه گذران اوقات فراغت کودکان و تمایل به بازی‌های رایانه‌ای و نمایشی تلویزیون، فرصت روبرویی آنان را با هم‌سن و سالان و سایر اقشار اجتماعی کاهش داده است. این تقلیل سطح روابط اجتماعی، خود باعث به وجود آمدن خللی عمیق در تعاملات اجتماعی شده است. مهم‌ترین نمود چنین خللی کاهش تجربه‌های سازنده شهری در میان کودکان است. بدین ترتیب فرایند اجتماعی شدن، که از آن طریق کودک شیوه‌های زندگی اجتماعی را می‌آموزد، انجام نمی‌پذیرد.

امروزه در هم تیدگی مسائل اجتماعی و شهری به گونه‌ای است که برنامه‌ریزی و طراحی ویژه‌ای را نسبت به فضاهای گذران اوقات فراغت (فضاهای عمومی و به ویژه پارک) طلب می‌کند. اهمیت مسئله به دلیل مشکلات آپارتمان‌نشینی، و به دنبال آن کمبود شدید فضای خصوصی، بیشتر مشهود است. خصوصاً با

مطالبات و پیش‌بینی‌های بانک جهانی و سایر سازمان‌های بین‌المللی، گواهی بر این است که در هزاره کنونی نزدیک به دو سوم جمعیت جهان در مراکز شهری زندگی خواهند کرد. وضعیت بفرج شهرنشینی متراکم و مشکلات و نابرابری‌های خدماتی و اجتماعی پیامد آن، همچنین کاهش ساعات کاری، ضرورت برنامه‌ریزی برای تأمین نیازهای میرم گروه‌های سنی مختلف را ایجاب می‌کند. یکی از راه‌های می‌تواند استفاده هر چه بیشتر از فضاهای عمومی باشد.

بازی از اجزای مهم پارک‌های شهری محسوب می‌شوند، شاید به همین دلیل است که در برنامه‌ریزی شهری برای ارتقای کیفی محیط بازی و فضای سرگرم‌کننده، هدفمند بودن وسایل بازی به گونه‌ای که متناسب با گروه‌های سنی مختلف باشد، بسیار ضروری است.

به طور کلی شهر تهران از نظر فضای سبز در کلیه رده‌های سلسله مراتب فضایی شهر، دچار فقر است. کمبود اراضی مناسب توسعه شهری از یک سو و هزینه‌های تأمین آنها از بافت موجود از سوی دیگر، از محدودیت‌های اساسی در تأمین این گونه اراضی در سطح شهر به شمار می‌آید. به عنوان نمونه، دو منطقه یک و ده شهر تهران را در نظر بگیرید:

در مقایسه مساحت و تراکم مناطق یک و ده شهر تهران، منطقه ده مساحت بسیار کمتری نسبت به منطقه یک دارد و این در حالی است که تراکم جمعیتی آن بسیار بالا است (۳۴۹ نفر در هکتار، در مقابل ۳۲ نفر در هکتار منطقه یک). منطقه ده دارای بافت قدیمی و سنتی و آمیزه‌ای از کاربری‌های مسکونی، تجاری، خدماتی، اداری و صنعتی است و از نظر معماری و شهرسازی هم گفتنی است که خیابان‌های باریک و کوچه‌های تو در تو، و کم عرضی دارد.

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، اکثر خانوارهای معمولی ساکن در منطقه ده، در دو اتاق زندگی می‌کنند. این در حالی است که تعداد اتاق‌های در اختیار بیشتر خانوارهای منطقه یک، چهار اتاق است. از سوی دیگر، بر اساس همان سرشماری، جمعیت کودکان دبستانی منطقه ده نسبت به منطقه یک بیشتر است؛ حال آنکه سرانه موجود فضای سبز برای هر نفر در منطقه ده ۰/۳۶ مترمربع، و در منطقه یک ۲/۵ مترمربع است.

با توجه به مطالب پیش گفته، ضرورت ایجاد فضاهای سبز و تفریحی در منطقه ده بسیار محسوس است. به گونه‌ای که در احداث فضاهای سبز و تفریحی، این منطقه اولویت سوم را دارد و منطقه یک اولویت هفدهم را.

به منظور بررسی نزدیک‌تر این مسئله، می‌توان دو پارک مهر و رضوان، واقع در محله‌های درآشیب (منطقه یک) و کمیل (منطقه ده) را در نظر گرفت.

پارک مهر (منطقه یک) در محیطی آرام و به دور از صنایع



پارک مهر در محله‌های آرام

آلاینده، محصور در واحدهای مسکونی است و تنها یک واحد آموزشی در مجاورت آن قرار دارد؛ در حالی که پارک رضوان (منطقه ده)، علاوه بر مجاورت با واحدهای مسکونی، با سایر کاربری‌های تجاری، خدماتی و حتی صنعتی که در مقیاس یک محله شهری نمی‌گنجد، مجاور است.

از لحاظ موقعیت دسترسی، پارک مهر ایمنی لازم را دارد، زیرا آن را یک خیابان فرعی از خیابان‌های جمع‌کننده و اصلی جدا می‌سازد و به سواره‌کند درون محله‌ای نیز نزدیک است. این در حالی است که در پارک رضوان، تداخل با مسیرهای سواره اصلی و پیش‌بینی نشدن مسیرهایی برای پیاده، دسترسی به پارک را با مشکل روبه‌رو ساخته است. نکته شایان توجه اینکه دو دبستان رویه‌روی پارک واقع در خیابان اصلی کمیل و نبود پیش‌بینی‌های لازم برای دسترسی ایمن به این پارک، منجر شده است که کودکان برای ورود به آن با مشکل مواجه گردند.

وجود فضاهایی همچون فضایی برای وسایل بازی کودکان دبستانی، فضای بازی چمنکاری شده برای فعالیت‌های پر جنب و جوش، فضایی سایه برای استراحت والدین و فعالیت‌های آرام کودکان، و فضایی سنگفرش شده برای فعالیت‌های چند منظوره (اسکیت، دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی و جز آن) از امکانات فضایی هر دو پارک محسوب می‌شوند.

پارک مهر علاوه بر فضاهای یاد شده دارای فضایی محصور برای بازی‌های توپ (فوتبال، بسکتبال و جز آن) نیز هست. در حالی که کمبود فضاهایی از این دست، در پارک رضوان مشهود است - به ویژه آنکه کودکان ناگزیر به بازی در کوچه و خیابان‌هایی هستند که هر لحظه خطر تصادف با وسایط نقلیه آنها را تهدید می‌کند.

در پارک رضوان (منطقه ده)، فضایی نسبتاً وسیع برای وسایل بازی برقی (ناب، فان، چرخ و فلک برقی و مانند آنها) در نظر گرفته شده است؛ اما هزینه‌های نگهداری و تعمیر این گونه وسایل، عدم توانایی خانواده‌ها برای پرداخت هزینه استفاده از آنها و همچنین عدم تعمیر منظم وسایل و خطر استفاده از آنها برای کودکان، کارکرد این فضاها را - به رغم جذابیت‌های فراوان برای کودکان - به فضایی غیرسازنده تبدیل کرده است. از فضاهای درخور توجه در پارک رضوان نیز، وجود کالون پرورش فکری کودکان و کلبه بازی‌های رایانه‌ای است که تعامیل روزافزون کودکان به بازی‌های رایانه‌ای، به وجود چنین مکانی معنا

می بخشد.

تعداد بسیار محدود وسایل بازی، عدم تقسیم بندی زمین بازی برای رده های سنی مختلف (بیش دبستانی یا خردسالان و دبستانی) و همچنین چسب نامناسب (فلزی) وسایل بازی، کارایی آنها را در هر دو پارک کاهش داده است.

علاوه بر نکات ذکر شده یکی از مهم ترین عواملی که ضامن موفقیت پارک ها است، وجود امنیت است. حضور مشهود افراد بزهکار در سطح پارک رضوان باعث خدشه دار شدن امنیت در پارک گردیده است. همین مسئله والدین را نسبت به بازی کودکان بیشتر نگران ساخته است، به گونه ای که آنها این کار را تنها با نظارت خود و سایر همسایگان می پذیرند.

برای هر چه کارآمدتر و سازنده تر شدن این پارک ها می توان اقدامات فراوانی را، که بعضاً مستلزم سیاست گذاری هایی در سطح کلان و صرف زمان بسیار و بودجه های کلان است، به انجام رساند. در بستر موجود آنچه که در حیطه وظایف برنامه ریزان و طراحان شهری می گنجد، توجه به مسائلی چون دسترسی، کاربری های پیرامونی و طراحی فضای پارک و وسایل بازی کودکان است.

برای تغییر کاربری های نامناسب مجاور پارک ها، خروج صنایع آلاینده و مزاحم پیرامونی پارک و توجه ویژه برای استقرار کاربری های مناسب در محله ها مد نظر قرار می گیرد. از جمله پیشنهادهایی که برای دسترسی و آرام سازی ترافیک مطرح



جنبه بازی های کودکانی بر مبنای رضوان

می شود، اقدامات پل عابر پیاده مناسب و یا زیر گذر شدن قسمتی از خیابان اصلی مجاور پارک است. در زمینه طراحی فضای پارک، تقسیم بندی زمین بازی باید با توجه به نیازهای هر گروه سنی انجام پذیرد. همچنین به کارگیری سطح پوششی مناسب و ایمن با توجه به شرایط اقلیمی و محلی، از دیگر مسائلی است که می بایست در طراحی زمین بازی مد نظر قرار گیرد. طراحی وسایل بازی به وسیله افراد محرب و صاحب نظر از جمله نکاتی است که کارایی و سازندگی این وسایل را تا حد زیادی افزایش می دهد. در این زمینه به کارگیری تجارب کشورهای موفق، به شرط سازگار کردن آنها با شرایط بومی و اقلیمی، بسیار مفید است. توجه به مسائل ایمنی در طراحی وسایل، ضریب سلامت بازی کودکان را تا حد بسیار زیادی بالا می برد. بدین منظور استفاده از پوشش های نرم و ایمن بر روی قطعات وسایل و استفاده از مواد و مصالح ساده چون تایر و چوب و نظایر اینها می تواند بسیار مؤثر واقع شود. همچنین استفاده از رنگ آمیزی مناسب و بموقع (برای جلوگیری از زنگ زدگی وسایل) انگیزه بازی را در کودکان ترغیب می کند.

در مجموع باید گفت که طراحی و برنامه ریزی دقیق و مناسب خود از عوامل مؤثر در کارایی فضای ایمنی وسایل و حتی برقراری امنیت در پارک ها به شمار می رود؛ به ویژه آنکه امروزه پارک های شهری بیش از آنکه مورد استفاده شهروندان قرار گیرند، به محلی برای بزهکاری های اجتماعی تبدیل شده اند.

مسئولان شهری و شهرداری ها می بایست در برنامه ریزی و طراحی فضاهای عمومی، فرصت های ممکن را در جهت رشد و پیشرفت وضعیت جسمی، روانی، فرهنگی و اجتماعی افراد فراهم آورند و امکان بهبود و تسهیل فعالیت های فرهنگی و روابط اجتماعی را میسر سازند. این امری است که شاید بتواند فضاهای عمومی را به عنوان یکی از راه حل ها برای نیل به اهداف مورد نظر و جلوگیری از بروز خشونت ها و ناهنجاری های اجتماعی مطرح کند.

نظارت رایانه‌ای بر امور مهندسان ناظر

تجربه‌ای عملی از یکپارچه‌سازی سیستم‌های مرتبط با شهرسازی و توسعه IT در شهرداری‌ها

جلال معصوم

شورای انقلاب اسلامی ایران، طرح کنترل و نظارت به اداره امور مهندسان ناظر محول گردید. این اداره تحت نظر اداره کل شهرسازی و معماری شهرداری تهران از تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱ شروع به فعالیت کرده است.

□ دلایل انتخاب امور مهندسان ناظر برای اجرای طرح چه بود؟

بررسی روند مکانیزه شدن گردش کار دستی امور مهندسان ناظر، می‌تواند برای مطالعاتی از این دست نمونه خوبی باشد. از جمله می‌توان به طراحی بانک اطلاعاتی، کاربرد یخا از Store Procedure و Trigger ها در برقراری ارتباط با سایر سیستم‌ها، یکپارچگی، تأثیرات یکسان‌سازی محیط‌های کاربردی سیستم‌های مستقل ولی مرتبط اشاره کرد. همچنین نتایج عملکرد نهایی این سیستم در حیطه مسائل مدیریت شهری از قبیل کاهش زمان پاسخ به درخواست و جلوگیری از اتلاف وقت، اعمال کنترل‌های دقیق و برنامه‌ریزی شده، جلوگیری از سوء استفاده و تخلف ناشی از عملکرد غیرمکانیزه، تأثیر غیرمستقیم بر ترافیک تهران، و در نهایت دسترسی اطلاعاتی مناسب در مسیر توسعه کاربرد فناوری اطلاعات است.

این سیستم در زمان حاضر عملیاتی است و به درخواست‌هایی که از ۲۱ منطقه شهرداری تهران به ستاد امور مهندسان ناظر ارسال می‌گردد به صورت On Line پاسخگوست.

□ مهندسان ناظر چه وظایفی بر عهده دارند؟

بخشنامه‌های صادر شده وزارت مسکن و شهرسازی و نظام مهندسی ساختمان، به مثابه دستورالعمل‌ها و قوانین ساخت و ساز تلقی می‌گردند و مهندسان ناظر و طراح موظف به اجرای آنها

سیستم‌های گردش کار سنتی و دستی در شهرداری‌ها از جمله عوامل ناکارآمدی و نارضایتی سازمان‌های شهرداری به شمار می‌آیند.

صرف هزینه‌های بی‌مورد و اتلاف وقت پرسنل شهرداری و مراجعه کنندگان از دیگر مشکلات سیستم‌های سنتی گردش کار در شهرداری‌هاست. کنترل ساخت و سازهای شهری از وظایف شهرداری‌ها محسوب می‌شود که به طور عمده از طریق کنترل امور مهندسان ناظر ساختمان اعمال می‌گردد. امکان قصور و بروز تخلفات در این زمینه در سیستم‌های سنتی شهرداری همواره مطرح بوده است. سیستم‌های مکانیزه با کنترل دقیق و نظام‌مند (سیستماتیک) می‌توانند از وقوع تخلفات و اشتباهات جلوگیری کنند و بر سرعت و دقت اجرای امور بیفزایند.

یکی از تجربیات موفق در این زمینه، سیستم مکانیزه‌ای است که برای کنترل امور مهندسان ناظر ساختمان در معاونت مهندسی و محصولات سازمان آمار، اطلاعات و خدمات کامپیوتری شهرداری تهران طراحی و راه‌اندازی شده است. برای آشنایی با این سیستم، با بهروز نیک منظر که مدیریت طراحی و پیاده‌سازی این سیستم را بر عهده داشته است، گفت و گویی انجام گرفته که در ادامه درج می‌گردد.

□ چرا امور مهندسان ناظر تحت کنترل در آمد؟

به منظور ارتقای کیفیت و رعایت اصول فنی شهرسازی و معماری، و مقررات شهرداری که در پروانه‌های صادر شده قید می‌گردد، در ساختمان‌های احداثی با استناد به قانون نظام معماری و ساختمانی و تبصره‌های اصلاحی ماده حد مصوب

هستند.

در روند ساخت و ساز، وجود نقشه‌های طراحی و نظارت بر پیاده‌سازی و تطبیق نقشه‌های طراحی با اجزاء اسکلت بتا ضروری است، که این امر به وسیله مهندسان طراح و ناظر صورت می‌گیرد.

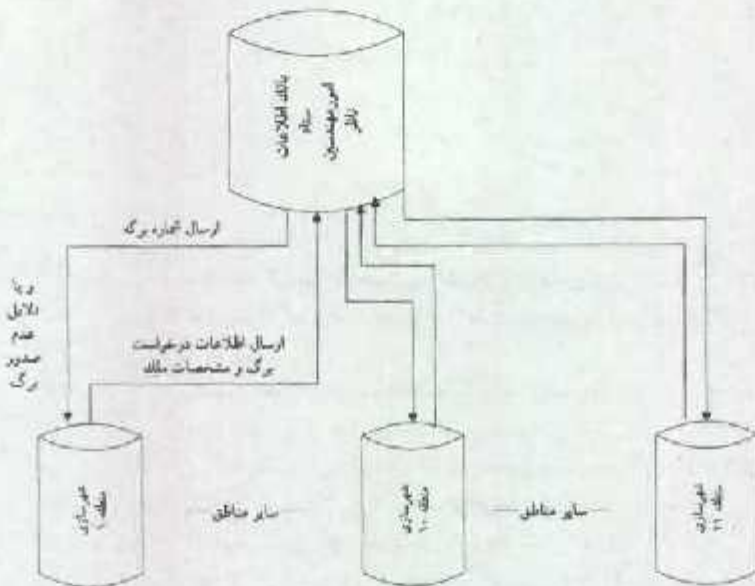
مهندسان طراح وظیفه طراحی نقشه‌های معماری، محاسباتی، تأسیسات برقی و مکانیکی ساختمان را به عهده دارند. مهندسان ناظر نیز وظیفه نظارت بر پیاده‌سازی نقشه‌های طراحی و همچنین نظارت بر نحوه ساخت و ساز ساختمان را، مطابق با ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران، عهده‌دار هستند.

مهندسان ناظر در طی مراحل ساخت، موظفاند گزارش‌هایی از روند کار، کمیوندها و تخلفات تهیه کنند؛ ضمناً مسئول

- تشکیل پرونده برای اعلالت در تهران و تعیین شماره‌امضای شهرسازی برای مهندسانی که دارای شماره نظام مهندسی و شماره پروانه اشتغال باشند.

- تعیین سهمیه نظارت مهندسان ناظر که تا پایان سال ۱۳۷۰ شمسی، ابتدا با استناد به ماده ۲ این نامه اجرایی مصوبه شماره ۳/۳۳/۲۹۷۸۸ مورخ ۶۴/۱۲/۲۴ وزارت کشور به صورت شش ماهه، سپس طبق بند ۵ دستورالعمل شماره ۱۶۰/۹۶/۱۴۹۵ مورخ ۶۴/۴/۱۴ وزارت کشور به صورت سالانه محاسبه و اعلام می‌گردد. از تاریخ ۷۰/۹/۳ با تشکیل شورای عالی امور مهندسان ناظر، در آغاز هر سال میزان سهمیه نظارت با نظر شورای عالی تعیین و ابلاغ می‌گردد.

- صدور برگ تعهد برای مهندسان، با رعایت سهمیه و ظرفیت مجاز مهندس.



شماره ۱۰ - سیستم مهندسان ناظر و مهندسان مشاور در معاونت‌های شهرداری مناطق شهری

اطلاع‌رسانی در مورد مشکلات احتمالی ناشی از عدم همکاری مالک و مسائلی از این دست به امور مهندسان ناظر و شهرداری منطقه نیز هستند.

□ وظایف اداره امور مهندسان مشاور شهرداری چیست؟

اداره امور مهندسان ناظر، همان گونه که گفته شد، یکی از واحدهای حوزه معاونت شهرسازی شهرداری است که به صورت مستمرکز و ستادی عمل می‌کند. عمده‌ترین اهداف این اداره ارتقاء بهبود نحوه طراحی و نظارت بر ساخت و ساز ساختمان‌ها در شهر تهران و تطبیق آن با استانداردهای جهانی و ملی است، تا بدین ترتیب استحکام و ایمنی مطلوب در ساخت و ساز شهری حاصل گردد.

به منظور توزیع عادلانه کار بین مهندسان واجد شرایط، هر مهندس سالانه تعداد کار محدودی را مجاز به انجام است. هر مهندس ناظر برای شروع کار نیازمند به برگه‌ای تحت عنوان برگه تعهد است که آن را اداره امور مهندسان ناظر صادر می‌کند. فعالیت‌های اصلی اداره امور مهندسان ناظر عبارت است از:

- کنترل سهمیه استفاده شده به وسیله مهندس.

- اعمال محدودیت‌های تعیین شده از طرف شورای انتظامی سازمان نظام مهندسی.

از دیگر وظایف امور مهندسان ناظر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رفع مشکلات میان مالک و مهندس.
- بررسی عملکرد مهندسان برای مشخص شدن خلاف‌های ساخت و سازی که از کمیسیون ماده صد ارسال می‌شود.
- تعویض مهندسانی که پرونده‌های شهرسازی در دست دارند.
- بررسی صلاحیت مهندسانی که طراحی و نظارت بناهای بالای ۵۰۰ متر را به عهده دارند.

□ در طراحی سیستم مکانیزه چه اموری می‌بایست در نظر گرفته می‌شد؟

از آنجا که در شناخت عملکرد سیستم مکانیزه چگونگی اعمال کنترل‌های صدور برگ تعهد اهمیت ویژه‌ای دارد، به

مواردی که باید کنترل گردد اشاره می‌شود:

- اعتبار پروانه اشتغال.

- سهمیه مهندس که با توجه به سهمیه سالانه مهندس و مشخصات ملک که از سیستم شهرسازی مستقر در یکی از مناطق شهرداری دریافت می‌گردد.

- ظرفیت مهندس که با توجه به پایه مهندس و بیشترین ظرفیت مجاز آن پایه و مشخصات ملک که از سیستم شهرسازی مستقر در منطقه شهرداری دریافت می‌گردد.

منوعیت‌ها و محدودیت‌های ناشی از رأی شورای انتظامی و رأی شورای امور مهندسان ناظر.

- رعایت حدود صلاحیت مهندس یا در نظر گرفتن پایه مهندس و مشخصات ملک.

با توجه به شرح وظایف امور مهندسان ناظر که به مختصری از آن پرداخته شد و گردش کار آن، که در شهرداری به صورت دستی انجام می‌پذیرفت، طی فرایندی این امور به صورت سیستماتیک و مکانیزه در آمد.

□ عملیات طراحی سیستم مکانیزه شامل چه مراحل بود؟

فرایندهایی که منجر به طراحی سیستم یکپارچه و On Line امروزی شد در قالب سه فاز عملیاتی انجام پذیرفت:

مشخصه اصلی فاز اول نبود ارتباط بین سیستم‌های امور مهندسان ناظر (ستادی) و سیستم شهرسازی مستقر در مناطق بود.

در این فاز برگ تعهد به صورت سپید صادر می‌گردید؛ یعنی هیچ ارتباطی بین برگ و ملک وجود نداشت و از آنجا که ارتباطی بین سیستم شهرسازی که دارای اطلاعات ملک است و ستاد امور مهندسان ناظر هم وجود نداشت، عملاً کنترل سهمیه و ظرفیت و حدود صلاحیت (که نیاز به مشخصات ملک دارد) به صورت دستی و با استناد به گزارش‌های ارائه شده از طرف مهندس ناظر و منطقه شهرداری انجام می‌پذیرفت. در این فاز صدور برگ تعهد ظرف مدت ۲ روز تا دو ماه به طول می‌انجامید که علت عمده جولانی شدن آن کنترل‌های دستی بود.

در فاز دوم به دلیل نیازهای مدیریت ارشد حوزه معاونت شهرسازی و معماری به گزارش‌های فزاینده‌ای شهرسازی، طرح تجمیع اطلاعات شهرسازی ۲۱ منطقه تحت عنوان پایگاه داده متمرکز شهرسازی در حوزه معاونت شهرسازی نهایی و پیاده‌سازی گردید.

علاوه بر دیگر کاربردهای ترمکز اطلاعات شهرسازی در ستاد، امکان دسترسی به اطلاعات ملک برای سیستم امور مهندسان ناظر نیز مهیا گردید.

مزیت وجود پایگاه داده متمرکز شهرسازی برای سیستم امور مهندسان ناظر، ایجاد امکان کنترل صحت گزارش‌ها در مورد نحوه مصرف برگ‌ها و همچنین نظارت بر عملکرد آنها و جلوگیری از سوء استفاده احتمالی در استفاده مکرر از یک برگه در مناطق مختلف است.

مشکل این فاز ناشی از عدم یکپارچگی سیستم‌های امور مهندسان ناظر و شهرسازی بوده است. این امر بیان معناست که نیازهای اطلاعاتی سیستم امن به‌طور کامل در سیستم شهرسازی

دید شده بود و یکسان نبودن محیط‌های ذخیره‌سازی، به معنای متفاوت بودن Plat Form های نرم‌افزاری دو سیستم، به تأخیر در روزآمد کردن اطلاعات مورد نیاز امور مهندسان ناظر (تبدیل داده‌ها و فارسی‌سازهای متفاوت) می‌انجامید.

مسائل ناشی از موارد پیش گفته، منجر به عدم دقت کافی و به‌تکام نبودن کنترل‌های لازم می‌شد.

در فاز سوم سیستم شهرسازی مورد بازنگری قرار گرفت و به شکلی یکپارچه و مرتبط با سایر سیستم‌های اجرایی - از قبیل مالی، املاک، حسابداری، ماده صد و امور مهندسان ناظر - طراحی و پیاده‌سازی گردید.

با توجه به طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های یکپارچه شهرسازی و به وجود آمدن امکان استفاده از خطوط ارتباطی مناسب بین مناطق و ستاد، صدور برگ به صورت On Line در مناطق امکان‌پذیر گردید.

□ گردش کار در سیستم مکانیزه جدید چگونه است؟

گردش کار کنونی بدین شکل است که مهندسان تقاضای دریافت برگ را در منطقه از طریق سیستم شهرسازی اعلام می‌کنند. سپس اطلاعات ملک مورد نظر بلافاصله به ستاد ارسال می‌گردد و هم‌زمان صلاحیت و سهمیه مهندس با توجه به اطلاعات ملک به صورت مکانیزه کنترل می‌شود. آن گاه در صورتی که ضوابط مورد نظر رعایت شده باشد، سیستم امور مهندسان ناظر شماره برگی برای مهندس ایجاد و به منطقه (به سیستم شهرسازی منطقه) ارسال می‌کند. در غیر این صورت، موانع صدور برگ برای اعلام به مهندس، به منطقه ارسال می‌گردد.

□ مزایای سیستم مکانیزه جدید چیست؟

امکان صدور برگ On Line در مناطق دستاوردهای زیر را به دنبال داشته است:

- ۱- دقت و سرعت در اعمال کنترل‌های صدور برگ، به‌منظور رعایت قوانین و مقررات.
- ۲- کاهش سوء استفاده‌های احتمالی، به دلیل ضمانت از استفاده مکرر و غیرقانونی از یک برگ.
- ۳- کاهش سفرهای درون شهری و صرفه‌جویی در وقت مهندسان، با حذف مراجعات مهندس به ستاد برای دریافت برگ.
- ۴- سرعت بخشیدن به زمان صدور برگ (همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، صدور برگ بین ۲ روز تا ۲ ماه به‌طول می‌انجامید اما در زمان حاضر این کار در کمتر از چند دقیقه صورت می‌گیرد).

□ در اجرای این پروژه چه گروه‌هایی همکاری داشتند؟

مدیریت ارشد اداره امور مهندسان ناظر، و کارشناسان قسمت شهرسازی معاونت مهندس و مسئولان سازمان آمار، اطلاعات و خدمات کامپیوتری شهرداری تهران، و دیگر افراد و گروه‌های ذی‌ربط، از تمام اینان سیاست‌گذارم و برای شان آرزوی توفیق روزافزون دارم.



نماهای ناهماهنگ، سیمای شهر امروز

(قسمت دوم)

زهره خوش‌تمک

شهرسازی باعث تدوین قوانین و ضوابط مشخص شهرسازی شده است، اما هنوز نه تنها مالکان بلکه شهرداری‌ها نیز به این امر پراهمیت توجهی ندارند. این بی‌توجهی موجب گردیده است که در خیابان‌ها، مجموعه‌های از رنگ‌ها و معماری‌های ناهمگون، به شکلی ناهماهنگ عرض اندام کنند.

در بخش اول این گزارش، تجولات تاریخی نماهای ساختمانی و معماری در شهرهای کشور، و وضعیت موجود مورد بررسی قرار گرفت.

بخش دوم این گزارش در سطح عمیق‌تری به معضل خلا، ضوابط مشخص برای ساخت و ساز و دلایل آن می‌پردازد.

حسینعلی حبیبی، مدیر کل برنامه‌ریزی و طرح‌های شهرسازی شهرداری تهران، با اشاره به نبود ضوابط مشخص برای ساخت و ساز می‌گوید: «اگر چه در زمان حاضر ضوابطی وجود دارد که براساس آن تعاسازی برای ساختمان‌های در حال احداث ضرورت می‌یابد، لیکن در آن به‌توجه مصالح و رعایت سایر عناصر معماری در صفحه نما، اشاره نشده است. در حقیقت هنوز در قوانین و ضوابط ما تعریف مشخصی از نمای شهری وجود ندارد تا براساس آن مالکان ملزم به اجرای آن گردند. این مالکان هستند که در ساختمان‌های عمومی یا خصوصی، بعد سوم - یعنی نما - را تعریف می‌کنند.» وی می‌افزاید: «بحران مدیریتی در مجموعه شهری، باعث شده است که برنامه مدولنی برای شهرسازی وجود نداشته باشد، و هر مدیری طبق سلیقه و افکار خود ضابطه‌ای را تعیین کند. به عبارت دیگر، سیستم تدبیر حل می‌شود به جای اینکه تدبیر در سیستم حل شود. این گونه است که توان مدیریت در

سیمای شهرهای ما مجموعه‌ای است از نماها، فضاهای عمومی و خصوصی، فضای سبز، مصالح، مبلمان، نور و سایر عناصر شهری. نماهای ساختمانی در این میان سهم عمده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. سیمای هر شهر انعکاسی است از فرهنگ و آداب و هویت حاکم بر جامعه و به ویژه شهروندانی که در آن سکنی گزیده‌اند. هر چقدر بافت شهر، و به ویژه نماهای ساختمانی که به عنوان خصوصی‌ترین محل اسکان شهروندان به شمار می‌رود، براساس اصول معماری و شهرسازی شکل گرفته باشد، تصویری انسانی‌تر، بسامان‌تر و با هویت بیشتر ارائه می‌دهد. زندگی در شهری این گونه نیز با تنوع در رنگ و فضا و محیط، شهروندانی شاداب و سرزنده‌تر را در خود جای خواهد داد.

نماهای ساختمانی در کشور در طول تاریخ با توجه به دوره‌های مختلف به ویژه در دهه‌های گذشته دستخوش تغییرات و تحولاتی منفی شده است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت ساخت و ساز به دلیل افزایش بی‌رویه سوددهی در این بخش و ده‌ها دلایل دیگر به نقطه‌ای رسیده که شهرها را دچار بی‌هویتی و به هم ریختگی کرده است. این آشفتگی به گونه‌ای است که هر نمای ساختمانی ساز خود را می‌زند، بی هیچ هماهنگی با نماهای هم‌جوار و منطقه و موقعیت اقلیمی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن. شهرها در این روند بدون ضابطه و قوانین مشخص چنان گسترش یافتند و شکل گرفتند که جبران این اشتباه بزرگ، هزینه‌ای بسیار گزاف می‌طلبد که خارج از حد و توان شهرداری‌هاست. اگر چه تلاش پراکنده برخی از متخصصان حوزه معماری و

شهرها وجود ندارند»

جمشیدی در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۴ از سوی شهرداری تهران مأموریت یافت که ضابطه‌ای راهبردی برای نوسازی در شهر تهران تدوین کند. لیکن این کار در نیمه راه بازماند و به دلیل تغییر مدیریت‌ها ادامه نیافت. وی می‌گوید: «کلیات آیین نامه‌های شهری و راهبردهای نوسازی در شهر تهران تکمیل شده است و در زمان حاضر با به کارگیری ۲۱ مشاور برای مناطق تهران، مطالعه مناطق برای دستیابی به ضوابط عملی جریان دارد.»

وی می‌افزاید: «در طرح‌های تفصیلی و جامع موجود به عنوان هدایت کننده ساخت و سازهای شهری، به ضابطه ارتفاع توجه گردیده، اما چنین چیزی رعایت نشده است. امروز به برنامه جدید و ساختار تازه نیاز است، زیرا ساختار قدیمی پاسخگوی وضعیت موجود نیست.»

زمانی که برنامه سوم توسعه تدوین می‌شد، ضرورت تدوین «قانون جامع شهرسازی کشور نیز مطرح گردید و در دستور کار وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفت. برای تدوین این قانون قوانین شهرسازی شهرهای اروپا، آسیا و آمریکا بررسی شد و تمام قوانین موجود در این زمینه در کشور نیز جمع‌آوری گردید - که از مهم‌ترین اقدامات انجام شده در این زمینه به شمار می‌رود. در پی آن وزارت مسکن در حال انجام مطالعاتی است که براساس آن نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های مسئول طراحی شهری، سیمای شهری و چشم‌انداز آن مشخص شوند تا براساس آن بتوان از هر گونه بدقیارگی، بی‌تناسبی و آشفتگی سیما و بده‌های شهری جلوگیری کرد. در زمان حاضر سازمان‌های مختلفی درگیر مسائل طراحی شهری هستند، لیکن هماهنگی بین آنها نه تنها کاری از پیش نبرده است بلکه موجب به هم ریختگی اوضاع شهرها از نظر طراحی نیز در این زمینه شده است. از طرفی به دلیل نقص یا فقدان مقررات، ضوابط، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در حوزه ساخت و ساز شهری، وزارت مسکن و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی به عنوان متولی اصلی ضوابط قانونی این امر، و شهرداری تهران به عنوان مسئول تهیه قانونی در این زمینه، تعیین شده‌اند. بودجه پروژه‌های مذکور را سازمان برنامه و بودجه تأمین می‌کند. این طرح‌ها در جهت تعیین مسیر جامع و مشخصی برای طرح‌های توسعه شهری، هماهنگی سیمای سنتی با توسعه سریع ساخت و ساز و مشخص کردن واحدهای مسئول اجرای ضوابط سیمای شهری و تصویب قوانین و مقررات لازم در این زمینه است.

سازمان زیباسازی شهر تهران اقدام به تدوین طرح ساماندهی نمای ساختمان‌های شهری کرده است که در آن به این موارد اشاره شده است: تشکیل ستادی مرکزی برای برنامه‌ریزی و نظارت بر امور ساخت و ساز شهری، استفاده از متخصصان در ارتقای کیفیت کار طراحی، نظارت عالی مهندسان طراح بر اجرای صحیح پروژه‌هایی که پروانه ساختمانی گرفته‌اند، تهیه نقشه‌های تأسیساتی ساختمان‌ها، عقد قرارداد با مجریان رسمی و قانونی پروژه‌های خاص که اهمیت ویژه‌ای از نظر تعداد حقیقت و حجم زیربنای دارند، استفاده از پلیس ساختمان، نوع مصالح ساختمانی مورد مصرف و مواردی که در زیبایی نمای شهری نقشی تعیین

کننده دارند، و نظایر اینها.

این سازمان در پی دستور ملک مدنی، شهردار وقت تهران، اقدام به تدوین این طرح کرده است اما مسئله این است که شهرداری‌ها، معاونت شهرسازی را مسئول زیباسازی نمای شهری می‌دانند و تدوین طرح را در حوزه کار سازمان برنامه‌ریزی می‌شمارند. این وضعیت در بسیاری سازمان‌ها و نهادها که کار موازی انجام می‌دهند وجود دارد.

اسفند ارجمند نیا، عضو هیئت علمی دانشکده تهران در این زمینه چنین می‌گوید: «اگر چه ضوابط مدونی برای نوسازی شهرها وجود ندارد اما هم‌اکنون می‌توان شاهد اجرای طرح‌های شهری و توجه به نوسازی در برخی شهرهای کشور بود. بحث اصلی این است که سازمانی که بتواند امر طراحی شهری و سیمای شهری را بر عهده بگیرد تا به حال وجود نداشته است. شهرداری‌ها شاید در صدور پروانه ساختمانی به مواردی توجه داشته باشند اما ضوابط فنی، طراحی و هویت شهری، مثل سایر کشورها دارای قوانین مشخص نیستند.»

بنابراین شهرها، توانسته‌اند ساخت و سازهای بی‌تناسبی را که به سرعت رشد کرد کنترل کنند؛ و بدین ترتیب برج‌های ۲۰ طبقه و بیشتر در کوچه‌های ۶ و ۸ متری جا گرفتند، آن هم بدون توجه به زیر ساخت و تناسب با ساختمان‌های مجاور و خدمات شهری و مانند اینها.

هر چند این نوع ساخت و سازها در قوانین شهرسازی موجود نخلف محسوب می‌شود و در طرح جامع شهری (در بخش کاربری‌ها) ارتفاع ساختمان مشخص شده است، اما رعایت نمی‌شود. شهرداری هم با وجود آنکه مسئول صدور پروانه ساختمانی است اما از لحاظ اجرایی چندان توجهی به آن ندارد و نتیجه صدور این مجوزها، بی‌قوارگی شهری است.»

وی یکی از دلایل نازیبایی شهرها را تخصص نداشتن مدیران عنوان می‌کند و می‌گوید: «اعضا مدیران شهرها دانش اداره شهر را ندارند. ضوابط و قوانین شهری یکشنبه مشخص نمی‌شود، و باید با مطالعه دقیق انجام گیرد، اجرا درست باشد و قوانین نیز رعایت شود؛ اما نظام مدیریت شهر ما پاسخگوی اینها نیست.»

سال ۷۸ و ۷۹ فرساید، شهردار وقت مهرشهر کرج، دستورالعملی برای سازندگان ساختمان تنظیم و ابلاغ کرد، مبنی بر اینکه پایان کار ساختمان‌ها در صورت رعایت بندهای دستورالعمل صادر گردد. وی در این باره می‌گوید: «مهرشهر یکی از شهرک‌هایی است که حدود ۳۰ سال قبل برای استفاده خاص طراحی و ساخته شده است و اصول شهرسازی و نکات ظریف معابر شهری و تنه‌های یکسخت و همگون و معماری ویلایی که در آن در نظر گرفته شده، زیبایی خاصی به این شهرک داده است. املاک واقع در این شهرک با یک شکل زیبا تفکیک گردید و برای زمین‌های آن نقشه‌های تپ تهیه شده بود که هر کس تقاضای ساخت داشت می‌بایست طبق نقشه متعلق به آن زمین و طبق دستورالعمل نمای آن ساختمان اقدام کند. برای همین منظور دستورالعملی تهیه شد که هم‌اکنون نیز رعایت می‌شود. در این دستورالعمل راجع به سقف شکسته، سمت دید سقف، پنجره‌ها، نمای ساختمان، رنگ ساختمان، رنگ سقف‌ها، نوع مصالح نمای

ساختمان، پیاده‌رو سازی و دیوارهای برده‌ای که زیبایی خاصی به ساختمان می‌دهد بحث شده و رعایت آن اجباری است، تا به این ترتیب اصالت شهرک حفظ شود.

وی با اشاره به لزوم زون‌بندی معماری و نمایی شهری در طرح‌های جامع و تفصیلی در جهت جلوگیری از اعمال سلاطین شخصی و به دور از اصول معماری ما می‌گوید: «نمای بیرونی ساختمان متعلق به عموم شهروندان است. بنابراین دستورالعملی که در این باره تدوین می‌شود باید از اصولی یکدست و هماهنگ تبعیت کند. این در حالی است که متأسفانه در برخی از شهرهای ایران هیچ اصولی در طراحی معماری و نماهای شهری وجود ندارد و حتی در نقشه‌های مهندسی که به وسیله مهندسان ذی صلاح برای ساختمان‌ها تهیه می‌شود به هیچ وجه نمایی ساختمان و جزئیات با تصویب طرح ساماندهی تهران به عنوان مکمل و سند بهنگام شده طرح جامع، این طرح در منطقه ۲۲ شهرداری تهران انجام شد. این منطقه به دلیل وسعت‌نازایی موجود، سامانه‌الگوی طراحی و موقعیت خاص استقرار، داشتن طرح تفصیلی در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است.

مختاری، مشاور شهردار و منطقه و عضو کمیسیون طراحی شهری و معماری این منطقه، می‌گوید: «وجود زمین‌های بایر، نبودن آن و افزایش و درخواست مجوز ساخت و ساز در منطقه امکان رعایت ضوابط و قوانین ساخت و ساز را به منطقه می‌دهد. به همین منظور، کمیسیون طراحی شهری و معماری تشکیل گردیده است. در این کمیسیون ضوابط مشخص شامل ریتم خاص، خط افق، خط زمین، فرم، رنگ، نما، بافت ساختمان و جز اینها به منظور تناسب بین اجزای ساختمان و بهره‌وری از عامل ظرافت و هارمونی رنگ و استفاده از مصالح مطلوب و ایمن مشخص می‌شود. در کمیسیون مذکور که هفتگی یک‌بار تشکیل می‌شود، استادان برگزیده دانشگاه‌های تهران حضور دارند و پرونده‌های مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهند. در مدت ۱/۵

سال که از شروع کار کمیسیون می‌گذرد موفقیت زیادی حاصل آمده است. اگر چه در ابتدا مخالفت‌هایی از طرف مالکان وجود داشت اما به تدریج که متوجه تغییر در دیوار و چنارهای شهری شدند، همکاری آنها بیشتر شد. وی می‌افزاید: «در این منطقه محله‌ای وجود داشت یا ساخت و سازهای بی‌رویه و غیر مجاز که چهره نازیبایی به آن داده بود. با فراهم کردن زمینه کار، ۲۰۰ مجوز با ضوابط خاص برای متقاضیان ساخت و ساز در سطح صادر گردید که در تغییر کلی آن نقش بسیار مؤثری داشته است. این برای اولین بار در شهر تهران اتفاق افتاده است. همین‌طور که این منطقه ادعای آن را دارد که به عنوان الگوی ساخت و سازی شهری در منطقه مطرح است، در توسعه پایدار نیز می‌تواند الگویی برای شهرهای دیگر کشور باشد. از دیگر مصادیق توسعه پایدار، نما سازی شهری در بلوک‌های ساختمانی است. ما این را در سطوح جانبی ساخت و سازهایی که توسط شرکت‌های تعاونی صورت می‌گیرد تحت نظارت استادان و کارشناسان از نظر نوع رنگ، مصالح و... در آورده‌ایم. تأکید ما بر روی ساختمان‌های بزرگ‌تر از مجموعه بافت قدیمی منطقه است که قبل از تأسیس شهرداری ساخته شده‌اند و توانستیم آنها را مهار کنیم. مالکان بر اساس ضوابط تأیید شده، ملزم به ساخت بنای خود بر اساس نقشه مصوب هستند و در صورت خلاف، موارد به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارجاع می‌گردد و مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بررسی خلاف، جریمه یا حکم اعاده وضعیت و قلع و قمع صادر می‌شود. کنترل ساخت و ساز و نمایی ساختمان‌ها از طریق نواحی انجام می‌شود و بر آن تأکید می‌گردد.»

مختاری همچنین اظهار می‌دارد: «به دلیل اعمال مدیریت صحیح، محدود بودن منطقه، داشتن طرح تفصیلی و داشتن مقررات خاص تخلف‌چدی در این منطقه انجام نمی‌شود.»

شهرداری منطقه ۱۹ تهران اقدام به تهیه طرح تفصیلی یکی از نواحی منطقه که بافت فرسوده دارد کرده است. این منطقه به دلیل



هجوم مهاجران و تنوع قومیت‌ها، شرایط و بزمای - به خصوص در ساخت و ساز ناهمگون - دارد. کوروش لی، معاون شهرداری شهرداری منطقه، می‌گوید: «کمیته بهسازی معابر و شورای طرح و بررسی در منطقه هفته‌ای یک بار برای بررسی مشکلات منطقه تشکیل می‌شود. یکی از مصوبات شورا، تشکیل کمیته تعاسازی بوده است که به ترتیب اولویت به محورهای خاص می‌پردازد. در این کمیته مطالعات دراز مدت و طرح کلی به وسیله مشاوران داده می‌شود. برای حل مقطعی مشکل نیز ضوابطی همچون عدم استفاده از نرده برای بالکن‌ها، نمای قوسی شکل و آجر، کانال کولر و جز اینها برای ساختمان‌های مسکونی و مواردی دیگر برای ساختمان‌های تجاری مشخص شده است. اما مشکل اصلی در این منطقه بافت فرسوده و نامتناسب است و برای رفع این مشکل مجتمع‌سازی در دستور کار قرار گرفته است، با این شرط که بخشی از بافت فرسوده متراکم‌تر آزاد شود. به گمان من نتیجه این کار تا یک سال آینده نمایان خواهد شد.»

او می‌گوید، «تاکنون کرد غربت بر روی منطقه پاشیده شده بود، اما حالا موج نوسازی به دلیل توقف تراکم در مناطق شمالی شهر در منطقه ایجاد گردیده است. امید است با این موج بافت قدیمی و فرسوده نیز دگرگون شود. در زمین حاضر بهسازی نما در منطقه در حال انجام است و کمیته در پی بافتن راه‌حل‌های دیگری برای بهبود آن است به همین منظور هنگام صدور گواهی عدم خلاف و پایان کار، مالکان به بازسازی نماهای ساختمان‌هایی که در منظر عمومی قرار دارند ملزم می‌گردند. براساس ضوابط تعیین شده در کمیته تعاسازی، نوع و چگونگی به کارگیری مصالح از نظر همگونی البته با توجه به شرایط اقتصادی منطقه مشخص شده است.»

وی می‌افزاید: «منطقه ۱۹ به دلیل قولنامه‌ای بودن املاک و حجم وسیع ساخت و سازهای غیرمجاز و نبود ضابطه، با مسائل متفاوت از سایر مناطق شهری تهران روبه‌روست. مردم در مقطعی از زمان بناهای شان را بدون استحکام، بدون اصول و بدون رعایت تعاسازی، شبانه ساختند و شهرداری نتوانست با آنتن برخورد کند. بنابراین تأکید ما در زمان حاضر تربیم، تخریب و بازسازی بناهای موجود است و ما در محورهای خاص موفق به بهسازی ساختمان‌ها و تخریب و بازسازی آنها شدیم که موفقیت بالایی محسوب می‌شود.»

مفهوم نوسازی به معنی تجدید بنای ساختمان‌ها، با عمل و فرایند از بین بردن نشانه‌های خرابی، فرسودگی و ویرانی‌ها، یا مفهوم دوباره‌سازی و تجدید بنای نو مترادف است.

نوسازی در انگلستان قرن ۱۹ از سوی مردم آغاز شد و از همان آغاز جنبه فرهنگی یافت. در آلمان نیز بهسازی و نوسازی مناطق و بلوک‌های شرقی، به ویژه، بعد از فرو ریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹، با مشارکت مردم آغاز شد. این کار با اصول، ضوابط و رهنمودهای طراحان شهر استوار و با نظارت دستگاه‌های اجرایی مانند شهرداری همراه بود.

شهرداری پاریس بعد از جنگ جهانی دوم و در پی تخریب‌های ناشی از جنگ تصمیم به بازسازی و بهسازی بافت فرسوده و احیاء آن گرفت. که این روند تا به امروز ادامه دارد. در این روند

محلله‌های قدیمی و فرسوده - مثل محلله‌های پشت اپرای قدیم پاریس (باستی) - احیا و بازسازی شد. یک بل خط راه آهن مربوط به زمان ناپلئون نیز که بی استفاده مانده بود و فضای خالی زیر آن تبدیل به تعمیرگاه خودرو شده بود و نمایی نازیبا را به تصویر می‌کشید، تبدیل به فضای سبز شد و فضای زیر آن از سوی شهرداری بازسازی گردید و با مزایای ویژه در اختیار هنرمندان و هنر دوستان قرار گرفت و رونق بسیاری به محله داد. این تغییرات بر ارزش مناطق مختلف افزود و بخش خصوصی را راغب به مشارکت کرد. امروزه حاصل این برنامه دراز مدت، شهری زیست با نماهایی که در عین داشتن هویت خاص، هماهنگ با بناهای همجواری و محیط پیرامون‌اند و آرامش و امنیت را به بیننده القاء می‌کنند، ساخت نمای این شهر از هر نظر بر طبق ضوابط مشخص انجام می‌شود و به همین دلیل مثلاً در سرتاسر خیابان، تراس‌ها در یک ردیف دیده می‌شوند. هارمونی رنگ‌ها رعایت شده‌اند و گویی هر نما تاریخ خود را به رخ می‌کشد، اما آیا برای وضعیت موجود نماهای ساختمانی شهرهای ما راه چاره‌ای وجود دارد، و آیا آنها را از اغتشاش کالبدی موجود رهایی هست؟ نوسازی و بازسازی نماهای شهری بعد از تدوین آیین‌نامه‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها و تقویت مدیریت شهری به عنوان نهاد ناظر و کنترل‌کننده شاید بهترین راه حل به نظر برسد، اما در این راه اگر برنامه‌ریزی مناسب صورت نپذیرد، از مشارکت مردمی و گروه‌های مردمی و غیردولتی - و مهم‌تر از همه شوراهای به عنوان نهاد مردمی و بازوی شهرداری‌ها - استفاده نشود، نمی‌توان به هماهنگی ساختمان‌ها به ستاره عناصر معماری در قالب کلیتی به مفهوم شهر دست یافت.

براساس بند ۲ ماده ۷۱ قانون شوراها، بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نیازهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی شهرها و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی و ارائه آنها به مقامات مسئول از وظایف شوراها اسلامی شهر است.

حاقری با اشاره به اینکه نبود آرماتی برای شهرداری‌ها را با برآگه‌اتیسیم شدید رویبرو می‌کند، می‌گوید: «برای شهرها باید برنامه صد ساله ریخت و با آن به سمت عقلایی کردن شهرها و ساماندهی کردن آنها حرکت کرد. نباید گذاشت بازار مصالح تعیین کننده نمای شهری ما شود. می‌بایست با استفاده از سازمان‌های غیردولتی شهری در آموزش شهروندان و افزایش آگاهی آنان و ایجاد فرهنگ ساخت و ساز، شهر را از وضعیت موجود نجات داد؛ و این بر عهده سازمان‌های مسئول و حتی طراحان شهری و شهرسازان است. شهرسازان و معماران باید بپذیرند که در کشور بیش آمده سهم داشته‌اند. آنان باید بکوشند که از طریق نزدیک‌تر کردن تصاویر ذهنی مردم و مسئولان به تصاویر دقیق‌تری از شهر و شهرنشینی، زیر ساخت‌های فکری لازم را برای تبدیل شهرداری‌ها یکطرفه به شهرداری مشارکتی فراهم آورند.»

میزگرد مدیریت واحد شهری و مسائل کلان شهر تهران

(قسمت اول)

آزاده افشار

است. پایداری و توسعه پایدار امروزه از اهداف پذیرفته شده در جهان و برنامه‌های کشورهای مختلف به شمار می‌آید.

رسالت مدیریت کلان شهری باید به گونه‌ای باشد که نه تنها برای کلان شهر بلکه برای تمامی کشور توسعه و پایداری را به ارمغان آورد و می‌دانیم که در شرایط کنونی گسترش و پیچیدگی مسائل کلان شهری بر خلاف این رسالت، توسعه ناپایدار را اشاعه می‌دهد.

از این رو لازم است به این نقد نیز وارد شویم که چگونه این روند را به سوی پایداری کلان شهر و در نهایت گسترش الگوی پایداری و توسعه سکونت‌گاه‌های کشور هدایت کنیم. مدیریت واحد کلان شهر تهران ناچار به رویارویی با چالش‌های پایداری و توسعه آفرینی است. بدین ترتیب مایسته است که محور این میزگرد بحث مدیریت واحد تهران، با نگاه ویژه به شهر تهران، قرار گیرد.

کاظمیان می‌نویسد مدیریت واحد شهر تهران، به دو دسته رویه‌های و محتوایی تقسیم کرد. رویه‌هایی که در ساختار و شکل مدیریت شهر تهران وجود دارد به حیطه‌های ساختاری برمی‌گردد. پرسش معنی این است که چنین ساختاری می‌بایست چه محتوایی داشته باشد. نظام مدیریت شهر تهران در این حوزه باید آسیب‌شناسی و مشخص شود در هر کدام از دو حوزه پیش گفته چه فرست‌ها و محدودیت‌ها و تهدیداتی وجود دارد. دو نکته توسعه و پایداری که دکتر صرافانی به آن اشاره کردند، مقوله‌های محتوایی هستند که شکل نظام مدیریتی را تعیین می‌کنند.

اصولاً در ایران و مشخصاً در شهر تهران در هر دو موضوع یعنی ساختار و محتوا مشکلات و کاستی‌هایی به چشم می‌خورد. یعنی اینکه حیطه‌های مدیریت شهری به درستی در ایران و تهران آسیب‌شناسی نشده‌اند. البته مسائلی همچون بلایای طبیعی، برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی و مانند اینها، تا حدی آسیب‌شناسی شده‌اند ولی از منظر مدیریت کلان شهری به آن نگریسته نشده است. بنابراین ما شناخت و ارزیابی کاملی از امکانات، ظرفیت‌های در اختیار و محدودیت‌های شهر تهران به لحاظ مدیریت شهری نداریم.

شرکت کنندگان در میزگرد عبارتند از: ۱- مظفر صرافانی، عضو هیأت علمی - دانشگاه شهید بهشتی ۲- غلامرضا کاظمیان، پژوهشگر امور شهری ۳- فریبرز دولت‌آبادی، مدیر کل دفتر مدیریت توسعه شهری سازمان شهرداری‌های کشور ۴- علی افتخاری، مدیر انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

افتخاری، هدف از برگزاری میزگردی در مورد مدیریت واحد شهری، با نگاهی ویژه به کلان شهر تهران، بررسی این نکته است که چگونه سازمان‌های مختلف اداره کننده شهر تهران می‌توانند این شهر را با مدیریتی هماهنگ و واحد اداره کنند.

صرافانی مدیریت واحد کلان شهری کلتی است که در ابتدا لازم است از دو منظر به آن نگریسته شود؛ نخست اینکه امروزه مدیریت شهری و توسعه دو مقوله مرتبط با یکدیگرند؛ و در واقع بحث مدیریت شهری امروزه از بحث توسعه جدا نیست و در تمامی جوامع رسالت مدیریت کلان شهر آن است که در پیش‌تاری توسعه ملی نقش سبزی ایفا کند.

این بدان معنی نیست که توسعه روستاها و دیگر مناطق کشور نادیده گرفته شود؛ اگر مسئله وظیفه و مسئولیت در شهر مطرح می‌شود، در صورت در نظر گرفتن وظیفه ویژه مدیریت شهری به عنوان بخشی از مدیریت توسعه یکپارچه و خروج کشور از توسعه نیاختگی، اهمیت فراوان می‌یابد.

البته تأکید من بر این است که هیچ گونه دوگانگی میان روستا، شهر، کلان شهر و غیر کلان شهر در نظام مدیریت سکونتگاهی یکپارچه وجود ندارد؛ بلکه هر کلان شهر به عنوان مهم‌ترین نیروی محرکه این نظام، به مانند لوکوموتیوی است که واگن‌ها را نیز به دنبال خود می‌تواند بکشد که مناسبانه در بسیاری از کشورهای جنوب‌یا توسعه نیافته چنین کارکردی ندارد؛ بنابراین با چنین رسالت و استدلالی، مدیریت کلان شهری مختص بهره‌مندی گروه ویژه‌ای شهرنشین نبوده و برای کل کشور حایز اهمیت است. نکته دومی که از منظر کلان می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، بحث پایداری است که با مقوله مدیریت شهری و کلان شهری در هم تنیده شده و مرتبطاً

انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور همزمان با برپایی شانزدهمین جشنواره بین‌المللی کتاب و دهمین جشنواره مطبوعات یا حضور عده‌ای از اساتید دانشگاه و مدیران سازمان شهرداری‌ها میزگردی با عنوان «مدیریت واحد شهری با نگاه ویژه به کلان شهر تهران» در سرای گفت و گوهای این نمایشگاه برگزار کرد.



دولت آبادی؛ اگر به میثی

که دکتر صرافانی مطرح کردند بازگردیم - که مدیریت شهری تهران باید بر سنای توسعه و پایداری باشد - باید گفت که در ایران نظام مدیریت شهری وجود ندارد، برای نمونه، وظایفی که ما معتقدیم نظام مدیریت شهری باید بر عهده گیرد، نه تنها در شهرداری تهران به چشم نمی‌خورد بلکه در حوزه همین وظایف نیز محدودیت‌های بسیاری وجود دارد.

ساختار مدیریت در شهرها نیاز به دوباره‌سازی دارد و این امر نیازمند حرکتی کلان و ملی است تا بتوان به سوی توسعه و پایداری حرکت کرد.

قوانینی که شهرداری از ابتدا بر پایه آن شکل گرفته است در طول زمان دچار تفسیر و تحول شده‌اند. البته همین قوانین هم کاملاً انفعالی بودند؛ یعنی به محض آنکه مشکلی بروز می‌کرد، توانایی وضع می‌شد تا مشکل برطرف گردد. در بسیاری از مواقع نیز پس از آنکه مشکل رفع می‌شد، به شکل دیگری بروز می‌کرد. به هر حال همه این عوامل دست به دست یکدیگر دادند، تا جایی که در زمان حاضر شهرداری با مسائل پیچیده و عجیبی رو به‌رو شده است، حتی نمی‌توان دلیل شکل‌گیری بسیاری از قوانین را دانست. به نظر من بهتر است بحث را به این سمت که شهر تهران با چه مشکلاتی روبروست سوق دهیم.

افتخاری؛ در اینجا چند سؤال مطرح می‌شود. همان‌طور که

آقای دولت آبادی گفتند، باید دید چه مشکلات، محدودیت‌ها و ظرفیت‌هایی در شهر تهران وجود دارد که مورد استفاده قرار نگرفته است. آیا واقعاً در کلان‌شهری همچون تهران یا مشکلات، مسائل و پیچیدگی‌های آن، مدیریت واحد شهری می‌تواند تحقق یابد؟ شاید در تگاهی ۲۰ یا ۲۵ ساله بتوان برخی از شهرها را به این جایگاه نزدیک کرد؛ اما تفکیک مدیریت شهری در سدها شهر دیگر چگونه خواهد بود؟ تفاوت نوع مسائل و مشکلات هر شهر بالطبع راه حل‌های متفاوتی را نیز طلب می‌کند. مایلم دیدگاه حاضران در میزگرد را در این باره جویا شوم.

صرافانی؛ در اینجا بهتر است از برهان خلف استفاده شود. سخن

از جنه عظیم و هولناکی به اسم تهران در میان است که اگر از ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در آن یا چشم‌انداز توسعه ملی استفاده نشود، روزمره‌گی و مسائلی محلی رخ می‌نماید که همیشه در شهرهای پایتخت وجود دارد و تمامی منابع را به سوی خود می‌کشاند. به این ترتیب دیگر شهرها در این گذر بی‌تسبیب می‌مانند. می‌خواهم بگویم که چاره دیگری نداریم و باید کلان‌شهر را با تمام مشکلات آن مدیریت نماییم. از این رو این بحث به میان می‌آید که با این تجمع و ظرفیت‌های موجود چگونه می‌توان با

محدودیت‌ها و مشکلات مواجه شد، به گونه‌ای که میلان امکانات و قابلیت‌ها در برابر محدودیت‌ها و مشکلات و امکانات مثبت گردد و این هنر مدیریت است.

امروزه در جهان می‌توان دید که چگونه برخی کلان‌شهرها موفق در جذب سرمایه‌های خارجی و کاربرد فناوری‌های جدید و افزایش صادرات هستند و در واقع این میلان مثبت است.

من در اینجا به صحبت دکتر کاظمیان اشاره می‌کنم، که با قائل شدن به تفکیک رویه‌ای و محتوایی، از دو سو می‌توان به اصلاح مدیریت کلان‌شهر پرداخت.

مبحث رویه‌ای که ایشان مطرح کردند به این سؤال برمی‌گردد که «چگونه فرایند برنامه‌ریزی را راه بیاندازیم؛ چگونه تصمیم‌گیری کنیم؛ و چگونه منابع را تجهیز و بسیج کنیم؟»

حیطه محتوایی نیز بدین صورت مطرح می‌شود که چه راه حل‌هایی وجود دارد؛ و تکنیک‌های لازم چیست. همان‌گونه که در بحث آسیب‌شناسی اشاره شد، در زمان حاضر مدیریت کلان‌شهری ما پاستخگوی این پرسش‌ها و انتظارات نیست.

به نظر من بیش از آنکه تلاش خود را معطوف به محصول و مبحث محتوایی در برنامه‌ریزی کلان‌شهری بکنیم باید به فرایند مبحث رویه‌ای برنامه‌ریزی بپردازیم.

به لحاظ رویه‌ای، مطابق صحبت‌های دکتر دولت آبادی، از یک سو سازمان‌های موازی و غیر همسو مطرح می‌شود و از سوی دیگر ناکارایی نظام مدیریت شهری و خطا مدیریت واحد. این نکته نیز مهم است که منابع کافی مورد نیاز - حتی بر فرض این وحدت مدیریتی - وجود ندارد.

در اینجا ست که استفاده از تجارب دیگران در بسیج کردن منابع جدید ضرورت می‌یابد. این امر از طریق یکبار چه کردن منابع و به‌ویژه استفاده از نیروهای جدید و مردمی که در فرایند نوین برنامه‌ریزی شهری وارد می‌شوند، تحقق می‌یابد. این خود موجب تحول در مدیریت کلان‌شهر و نقش توسعه‌آفرین آن می‌شود. بنابراین اصلاح مدیریت کلان‌شهری در دو حرکت رویه‌ای و محتوایی و با تقدم اولی می‌بایست دنبال شود.

کاظمیان؛ دکتر صرافانی اشما در گفته‌هایتان اشاره کردید که در

شهرنشینی معاصر واقعیتی وجود دارد و آن اینکه همیشه نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری دنباله رو پدیده‌های شهرنشینی بوده‌اند؛ یعنی هیچ وقت یک قدم جلو نبوده‌اند بلکه همواره یک قدم عقب‌تر حرکت می‌کردند. در نتیجه اقدامات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری پیش‌نگرانه نبوده بلکه بازتابی و واکنشی بوده است. در واقع اتفاقی در نظام شهرنشینی و شهرسازی به وقوع پیوسته، و برای حل آن راه حل اندیشیده شده است. درباره کلان‌شهر تهران نیز همین اتفاق رخ داده است. به طوری که نزدیک به سه دهه است که پدیده‌ای به نام کلان‌شهر و منطقه کلان‌شهری در نظام شهری کشور ما شکل گرفته و نظام مدیریتی ما هنوز واکنش رسمی به این مسئله نشان نداده است. از جمله، از حدود سال ۱۳۷۳ به این سو، تصمیم گرفته شده است که «برنامه مجموعه شهری» تدوین شود لیکن هنوز به نتیجه نرسیده است. این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که هنوز چنین چیزی پذیرفته نشده است. به هر حال سیستم برنامه‌ریزی ایران یا پدیده‌های جدید و متفاوت با نام «کلان‌شهر» و

«منطقه کلان شهری» مواجه است، که می‌بایست به شکلی متفاوت با آن برخورد کرد.

هنوز نظام مدیریت شهری در ایران وجود ندارد و به تبع آن اصلاً نظام مدیریت کلان شهری نیز وجود ندارد. یکی از کارکردهایی که برای مجموعه‌های شهری انجام گرفته، بررسی و طبقه‌بندی نظام‌های مدیریت کلان‌شهرهای دنیاست. این در حالی است که ۱۷ نوع سیستم مدیریت کلان شهر در دنیا وجود دارد؛ از سیستم‌های بسیار ساده گرفته تا سطوح بسیار پیچیده و منسجم.

نظام مدیریت کلان شهری فعلی کشور ما هنوز حتی در رده ابتدایی‌ترین این مثل‌های ۱۷ گانه هم‌قرار نمی‌گیرد.

برای نمونه، در رده اول این طبقه‌بندی حداقل هماهنگی میان ارگان‌ها وجود دارد و در واقع مانند نخ تسبیح عمل می‌کند؛ اما در تهران این نخ تسبیح به عنوان کُردآورنده و هماهنگ‌کننده میان ۲۰-۲۵ سازمان وجود ندارد. این به آن معنی است که حتی حداقل هماهنگی نیز وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که نظام مدیریت شهری به مفهوم مورد نظر، در تهران و در ایران وجود ندارد.

صراقی: مسئله‌ای که در این جا مطرح می‌شود این است که در کشور ما حداقل هماهنگی هم حتی به چشم نمی‌خورد.

با توجه به بررسی آقای افتخاری در خصوص اینکه آیا بر روی این مقوله‌ها اقداماتی صورت گرفته است تا شکل کاربردی نری به خود بگیرند، باید یک نکته را اضافه کنم. آیا براساسی در آغاز باید به حرکت‌های آموزشی، قانون‌سازی و رفع خلأهای قانونی از بالا دست زد، یا اینکه تصویر می‌کنید که این حرکتی درون‌سازمانی و خود انگیخته است که با بدید آمدن عواقب آن در سطوح بالاتر، نیازهای قانونی‌اش را نشان دهد این امر را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

به عنوان نمونه آیا می‌توان هماهنگی‌های مورد نیاز مدیریت شهری را یا استفاده از نهادهای موجود همچون شورای اداری شهرستان یا تشکیل ستادهای موردی به وجود آورد؟ یا آن که به دلیل تبعیت عمودی دستگاه‌ها از وزارت خانه‌های خود هماهنگی‌های افقی کار گشا نبوده و تصمیمات الزام آور نیستند و بدون پست‌سازی از بالا و بی نتیجه است؟

کاظمیان: به احتمال باید گفت اولین مشکلی که در این زمینه احساس می‌شود، آن است که حساسیت کافی در نهادهای دولتی و رسمی و بخش کارشناسی وجود ندارد. به همین دلیل است که نسبت به مسائل کلان شهرها و حل آنها واکنش لازم و کافی نشان داده نشده است. حال شاید دلیل آن همان مغایرت‌های ذهنی فکری و تئوریک است که نسبت به کلان شهرها وجود دارد. منظور مغایرت‌هایی از این دست است که نباید تهران گسترش پیدا کند. حال آنکه این صورت مسئله است و کلان شهری مثل تهران به هر حال هر دم برنگردد خواهد شد. واقعیت این است که مشکلات تهران بسیار عیان است؛ و باز هم می‌گویم که بخش کارشناسی سازمان‌های مسئول تاکنون نسبت به این موضوع واکنش نشان نداده‌اند.

به نظر من، شهرداری می‌بایست در این میان بیشترین واکنش را نشان دهد. این درست است که شهرداری ابزار لازم را در اختیار ندارد؛ اما به عنوان نهادی که دارای پتانسیل متوالی بودن این سیستم است،

باید واکنش بسیار جدی نشان دهد و در ساختار قدرت سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد.

البته شهرداری تهران پیش از آنکه بخواهد به حل این مسائل بپردازد در جبهه مشکلات مالی و گرانبات درآمدزایی گرفتار است. از سوی دیگر، در چند سال اخیر جایگاه و قدرت خود را در نظام فعلی مدیریت شهری از دست داده است. به همین دلیل به نظر می‌آید شهرداری تهران تا حد زیادی فرصت تفکر، برنامه‌ریزی و پرداختن به این مسائل را از خود سلب کرده است و به تدریج از قدرت واکنش عملی‌اش در رقابت با مجموعه نهادهای مؤثر در مدیریت کاسته شده است؛ به عنوان مثال، حريم تهران همواره در حال تکه‌تکه شدن و انزاع است و به راستی مقاومت جدی از طرف شهرداری و شورای شهر تهران در مقابل این فرایند مخاطره‌آمیز صورت نمی‌گیرد.

صراقی: به نظر شما چه اشکالی دارد که حريم تهران تکه تکه شود؟ اگر شهرداری بزرگی به بخش‌های کوچک‌تر تبدیل شود و سطح دوم مدیریتی را تشکیل دهد، آیا اشکالی دارد؟

کاظمیان: در شرایط کنونی تحقق این مسئله مشکل ساز است؛ یعنی اگر واقعاً سطح دومی وجود داشت که توانایی و اختیارات لازم را برای مدیریت یکپارچه کلان شهر تهران داشت، ایرانی به قضیه وارد نبود؛ اما در شرایط فقدان مدیریت کلان شهری، این واگرایی و تفرق مدیریتی می‌تواند به پیچیده و عمیق‌تر شدن هر چه بیشتر مشکلات بیانجامد.

دولت آبادی: فرض کنید شورای عالی شهرسازی عدم فروش تراکم را اعلام کند. در این صورت این جمعیت سرگردان را که در جست و جوی خانه و سرپناه هستند چگونه می‌توان کنترل کرد؟ هم اکنون اسلام شهر به عنوان شهرداری مستقل درآمد کافی ندارد زیرا سطح دومی وجود ندارد که حرکت جمعیت، پول و سرمایه را در یک منطقه شهری کنترل کند.

صراقی: به بیانی در منطقه شهری تهران «بازی جمع سفر» (Zero Sum Game) است؛ یعنی به محض اینکه یک شهر چیزی را به دست آورد دیگری چیزی از دست می‌دهد و به مجموعه اضافه نمی‌شود؛ زیرا سازوکار رقابت و همبازی در مجموعه تنظیم نشده است.

دولت آبادی: باز و فشار اسلام شهر، ورامین و فرچکه روی تهران است؛ اما آنها درباره مسائلی که بر روی شهر تهران بسیار اثر گذار است مستقلاً تصمیم می‌گیرند. به عنوان مثال، اگر من کودکی داشته باشم که نتوانم او را مدیریت و تربیت کنم، در بدترین شرایط ممکن است بر سر او فریاد بزنم یا او را در خانه حبس کنم. اما روزی او به مدرسه خواهد رفت و ارتباطات جدیدی را تجربه خواهد کرد. او بزرگ می‌شود و پس از مدتی من با موجودی عجیب و غریب و عظیم انجمن‌های رویه‌رو خواهیم شد که دیگر هرگز حریفش نخواهیم بود.

حال در مغایسه، می‌توان نتیجه گرفت که شهرهایی مثل کاشان و نائین در آینده وضعی بهتر از تهران نخواهند داشت. این همان کودکی است که بدون مدیریت رفتار رشد می‌کند و اکنون چون

کافلمبان: سطح اداره محلی، به صورت یکجا چه و در واقع با هماهنگی و سیستماتیک تحقق پذیر است. بنابراین حل مشکل تهران یا هر شهر دیگر در وهله اول نیازمند بسترسازی‌های این چنینی است.

صحنیتی که آقای صرافی مطرح کردند، این بود که نمی‌توان فقط یک وزارتخانه یا یک بخش کارشناسی یا شهروندی به تنهایی این سیستم را طراحی کند بلکه همه آنها باید برای بروز زمینه‌های لازم همکاری کنند. بعد از این مرحله باید دید که تفاوت تهران با شهرهای دیگر در چیست؟

صرافی: اساس گفته‌های شما به تعبیر من این است که این خود تمرینی برای نحوه اداره جامعه است. با نگاهی تاریخی بی‌سریه که جامعه شهری حاصل فرار داد اجتماعی و بسیار پیشرفته‌ای بوده است که در کشور ما به دلیل سرعت شهرنشینی و تأثیر عوامل بیرون‌زا بر آن، به این قرار داد اجتماعی عمل نشده است و بازتاب آن در جامعه مدنی به چشم نمی‌خورد. به بیانی شهرگرایی را حل نکردیم. ما هم اکنون به سبک و سیاقی شبه مدرن زندگی می‌کنیم که قواعد و اصول متناسب با آن را نیاموخته‌ایم. برای پیگیری بر این عقب ماندگی، شاید هیچ تمرینی بهتر از روی آوردن به اصلاح مدیریت شهری نیست که در واقع اساس نظام نوین زندگی جمعی‌مان خواهد بود؛ باید شهر را با شناخت مشکلات و با تکیه بر فکر و بازو و جیب شهروندان و نه اتکا به نفت و غیره، به سوی توسعه و پایداری اداره کنیم. امروزه سرلوحه کار اکثر مؤسسات تحقیقاتی سازمان حمل و نقل اصلاح نحوه حکومت‌های شهری (Governance Urban) است؛ یعنی برای اینکه مجموعه شهری به خوبی اداره شود، پایدار باشد و به توسعه نیز دست پیدا کند، و توسعه آن نیز منافاتی با توسعه سایر بخش‌های مملکت نداشته باشد، باید شیوه جدیدی پایه‌گذاری گردد. منظور شیوه‌ای است که از یک سو بخش‌های دولتی و از سوی دیگر مردم و نهادهای مدنی در آن دخالت و تعامل دارند.

در هر حال از مباحث این میزگرد آشکار است که نظام مدیریت شهری در ایران هنوز تعریف و جایگاه مشخصی نداشته و به تلافی جدی از بالا و پایین به موازات یکدیگر نیاز دارد. کاستی‌های مدیریت شهری در کلان شهری مانند تهران به سبب کمبودهای حوزه عملکردی و عرضه جغرافیایی شهرداری و شورا بیشتر نمود پیدا می‌کند که با توجه به وظایف و رسالت تهران برای کشور درنگ در رفع کاستی‌ها جایز نیست.

در بخش نخست این گزارش به چالش‌های پیش رو در نظام مدیریت شهری ایران (به ویژه تهران) پرداخته شده است. در بخش دوم شرکت کنندگان در میزگرد پیرامون مسائلی چون چگونگی جلب مشارکت‌های مردم و قانونمند کردن اموری که به دست مردم سپرده می‌شود، نقش مدیران میانی در سیستم مدیریت شهری، درگیر کردن مدیران رده بالا و بخش دولتی با نیازهای مدیریت شهری و نقایب اینها به بحث پرداختند.

مقیاس کوچکی دارد، کنترل شدنی است و می‌تواند مشکلاتش را پنهان سازد و درون خود جیس کند و به آنها اجازه بروز ندهد. این در حالی است که تصور می‌کنیم همه مشکلات مملووف به شهر تهران و کلان شهرهاست و بقیه شهرها با مشکل خاصی مواجه نیستند، اما واقعیت این است که مشکلات یافتوه در شهرهای کوچک وجود دارند که هنوز به فعل نرسیده‌اند. این عوامل همگی به نظام مدیریت رفتار یا نظام مدیریت شهری باز می‌گردد که حتماً آن در کشور ما به خوبی احساس می‌شود.

چه بسا قابلیت‌های این نظام در تهران به تمامی بروز کند و - مثلاً - در نظریه‌ای از آن امکان بروز باشد؛ اما مهم این است که چنین نظامی در هیچ یک از شهرهای ما حاکم نیست. حال نظام مدیریت در شهری همچون کاشان نسبت به تهران به لحاظ فرم تفاوت چندانی ندارد؛ بلکه لایه‌ها و بخش‌هایی از این فرم در هر یک از این شهرها فعال می‌شود.

صرافی: اگر موافق باشید، بحث را این گونه مطرح کنیم که روانی ساختاری مدیریت آنها به یکدیگر شبیه‌اند، اما مشکلات ظاهری متفاوت دارند.

دولت آبادی: ظاهراً خواه و ناخواه هر قدر که اصرار بر پاک کردن صورت مسئله وجود داشته باشد، مشکل به قوت خود باقی است.

افتخاری: با توجه به مسائل مطرح شده سوآلی که پیش می‌آید این است که آیا به راستی راه حلی که برای شهر تهران ارائه داده می‌شود در شهرهای دیگر قابلیت اجرایی دارد یا خیر. اصولاً آیا چنین مشکلاتی در جاهای دیگر معنا می‌یابد؟ تهران شهر پایتخت است و همه به آن نگاه می‌کنند و به همین دلیل راه حل‌های در پیش گرفته شده برای شهر تهران به انگویی برای شهرهای دیگر تبدیل می‌شود.

نکته‌ای که بسیار اهمیت دارد، این است که مشکلات مدیریت شهری در یک شهر باید از نگاه مردم همان شهر دیده شود و نه از نگاه متخصصان یا سیاست‌گذاران شهرهای دیگر.

دولت آبادی: نتیجه موضوعی که مطرح شد، این است که تنها یک راه حل برای این مشکل وجود دارد و آن تدوین و تنظیم نظام مدیریت شهری در ایران است.

کاظمیان: در ادامه صحبت‌های دکتر دولت آبادی، باید بگوییم که مشکلات مدیریت شهری در ایران در حد یک شهر و دو شهر و تفاوت میان دو شهر نیست بلکه در واقع شکل گیری مدیریت شهری نیاز به زیر ساخت‌ها و فضا سازی دارد. اکنون این فضا در ایران و در نظام حقوقی شهری کشور ما به چشم نمی‌خورد.

صرافی: من هم فکر می‌کنم پیش از آنکه به ضرورت ایجاد حکومت محلی و واگذاری اختیارات از سطح ملی بپردازیم، بهتر است با استفاده از ظرفیت‌های قانونی کنونی، اداره امور محلی را به صورت یکجا چه و با هماهنگی‌های افقی شروع کنیم.



نمایشگاه گل و گیاه در تهران

پنجمین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه، به همراه بوستان گفت و گو، در تهران افتتاح شد. مختاری، مدیر کل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری تهران، در این زمینه گفت: «علاوه بر ایران، شرکت کنندگانی از کشورهای ولژبیک، هلند، فنلاند، فرانسه، اردن، ترکیه، آلمان و اسپانیا نیز در این نمایشگاه حضور دارند.» وی هدف از برگزاری نمایشگاه مذکور را گسترش دانش عمومی در مورد گل و گیاهان تزئینی، ترویج استفاده از گل و گیاهان تزئینی در شهر تهران و سراسر کشور، زیباسازی اماکن عمومی و خصوصی و کمک به

شهروندان در کسب آرامش روحی و جسمی و همچنین تمین و توسعه امکانات در تولید، نگهداری و تجارت این گونه محصولات برشمرده.

مختاری توسعه صنعت گردشگری و مبادله دانش فنی و ارائه آخرین دستاوردها در صنعت گل و گیاه را نیز از دیگر اهداف برگزاری نمایشگاه ذکر کرد و در این زمینه افزود: «مساحت پنجمین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه در حدود ۷۲۰۰ متر است. سازمان پارک‌ها و فضای سبز در سال ۱۳۸۲ همچنین اقدام به احداث بوستان گفت و گو در زمینی به مساحت ۲۳ هزار هکتار کرده که شامل مجموعه‌ای از باغ‌های ملل مختلف - مشتمل بر باغ ایرانی، انگلیسی، ژاپنی، ایتالیایی و فرانسوی - است. هر یک از این باغ‌ها با بهره‌گیری از فرهنگ معماری ملت‌های یادشده طراحی گردیده‌اند.» وی در خاتمه عنوان کرد: «از این پس محل دائمی



زیاده، نخاله و شست و شوی محله‌ها و معابر سطح منطقه کردند.

گفتنی است که در این روز دانش‌آموزان مدارس منطقه ۷ شهرداری تبریز به همراه مربیان و مدیران خود با حضور در بوستان‌های منطقه، ضمن آشنایی با نحوه فعالیت‌های شهرداری، به تپال کاری و پاکسازی فضای سبز پرداختند. به علاوه، ویژه‌نامه «مردم، شورا، مشارکت» - مخصوص هفته «شهر و شهروند» - در بین کلیه منازل، مدارس، کارخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی و آموزشی توزیع گردید، افزون بر اینها، شهروندان داوطلب همکاری با برنامه‌های شهرداری منطقه ۷، با تکمیل فرم‌هایی زمینه فعالیت‌های فکری و عملی خود را اعلام کردند.

گرامیداشت هفته شهر و شهروند

شهرداری منطقه ۷ تبریز با همکاری شهروندان این منطقه در آخرین روز هفته «شهر و شهروند»، در حرکتی نمادین اقدام به پاکسازی محیط پیرامون این منطقه کرد.

به مناسبت گرامیداشت این هفته، از ۹ تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه سال جاری، نیروهای مردمی با همکاری نیروهای خدمات شهری و اجرایی اقدام به جمع‌آوری

وب سایت شهرداری منطقه ۷ تهران

ورود مجازی به دنیای شهری



شهرداری منطقه ۷ تهران به منظور دسترسی سریع شهروندان به اطلاعات مورد نیاز شهری، اقدام به راه‌اندازی «وب سایت» شهرداری منطقه ۷ کرده است.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، این اقدام باعث شفاف‌سازی هر چه بیشتر فعالیت‌های سازمان و ایجاد ارتباط غیرمستقیم مردم با شهرداری منطقه ۷ می‌شود. بدین ترتیب ارتباط شهروندان یا شهردار، از طریق فضای اینترنتی و بدون واسطه امکان‌پذیر می‌گردد.

از قابلیت‌های دیگر این نرم‌افزار، راه‌اندازی

باجهت‌های مراجعات، ارائه فرجهای ملاقات عمومی و نظر سنجی، معرفی شاخص‌های فرهنگی - تاریخی و اجتماعی و ارائه اخبار روز (با هدف اطلاع‌رسانی به شهروندان منطقه ۷) است.

شایان ذکر است که شهروندان منطقه ۷ می‌توانند با ورود به این سایت، به نشانی WWW.Region.city of tehran.com از خدمات «وب سایت»

مذکور بهره‌مند شوند.



دیدنی می‌کند.

توجهی حضور یافتند.

این کلاس‌ها شامل مقوله‌هایی از قبیل: ابنیه تاریخی، صنعت گردشگری، کاشان‌شناسی، ارتباطات، روان‌شناسی، هنرهای سنتی، فرهنگ اجتماعی، مشاهیر، جامعه‌شناسی و معماری قدیم است. شرکت کنندگان طی ۲۴ جلسه فشرده، مباحث مورد نظر را گذراندند و سپس به عنوان راهنمایان گردشگری، به راهنمایی گردشگران نوری پرداختند. شایان ذکر است که از این تعداد راهنما، ۱۶ نفر را خانم‌ها و ۴۴ نفر را آقایان تشکیل می‌دادند. گشتی است کاشان اولین شهر کشور است که از سال ۷۵ به این سو همه ساله اقدام به استقرار راهنما در آثار تاریخی و

آموزش گشت بران در کاشان

هفتمین دوره آموزش گشت بران (راهنمایان) آثار تاریخی با هدف پاسخگویی به سؤالات و نیازهای گردشگران در کاشان برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان رفاهی - تفریحی شهرداری کاشان، در این دوره ۶۰ نفر از جوانان مستعد و علاقه‌مند، پس از انتخاب و گزینش در کلاس‌های



طرح‌های انجام شده شهرداری اشنویه است.

این شهرداری افزون بر اینها، اقدام به تهیه دفترچه عملکرد ۴ ساله شهرداری و توزیع آن در میان شهروندان کرده است. در این دفترچه، با زبانی ساده، وظایف شهروندان و قوانین شهرداری بیان شده است.

اینها اشاره کرد: چاپ و انتشار آگهی‌های مختلف در مورد مقررات شهرداری، سخنرانی‌های متعدد از طریق تریبون نماز جمعه و مساجد سطح شهر، تشکیل‌های دانش آموزی و مردمی در جهت گسترش اهداف شهرداری، ارتباط با مردم و جلب مشارکت آنان از طریق برگه‌های بهای خدمات زیاده و فرعه‌کشی ماهیانه و پرداخت جوایز نقدی و غیرنقدی، و همچنین بیمه کردن شهروندان در برابر حوادث. این شهرداری در زمینه بررسی و تهیه طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی، طرح‌هایی همچون ساماندهی ساحل رودخانه را با هدف زیباسازی و دسترسی آسان سالخوردگان و کودکان و دیگر مردم، فراهم کرده است. طرح تبدیل زیانه خانگی به کود آلی و همچنین طرح گردشگری جنگل‌های طبیعی «صراوه»، با هدف افزایش جاذبه‌های گردشگری و جلب گردشگران داخلی و خارجی، و نیز بطوری کردن آب معدنی، از دیگر

برگی دیگر از عملکرد شهرداری اشنویه

شهرداری اشنویه - از شهرهای استان آذربایجان غربی - طی ۴ سال گذشته اقدامات متنوعی را در جهت تغییر چهره روستایی این شهر انجام داده است.

شهرداری اشنویه در زمینه فرهنگی و آموزشی از سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ اقدامات جالبی را در زمینه اطلاع‌رسانی و دعوت مردم به مشارکت با شهرداری به انجام رسانده است. از جمله این اقدامات می‌توان به

می‌روند، بر آموزش پرسنل فنی این سازمان‌ها تأکید کرد.

وی همچنین طراحی و ساخت ماشین‌آلات خدمات شهری را از وظایف وزارت صنایع و معادن برشمرد و گفت: «این وزارتخانه تاکنون هیچ برنامه مثنی را در ساخت این گونه ماشین‌آلات به انجام نرسانده است؛ بنابراین سازمان‌های خدمات موتوری همواره خود باید در ارائه پیشنهاد به این وزارتخانه پیشقدم باشند.»

در این نشست، سازمان خدمات موتوری شهرداری‌ها به عنوان یکی از ضروری‌ترین سازمان‌های شهرداری در ارائه ماشین‌آلات خدمات شهری مطرح گردید و اشاره شد که می‌بایست برای نوسازی آن اقدام کرد. برطبق آمار به دست آمده، ۲۰۰۰۰ هزار دستگاه خدماتی و عمرانی در کشور وجود دارند که ۷۰ درصد آنها عمری بیش از ۱۵ سال دارند.

هفتمین نشست سازمان خدمات موتوری کلان شهرها

هفتمین نشست مدیران عامل سازمان‌های خدمات موتوری کلان شهرها با حضور مدیران شهرداری‌های تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، قم، اهواز، کرج و مشهد در ابتدای سال جاری در قم برگزار شد.

وکیلی، شهردار قم، با اشاره به اینکه سازمان‌های خدمات موتوری شریان حیاتی شهرداری‌ها به شمار

در این نشست، در زمینه حفظ نیروی انسانی ماهر و متخصص در سازمان‌های خدمات موتوری، جایگزین کردن نیروی انسانی متخصص با نیروی غیرمتخصص و آموزش نیروی انسانی نیز سخن به میان آمد.

شرکت کنندگان حاضر در نشست طی مدت ۲ روزه به بحث و تبادل نظر با یکدیگر پرداختند و تصمیماتی از این دست را ارائه کردند:

مکانبه و بازدید از شرکت‌های بزرگ تولید ماشین‌آلات خدمات شهری خارج از کشور، گاز سوز کردن خودروهای سنگین، ارائه گزارش دقیق از عملکرد مثبت سازمان‌هایی که از ماشین‌آلات تخصصی تولید داخلی یا خارج استفاده کرده‌اند، و جز اینها.

طرح تفکیک کاغذ در مدارس تهران

سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران، به منظور بهینه‌سازی مصرف کاغذ و حفظ منابع طبیعی و اقتصادی، به تفکیک کاغذهای باطله در مدارس پرداخت. گفتنی است که ۴۰ درصد از کاغذ کشور در مدارس به مصرف می‌رسد.

این طرح به صورت آزمایشی در ۱۰۰ مدرسه به اجرا در خواهد آمد، و در صورت موفقیت طرح در تمامی مدارس شهر تهران اجرا خواهد شد.



در این طرح، مکان‌هایی برای تفکیک کاغذ از زباله در حیاط مدارس تعبیه می‌شود تا دانش‌آموزان و معلمان کاغذهای باطله خود را در آنها جمع‌آوری کنند. سپس کاغذهای جمع‌آوری شده هفته‌ای یک بار به وسیله خودروهای شهرداری به مرکز بازیافت کهریزک منتقل می‌شوند.

در این برنامه، کاغذهای تفکیک شده در مدارس به قیمت هر کیلو ۶۰۰ ریال خریداری می‌شوند تا علاوه بر بهینه‌سازی مصرف کاغذ، این کار برای مدارس سوددهی نیز داشته باشد.

اسدآباد، آبادتر از دیروز

شهرداری شهر اسدآباد، از شهرهای استان همدان که عمری بیش از نیم قرن دارد، در سال گذشته اقدامات مختلفی را به انجام رسانده است. از جمله فعالیت‌های شهرداری اسدآباد افزایش ۵۰

درصدی فضای سبز شهری بوده است، که در این زمینه اقداماتی نظیر گل‌کاری، بذریاشی، تولید گل‌های آپارتمانی، کاشت هزاران اصله درخت و احداث چندین پارک را به انجام رسانده است.

همچنین با توجه به اهمیت دفع زباله شهری و خطر آلودگی‌های ناشی از آن، این شهرداری در واحد خدمات شهری اقدام به حمل و دفن شایانه زباله کرده است. بدین ترتیب شبانه ۵۰ تن زباله - از جلوی منازل و اماکن مختلف جمع‌آوری می‌گردد و در ۱۱ کیلومتری

است، این پارک که در مسیر اصلی و پر تردد غرب به جنوب واقع شده است در یک فاز به بهره‌برداری خواهد رسید. و شامل امکاناتی نظیر نمازخانه، فضای سبز و نهال کاری، پارکینگ وسایط نقلیه، محل بازی کودکان، و نظایر اینهاست.

گفتنی است، هزینه احداث این پارک ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد شده است. از دیگر اقدامات این شهرداری به منظور خدمات رسانی به مردم، بیمه جامع شهروندان بوده است. این بیمه شامل حوادثی همچون سقوط درخت بر روی وسایط نقلیه یا منازل و اماکن عمومی و همچنین افراد رهاگردد، خسارت‌های ناشی از آبروفتنگی، سقوط افراد



در گودال و مواردی از این دست (در صورت مقصر بودن شهرداری) است.

احداث پارک تفریحی - توریستی جوکار

شهرداری جوکار پارک تفریحی - گردشگری را به مساحت سه هکتار در تابستان سال جاری به بهره‌برداری می‌رساند. هدف از احداث این پارک گسترش فضای سبز شهر، رفاه بیشتر شهروندان و خدمات‌رسانی به گردشگران

اصلی پروژه پارک نمایشگاهی حجم، نصب آثار مجسمه سازان طراز اول کشور در فضایی مناسب و فرهنگی است.

وی افزود: پس از مکاتبه با ۵۰ هنرمند و مجسمه ساز، از میان آنان ۳۵ نفر البوم آثار پیشنهادی خود را به سازمان ارسال کردند که ۲۸ اثر از میان آثار انتخاب شد و با ۱۷ نفر از مجسمه سازان قرارداد خرید و نصب مجسمه در پارک منعقد گردید.

قرار شده است که علاوه بر طراحی فضا و جانمایی ۱۷ مجسمه موجود، ۳۰ پایه (محل نصب مجسمه) نیز برای مجسمه‌هایی که در آینده نصب خواهند شد پیش‌بینی گردد تا احجام به تدریج در مکان مناسب خود

پارک نمایشگاهی حجم در تهران

سازمان زیباسازی شهر تهران در اجرای دستور رئیس جمهوری مبنی بر خرید آثار هنرمندان، این آثار را خریداری و در پارک نمایشگاهی حجم عرضه می‌کند.

به گزارش روابط عمومی سازمان زیباسازی شهر تهران، مجتبی توسل، مدیر عامل سازمان زیباسازی، در مورد اهداف اجرای این پروژه چنین گفت: «هدف



قرار گیرند.

پارک نمایشگاهی حجم نخستین باغ مجسمه در ایران است که ۲۰ مجسمه از بهترین آثار

مجسمه‌سازان حرفه‌ای کشور را در خود جای خواهد داد. شایان ذکر است برای این منظور طراحی سایت پارک

ایران‌شهر با همکاری جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا انجام می‌شود.

بهسازی گلزار شهدای مشهد

طرح بازپیرایی و بازسازی گلزار شهدای بهشت رضاع (در مشهد با همکاری شهرداری این شهر، بنیاد شهید انقلاب اسلامی خراسان، آستان قدس رضوی و استانداری خراسان به بهره‌برداری رسید. طرح ساماندهی قبور شهدا در گستره ۳/۵ هکتاری، از سال گذشته آغاز شده است. در این طرح بر روی ۵۰۰ گور شهیدان سکوهایی بنی احداث شده است تا از تخریب سنگ قبور و محوطه اطراف جلوگیری

شود. همچنین برای آبیاری فضای سبز، سیستم آبیاری قطرهای تعیین گردیده و به منظور روشنایی این محل نیز از چراغ‌های پارکی استفاده شده است. در فاز دوم این مجموعه عمده‌ترین عنصر فضای ایجاد و حفظ عناصر مذهبی و فرهنگی است. در این طرح سعی شده است که اصل محوری شهادت و ایثار و احداث یادمان شهدا مورد توجه قرار گیرد. همچنین به منظور رفع نیاز مراجعه‌کنندگان و پاسخگویی به نیازهای موجود مقرر شده است که فضایی مسقف و متناسب با محیط اطراف ساخته شود تا برای برپایی مراسم و برگزاری اختراعات و نگهداری آثار شهدا مورد استفاده قرار گیرد. شایان ذکر است که این طرح از میان حدود ۱۱۲ طرح ارائه شده انتخاب گردیده، و بیش از ۶/۵ میلیارد ریال هزینه در برداشته است.



راه‌اندازی تاکسی بی‌سیم همدان

تاکسی بی‌سیم همدان طی مراسمی با حضور شهردار و دیگر مسئولان این شهر راه‌اندازی و افتتاح شد.

شبکه تاکسی بی‌سیم همدان با صرف ۷۰ میلیون تومان اعتبار، به وسیله بخش خصوصی و با مشارکت و نظارت سازمان تاکسیرانی، راه‌اندازی شد. در مرحله نخست این طرح ۲۰ دستگاه خودرو پراید و پژو در خدمات ناوگان تاکسی‌رانی قرار گرفت.

راه‌اندازی سرویس‌های تاکسی بی‌سیم همواره از جمله ضرورت‌های این شهر گردشگری بوده است. هم اکنون شهروندان در قلم ساعات شبانه‌روزی می‌توانند از طریق تماس با ۲ شماره تلفن، از ارائه خدمات این تاکسی‌ها بهره‌مند شوند.

همچنین در این مراسم شهردار همدان، یوسفیان، به تشریح فعالیت‌ها و عملکردهای چهار ساله شهرداری و شورای شهر پرداخت.

وی اظهار داشت: «پس از گذشت ۳۰ سال از زمان احداث پارک ۱۳ هکتاری «مردم» در ۴ سال گذشته ده‌ها پارک و بوستان در سراسر شهر احداث شده است. به علاوه، قرار است زیباترین و مجهزترین پارک غرب کشور در منطقه‌ای به نام «مردم» به مساحت ۲ هکتار

احداث شود.

از دیگر اقدامات انجام شده این شهرداری می‌توان به احداث پارکینگ طبقاتی، پایانه بزرگ مسافری، بازار بزرگ خودرو، خانه نجوم، زیرگذر و روگذر صدا و سیما، و نظایر اینها اشاره کرد.

شهردار همدان در خصوص طرح‌ها و برنامه‌های این شهرداری در سال آتی گفت: «به زودی اولین کارخانه کمپوست (بولید کود از زیاله) به ظرفیت روزانه ۵۰۰ تن در همدان راه‌اندازی می‌شود. با اجرای طرح تفکیک و بازیافت زیاله، مصالح فراوانی که سال‌ها دفن می‌شد به چرخه اقتصادی و بهره‌وری باز گردانده می‌شود.»

کارنامه چهار ساله شهرداری رزن

بودجه شهرداری رزن - از توابع استان همدان - طی چهار سال گذشته ۱۴۹ درصد افزایش داشته است.

علی اصغر حکانلو، شهردار رزن، به تشریح

فعالیت‌های عمرانی و خدمات شهری انجام شده پرداخت و اظهار داشت: «تکمیل و تجهیز پروژه تفریحی - گردشگری «ملت» از مهم‌ترین پروژه‌های شهرداری رزن است که در زمینی به مساحت ۲۰ هکتار و با امکاناتی همچون دریاچه، شهربازی، فضای سبز و نظایر اینها، در ورودی شرقی شهر واقع گردیده است.» وی در خصوص چگونگی افزایش سرانه فضای سبز گفت: «علاوه بر ایجاد فضای سبز ۵ هکتاری در محوطه پارک تفریحی - گردشگری ملت، نسبت به

احداث چندین پارک محلی و کاشت انواع نهال، گل‌های فصلی و تزئینی، بدریاشی چمن و مرمت و بازسازی فضاهای فاقد استفاده اقدام شده است.»

گفتنی است، شورای شهر رزن نیز طی سال گذشته موفق به جلب مشارکت مردم در اجرای پروژه‌های عمرانی در بیش از ۸۵ کوچه و خیابان، پرداخت موقع عوارض به شهرداری از سوی مردم با تلاش و شوق مستمر، و اقداماتی از این دست شده است.

ارزیابی عملکرد شهرداری‌های همدان

دفا تر فنی و شهری و روستایی استانداری همدان عملکرد شهرداری‌های استان همدان را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند.

در نخستین همایش شهرداران استان همدان که در تهاوند برگزار شد، معزی معاون امور عمرانی استانداری همدان، با تأکید بر این مطلب افزود: «این اقدام با اتمام مراحل تدوین دستورالعمل‌ها و فرم‌های مربوط، به زودی آغاز می‌گردد و به طور مستمر به انجام می‌رسد». وی با تأکید بر اهمیت کیفیت در انجام امور و مسئولیت دفتر فنی استانداری در اعمال نظارت‌های لازم گفت: «فعالیت‌های عمرانی را باید با کیفیت مناسب و مطلوب انجام داد تا به تدریج از بار مشکلات

کاسته شود»

معاون امور عمرانی استانداری همدان در زمینه افزایش کیفیت کارهای عمرانی اضافه کرد: «در این زمینه در صورت نیاز لازم است نیروهای مناسب، کترآمد و صاحب دانش و تجربه نیز جذب کار شوند و نحوه کار پیمانکاران و مسالحن که در پروژه‌ها به کار می‌روند با حساسیت کنترل گردد».

معزی با تأکید بر این مطلب که در سال ۸۲ می‌بایست همه شهرها دارای طرح‌های باشند، گفت: «شهرداری‌هایی که نیاز به تهیه یا تجدید نظر در طرح‌های جامع و تفصیلی و هادی دارند، می‌بایست با مساعدت دفتر فنی استانداری اقدام و پیگیری کنند تا در سال جاری همه شهرها دارای طرح‌های مذکور گردند».

در ادامه همایش خلیلی‌خو، مدیر کل اداره اقتصادی و دارایی استان همدان، به بحث درباره لایحه جمع عوارض پرداخت و گفت:

«در این زمینه لازم است شهرداری‌ها هر چه سریع‌تر حریم شهرداری خود را به اداره دارایی اعلام کنند تا ضمن تفکیک، نسبت به واریز وجوهی که باید به حساب مرکز شهرداری ذی‌نفع واریز گردد، اقدام شود. در زمان حاضر اداره دارایی نسبت به کشایش حساب به تعداد شهرداری‌های استان اقدام کرده است. این حساب‌ها به وسیله خزانه معین به هر یک از شهرداری‌های استان ابلاغ خواهد شد».

لازم به ذکر است، که در پایان همایش مقرر شد موضوع لایحه جمع عوارض به صورت دقیق و کارشناسانه از سوی استانداری تشریح گردد؛ و با ارائه پاسخ‌های لازم به ابهامات مطرح شده از سوی شهرداران، برخی از ابهامات کتبا از وزارت کشور استعلام شود.

شهرداری بناب، عملکرد و برنامه‌های فرارو

شهرداری بناب در نشست دوستانه به همراه اعضای شورای اسلامی این شهر و با حضور شهروندان، به تشریح عملکرد شهرداری بناب پرداخت.

پانایی، شهردار بناب، در این جلسه ضمن بیان گزارشی از عملکرد چهار ساله شهرداری، هدف تلاش کارکنان شهرداری را حل مشکلات شهروندان ذکر کرد. وی در خصوص عملکرد چهارساله شهرداری شهر بناب در زمینه عمران شهری گفت: فواحد عمران شهری شهرداری بناب در زمینه آسفالت کاری، خیابان‌کشی، شن‌ریزی و زیرسازی، جدول‌گذاری، پیاده‌روسازی و تسطیح زمین‌ها فعالیت داشته است. در این اقدامات تمامی محله‌های شهر بناب آسفالت شده است».

وی احداث ساختمان‌ها و پروژه‌های عمرانی (ساختمانی) شهرداری، طراحی و تهیه نقشه‌های ساختمانی شهرداری، احداث پل‌ها و پارک‌ها،

ساحل‌سازی و نظارت بر امور حفاری‌های شهر را به عنوان مهم‌ترین فعالیت واحد عمران ساختمان شهرداری بناب برشمرد. در زمینه احداث فضای سبز گفت: «سازمان فضای سبز و زیباسازی شهرداری بناب اقدام به احداث و بهره‌برداری از پارک‌های فرهنگ، اژدگان، کوثر، سرای مغانی و ساحلی کرده است. به علاوه، این سازمان به منظور توسعه فضای سبز شهری،

این شهر کاشته است. به علاوه، کاشت ۲۰۰۰/۰۰۰ اصله نهال درختی در پارک جنگلی و دیگر نقاط شهری را باید به اینها افزود».

پانایی در خاتمه اظهار داشت: «به منظور تأمین آب فضای سبز احداثی در شهر، شهرداری بناب اقدام به حفر ۹ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق و همچنین لوله‌کشی بولوار بهشت به طول ۲/۵ کیلومتر کرده است».



به نهال کاری در کنارهای جدول بولوارها و خیابان‌های این شهر پرداخته است».

وی در ادامه افزود: «در مسیر همین اقدامات، سازمان فضای سبز شهر شهرداری شهر بناب ۱۹ هزار متر مربع گل و گیاه در میدان‌ها و خیابان‌ها و بولوارهای

ارومیه

سازمان پارکها و فضای سبز ارومیه به منظور تحقق شعار سیستم‌اندازی بدون کاغذ و اقدام به ایجاد بانک اطلاعاتی و مدیریتی رایانه‌ای کرده است. این بانک شامل مجموعه‌ای از برچهارهای بارگانی و تبادل اطلاعات هستند است و گامی مهم در روزآمد کردن سیستم مدیریتی فضای سبز به شمار می‌آید.

ایلام

شهرداری ایلام به منظور ساماندهی و اسکان و اتصالات بازمیزی، اقدام به راه‌اندازی ایستگاه و اتصالات بازمیزی در میدان شهرداری این شهر کرده است. قرار است این گونه ایستگاهها در دیگر نقاط شهر نیز ایجاد شود. اقدامات تبلیغاتی، فرهنگ سازی و آشنایی رانندگان با وظایفشان از جمله فعالیت‌های درخور توجه این شهرداری در بعد حمل و نقل است.

یناب

سازمان حمل و نقل درون شهری شهرداری یناب در سال ۸۲ به منظور تسویع در امر ایاب و تحاب و کاهش ترافیک ناشی از سفرهای داخل شهری، اقدام به خرید ۵ دستگاه میدال باسن کرده است.

تهران

بر اساس آیین نامه‌های جدید، نقاط مسطح پیل‌های عابر پیاده تهران شناسایی می‌شوند. گفتنی است که در صورت لزوم، طرح مقاوم سازی و استفاده از روشک ویژه پیل‌های فلزی نیز به اجرا در خواهد آمد.

ساری

شهرداری ساری طی سال گذشته در زمینه امور فرهنگی، اقدام به برگزاری جشن عبادتگاهها و کمک و مساعدت مالی به دانش آموزان بی‌نیاضت کرده است. این شهرداری فعالیت‌هایی نظیر روکش آسفالت برخی از خیابان‌های این شهر را نیز به انجام رسانده است.

سمنان

شهرداری سمنان از توابع استان همدان طی سال گذشته سه پارک را به بهره‌برداری رسانده و همچنین عملیات ساخت و نصب تندیس «نخل خرما» را در میدان مرکزی شهر به اجرا در آورده است. شهرداری سمنان در سال جاری با تکمیل و تسویب نقشه اجرایی مجتمع گردشگری - تفریحی «مصلی» و عملیات آغاز اول خنات این مجتمع را آغاز خواهد کرد.

قشم

شهرداری قشم یارکنی را به نام یازک شهرداری آغاز دو ضلع شرقی و شمالی به صورت استمفاریه بعد از امتحان می‌شود با احداث کرد. از ویژگی‌های ممتاز این پارک، حضور شامخ دریا و توده قللی‌ها و تخیلهای مسافرتی و همچنین دارا بودن دورنمایی زیبا از جزیره هرمز است.

قم

«نا که کار و کلامور»، «سفر زاین» از اماکن تاریخی و فرهنگی شهر مذهبی قوه‌دین کرد. در این دیدار شهرداری قوه به بیان تاریخچه علمی و مذهبی این شهر پرداخت و آمادگی شهرداری قوه را نیز در زمینه میادلات فرهنگی - مذهبی و ایجاد نمایشگاه‌های مختلف بین دو کشور اعلام کرد.

گلپایه

شهرداری گلپایه از شهرهای آذربایجان شرقی با همکاری سازمان میراث فرهنگی، به منظور احیای میراث فرهنگی در سطح شهر و شناسایی این گونه آثار به شهروندان، اقدام به سازای حمام قدیمی شهر کرده است. قرار است این مکان به عنوان کتابخانه عمومی شهر مورد استفاده قرار گیرد.

گل تپه

شهرداری گل تپه از توابع استان همدان اقدام به احداث پارک تفریحی - گردشگری گل تپه در زمینی به وسعت ۲۰ هزار مترمربع کرد. طول این پروژه ۹۰۰ متر و مجموع مساحت آن ۱۰۰۰ مترمربع است که با استفاده از اجر کثیوش به صورت «کلیه‌تی» به اجرا در آمده است.

ویقان

شهرداری ویقان از توابع استان فارس برای آشنایی هر چه بیشتر کارکنان آن با قانون شهرداری، خدمات عمومی، قانون اساسی جمهوری اسلامی و سایر قوانین مرتبط، هر روز قبل از شروع به کار، جلسه‌ای آموزشی را به مدت ۱۵ دقیقه در آغاز وقت اداری برای کلیه کارکنان برگزار می‌کند.

همدان

چهارمین نمایشگاه گل و گیاه به همت سازمان همیاری شهرداری‌های استان همدان در محل نمایشگاه‌های این شهر با حضور ۱۶ تولیدکننده گل و گیاه از استان همدان و ۱۵ تولیدکننده از سطح کشور در اردیبهشت ماه سال جاری برگزار شد.

یزد

با راه‌اندازی سیستم کامپیوتری در اداره اماکن شهرداری یزد، از این پس قوانین آزادسازی‌ها، صدور مجوز اماکن و نظایر آنها با سرعت بیشتری انجام می‌شود. بدین ترتیب امکان برنامه‌ریزی به موقع و دقیق در مورد میزان تأمین بودجه عمرانی نیز فراهم می‌گردد.

بویراحمند (۳/۷ درصد)، بوشهر (۴/۱ درصد) و لرستان (۵/۲ درصد) کمترین فراوانی نسبی را داشته‌اند؛ ضمن اینکه سه استان از چهار استان مذکور بیشترین درصد ساختمان‌های یک طبقه را داشته‌اند.

- بیشترین میزان زمین به ازای هر واحد مسکونی در سال ۱۳۸۰ به ترتیب مربوط به استان‌های کرمان (۳۲۵ مترمربع) و بوشهر (۳۰۵ مترمربع) بوده است و کمترین میزان به ترتیب به استان تهران (بجز شهر تهران) (۱۰۶ مترمربع)، شهر تهران (۱۰۸ مترمربع) و استان‌های گیلان و مازندران (۱۳۴ مترمربع) اختصاص دارد.

- بیشترین میانگین زیربنای هر واحد مسکونی در سال ۱۳۸۰ به استان قم (۲۱۲ مترمربع) و استان یزد (۱۸۷ مترمربع) مربوط می‌شود و کمترین میانگین در این سال در استان‌های کردستان (۱۱۲ مترمربع) و لرستان (۱۱۳ مترمربع) بوده است.

- در سال ۱۳۸۰ بیشترین تراکم ساختمانی به ازای پروانه‌های صادر شده به ترتیب مربوط به شهر تهران (۱۲۵ درصد)، استان تهران (بجز شهر تهران) (۱۱۴ درصد)، قم (۱۱۲ درصد) و اردبیل (۱۰۸ درصد) می‌شود. استان‌های بوشهر (۴۷ درصد)، کرمان (۳۹ درصد) و مرکزی (۵۰ درصد) نیز کمترین تراکم ساختمانی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین تراکم ساختمانی در این سال (۹۴/۲ درصد) است، که نسبت به سال ۱۳۷۹ (۱۰۷ درصد) حدود ۱۲ درصد کاهش نشان می‌دهد.

مطالب این شماره می‌تواند ادامه‌ای نه چندان پیوسته بر «آمار شهر» شماره پیشین باشد. در این بخش عمده‌ترین اطلاعات مربوط به پروانه‌های ساختمانی صادر شده در سال ۱۳۸۰ در جدولی درج گردیده است. بررسی این جدول نکات مهمی را به فرارزیر به دست می‌دهد:

- از کل پروانه‌های ساختمانی صادر شده در سال ۱۳۸۰، ۲۸/۳ درصد مربوط به ساختمان‌های یک طبقه و ۲۷/۴ درصد مربوط به ساختمان‌های دو طبقه است و ۴۴/۲ درصد نیز به ساختمان‌های سه طبقه و بیشتر مربوط می‌شود.

- بررسی فراوانی نسبی پروانه‌های ساختمانی صادر شده برای ساختمان‌های یک طبقه نشان می‌دهد که به ترتیب استان‌های ایلام (۸۷/۷ درصد)، بوشهر (۸۷/۳ درصد) و کهگیلویه و بویراحمد (۷۶/۱ درصد) بیشترین فراوانی نسبی را داشته‌اند. کمترین فراوانی نسبی در این مورد به ترتیب در شهر تهران (۷/۲ درصد) و استان‌های قم (۷/۴ درصد)، تهران (بجز شهر تهران) (۲۴/۹ درصد) و یزد (۲۶/۸ درصد) مشاهده می‌شود.

- همچنین در مورد پروانه‌های ساختمانی صادر شده برای ساختمان‌های سه طبقه در سال ۱۳۸۰، بیشترین فراوانی نسبی به ترتیب از آن شهر تهران (۹۰/۶ درصد) و استان‌های تهران (بجز شهر تهران) (۵۵/۱ درصد)، همدان (۲۴/۶ درصد) و گیلان (۲۲/۶ درصد) است. در این میان استان‌های ایلام (۲/۰ درصد)، کهگیلویه و

پرونده های اجوات ساختمانی بر حسب تعداد طبقات، مساحت زمین و زیربنا و تعداد واحد مسکونی در سال ۱۳۸۰

تعداد واحد مسکونی	تراکم ساختمانی (نسبت زیربنا به زمین) (درصد)	پایان زمین (شماره)	مساحت کل (مترمربع)	مساحت زمین (مترمربع)	مساحت کل (مترمربع)	مساحت های دو طبقه		مساحت های یک طبقه		تعداد کل پرونده های ساختمانی	استان
						تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۹۱۹۹	۵۰	۱۹۹	۶۶۱۸۸۸	۳۶۵	۱۶۹۱۹۹۹	۹۵۳	۳۹۵	۷۰۷	۳۹۳	۸۰۳	مرکزی
۹۵۵۷	۸۸	۱۳۳	۱۱۷۳۳۳۳	۱۳۹	۱۶۹۱۹۹۹	۳۳۵	۱۶۸۱	۱۳۵۶	۳۵۸	۱۳۸۷	گیلان
۷۱۳۱	۸۶	۱۵۳	۱۰۸۳۷۰۳	۱۸۱	۱۶۹۱۹۹۹	۳۷۵	۱۶۱	۱۳۳۷	۳۰۳	۱۰۳۹	مازندران
۱۳۹۶۱	۷۷	۱۵۵	۱۱۶۷۵۱۱	۱۵۹	۱۶۹۱۹۹۹	۳۷۳	۱۶۴۴	۳۵۵	۳۷۳	۱۳۳۷	آذربایجان شرقی
۷۶۵۱	۷۶	۱۷۹	۱۳۳۳۸۳	۳۳۵	۱۷۵۵۸۳۳	۱۳	۷۷۷	۱۵۳	۳۹۹	۳۳۷	آذربایجان غربی
۶۰۸۸	۸۶	۱۱۸	۷۸۶۸۶۹	۱۳۸	۸۳۳۳۳۳	۸۷	۳۹۳	۱۰۱۹	۶۱	۲۰۶۰	کرمانشاه
۳۳۳۹	۶۳	۱۳۳	۳۸۷۳۳۳	۱۸۳	۳۳۳۳۳۳	۱۳۷	۱۳۳۳	۱۸۳۳	۳۷۹	۳۳۳	خوزستان
۱۳۱۸۵	۷۳	۱۸۱	۳۳۰۷۰۰	۳۵۳	۳۰۷۰۱۷۳	۸۵	۳۷۷	۱۷۳۸	۳۸۳	۳۳۵	لاریج
۸۳۱۷	۶۹	۱۶۵	۳۳۰۰۵۸	۳۳۸	۳۸۷۷۷۷	۱۳۳	۸۱۷	۱۷۸۹	۳۷۳	۳۵۳	کرمان
۳۱۰۰۵	۸۶	۱۶۹	۳۳۳۳۳۱	۱۹۱	۳۰۱۵۳۳	۳۳۸	۳۳۳	۳۰۷۷	۳۰۳	۵۰۰۴	خراسان
۳۱۹۰۰	۱۰۳	۱۶۳	۵۱۶۳۳۳	۱۵۹	۵۰۷۵۵۰۸	۳۳۵	۳۰۸۳	۷۰۷۵	۳۳	۵۵۱۱	اصفهان
۳۱۶۱	۷۳	۱۳۹	۳۳۳۰۶	۳۰۳	۵۱۳۰۶۶	۸۳	۳۳۷	۳۹۳	۷۳	۱۶۶۷	سیستان و بلوچستان
۵۳۳۳	۷۷	۱۱۳	۳۰۸۳۰	۱۳۳	۷۷۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۱۱۳۸	کردستان
۳۳۳۳	۸۷	۱۳۸	۳۳۳۰۰۰	۱۳۸	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۸۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	همدان
۳۳۳۳	۸۵	۱۳۸	۳۳۳۰۰۰	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۱۵۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	چهارمحال و بختیاری
۳۵۱۸	۷۷	۱۱۳	۵۱۳۳۱۰	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۵۱۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	لرستان
۳۳۰۰	۶۳	۱۵۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	ایلام
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۸	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	کهگیلویه و بویراحمد
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	بوشهر
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	زنجان
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	سمنان
۳۳۰۰	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	یزد
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	هرمزگان
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	اردبیل
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	قم
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	قزوین
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	گلستان
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	تهران (بخش شهر تهران)
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	شهر تهران
۳۳۳۳	۶۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳	۱۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	لاهیجان

اطلاعات پایه جدول، برگرفته از آمار سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران و اطلاعات موجود در مورد تعداد شهرسازی و مساحتی شهرسازی تهران است.

تفریح Recreation

تفریح، به معنای وسیع، قرابندی است که از طریق آن افراد و اجتماعات با سرگرمی‌ها و بازی‌های لذت بخش به تجدید قوای جسمی و روحی خود می‌پردازند. این فرایند برای سلامت جامعه متمدن ضروری است. از این رو در نوسازی شهری، در گسترش شهرها و در پیش‌بینی اجتماعات جدید، تفریح یکی از عملکردهای برنامه‌ریزی توسعه محسوب می‌شود. تفریح در گستره‌ای فراتر از مشغله‌های خانگی، سرگرمی‌هایی همانند رفتن به تئاتر، سینما، تالار موسیقی، گالری هنری، موزه، بازی یا فعالیت‌های کم‌تحرك در فضای باز و بسیاری دیگر از سرگرمی‌های مشابه را در برمی‌گیرد. تفریح، مطالعه و کار اغلب با یکدیگر همپوشانی دارند. بعضی از مردم بهترین تفریح را مطالعه موضوعات جذاب مرتبط با کار خود، یا به کلی متمایز از آن، برمی‌شمرند.

یکی از انتقادهایی که به برنامه‌ریزی مدرن برای توسعه اجتماعات جدید می‌شود این است که در آن پیش‌بینی لازم برای تأمین تسهیلات تفریحی به عمل نمی‌آید، یا اینکه در اولویت‌های آخر قرار می‌گیرد. یکی از دلایل چنین انتقادی این است که تأمین تسهیلات تفریحی اغلب به مؤسسه‌های تجاری واگذار می‌شود، در حالی که این مؤسسه‌ها می‌خواهند از بازگشت مناسب سرمایه خود اطمینان بیابند، و بدین ترتیب تمایلی به خطرپذیری در یک اجتماع جدید ندارند. البته در جایی که تمام یا بخشی از تسهیلات تفریحی را حکومت محلی فراهم می‌کند، تأمین تفریحات ضرورتاً اولویت پایین‌تری نسبت به تأمین واحدهای مسکونی، تجاری، صنعتی و آموزشی دارد. با این حال اغلب انتقاد می‌شود که موکول کردن تأمین تسهیلات تفریحی - که بخشی از آن جنبه فرهنگی دارد - به موقعی که ضروریات یاد

شده تأمین شده باشند، زمان زیادی می‌برد.

برخی عقیده دارند که این موضوع بحثی را درباره تأمین دولتی این تسهیلات، چنان که در بعضی از کشورها تا حدی وجود دارد، پیش می‌کشد، یا اینکه تأمین تسهیلات به وسیله مؤسسه‌های تجاری، دست کم در مراحل اولیه کار، از اقدامات حمایتی دولت یا یارانه دولتی برخوردار شود. روش تأمین این تسهیلات هر چه باشد، تقاضا برای تسهیلات تفریحی مناسب به منظور غنی‌سازی زندگی به طور روز افزون به رسمیت شناخته می‌شود. از میان عوامل برنامه‌ریزی که در موفقیت تسهیلات تفریحی مؤثر است می‌توان به سهولت دسترسی به ویژه از طریق حمل‌ونقل عمومی، تسهیلات و کیفیت مناسب در محیط واقعی، و استاندارد سرگرمی اشاره کرد.

پارک Park

اصولاً انواع پارک‌ها به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

- ۱- ناحیه‌ای وسیع از اراضی جنگلی و مرتعی که بیوست خانه‌اربابی است.
- ۲- ناحیه‌ای از اراضی باز در شهر که برای استفاده عمومی طراحی شده است.
- ۳- ناحیه‌ای در حومه شهر که برای استفاده عمومی نگهداری می‌شود.

تواخی وسیع اراضی جنگلی در قرن‌های اولیه به عنوان پارک‌های مخصوص شکار به کار می‌رفت، اما در قرن هیجدهم مکتب منظرسازی انگلیسی به اوج رسید. در این دوره، طراحی سنتز بسیاری از پارک‌ها را ویلیام کنت^(۱) و نسلات براون^(۲) انجام دادند.

روثام^(۳) و استاو^(۴) مشهورترین پارک‌هایی هستند که کنت طراحی کرد. براون نیز پارک‌های غیر معمول فراوانی خلق کرد که زیباترین آنها پارک بنتهایم^(۵) است.

در تقسیمات جزئی تر آن نیز جاذبه‌های متفاوت و فعالیت‌هایی همچون قدم زدن، نشستن، فایق سواری و بازی‌های توبی بیش بینی شده بود. پارک‌های امروزی از بسیاری از این اصول پیروی می‌کنند و اغلب به عنوان بخشی از نظام فضای باز شهری محسوب می‌شوند.

نواحی وسیع حومه شهر که برای استفاده عمومی حفظ می‌گردند «پارک‌های ملی» نامیده می‌شوند. این پارک‌ها ممکن است در مالکیت دولت باشند و به دست بخش ویژه‌ای کنترل شوند، یا اینکه مالکیت آنها در اختیار افراد یا مقامات باشد و به وسیله هیئت‌های برنامه‌ریزی اداره شوند. این پارک‌ها مناطقی با ارزش‌های منظر و زیبایی فراوان هستند و فعالیت‌های رایج در آنها متناسب با نواحی خاص تغییر می‌کند اما به طور کلی کوه پیعایی، پیاده روی، شنا، فایق سواری، اردو زنی و بیکنیک را شامل می‌شود.

نواحی کوچک‌تر حومه شهری، با دست کم ۲۵ اکر (۱۰ هکتار) مساحت، به عنوان «پارک‌های طبیعی» طراحی شده‌اند. هدف از ایجاد این پارک‌ها، فراهم کردن یا بهبود فرصت‌هایی برای تفریح همگانی یا پرداخت هزینه - یا به صورت رایگان - است. تسهیلات این پارک‌ها معمولاً در حد پارکینگ، مستراح عمومی و دفتر نظارت است.

این پارک‌ها از ردیفی از درختان برای تأمین دیدهایی در داخل محوطه یا برجسته کردن دیدهای دور، دریاچه‌ای مارپیچ یا جویباری مصنوعی و زمین چمنی که به طرف خانه کشیده می‌شد تشکیل می‌گردید. بسیاری از این پارک‌ها اکنون به روی همگان باز است و در آنها فعالیت‌های تفریحی بجز شکار صورت می‌گیرد.

تأمین فضاهای باز عمومی در داخل شهرهای شلوغ، به گونه‌ای که مردم بتوانند در آنها استراحت کنند و به آرامش برسند، رنگ‌های زیبا ببینند و به فعالیت‌های تفریحی بپردازند، در اصل ایده مربوط به عهد ویکتوریاست. تکوین اولیه این ایده به همفکری ریتون^(۱) باز می‌گردد. هدف او تأمین «وسیله‌ای مناسب بین طبیعت بکر از یک سو و لطافت هنر از سوی دیگر، تأمین راحتی، آسایش، پاکیزگی و هر چیزی که اهداف زندگی برآورنده را برآورده می‌سازد» بود. پارک ریچنس^(۲) (۱۸۱۲)، پارک بترسی^(۳) (۱۸۴۵) و برکن هد^(۴) (۱۸۴۷) از نمونه‌های عالی این ایده به شمار می‌آیند. عقاید ریتون در آمریکا نفوذ یافت و طراحی پارک مرکزی نیویورک را فردریک لالمستد^(۵) در (۱۸۵۸) آغاز کرد. طرح کلی این پارک در برگرفته عناصری چون زمین چمن، درخت، مسیرهای مختلف، دریاچه، زمین‌های بازی و باغچه‌های گل بود.

- 1- Williamsburg
- 2- Lincoln Drive
- 3- Rensselaer
- 4- New
- 5- Elmhurst
- 6- Hampton Square
- 7- Regent Park
- 8- Riverside Park
- 9- Riverside Park
- 10- Franklin Law Ground
- 11- National Park
- 12- County Park

William, Ansel, 1974, Encyclopedia of Urban Planning, McGraw-Hill, USA.

پایین

سور

سرویس خبر و گزارش ماهانه
آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

سرویس خبر و گزارش ماهانه
آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

نام کتاب: برنامه ریزی مسکن / نویسنده: دکتر محمدرضا دلال پور محمدی / ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) / چاپ نخست: تابستان ۱۳۷۹ تهران / شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه در ۱۶۳ صفحه / بها: ۴۵۰۰ ریال

خانه سازی در مفهوم همگانی آن، پدیده ای است که از نیمه نخست سده کنونی (خورشیدی) به صورت مسئله ای اقتصادی - اجتماعی برای دولت، رخ نموده و رفته رفته با افزایش جمعیت به اهرمی برای به تنگنا کشاندن مردم از یک سو و دولت از سوی دیگر، بدل شده است. هر چند روند خانه سازی را کشورهای غربی سالها پیش تجربه کرده اند و تا اندازه ای از مشکلی به نام مسکن رها گشته اند، اما بحث مسکن در کشورهای در حال توسعه از داغ ترین مسایل اجتماعی - اقتصادی است که با روند زایش کنونی جمعیت پایانی برایش متصور نمی توان شد. نویسنده در اثری موجز و چکالیده آنچه را درباره این مسئله لازم می دانسته برای دانشجویان و کسانی که به گونه ای با این مشکل سروکار دارند، با دسته بندی پاکیزه ای تدوین کرده است. این اثر کاری یکسره آموزشی است هر چند در هیچ جایی از کتاب نشانی از سفارش اثر از سوی سازمان سمت به نویسنده دیده نمی شود. نگارش روان و ساده آن، از ویژگیهایی است که در ماندگاری کتاب و گسترده بودن دامنه خوانندگانش اثری بایسته داشته است.

کتاب در ۹ فصل، تعاریف و مفاهیم، اهداف و اقدامات برنامه ریزی مسکن، مراحل و روشهای برنامه ریزی مسکن، روشهای برآورد نیاز به مسکن، برقراری استانداردهای مسکن و تسهیلات مربوطه، سرمایه گذاری در بخش مسکن، راهکارهای تأمین زمین، سیاستهای خانه سازی، برنامه ریزی پروژه های مسکن نگاشته شده که زیر فصلهای بسیاری دارد. نویسنده برای تدوین آن بر رویه ای از ۲۰۴ کتاب و مقاله سود جست که ۱۴۱ منبع آن فارسی و ۶۳ منبع انگلیسی است. پایه نگاشته های هر فصل را نویسنده در



برنامه ریزی مسکن

دکتر محمدرضا دلال پور محمدی

پایان هر فصل بدست داده که بی گمان شماری از منابع تکراری هستند.

فصل نخست پس از پیشگفتار نویسنده با تعریفی از مسکن مناسب آغاز می شود که در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶ م) در استانبول تعریف شده است و با نموداری اجزاء مسکن مدرن به نمایش درآمده. در زیر فصل «مسکن در زندگی انسان» اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده که مسکن مناسب حق هر خانواده ایرانی محسوب شده است، سرپناه مناسبی که بتواند انسان را در برابر شرایط جوی مصنوعی نگهداشته، به ساکنانش آرامش، سلامت و شادابی عرضه کند. در صفحه ۸ برآورد جالبی را از سازمان ملل به منظور حل مشکل مسکن در کشورهای در حال توسعه آورده که باید همه ساله به ازای هزار نفر جمعیت ۱۰ واحد

مسکونی ساخته شود در حالیکه آنها به ازای هر هزار نفر بندرت ۲ تا ۳ واحد مسکونی می‌سازند.

در این فصل نویسنده مشکلات مسکن را یکبار به صورت عام و خاص دسته‌بندی کرده و بار دیگر آن را از دیدگاه عرضه و تقاضا نشان داده است. از مهم‌ترین زیرفصلها «توزم دخالت دولت در تأمین مسکن» است. موضوعی که هر باره در جنبشهای اجتماعی جهان سومی از خواسته‌های اصلی بوده است. در اینجا نویسنده با اندکی تسامح بدون آنکه خاستگاه این ضرورت را از دیدگاه اقتصاد اجتماعی بررسی نماید به دلایل ظاهری دخالت دولت پرداخته و آن را در زیر بخشهای یازده گانه «مسکن ضروری‌ترین نیاز»، «مسئله زمین»، «کمبود منابع ملی بلند مدت»، «منافع جنبی» و... توضیح می‌دهد. چندانکه در زیربخش نخست می‌گوید که «امروزه خوشبین‌ترین برنامه‌ریزان پذیرفته‌اند که حتی از ناترین خانه با ساده‌ترین طرح نیز از توان مالی حداقل یک سوم خانوارهای شهری جهان سوم خارج است»^۱ نویسنده ابزارهای دخالت دولت را در کار خانه‌سازی «پول، زمین و وضع قوانین لازم» دانسته و این دخالت را کاری گریزناپذیر اعلام کرده است.

فصل دوم برنامه‌ریزی مسکن را چنین تعریف می‌کند: «روشی از تصمیم‌گیری (است) که در آن منابع برای رسیدن به اهداف مشخص در قالب زمانی معین توزیع می‌شوند. برنامه‌ریزی مسکن جزئی از نظام برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود»^۲.

فصل سوم که به مراحل و روشهای برنامه‌ریزی اختصاص یافته، در مرحله روشها دو شیوه استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی که وضعیت بازار مسکن را در ارتباط با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌کند و روش استفاده از مدل چند بخشی که ارتباط بخش مسکن با بقیه بخشهای اقتصادی را تعیین می‌کند، به نمایش درآمده‌اند. هر دو روش یا فرمولهای همراهند و در نموداری کاربرد هر دو شیوه را در بخش مسکن نشان داده است.

از جانب‌ترین بخشهای کتاب، فصل «برقراری استانداردهای مسکن و تسهیلات مربوطه» است که در آن سه تعریف از استاندارد مسکن را بدست داده و استاندارد سوم را چنین آورده است: «استانداردها در واقع ابزاری برای ارتقای کیفیت موجودی مسکن، با تضمین شرایط قابل قبول زیست برای اکثر خانوارها هستند». سپس گونه‌های استاندارد مسکن را در دو شکل آرمانی و واقع‌گرایانه تعریف کرده است.

هدف از تدوین آنها را در افزایش کارایی، کاهش پیش از حد تراکم جمعیت، از بین بردن شرایط نامناسب بهداشتی، بالا بردن کیفیت جلوگیری از نابودی سرمایه‌های بزرگ ملی و بالا بردن ایمنی ساختمان، فشرده نویسی کرده است. از آن پس عوامل مؤثر در تدوین این استانداردها را در دو عامل زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی و عوامل فنی و سازه‌ای دیده و این دومی را با گستردگی بیشتر توضیح داده است. در

دنباله آن «زیاتهای ناشی از بی‌دقتی در تدوین استانداردهای مسکن» را در زیر فصلی جداگانه بحث کرده است. آنچه از تذکرات ۱۱ گانه نویسنده برمی‌آید این است که با اما و اگرهای فراوانی روبروست که در پایان از آن چیزی نسبی و بسته به مورد برجای می‌ماند. (ص ۷۳)

از دیگر فصلهای پرکشش کتاب «سیاستهای خانه‌سازی» است که سرنوشت، تمامی مشکل مسکن به این شیوه‌ها بسته‌اند. این فصل را نویسنده به دو بخش راهبرد تأمین مسکن فشرده‌های کم درآمد شهری در کشورهای در حال توسعه پیش از ۱۹۷۰ م و پس از آن تقسیم کرده و عنوان‌های «بالا بردن تدریجی کیفیت» و «تأمین زمین و خدمات» را به بخش دوم داده است. وی پس از بیان شکست شیوه‌های پیش از دهه ۷۰ میلادی که خانه‌سازی را فعالیتی قابل پیش‌بینی و قابل کنترل می‌دانست، به شیوه «توسازی شهرها» در زیر فصلی جداگانه پرداخته است. (ص ۱۱۹) که باز خود به خرده زیربخشهایی چون: «دلایل پوسیدگی محلات شهری»، «سیاستهای مبارزه با فرسایش محلات شهری» تقسیم شده است. در زیر فصلی به نام «روشهای اساسی تأمین مسکن» که از تجربه‌های تأمین مسکن در کشورهای در حال توسعه است دو روش موفق «ارتقای کیفیت سکونت» یعنی دادن خدمات مانند آب آشامیدنی، کشیدن پساب، گردآوری زباله، برق، مدرسه، خیابان‌کشی و ساخت مراکز فرهنگی و اجتماعی برای حاشیه‌نشینان توضیح داده و اصول عمده این روش را در ۹ مورد بیان کرده است. سپس به «عوامل و اجزاء» بهبود تدریجی کیفیت سکونت، و نکات ضعف و قوت این روش پرداخته است. به دنبال آن «اهداف روش تأمین زمین و خدمات» را مطرح کرده که در آن دولت قطعه‌هایی از زمین را که دارای خدمات هستند عرضه می‌کند و نظریتی^۳ را در این باره آورده که در روش تأمین و خدمات «دولت نقش یک جمع‌آوری‌کننده زمین را دارد و اگر این کار توسط دولت صورت نگیرد، افراد فقیر شهری آنها را به صورت غیرقانونی تصرف خواهند کرد». ص ۱۲۸ و سپس شیوه بررسی شده «روش توانمندسازی» است که در آن دولت به جای کمک به ساخت و ساز امکانات خود را در جهت کمک به متقاضی مسکن یا نیازمند به آن متمرکز می‌کند.

نویسنده برای بالا بردن کارایی پژوهش کتاب، سیاهه‌ای از واژگان و اصطلاحات را که در پای هر صفحه نیز آورده، با برابر نهاده انگلیسی آنها به پایان کتاب برده است. مجموعه‌ای از نام ۷ جدول و ۱۲ نمودار، سیاهه‌ای دیگری را در انتهای کتاب بدست داده. شیوه نگارش، دسته‌بندی اصولی و روشن و دقیق موضوعات، اشراف نویسنده را بر این زمینه نشان می‌دهد. می‌مانند کمبود نمونه‌هایی برای هر مورد، دست کم به صورت پانویس که می‌توانست کتاب را برای خوانندگان اصلی آن، دانشجویان، پرکشش‌تر کند. و در پایان اشاره به کاربرد واژه گفتاری انگلیسی استرس^۴ بجای فشار (روانی) فارسی که ضروری می‌نمود.

Contents

Note	4
Special Report	
Managers Free from The Citizens' Leisure Time / A. Torabi	5
Idea & Research	
Activistic - Behavioral Patterns in Utilization of Leisure Time Planning / R. Rezazade & M. Yazdunpanah	12
Previous Record of Renovation and Rehabilitation in Urban Old Texture in Iran and Europe / Z. Arabshahi	17
Legal Counsellor / M. Bahrvand	24
Administrative and Financial Counsellor / J. Rezaei	26
Municipalities According to Documents	30
Urban Law	
Keeping and Developing of Urban Green Space / T. Haydarnia	31
Mayor's View	
Paradise is a Moment of our Relieved Present Time / Interview with J. Sa'udatmand The Mayor of Nahavand	34
Dialogue	
Unefficiency of Urban Financial Management System / Interview with K. Athurry	37
Councils and Participation	
Councils and Government, The Pale of Duties / M. R. Choupani	42
The First Step for the Second Council / E. Asluni	44
The ABC of City / Councils and Recognition of Municipalities' Duties / M. Barabadi	45
World's Experiences	
Children Leisure Time and Swedish Municipalities / Trans: Sh. Farzinpak	47
Danish Municipalities and I.C.T / Trans: B. Samdi	49
Changing Institutional Culture of Municipalities, Colombo / Trans: P. Moqaddam	53
World's Cities and Municipalities	58
Plan and City	
Shahdari (Municipality) Square in Rasht, A Historic Pondering of a Center Image / A. Safavi	61
Instruction	
The Waste Management Bill	67
Point of View	
Municipality and Cultural Founding / J. Ganje Anzubi	70
Research Selection	
Passing from Urban Governance into The Urban Sovereignty / A. Saraei	73
News Reports	76
Brief News	90
Glance at Cities / Bonuh, Ilum, Sari, Tehran, Urmia	95
Urban Statistics / D. Jalali	96
Urban Terminology / N. Barakpoor	98
New Publication / A. Jalali	100





شرکت صنعتی آفتاب اکباتان
AFTAB EKBATAN INDUSTRIAL Co.LTD.

نماینده انحصاری کارخانجات

- | | |
|---------------|---------------|
| ANGUS FIRE | انگس فایر |
| CARMICHAEL | کارمایکل |
| GODIVA (HALE) | گودایوا (هیل) |
| DENNIS | دنیس |

با استفاده از لوازم و قطعات اصلی خارجی
آفتاب اکباتان به رضایت شما می اندیشد



خودروی آتشنشانی شهری
دومنظوره



خودروی جدول شو



خودروی زباله پرس کن



خودروی آتشنشانی فرودگاهی



تانکر آب‌رسان

سازنده :

خودروهای آتشنشانی ، شهری ، فوماتیک ، فرودگاهی ، پالایشگاهی

و خودروهای خدمات شهری (زباله کش - جدول شوی)

بهترین و مرغوبترین شیلنگهای آتش نشانی در سایزهای مختلف مطابق با استاندارد جهانی

www.aftabekbatan.com
Email: info@aftabekbatan.com

49

Shahrdariba

Monthly Journal of Information
Educational and Research
on Urban Management and Planning
Number.49, June, 2003

- Managers Free from The Citizens' Leisure Time
 - Previous Record of Renovation and Rehabilitation in Urban Old Texture in Iran and Europe
- Keeping and Developing of Urban Green Space
- Paradise is a Moment of our Relieved Present Time
 - Unefficiency of Urban Financial Management System
- Councils and Government, The Pale of Duties
 - The First Step for the Second Council
- Children Leisure Time and Swedish Municipalities
 - Danish Municipalities and I.C.T
- The Waste Management Bill
 - Municipality and Cultural Founding

